

راهنمای مبارزه با مین



GICHD

مرکز بین المللی مین زدایی بشردوستانه ژنو (GICHD)، یک سازمان تخصصی بین المللی است که در کشور سوئیس مستقر است و در جهت از بین بردن مین ها، مهمات باقیمانده از جنگ و دیگر خطرات ناشی از مواد منفجره تلاش می کند. GICHD با انجام تحقیقات، نگارش استانداردها و نشر دانش به توسعه ظرفیت و توانمندسازی به کشورهای آلوده به مین یاری می رساند. این مرکز با همکاری مقامات دولتی و محلی در طرح ریزی، هماهنگی، اجرا، نظارت و ارزیابی برنامه های مبارزه با مین به آنها یاری میرساند. GICHD همچنین در اجرای کنوانسیون منع مین های زمینی ضدنفز، کنوانسیون منع مهمات خوشه ای و دیگر ابزارهای مربوط به قانون بین الملل همکاری می کند.

سپاسگذاری و قدردانی

این کتاب با همکاری رضا امانی نسب، (سفیران توسعه بدون مرز، ایران) ترجمه شده و توسط دکتر ایمل صافی (اداره ملی آماده گی مبارزه با حوادث جمهوری اسلامی افغانستان، ریاست انسجام و هماهنگی تطهیر ماین) مورد بازبینی قرار گرفته است. مرکز بین المللی مین زدایی ژنو (GICHD) بازبینی نهایی این اثر را انجام داده است.

GICHD از اصول انسان دوستانه بشریت، بی طرفی، عدم جانبداری و استقلال طبیعت می کند. راهنمای مبارزه

با مین، چاپ پنجم، GICHD، ژنو مارس ۲۰۱۴ میلادی

ISBN 978-2940369-48-5

راهنمای مبارزه با مین

چاپ پنجم



فهرست عناوین

۸	فهرست اختصارات
۱۰	بررسی اجمالی
۱۱	پیشگفتار

بخش اول مبارزه با مین چیست؟

	فصل ۱
۱۳	معرفی و تاریخچه مبارزه با مین
۱۴	پیام‌های کلیدی
۱۴	مقدمه
۲۱	وسعت آلودگی در جهان
۲۶	تعریف مبارزه با مین
۲۷	نخستین برنامه‌های مبارزه با مین
۳۱	منابع و مآخذ

فصل ۲

۳۳	چرخه حیات و توسعه سازمانی مبارزه با مین
۳۴	پیام‌های کلیدی
۳۴	چرخه حیات برنامه های مبارزه با مین
۴۲	توسعه سازمانی ساختارهای هماهنگ کننده مبارزه با مین
۵۲	ظرفیت های باقیمانده و پایان کار
۵۴	منابع و مآخذ

فصل ۳

۵۵	قوانین و استانداردهای مبارزه با مین
۵۶	پیام‌های کلیدی
۵۶	مقدمه
۵۷	قانون بین‌المللی کنترل‌کننده و یا منع کننده تسلیحات متعارف
۶۷	استانداردهای بین‌المللی
۷۲	قوانین ملی و معیار های ملی مبارزه با مین (NMAS)
۷۵	ارتباط استانداردها و قانون بین‌المللی با ارکان مبارزه با مین
۸۳	گزارش دهی و مدیریت اطلاعات
۸۷	نتیجه گیری
۸۸	منابع و مآخذ

بخش ۲ مبارزه با مین در عمل

فصل ۴

۹۱	مدیریت برنامه های مبارزه با مین
۹۲	پیام‌های کلیدی
۹۲	خلاصه
۹۳	مدیریت راهبردی
۹۹	سیستمهای مدیریت کیفیت و مدیریت نتیجه گرا
۱۰۴	مدیریت اطلاعات
۱۰۸	جنسیت و گوناگونی
۱۱۵	مبارزه با مین و محیط زیست
۱۱۶	منابع و مآخذ

فصل ۵

آزادسازی زمین

۱۱۹	پیام‌های کلیدی
۱۲۰	مقدمه
۱۲۰	ماهیت آلودگی
۱۲۲	فرآیند آزادسازی زمین و گزارش دهی
۱۲۷	فعالیت‌های پیمایشی
۱۳۰	پاکسازی
۱۳۴	جنبه‌های قانونی آزاد سازی زمین
۱۴۵	منابع و مآخذ
۱۴۹	

فصل ۶

تخریب ذخایر و مدیریت ایمنی مهمات

۱۵۱	پیام‌های کلیدی
۱۵۲	تاریخچه
۱۵۲	تخریب ذخایر
۱۵۳	ملاحظات زیست محیطی
۱۵۹	تعیین فناوری و روش های مناسب برای تخریب ذخایر
۱۶۰	تخریب ذخایر مین های زمینی ضدنفر
۱۶۰	تخریب ذخایر مهمات خوشه ای
۱۶۱	تلاش های بین المللی در آینده
۱۶۳	مدیریت ایمنی مهمات (ASM)
۱۶۴	منابع و مآخذ
۱۷۰	

فصل ۷

آموزش مخاطره

۱۷۱	پیام‌های کلیدی
۱۷۲	آموزش مخاطرات مین چیست؟
۱۷۲	منابع و مآخذ
۱۸۳	



فصل ۸

کمک به قربانیان

۱۸۵

پیام‌های کلیدی

۱۸۶

مقدمه

۱۸۶

قربانی به چه کسی گفته می‌شود؟

۱۸۷

کمک به قربانیان چیست؟

۱۸۸

جایگاه کمک به قربانیان در بافت‌های گسترده‌تر

۱۹۰

مسئولیت‌های کمک به قربانیان

۱۹۳

منابع و مآخذ

۱۹۶

فصل ۹

مبارزه با مین، امنیت و توسعه

۱۹۷

پیام‌های کلیدی

۱۹۸

تغییر یافت، تغییر اولویت‌ها

۱۹۸

حصول اطمینان از اینکه مبارزه با مین باعث ارتقاء توسعه می‌شود

۲۰۱

ارزش افزوده استفاده از روشهای حساس از لحاظ جنسیتی

۲۰۵

زمین، مناقشه و مبارزه با مین: اهمیت رویکرد "آسیب‌نازید"

۲۰۷

استفاده از تخصص مبارزه با مین برای بهبود ایمنی و کاهش خشونت

۲۱۱

کتابنامه منتخب

۲۱۵

فهرست اختصارات

HI	CMC	APM
سازمان معلولین بین الملل	اتلاف مهمات خوشه ایی	مین ضد نفر
IACG-MA	DHA	APMBC
گروه درون سازمانی هماهنگ سازمان ملل در مبارزه با مین	اداره امور بشر دوستانه سازمان ملل متحد (OCHA کنون)	کنوانسیون منع مین های ضد نفر
IATG	DPKO	ASA
دستورالعمل های بین المللی فنی مهمات	اداره عملیات های پاسدار صلح سازمان ملل	انبار مهمات
ICBL	EIA	ATM
کمپین بین المللی منع مین های زمینی	ارزیابی اثرات زیست محیطی	مین ضد تانک
ICRC	EOD	AXO
کمیته بین المللی صلیب سرخ	احداث مهمات منفجره	مهمات منفجره رها شده
IED	ERW	BAC
دستگاه های انفجاری ابداعی	مهمات منفجره باقیمانده از جنگ	پاکسازی منطقه جنگی
IMAS	GICHD	CASA
استانداردهای بین المللی مبارزه با مین	مرکز بین المللی مین زدایی بشر دوستانه ژنو	دفتر هماهنگی سازمان ملل در اقدامات مرتبط با سلاح های کوچک
IMSMA	GIS	CCM
سیستم مدیریت اطلاعات برای مبارزه با مین	سیستم داده های مکانی	کنوانسیون منع مهمات خوشه ایی
ISACS	GMAP	CCW
استانداردهای بین المللی کنترل سلاح های کوچک	جنسیت و برنامه مبارزه با مین	کنوانسیون برخی سلاح های متعارف خاص
KAPB	GPR	CHA
دانش بنگارش،روش ها و باورها (یا رفتار)	رادار نفوذ در زمین	منطقه خطر قطعی
LIS	HAC	CMAA
مطالعه اثرات مین های زمینی	برش آبی ساینده	مرجع ملی مبارزه با مین و کمک به قربانیان کامبوج
M&E	HALO TRUST	CMAC
نظارت و سنجش	سازمان حمایت از زندگی در منطقه خطر	مرکز مبارزه با مین کامبوج

SOP

شیوه های عملیاتی استاندارد

STANAG

توافقنامه استاندارد سازی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

TS

شناسایی فنی

UN

سازمان ملل متحد

UNAMIC

نماینده گ پیشر سازمان ملل متحد در کامبوج

UNDP

برنامه توسعه سازمان ملل متحد

UNHCR

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد

UNMAS

دایره خدمات مبارزه با مین سازمان ملل متحد

UNODA

دفتر امور خلع سلاح سازمان ملل متحد

UXO

مهمات منفجره نشده

VVAF

بنیاد کهنه سربازان آمریکایی جنگ ویتنام

VA

حمایت از قربانیان

OCHA

دفتر هماهنگی سازمان ملل متحد در امور بشر دوستانه

OECD

سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه

OHCHR

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

OSCE

سازمان امنیت و همکاری در اروپا

PPE

تجهیزات حفاظت فردی

PCA

ارزیابی پس از پاکسازی

QA

تضمین کیفیت

QC

کنترل کیفیت

QM

مدیریت کیفیت

REST

ردیابی بوی مواد منفجره از راه دور

SALW

سلاح های کوچک و تسلیحات سبک

SAS

مطالعه سلاح های کوچک

SHA

منطقه خطر مشکوک

MAC

مرکز مبارزه با مین

MACC

مرکز هماهنگی مبارزه با مین

MAG

گروه مشاور مین ها

MDD

سگ ها ی مین یاب

MOTAPM

مین هایی غیر از مین های ضد نفر

MRE

آموزش مخاطرات مین

NATO

پیمان آتلانتیک شمالی

NGO

سازمان غیر دولتی

NMAA

مرجع ملی مبارزه با مین

NMAS

معیارهای ملی مبارزه با مین

NPA

سازمان کمک های مردم نروژ

NSA

بازیرگر غیر دولتی

NTS

شناسایی عمومی

OBOD

سوزاندن باز و انهدام باز

فصل ۱

مقدمه ای بر مین های زمینی ضدنفز، مهمات خوشه ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ (ERW) به همراه استفاده و عواقب آنها. مبارزه با مین (MA) نقش کنوانسیون های بین المللی و نیز اولین برنامه های مبارزه با مین در سطح ملی.

فصل ۲

برنامه های مبارزه با مین: چرخه حیات آنها مشتمل بر مراحل مختلف انتقال به مالکیت ملی.

فصل ۳

قوانین و معیار های موجود در مبارزه با مین: ابزارهای قانونی اصلی بین المللی (کنوانسیون سلاح های متعارف خاص کنوانسیون ممنوعیت استفاده از مین های زمینی ضدنفز، کنوانسیون منع مهمات خوشه ای)، معیارهای بین المللی و ملی مبارزه با مین و چگونگی کاربرد آنها در ارکان مختلف مبارزه با مین.

فصل ۴

مدیریت برنامه های مبارزه با مین: ملاحظات راهبردی، اهمیت مدیریت کیفیت و مدیریت مبتنی بر نتایج برای ارزیابی عملکرد. نقش بنیادین مدیریت اطلاعات، جنسیت و گوناگونی. و چگونگی به جریان انداختن آنها در برنامه های مبارزه با مین. مسائل زیست محیطی.

فصل ۵

مراحل مختلف آزاد سازی زمین (شامل شناسایی و پاکسازی)، چگونگی رسیدن به این هدف، بزرگترین پیشرفت ها در این زمینه. مشکل آلودگیهای باقی مانده ناشی از مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ (ERW). سیستمهای دستی، مکانیزه و حیواناتی که برای پاکسازی بکارگرفته میشوند. جنبه های قانونی آزاد سازی زمین (قراردادها، جوانب بیمه ای).

فصل ۶

مدیریت ایمنی مهمات (ASM) و نگرانی روزافزون در مورد انفجارات برنامه ریزی نشده ذخایر مهمات. روش ها و تکنیک های انهدام ذخایر مهمات، مین های زمینی ضدنفز و مهمات خوشه ای. تلاش های بین المللی.

فصل ۷

آموزش مخاطرات مین (MRE) بعنوان رکن جدایی ناپذیر برنامه ریزی، اجرا ارزیابی و نظارت بر مبارزه با مین. چگونگی ارتقاء رفتار ایمن توسط آن. مراحل مدیریت آموزش مخاطرات مین. همبستگی محلی.

فصل ۸

تعریف قربانی و کمک به قربانیان از منظر قانون بشر دوستانه بین الملل. چگونه می بایست درمفاهیم و بافت های گسترده تر و سیاست گذاری ها ادغام گردد. نقش سازمانهای مبارزه با مین در جمع آوری داده و انتشار آن، مدافعه یا واکالت و هماهنگی

فصل ۹

مسائل گسترده تر توسعه و امنیت. مبارزه با مین و بافت گسترده تر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. رویکرد "اسب نزن"

پیشگفتار

مبارزه با مین با شتاب زیادی در حال پیشروی است و این بخش در سالیان اخیر به علت بهبود مداوم روش‌شناسی‌ها، اتخاذ رویکردهای نو و افقی وسیع‌تر تکامل یافته است.

چاپ پنجم راهنمای مبارزه با مین واکنش GICHD به این تغییرات است. در این راهنما، جدیدترین پیشرفتهای لحاظ و به تمامی جنبه‌های مبارزه با مین پرداخته شده است. این نسخه راهنما از نسخ قبلی کوتاه‌تر است، با این وجود دارای مراجع و لینک‌های بسیاری است که به خواننده این امکان را میدهد تا بتواند در مسائلی خاص درک عمیق‌تری بدست آورد.

این راهنما به دو بخش تقسیم شده: بخش اول بحث مبارزه با مین را به تفصیل شرح داده است. بخش دوم روش‌های مبارزه با این مشکل را بحث کرده است. این موارد شامل: مدیریت برنامه‌های مبارزه با مین، عملیات‌های شناسایی و پاکسازی، تخریب ذخایر، مدیریت ایمنی مهمات، آموزش مخاطرات مین، کمک به قربانیان و مسائل گسترده‌تر امنیت و توسعه محور می‌شود.

این راهنما یک سند زنده است که جامعه می‌بایست آن را متعلق به خود بدانند. در این سند اشارات زیادی به وب سایت اینترنتی ما (www.gichd.org) شده است. ما همیشه از نظرات، انتقادات و پیشنهادات استقبال میکنیم. لطفاً هر وقت خواستید با ما تماس بگیرید و سؤالات یا مطالب خود را با ما در میان بگذارید. ما منتظر تماس شما هستیم.

از حمایت دولت سوئیس که در نگارش این کتاب نقش حیاتی داشت سپاسگزاریم.



سفیر دولت سوئیس - استفانو توسکانو
رییس مرکز بین‌المللی مین‌زدایی بشردوستانه ژنو



بخش ۱ - مبارزه با مین چیست؟

معرفی و تاریخچه مبارزه با مین

پیام‌های کلیدی

- مین‌های زمینی ضدنفز، مهمات خوشه‌ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ (ERW) در معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی تعریف شده‌اند.
- از مین‌های زمینی و مهمات خوشه‌ای بصورت گسترده‌ای در جهان از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون استفاده شده است.
- تعیین میزان آلودگی و قربانیان مین در دنیا کار مشکلی بوده است، اما به دلیل بهبود در مطالعات انجام شده و فرآیندهای گزارش‌گیری این مسئله بهتر شده است.
- کنوانسیون منع مین‌های ضدنفز (APMBC) و کنوانسیون مهمات خوشه‌ای (CCM) در توسعه این بخش نقش کلیدی داشته‌اند.
- برنامه‌های مبارزه با مین در سطح ملی در طی سالیان با موفقیت تکامل یافته و به صورت روز افزون به عنوان مسائل مربوط به توسعه به آن نگرسته می‌شود.

مقدمه

مبارزه با مین مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که برای موارد ذیل طراحی شده:

- کاهش مخاطره واقعی و مخاطره ذهنی که متوجه مردمی است که در مناطق آلوده به مین، مهمات خوشه‌ای، ذخایر مهمات و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ زندگی می‌کنند.
- بیان عواقب حوادثی که برای قربانیان مین اتفاق می‌افتد؛
- کاهش عواقب، اقتصادی، اجتماعی، و توسعه ناشی از آلودگی؛ و
- حمایت و طرفداری از ایجاد، اتخاذ و سازگاری با ابزارهای مناسب قانون بشردوستانه بین‌المللی (IHL).

تمامی عناصر مبارزه با مین در این کتاب بررسی شده است. البته درک این نکته که مبارزه با مین زمانی بیشترین تأثیر را خواهد داشت که تمامی فعالیت‌های رکنی آن طی یک برنامه هماهنگ و تقویت‌کننده با هم انجام شود بسیار مهم است. انجام چنین کاری مشکل است و نیازمند توجه و تلاش همگانی از جانب سازمان‌های دولتی و بین‌المللی، موسسات بین‌المللی، نظامی، سازمانهای مردم‌نهاد (NGO)، شرکت‌های تجاری و نمایندگان بانوان، دختران، پسران و مردان در جوامع تحت تأثیر است.

مبارزه با مین فرآیندی ایستا و از پیش تعریف و تکمیل شده نیست، بلکه با گذر زمان، در نتیجه تغییراتی که در شرایط و ضوابط محلی ایجاد میشود و نیز با فراگیری تجارب و امتحان، آزمایش، پذیرش و بهبود یا رد سیاست ها، فرآیند ها و فنون، تکامل می یابد.

افق مبارزه با مین به مرور زمان تغییر می کند، این افق در روزهای نخستین تنها بر مین های زمینی متمرکز بود، اما دیری نپایید که مشخص شد باید به دیگر انواع مهمات منفجره نیز پرداخته شود و معلوم شد مردم تحت تأثیر نیاز به آموزش مخاطرات دارند و قربانیان به کمک محتاج هستند. نیاز فوری به وضع قوانین و معاهدات مؤثر به منظور توقف گسترش مشکل، یکی دیگر از نتایج بارز و اولیه آن بود. در ادامه، تمرکز بر مهمات خوشه ای به عنوان یک تهدید جدی باعث اصلاحات بیشتری در افق مبارزه با مین گردید. امروزه، پذیرش این واقعیت که ذخایر، دیگر سلاح ها و مهمات منفجره مخاطرات بزرگی را متوجه مردم تحت تأثیر میکنند باعث ادامه روند تکامل مبارزه با مین شده است.

مبارزه با مین همچنان با گذر زمان به تغییر ادامه می دهد و این امر به نفع مبارزه با مین است. آمادگی برای تفکر در مورد بافتی که مبارزه با مین را در بر گرفته، پرسیدن سوالات چالش برانگیز، و آمادگی برای پذیرش پاسخ های سخت همگی نشان از یک رویکرد حرفه ای و پژوهنده برای انجام کار درست و خوب انجام دادن کار است.

مبارزه با مین مجموعه ایی از فعالیت های پیچیده، چالش برانگیز و اغلب طاقت فرسا اما در عین حال جذاب و خدایسنده است و می تواند تفاوت واقعی در زندگی مردمی ایجاد کند که در کشورهای آلوده زندگی میکنند. این کتاب مقدمه ای است بر اهداف و فعالیت های مبارزه با مین. اطلاعات بسیار بیشتر در فعالیت های متفاوتی که مبارزه با مین را شکل میدهند وجود دارد که اکثر آن از طریق وب سایت GICHD در دسترس عموم قرار گرفته است. در انتهای این کتاب فهرست منابع و کتابها قرار داده شده است.



بمب خوشه ای - جنگ جهانی دوم

مین‌های زمینی چیست؟

در ساده ترین شکل، مین های زمینی تله های انفجاری هستند که توسط قربانیان فعال میشوند، چه هدف موردنظر انسان باشد چه وسیله نقلیه. یک مین حاوی مقداری ماده منفجره است که معمولاً در محفظه ای (عمدتاً فلزی، پلاستیکی یا چوبی) قرار گرفته و دارای یک مکانیسم ماسوره ای برای منفجر کردن خرج انفجاری اصلی است. بعضی در زیر زمین دفن شده و برخی با نصب روی پایه های مخصوص یا اشیاء ثابت روی زمین قرارداده می شوند. مین ها بواسطه طیف وسیعی از مکانیسم ها شامل: فشار، کشش و قطع کشش (سیم تله)، فرمان الکتریکی یا نفوذ مغناطیسی فعال می شوند. بعضی مین های مدرن را می توان با استفاده از اشکال حسگر الکترونیکی دیگر فعال کرد.

مین های زمینی عموماً به دو دسته تقسیم میشوند: ضد تانک (یا ضد وسیله نقلیه) و ضدنفر. مین های ضدنفر هم عموماً با توجه به سیستم اصلی آسیب رسانی که برای آنها در نظر گرفته شده به چهار دسته تقسیم میشوند: انفجاری، ترکشی، ترکشی چهنده و ترکشی جهت دار.

اصطلاح "مین" و "مین ضدنفر" در ابزارهای مجزای قانون بین المللی - کنوانسیون منع مین های زمینی (APMBC) و کنوانسیون منع مهمات خوشه ای (CCW) تعریف شده اند. کنوانسیون منع مین های ضدنفر یک مین ضدنفر را اینچنین تعریف میکند: "یک مین که بگونه ای طراحی شده تا در اثر حضور، قرارگیری در مجاورت و یا تماس منفجر شده و باعث از کار انداختن، مجروح کردن یا کشتن یک یا چند نفر بشود. مین های ضد تانک یا ضد خودرو، در مذاکرات بین المللی اغلب به عنوان مین هایی غیر از مین های ضدنفر یا MOTAPM نام برده میشود.



مین ضد نفر ترکشی چهنده - ۷۶۹

مهمات خوشه ای چیست؟

مهمات خوشه ای مهمات متعارفی هستند که به گونه ای طراحی شده اند تا چندین مهمات کوچکتر (در برخی موارد ریز بمب نامیده میشوند) را در منطقه وسیعی پخش کنند. تعریف کلی این مواد، هم محفظه (به آن بمب پخش کننده و یا بمب مادر نیز گفته می شود) و هم ریز بمب هایی که در آن قرار میگیرند را تشریح میکند. در کلی ترین تعاریف موجود ریز بمب ها ممکن است حاوی مواد منفجره، دود، گاز اشک آور، خاشه، مواد آتش زاء، اعلامیه، یا دیگر مواد باشند. تعداد ریز بمب های درون محفظه ممکن است از حداقل دو تا حداکثر صد ها ریز بمب متغیر باشد و اندازه ریز بمب میتواند بطور قابل توجهی متغیر باشد. این نوع مهمات را میتوان بوسیله هواپیما، پهپاد، موشک، یا توپخانه رها و یا پرتاب کرد.

کنوانسیون منع مهمات خوشه ای مشخصاً برای تسلیحاتی طراحی شده است که باعث "صدمات غیر قابل قبول" می شوند و تعریف مشخص تری از مهمات خوشه ای ارائه میدهد. آنها را اقلامی که فقط حاوی ریز بمب های منفجره بوده و هرکدام داری وزنی کمتر از ۲۰ کیلوگرم هستند تعریف میکنند. این تعریف شامل موارد زیر نمی شود:

- مهمات یا ریز بمب هایی که برای پرتاب یا پخش کردن شعله،دود، مواد آتش زاء، یا خاشه طراحی شده و یا مهماتی که مشخصاً برای پدافند هوایی ساخته شده باشند.
- مهمات یا ریز بمب هایی که برای ایجاد اثرات الکتریکی یا الکترونیکی طراحی شده باشند.
- مهماتی که به منظور جلوگیری از مخاطرات ناشی از ریز بمب های منفجر نشده و رعایت اصل تفکیک (بمباران غیر تبعیض آمیز) دارای تمامی مشخصات ذیل است:
 - ◀ هر کدام از مهمات کمتر از ده ریز بمب منفجره دارد.
 - ◀ هر ریز بمب بیش از چهار کیلو وزن داشته باشد.
 - ◀ هر ریز بمب برای ردیابی و اصابت به یک هدف طراحی شده باشد.
 - ◀ هر ریز بمب منفجره مجهز به مکانیسم الکترونیکی خودناودگر باشد.
 - ◀ هر ریز بمب منفجره مجهز به مکانیسم الکترونیکی خود غیر فعال ساز باشد.



مهمات خوشه ایی (ویتنام)

مهمات منفجره باقیمانده از جنگ چیست؟

پروتکل پنجم کنوانسیون منع استفاده از برخی سلاح های متعارف که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید بیان میکند که اصطلاح مهمات منفجره باقیمانده از جنگ به مهمات منفجره عمل نکرده (UXO) و مهمات منفجره رها شده (AXO) اشاره دارد. واژه مواد (Ordnance) یک اصطلاح کلی است و سلاح های نظامی و مهمات را در بر می گیرد. (نباید با کلمه حکم - Ordinance - که به قانون یا مقررات اشاره دارد اشتباه گرفته شود).

مهمات منفجره عمل نکرده یا UXO به مهماتی (بمب ها، راکت ها، گلوله های توپ؛ خمپاره ها، نارنجک ها و مانند آن) که مورد استفاده قرار گرفته (شلیک شده) اما برخلاف نیت از پیش تعیین شده منهدم نشده باشند اشاره دارد. نرخ عدم انفجار ممکن است کمتر از ۱ تا ۲ درصد یا بیشتر از ۳۰ تا ۴۰ درصد باشد که این امر به عوامل مختلفی بستگی دارد، مانند: کیفیت ساخت، عمر سلاح، شرایط نگهداری، شیوه استفاده و شرایط زیست محیطی.

مهمات منفجره رها شده یا AXO به مهمات منفجره ای اشاره دارد که در طی مناقشه نظامی استفاده نشده ولی یکی از طرفین درگیری آنها را جا گذاشته یا دپو کرده و دیگر تحت کنترل نیروهایی که آنها را جا گذاشته و یا دپو کرده نیستند. مهمات منفجره رها شده ممکن است برای شلیک آماده، چاشنی گذاری، مسلح شده یا نشده باشند و یا به گونه ایی دیگری برای استفاده آماده شده باشند.



مهمات منفجره باقیمانده از جنگ (لاتویس)

تاریخچه مین های زمینی

مین های زمینی نوین برای نخستین بار در طول جنگ داخلی آمریکا هنگامی که یک ژنرال ارتش کنفدراسیون به نیروهای تحت امر خود دستور داد گلوله های توپ را بگونه ای در زمین بکارند که بواسطه کشش سیم تله یا عبور نفر از روی آنها منفجر شوند استفاده کردند. علی رغم نگرانی های هر دو طرف درگیر در جنگ داخلی، استفاده از این تسلیحات ادامه پیدا کرد.

مین های ضد تانک در جبهه غربی در زمان جنگ جهانی اول به عنوان یک اقدام متقابل علیه تانکی که تازه ابداع شده بود ساخته شدند. نمونه هایی از آن دوران کهکان از از زیر خاک بیرون آورده میشوند. از سوی دیگر، از مین های ضد نفر به آن گستردگی در میدان نبرد استفاده نشد. تعدادی در میان سیم های خاردار که به عنوان موانع مورد استفاده قرار می گرفتند به کار برده شد. اگرچه اغلب به همان اندازه که برای دشمن خطرناک بودند برای طرفی از درگیری که آنها را کاشته بود نیز مخاطره آمیز بود. تعدادی از مین ضد نفر و تله های انفجاری در سنگرهای متروک با پیش بینی پیشروی احتمالی نیروهای دشمن کاشته شد.

برخلاف اولین جنگ جهانی؛ در جنگ جهانی دوم از مین های ضد نفر و ضد تانک بصورت انبوه استفاده شد. بر اساس گزارشی از سازمان اطلاعاتی ارتش ایالات متحده، بیش از ۳۰۰ میلیون مین ضد تانک در جنگ استفاده شد که تعداد ۲۲۰ میلیونی که توسط شوروی سابق به کار گرفته شد را دربر می گیرد. در پایان جنگ باور این بود که آلمان ۱۶ نوع مین ضد تانک، ۱۰ نوع مین ضد نفر ساخته و نیز از بسیاری دستگاههای ابداعی گوناگون و مین های غنیمتی استفاده کرده باشد. این امر شامل ساخت و تهیه ماسوره های فرعی (تله های فرعی)، و اولین مورد از به کارگیری مین ضد نفری که دارای قابلیت پراکنده شدن از طریق پرتاب از آسمان بود می شد.

از سال ۱۹۴۵ تاکنون طراحی مین ها بر پنج معیار استوار بوده است: کارایی، اندازه، قابل ردیابی بودن، تلاشهای لجستیکی و سرعت کاشت.

پیشرفت سریع فناوری نیز به مرگ و میر سریع منجر شده است و تا دهه ۱۹۹۰ بیش از ۶۰۰ نوع مین زمینی ساخته شده بود.

مین های ضد نفر در جنگ های بین دو کره و جنگ ویتنام بصورت گسترده ای استفاده شدند (قریب به پنج درصد تلفات نیروهای آمریکا بخاطر این مین ها بود). با تجربه ای که از جنگ بین دو کره بدست آمده بود، مشخصاً پس از یورش موج انسانی به دفاتر سازمان ملل، ایالات متحده مین ترکشی جهت دار M18 Claymore را ساخت. هنگامی که این مین بوسیله سیم تله و یا سیستم شلیک الکتریکی عمل کرده و منفجر میشود، صد ها ساچمه فولادی به سرعت از محفظه مین به با یک قوس ۶۰ درجه ایی و با شعاع کشنده حدوداً ۵۰ متری به بیرون پرتاب میشوند.

اولین باری که از مین های "پرتاب شونده از راه دور" یا "پخش شونده" بصورت انبوه استفاده شد در جنگ ویتنام و توسط نیروهای آمریکایی به منظور متوقف ساختن سیل مردان و اجناس از شمال به جنوب ویتنام از طریق کامبوج و لائوس بود. مین های زمینی ضد نفری که از هوا به زمین ریخته می شدند از نقطه نظر نظامی نسبت به مین هایی که بصورت دستی کاشته میشدند مزیت هایی داشتند: به آسانی قابل استفاده بوده، به پشتیبانی لجستیکی ناچیزی نیاز داشته و براحتی در عمق مناطق دشمن پرتاب می شدند در حالی که مخاطرات بسیار کمی متوجه خدمه هواپرد می شد اما تهدیدی برای نیروهای خودی که به سمت جلو پیشروی میکردند به حساب می آمدند. این مسئله منجر به ساخت مین های ضد نفری شد که به مکانسیم های خود نابودگر و یا خود خنثی گر مجهز بودند.

اگرچه فناوری مین در چند دهه گذشته سرعت پیشرفت نموده، اما رایج ترین روش استفاده از مین های زمینی کماکان کاشت دستی مین های ضد نفر و ضدتانک با استفاده از یک فناوری ساده در مناقشات مسلحانه داخلی توسط نیروهای دولتی و گروه های مسلح مخالف می باشد.

در افغانستان، آنگولا، بوسنی هرزگوین، کامبوج، اتیوپی، عراق، موزامبیک، نیکاراگوا، سومالی، سودان و بسیاری از دیگر کشورهای جنگ زده، از مین های ضد نفر عمدتاً در قالب راهبرد های نظامی برای ایجاد رعب و وحشت در دل غیرنظامیان و کنترل تحرکاتشان بصورت گسترده ای استفاده شد. میزان استفاده از این مین ها بدلیل در دسترس بودن مین های ساخته شده و قیمت پایین که بین ۳ تا ۱۵ دلار به ازای هر مین بود افزایش یافت.

اخیراً و بخصوص در درگیری هایی که در کشور عراق و افغانستان در جریان است، استفاده از دستگاه های انفجاری ابداعی (IED) سرعت افزایش یافته است. اگرچه بر اساس قانون بین المللی این دستگاه ها در دسته "تله های انفجاری" قرار میگیرند اما بعضی از آنها دارای مشخصات یک مین ضد نفر می باشند. بسیاری از این قبیل دستگاه ها بواسطه کنترل از راه دور منفجر میشوند و این در حالی است که در دیگر موارد، فرد باید بر روی صفحه فشاری که بر روی آنها تعبیه شده قدم گذاشته و یا وسیله نقلیه باید از از روی آنها عبور کند.



جنگ جهانی دوم ، جانمایی سایت پاکسازی

تاریخچه مهمات خوشه ای

مهمات خوشه ای سالها پس از مین های زمینی ساخته شدند. ماهیت این مواد بگونه ایی است که باید از یک سیستم نسبتاً پیچیده پرتابی برای پخش کردن (شلیک) آنها بواسطه هواپیما، راکت ها و یا توپخانه استفاده کرد. یکی از دلایل ساخت این نوع مهمات این بود که بمب های غیر هدایت شونده هواپیما ها به هیچ وجه دقت لازم را نداشتند. ریز بمب هایی که درون بمب های خوشه ای قرار داشتند به منظور پوشش منطقه ای وسیع و مناسب بودن برای هدف قرار دادن اهدافی که یک بمب به تنهایی نمیتوانست با دقت آنها را مورد اصابت قرار داد مانند نیروهای فراوان در فضای باز، ستونهای خودروهای زرهی، باند فرودگاه ها ساختمانها و پل ها جاگذاری شده بودند.

از بمب های خوشه ای اولین بار در جنگ جهانی دوم توسط آلمان و شوروی سابق استفاده شد. در سال ۱۹۴۳ نیروهای شوروی سابق یگانهای زرهی آلمان را در حملات هوایی توسط بمب های خوشه ای بمب باران کردند و نیروهای آلمان در کورسک سالینت بمب های پروانه ای SD-1 و SD-2 بر سر توپخانه جناح مقابل ریختند. در همان سال هواپیماهای آلمان بیش از هزار بمب پروانه ای SD-2 در بندر گریزمزی انگلستان پرتاب نمودند.

در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه هفتاد میلادی در جنگ ویتنام، نیروهای آمریکا بصورت گسترده ای ویتنام، لائوس و کامبوج را بمباران کردند. کمیته بین المللی صلیب سرخ (ICRC) پیش بینی کرده که تنها در لائوس میلیونها ریز بمب عمل نکرده وجود دارد و تاکنون حدود ۱۱۰۰۰ نفر بواسطه این بمب های منفجر نشده کشته و یا مجروح شده اند. بیش از ۳۰ درصد این افراد را کودکان تشکیل میدهند. براساس آمار منتشره از پایگاه داده های ارتش آمریکا تخمین زده میشود که در نتیجه ۹۵۰۰ عملیات هوایی در کامبوج حدود ۸۷۰۰۰ بمب خوشه ای شلیک شده باشد.

از دهه هفتاد و در طول دهه نود میلادی از بمب های خوشه ای در مناقشات متفاوت از جمله افغانستان، آنگولا، بوسنی و هرزگوین، چاد، چین، اتیوپی، ایرتره، جزایر فاکلندیا مالویناس، کوزوو، صربستان و صحرای غربی استفاده شده است. در عراق، بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶، انگلستان و ایالات متحده تقریباً از ۱۳۰۰۰ بمب خوشه ای که تخمین زده میشود حاوی ۲ میلیون ریز بمب بوده باشد استفاده کردند. در سال ۲۰۰۶ در لبنان، نیروهای اسرائیلی از مهمات خوشه ای هوابرد و زمین به هوا بر علیه حزب الله استفاده کرد. و حزب الله بیش از ۱۰۰ راکت خوشه ای نوع ۱۲۲/۸۱- میلیمتری به شمال اسرائیل شلیک کرد. اخیراً نیز در مناقشات لیبی و سوریه از مهمات خوشه ای استفاده شده است.

وسعت آلودگی در جهان

برآوردهای اولیه

برآورد تعداد دقیق کل مین های زمینی پاکسازی نشده، ریز بمب های عمل نکرده و دیگر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ در سراسر جهان کار غیر ممکن است. در اوایل دهه نود میلادی نگرانی های بین المللی برتاثیرات انسانی مین های زمینی، بویژه مین های ضدنفر متمرکز بود. طبق آمار تخمینی اولیه سازمان ملل متحد در حدود ۱۰۰ میلیون مین ضدنفر در کشورهای جهان وجود داشت. از آنجایی که این رقم بر پایه هیچ مطالعه و یا مدرک مستندی ارائه نشده بود در زمان کوتاهی اغراق آمیز شمرده شده و از آن صرف نظر شد.

اولین اقدام برای تعیین کمیت مشکل جهانی مین های زمینی ضدنفر توسط بنیاد کهنه سربازان آمریکایی جنگ ویتنام (VVAf) صورت گرفت. VVAf مطالعاتی را در تعدادی از کشورهای آلوده به مین شناخته شده انجام داد. نتایج این مطالعات در کتابی با عنوان "بعد از اینکه تفنگ ها ساکت شدند- میراث پایدار مین های زمینی" منتشر شد. در این گزارش ۸۳ کشور براساس حوادث مربوط به مین هایی که در گذشته گزارش شده بود پیمایش شدند. VVAf همچنین در شش کشور: افغانستان، آنگولا، کامبوج، کرواسی، بوسنی و هرزگوین و موزامبیک سرشماری خانوار انجام داد.

این گزارش مبتنی بر مین های زمینی و قانون بشردوستانه، هزینه های اجتماعی و اقتصادی مین های زمینی، و نیز عملیات های مین زدایی بشردوستانه ای که در این کشورها در حال ظهور بودند بود. هرچند اولین تلاش برای تعیین تعداد مین ها قابل ستایش بود اما هنوز امکان تعیین تعداد کل مین های زمینی و یا مناطق آلوده وجود نداشت. انواع گوناگون داده های جمع آوری شده در کشورهای مختلف هرگونه مقایسه و یا خلاصه سازی را با مشکل مواجه میکرد.

بطور مشابه، همواره تعیین تعداد دقیق قربانیان مین های زمینی به علت کمبود داده ها مشکل است. برآوردهای اولیه دهها هزار قربانی در هر سال را نشان میداد.

ارزیابی های کشور تحت تأثیر

در سطح میدانی، نقشه میدانی مین به ندرت وجود داشت و یا در دسترس نبود، بنابراین برنامه های مین زدایی بالاجبار عملیات های شناسایی و مطالعات را خودشان انجام میدادند. اصطلاحات مختلفی مورد استفاده قرار گرفت اما سه عملیات شناسایی اساسی صورت گرفته به شرح ذیل می باشند:

۱. شناسایی عمومی (شناسایی سطح ۱). در این روش داده ها از طریق مطالعه اسناد، ارائه پرسشنامه و مصاحبه با مردم منطقه جمع آوری می شد. هدف کسب اطلاع از وجود مین های زمینی در منطقه، تلفات و غیره بود.
۲. شناسایی فنی (یا شناسایی سطح ۲). پرسنل آموزش دیده و کاملاً مجهز وارد منطقه مشکوک میشدند تا بتوانند وجود مین، نوع مین و وسعت منطقه آلوده را تأیید کنند.
۳. شناسایی تکمیلی (یا سطح ۳). افراد آموزش دیده منطقه ای را برای اطمینان از عدم وجود مین پس از پاکسازی بررسی میکردند.

هرچند این رویکرد اطلاعات کافی در اختیار برنامه های مین زدایی برای طرح ریزی و آغاز مین زدایی در سطح کشور قرار میداد اما جمع آوری و ذخیره اطلاعات به روشهای گوناگونی انجام میشد که به تعیین اولویت های ملی یا مشکل جهانی کمک چندانی نمیکرد. این رویکرد اغلب "تعقیب میدانی مین" نامیده می شد.

در سال ۲۰۰۳، کنسرسیومی متشکل از سازمانهای مردم نهاد به نام مرکز عملیات های پیمایشی (در ابتدا پروژه VVAF بود) سبک جدیدی برای پیمایش های ملی به نام پیمایش های اثرات مین های زمینی (LIS) پایه گذاری کرد. هدف از LIS دور شدن از تعقیب میداین مین و تمرکز بر اثراتی که مین های زمینی بر جوامع داشتند بود، و سپس این اطلاعات برای اعلام اولویت بندی استفاده شد. این کار بر دانش جامعه جهانی در مورد وسعت آلودگی به مین های زمینی می افزود، مشخصاً با توجه به تصویب کنوانسیون منع مین های زمینی که تمامی کشورهای عضو را ملزم به پاکسازی تمامی مناطق آلوده به مین پیمایش شده می نمود.

در مقاله ای که راجع به LIS نوشته شده بود بیان شد که: منطق اصلی حاکم بر این نوع پیمایش در نیاز به منشا قرار دادن تصمیمات مربوط به اولویت بندی های موجود در مبارزه با مین برای درک اثراتی که مین های زمینی بر جوامع دارند نهفته است. داده های بدست آمده از چهار کشور که مطالعه اثرات مین در آنها انجام شده است نشان میدهد که تنها قسمت کوچکی از جوامع- شاید تنها به اندازه ده درصد - را می توان تحت اثرات شدید، دیگر ۲۵ درصد به عنوان اثرات متوسط و ۶۵ درصد باقیمانده به عنوان اثرات کم طبقه بندی کرد. این امر پیامدهایی برای اولویت بندی منابع کمیاب مبارزه با مین دارد، اما در عین حال از بین بردن اثرات مین های زمینی در تاریخ تعیین شده توسط کنوانسیون مین های زمینی را واقع گرایانه تر می نمایاند، اگرچه ممکن است پاکسازی کامل غیر واقع بینانه به نظر برسد.

این مقاله، ایده مطالعه اثرات مین را در بافت واکنش بشردوستانه ی در حال تحول قرار میدهد، بدین معنی که از یک آگاهی نوظهور از مخاطرات در دهه هفتاد و هشتاد میلادی تا به امروز که شاهد همکاری در زمینه ظرفیت واکنش به مین های زمینی با دیگر ابتکارات توسعه ای و نوسازی می باشیم، موفقیت این بخش در نهایت بر پایه وجود داده های سیستماتیک و موثق اثرات مین استوار است.

LIS در چهارده کشور آلوده به مین انجام شد. اگرچه بعدها LIS بزرگ و پر هزینه شد اما مطالعات اولیه، دانش و فهم در زمینه مشکل مین های زمینی در این کشورها را به صورت چشم گیری بهبود بخشید و به آنها در زمینه ی پیمایش مناطق اولویت دار یاری رساند. استفاده از داده های LIS گاهی متجر به بروز سوءبرداشت شد.

بخصوص، داده های LIS ای که حوزه هایی را که در آنها مین های زمینی بر جوامع اثرگذار بودند مشخص میکرد متعاقباً با مکانهایی که مین ها عملاً وجود داشتند اشتباه گرفته می شد؛ دو چیز کاملاً متفاوت. نتیجه این بود که ابزار کند، ارزشمند و گران قیمت بعضی اوقات مناطقی را هدف میگرفت که هیچ مین زمینی در آن وجود نداشت.

بعضی از کارشناسان چنین سر در گمی و غیر کار آمدی را نقایص LIS مطرح کردند. یک رویکرد منطقی تر این است که به مشکلات تفسیری به عنوان مشکلات ناشی از سوءتفاهم در مورد هدف اصلی داده های LIS و کاربرد متعاقب در راه های نامناسب برای اهداف مختلف نگریست. هدف از مطالعات LIS جمع آوری داده برای پاسخ به یک سؤال بود. هنگامی که آن داده در نهایت برای جواب به یک سؤال کاملاً متفاوت استفاده شد، مشکلات عدیده ای به وجودآمد.

درسهایی که از LIS و مشکلاتی که بعداً به علت استفاده از داده های آن فرا گرفته شد در توسعه ی اصول آزادسازی زمین که امروزه به صورت گسترده ای به کار گرفته میشوند اهمیت بسزایی دارند.

مین های زمینی و کنوانسیون منع مین های زمینی

بدون شک تنها رویدادی که سرانجام منجر به تعیین وسعت آلودگی جهانی ناشی از مین های زمینی و اثرات آن بر کشورهای آلوده شد، تصویب کنوانسیون منع مین های زمینی در سال ۱۹۹۷ بود. ماده ۲.۵ این کنوانسیون بیان میکند که هر کشور عضو باید از هیچ تلاشی برای پیمایش مناطق آلوده به مین یا مشکوک به وجود مین که تحت اختیار یا کنترل خود دارد دریغ نکند و باید اطمینان حاصل کند که در اسرع وقت تمامی مین های ضدنفر در میادین مینی که تحت اختیار یا کنترل دارد علامت گذاری شده، تحت نظارت قرار گرفته و توسط حصار یا دیگر وسایل برای اطمینان از دور نگه داشتن غیر نظامیان تا زمانی که تمامی مین های ضدنفر نابود گردد محافظت شود.

اگرچه چند سال به طول انجامید تا بسیاری از کشورهای آلوده به مین عضو کنوانسیون این تعهدات را به درستی اجرا کنند، اما پیشرفت خوبی در این زمینه حاصل شده است. این امر از طریق نشست های سالانه کشورهای عضو (MSPs)، الزام به ارائه گزارشات سالانه شفافیت و درخواست برخی از کشورهای عضو که در مهلت مقرر میادین مین پیمایش شده خود را پاکسازی نکرده اند محقق شده است.

دیده بان مین های زمینی

برپایی سیستم گزارش دهی سالانه دیده بان مین های زمینی (LMM) که توسط کمپین بین المللی منع مین های زمینی (ICBL) انجام شد در موازات با لازم الاجرا شدن کنوانسیون منع مین های زمینی بوقوع پیوست. این گزارشات جامع که از سال ۱۹۹۹ تا کنون هر ساله منتشر شده اند، یک شبکه جهانی گزارش دهی هستند که درباره هر کشور در جهان (بعلاوه هشت منطقه ای که جامعه بین الملل آنها را به عنوان کشور به رسمیت نمی شناسد) گزارش تهیه میکنند.

هرچند تعداد دقیق مین های زمینی کاشته شده مشخص نیست اما دیده بان مین های زمینی در ردیابی و پیمایش تعداد کشورهای آلوده، اثرات مین های زمینی بر جوامع، تعداد قربانیان جدید مین های زمینی در هر سال و اقدامات صورت گرفته برای مقابله با این مشکل یاری رسانده است.

مهمات خوشه ای

تلاش برای محاسبه آلودگی جهانی ناشی از مهمات خوشه ای اقدام جدیدی است و از زمان لازم الاجرا شدن کنوانسیون منع مهمات خوشه ای در سال ۲۰۱۰ به این سو مطرح بوده است. در حالی که تمرکز جامعه بین الملل پیشتر بر مین های زمینی ضد نفر معطوف بود، اما حقیقت امر این بود که سازمانهای مین رویی در میدان هر چیزی که پیدا میشد را پاکسازی میکردند- مین های زمینی ضد نفر-مین های ضد تانک، باقیمانده مهمات خوشه ای و تمامی دیگر انواع مواد منفجره به جای مانده از جنگ.

الزامات ماده ۴، بند ۲ (الف) کنوانسیون منع مهمات خوشه ای که کشورهای عضو را ملزم به: پیمایش، ارزیابی و ضبط مخاطرات ناشی از باقیمانده مهمات خوشه ای، بکار گیری تمامی توان برای پیمایش مناطق آلوده به مهمات خوشه ای تحت اختیار یا کنترل خود می کند، نیاز به تعیین کمیت آلودگی ناشی از مهمات خوشه ای در سطح جهان را مطرح کرد.

خوشبختانه ICBL-CMC (اتلاف مهمات خوشه ای) منشور خود را گسترش داد تا مهمات خوشه ای را نیز در برگیرد و از سال ۲۰۱۰ تاکنون یک دیده بان مجزایی به نام دیده بان مهمات خوشه ای بوجود آورده است. درست مانند LMM، گزارشاتی که توسط این مرجع :

- کشورها یا مناطق آلوده به باقیمانده های مهمات خوشه ای پیمایش میکند؛
- میزان عددی آلودگی را تعیین می کند؛ و
- اثراتی که این آلودگی دارد را شرح میدهد.

مهمات عمل نکرده

برآورد صحیح تعداد مهمات عمل نکرده (UXO) پاکسازی نشده و مهمات رها شده ایی که باید از بین برده شوند نیز غیرممکن است. مهمات عمل نکرده کماکان به تعداد زیادی در میادین نبرد، دهه ها پس از اتمام مناقشات کشف میشوند. برخی از مهمات مربوط به جنگ جهانی اول حاوی گاز خردل و یا دیگر عوامل شیمیایی هستند که مخاطرات افزوده ای برای تیم امحاء مواد منفجره به حساب می آیند. در بلاروس، گاهی اوقات تیمهای امحاء، به مهماتی که از زمان جنگ های ناپلئون در اوایل قرن نوزدهم میلادی به جای مانده است بر می خورند.

در نتیجه تلاشهای بین المللی برای بیان مشکلاتی که از مین ها و مهمات خوشه ای ناشی میشود اکنون به مخاطرات ناشی از مهمات عمل نکرده توجه بیشتری می شود. در برخی از مناطقی که از لحاظ اقتصادی ضعیف هستند، افراد غیر نظامی قطعات مواد منفجره را بخاطر ارزش مادی یا مواد منفجره موجود در آنها جمع آوری میکنند و این کار باعث کشته و یا زخمی شدن کودکان در هنگام بازی با مهمات عمل نکرده ای که در زندگی روزمره خود به آنها برخورد میکنند می شود. عواقب از بین بردن این مهمات به شیوه های غیر ایمن اغلب مرگبار بوده است.

بعضی از برنامه های ملی هم اکنون بیش از بیست سال قدمت دارند و مقایسه آنچه عملاً کشف شده با برخی از برآورد های اولیه امکان پذیر می باشد.

برآورد های اولیه در مورد افغانستان نشان میداد که احتمالاً ۲۰ میلیون مین در این کشور وجود دارد. امروز به یمن اقداماتی که در اکثر مناطق آلوده صورت گرفته است، تعداد کل مین های کشف شده در حدود ۶۱۰۰۰۰ (با بیش از ۱۳ میلیون تیر مهمات عمل نکرده) می باشد. در موزامبیک ۱۴۰۰۰۰ مین پاکسازی شده است، در حالی که در تخمین های اولیه ای تعدادی بالغ بر چندین میلیون برآورد شده بود.

وضعیت مشابهی در اکثر کشورهای آلوده حکم فرماست و بر این حقیقت دلالت دارد که برآوردهای صحیح تر برای سطح آلودگی در جهان تنها به چند میلیون می رسد، نه ده ها میلیون.

لازم به ذکر است که مناطقی وجود دارند که مین های بسیار زیادی در آنها وجود دارد مانند میادین مین در امتداد مرز سوریه و ترکیه، یا درون منطقه غیر نظامی بین کره شمالی و جنوبی. در هردو مورد مین ها معمولاً در مناطق خارج از محدوده، حصار کشی شده یا تحت مراقبت قرار داشته و اثرات مستقیم نسبتاً ناچیزی بر روی مردم دارند.

تعریف مبارزه با مین

مبارزه با مین دامنه وسیعی از تلاشهایی است که به منظور جلوگیری و اقدام علیه مشکلات ناشی از مین ها، مهمات خوشه ای و دیگر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ صورت می پذیرد. این اصطلاح مشخصاً توسط عوامل مختلفی تعریف می شود از جمله سازمان ملل متحد، که در خط مشی خود در سال ۱۹۹۸ چنین کاری را انجام داد، اگرچه این اصطلاح در مطالعات پیشگامانه ظرفیت های بومی مبارزه با مین، یک سال پیشتر از آن بکار گرفته شده بود.

منشاء این اصطلاح به کامبوج اوایل دهه نود میلادی بر میگردد، به زمانی که آنها مهندسان ارتش کانادا پیشنهاد کردند مرجعی که برای اداره و هماهنگ سازی فعالیت های مرتبط با مین در کشور کامبوج تأسیس شده مرکز مبارزه با مین کامبوج نامیده شود. دیدگاه آنها تأکید بر ماهیت پویای این مرکز بود. این اصطلاح هم اکنون هم مورد استفاده عموم قرار دارد، اگرچه اصطلاح "مین زدایی بیشتر دوستانه" هنوز در خیلی اوقات مورد استفاده قرار میگیرد، مشخصاً زمانی که به زیر مجموعه فعالیت های مبارزه با مین که با پیمایش و پاکسازی میادین مین ارتباط دارد اشاره می شود.

استانداردهای بین المللی مبارزه با مین سازمان ملل متحد (IMAS) به مبارزه با مین به عنوان فعالیت هایی که هدف آنها کاهش اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مین ها و (دیگر) مهمات منفجره باقیمانده از جنگ شامل مهمات خوشه ای است اشاره می کند. استاندارد مربوطه تأکید میکند که مبارزه با مین تنها شامل مین روبی نیست بلکه شامل مردم و جوامع است و این که چگونه آنها تحت تأثیر مین های زمینی و (دیگر) مهمات باقیمانده از جنگ قرار می گیرند می شود. هدف مبارزه با مین، کاهش مخاطرات ناشی از مین های زمینی و (دیگر) مهمات منفجره باقیمانده از جنگ تا حدی است که مردم بتوانند در امان زندگی کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی بدون وجود محدودیت هایی که مین ها و (دیگر) آلودگی های ناشی از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ تحمیل می کنند امکان پذیر باشد و به نیازهای قربانیان در آن نیز رسیدگی شود.

به عقیده سازمان ملل متحد، مبارزه با مین از پنج دسته فعالیت یا رکن که مکمل هم هستند تشکیل میشود:

۱. آموزش مخاطرات مین / مهمات منفجره باقیمانده از جنگ
 ۲. مین روبی، بعنوان مثال پیمایش مین / مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، نقشه برداری، علامت گذاری و پاکسازی
 ۳. امداد رسانی به قربانیان، شامل توانبخشی و اسقرار مجدد آنها در جامعه
 ۴. تخریب ذخایر
 ۵. دفاع از اقدامات علیه استفاده از مین های ضدنفر و مهمات خوشه ای
- این تعریف خاطر نشان میکند که تعدادی از دیگر فعالیت های حمایتی برای پشتیبانی از پنج رکن مبارزه با مین مورد نیاز است، این موارد شامل:

۱. ارزیابی و طرح ریزی
۲. تجهیز و اولویت بندی منابع
۳. مدیریت اطلاعات
۴. توسعه مهارت های انسانی و آموزش مدیریت
۵. مدیریت کیفیت
۶. به کارگیری تجهیزات مؤثر، مناسب و ایمن

اولین برنامه های مبارزه با مین

افغانستان

خاستگاه مبارزه با مین در دنیای امروز را میتوان در اکتبر ۱۹۸۸ جستجو کرد، هنگامی که برای اولین بار سازمان ملل متحد از طرف افغانستان برای برخورد بشردوستانه به معضلی که از مین های زمینی ناشی شده بود بوجه در خواست کرد. پیش از این دوره، فعالیت های که به منظور کاهش اثرات مین های زمینی صورت می گرفت، خصوصاً مین روبی که درست همانند دوران پس از جنگ جهانی دوم در اروپا، تحت سیطره نیروهای نظامی کشورها بود. با این حال، قضیه افغانستان کاملاً متفاوت بود زیرا نه تنها افغانستان فاقد ارتش بود بلکه نیروهای شوروی سابق یا نمی خواستند و یا قادر نبودند پیش از خروج از کشور مین ها را پاکسازی کنند.

درخواست سازمان ملل برای دریافت بودجه ای مختص به "مین روبی بشر دوستانه" بود. این اصطلاح جدید به معنای پاکسازی مین های کاشته شده و نیز فعالیت های آموزشی و اطلاعاتی برای جلوگیری از مجروحیت افراد بود. اصطلاح "مین روبی" برای اشاره به پاکسازی مین جهت مقاصد بشردوستانه و متمایز نمودن آن از "معر زنی" که یک اقدام نظامی بوده برای باز کردن مسیری از میان میادین مین بود که برای دستیابی به اهداف نظامی در طول نبرد ایجاد می شد.

پس از یک برهه زمانی که طی آن سازمان ملل متحد، با مساعدت نیروهای نظامی کشورهای اهدا کننده یک دوره مقدماتی آموزش مین روبی به مدت دوهفته برای بیش از ۱۰۰۰۰ پناهنجوی افغان برگزار کرد، این سازمان تصمیم گرفت از تأسیس تعدادی سازمان مردم نهاد (NGO) برای پیمایش، نقشه برداری، علامت گذاری و پاکسازی مین های زمینی و مهمات عمل نکرده حمایت کرده و کلاس های آگاهی از مین را برای افراد غیر نظامی برگزار کند.

با گذشته بیش از دو دهه، این NGO ها هنوز به فعالیت خود ادامه می دهند، و تعدادی از آنها عملیات هایی را در دیگر کشورها با استفاده از تخصص خود در زمینه پیمایش، استفاده از سگ های مین یاب و مدیریت کیفیت انجام داده اند.

در قالب این نوع واکنش بشردوستانه سازمان ملل بر علیه مین های زمینی، حمایت از قربانیان کاملاً محدود به بیرون کشیدن مین روبه های آسیب دیده بود، هرچند کمیته بین المللی صلیب سرخ تعدادی کلینیک پروتزی برای پیوند اعضای مصنوعی افرادی که در نتیجه جنگ دچار قطع عضو شده بودند برپا کرده بود. بیمارستانهای ICRC در پیشاور و کویت، به مجروحانی که از افغانستان به کشور همسایه، پاکستان مراجعه می کردند، خدمات درمانی ارائه می دادند. این سازمان در کابل یک بیمارستان مستقل از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ داشت. در پیشاور و کویت، ۴۴ درصد (۱۵۳۰ نفر) از مجموع کل مجروحانی که به این بیمارستانها مراجعه می کردند قربانان مین های زمینی بودند. این اولین گواه یک مشکل بشری بود که روز به روز بر وخامت آن افزوده می شد.

پیدایش سازمان های مردم نهاد بین المللی

اولین سازمان مردم نهاد بین المللی پاکسازی مین — سازمان حمایت از زندگی در منطقه خطر (HALO Trust) — در سال ۱۹۸۸ پا به عرصه وجود گذاشت. دیگر سازمان بریتانیایی — گروه مشاوران مین (MAG) یک سال پس از آن در ۱۹۸۹ تأسیس شد. MAG اولین مطالعات در مورد اثرات مین های زمینی در افغانستان را انجام داد.

در سال ۱۹۹۲ سازمان معلولیت بین الملل که از ده سال پیش فعالیت خود را به عنوان یک NGO در پروژه هایی به نفع از کارافتادگان شامل جانبازان مین های زمینی و دیگر قربانیان آغاز کرده بود با MAG برای اجرای دو برنامه مین روبی برای اولین بار در کامبوج و شمال عراق اتحادی تشکیل داده و در پیدایش کمپین منع مین های زمینی مشارکت داشت.

سازمان امداد مردم نروژ (NPA) نیز از سال ۱۹۹۲ در مبارزه با مین تاکنون مشارکت داشته است. این سازمان در ابتدا کار خود را از برنامه ای مبارزه با مین در کامبوج آغاز نموده و از آن زمان تا بحال در بیش از دوازده کشور در سه قاره مشغول به فعالیت بوده است. فهرست کاملتری از بیش از ۳۵۰ سازمان مبارزه با مین را میتوان در وب سایت GICHD مشاهده کرد.

سازمانهای مین روبی تجاری

بعد از جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱، پاکسازی مین ها و مهمات عمل نکرده در کویت توسط تعدادی از شرکت های مین روبی تجاری انجام شد. (بیش از یک میلیون مین زمینی ضدنفز و ضد تانک در طول دو دهه پس از آن پاکسازی شده اند). در عملیات های پاکسازی در سالهای ۱۹۹۱-۱۹۹۳، از تجهیزات مکانیزه میزان قابل توجهی استفاده شد و همین امر باعث پیشرفت در توسعه این تجهیزات گردید.

متعاقباً، تعدادی از شرکت های تجاری، مانند Royal Ordnance, DSL, ELS, BACTEC, Mine-Tech و Mechem با به عرصه گذاشتن که از طریق ادغام و گسترش تحول یافته و یک صنعت تجاری فعال را پدید آوردند. امروزه، بسیاری از شرکت های ملی و بین المللی بر سر قراردادهای "مبارزه با مین" برای کارفرماهایی که در زمینه های بشردوستانه، توسعه و تجارت فعالیت دارند با هم به رقابت می پردازند.

کامبوج، موزامبیک و آنگولا

بعد از افغانستان و کویت، بزرگترین چالش پیش روی جامعه بین الملل کامبوج بود. در ژانویه ۱۹۹۲، شورای امنیت سازمان ملل متحد اختیارات نمایندگی پیشواز این سازمان در کامبوج (UNIMAC) را به گونه ای افزایش داد که پاکسازی مین و آموزش های مربوطه را نیز در برگیرد و در ماه مارس دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) شروع به بازگرداندن حدوداً ۳۶۰۰۰۰ پناهنده و آواره جنگ از تایلند نمود.

در ژوئن ۱۹۹۲، مرکز مبارزه با مین کامبوج (CMAC) به عنوان پایگاهی برای یک برنامه ملی تأسیس شد. بعدها، در سال ۲۰۰۰، مرجع مبارزه با مین و حمایت از قربانیان کامبوج (CMAA) برای تفکیک جنبه های نظارتی آن از کار عملیاتی CMAC تأسیس شد.

برنامه ریزی برای مبارزه با مین در کامبوج در سال ۱۹۹۲ آغاز شد، درست پس از آنکه سازمان ملل متحد کارشناسی را برای ریاست اداره عملیات های محافظ صلح (DPKO) در نیویورک برای تمرکز بر مین های زمینی و تأسیس اداره مین روبی سازمان ملل منصوب کرده بود. تجارب به دست آمده در موزامبیک با بالاگرفتن انتقادات در مورد کند بودن فعالیت های مرتبط با مین تحت پشتیبانی سازمان ملل متحد و مسیری که این سازمان انتخاب کرده بود به نقطه عطفی برای این فعالیت ها مبدل شد. مطالعات متعاقب بر روی این برنامه نشان داد که نباید به ظرفیت های بومی تنها به دید قابلیت پاکسازی مین نگریست. توانمندسازی مرجع های ملی برای تنظیم، هماهنگ سازی و تقویت تمامی اهداف مبارزه با مین باید خود هدف کلیدی از اجرای این برنامه باشد.

در آنگولا، علی رغم اینکه دفتر مرکزی مبارزه با مین تا آگوست ۱۹۹۴ راه اندازی نشده بود، اما برنامه ریزی برای این فعالیت ها در ماه مارس ۱۹۹۳ آغاز شده و مشکلات عدیده ای بوجود آمده بود. گزارش اداره امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (DHA) در سال ۱۹۹۷ درباره این برنامه اذعان می داشت این برنامه که جدیدترین برنامه از میان چهار برنامه مورد مطالعه محسوب میشد از جنبه نظری در موقعیت مناسبی برای بهره گیری از تجربیات حاصل از دیگر برنامه ها قرار داشت، اما در عمل اثبات شد که مشکل ساز ترین آنها بوده است، زیرا دیری نپایید که شروع بسیار خوب آن جای خود را با مسائل اداری پایان ناپذیر در جنگ بر سر هدف و رویکرد کلی برنامه و مشاجره بر سر بخش اختصاص داده شده به کار و مسئولیت ها تعویض کرد. درسهایی سختی از این مسئله فراگرفته شد.

وضعیت کنونی

حدود ۴۰ کشور نوعی از برنامه های مبارزه با مین را راه اندازی کرده اند اما در بعضی از دیگر کشورها و مناطق، سازمان ملل متحد بر برنامه های مبارزه با مین نظارت دارد، اندازه این برنامه ها با هم بسیار متفاوت است از افغانستان و کامبوج که هزاران نیروی مین روبی استخدام میشود و بودجه هایی بالغ بر دهها میلیون در اختیار دارند تا برنامه های بسیار کوچک تر در قبرس، جزایر فالکلند/مالویناس یا کشورهای اقیانوس آرام.

از دسامبر ۲۰۱۳، در مجموع ۲۵ کشور اعلام کردند که تحت کنوانسیون منع مین های زمینی اجرای الزامات مین زدایی خود را به با موفقیت به پایان رسانیده اند. مرجع های ملی مبارزه با مین این کشورها اکثرا عملیات های به سرانجام رسانده اند. در یک مورد مرجع ملی مبارزه با مین مسئولیت های جدیدی در زمینه واکنش فعالانه به مشکلات مهمات عمل نکرده و مدیریت ذخایر مهمات بر عهده گرفته اند.

برای مشاهده متن کامل اقدامات فعلی کشورهای عضو کنوانسیون منع مین های زمینی که عملیات های مین زدایی در آنها کماکان ادامه دارد به وب سایت کنوانسیون یا وب سایت دیده بان مین های زمینی و مهمات خوشه ای مراجعه کنید.

پیشرفت های جهانی

اگرچه بر اساس کنوانسیون منع مین های زمینی مسئولیت پاکسازی تمامی میادین مین شناخته شده بر عهده کشورهای تحت تأثیر است اما تاکنون حمایت بین المللی قابل ملاحظه ایی از کشورهای آلوده به مین و مواد منفجره باقیمانده از جنگ در زمینه راه اندازی برنامه های ملی آنها شده است. این امر از طریق اختصاص بودجه و ایجاد مکانیسم های سپرده گذاری و نیز نگارش استانداردهای بین المللی، روشهای بهبود یافته برای تست تجهیزات و نشست های منظم بین المللی برای تبادل تجربیات صورت گرفته است.

برنامه های آموزشی مختلفی برای آموزش مدیران مراکز ملی مبارزه با مین راه اندازی شده و همکاری ها در زمینه مبادله اطلاعات و تجهیزات و منابع بین کشورهای آلوده به مین در حال توسعه در حال رشد می باشد.

هم اکنون با تأکید بسیار زیادی که بر توسعه ظرفیت ملی و بر ادغام مبارزه با مین در برنامه های توسعه و امنیت انسانی گسترده تر وجود دارد به مبارزه با مین دیگر به عنوان برنامه های "فوریتی" نگریسته نمیشود.

منابع و مأخذ

- 1 Geneva International Centre for Humanitarian Demining (GICHD) (online). Available from: www.gichd.org (accessed: 20 July 2013).
- 2 The term landmine is used to distinguish the weapon from sea mines, which are not considered in this book.
- 3 CCM. *Convention on Cluster Munitions*, adopted on 30 May 2008, entered into force on 01 August 2010 (online). Available from: <http://clusterconvention.org/files/201101/Convention-ENG.pdf#page=4> (accessed: 20 July 2013).
- 4 The full title of the instrument is the United Nations Convention on Prohibition or Restrictions on the use of Certain Conventional Weapons Which May be Deemed to be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects.
- 5 Croll, M. (1998) *The History of Landmines*. UK, Leo Cooper, p. 16
- 6 The Institution of Royal Engineers (1924) *The Work of the Royal Engineers in the European War 1914-1919*. Chatham, Kent, UK, p. 257.
- 7 US Defense Intelligence Agency (1992) *Landmine Warfare – Trends and Projections*. DST-1160S-01992-, Washington DC. Section 21-.
- 8 Anti-handling devices are features of a mine specifically designed to detonate the mine when it is lifted, moved or otherwise disturbed by someone trying to clear it.
- 9 Croll, M. (1998) *The History of Landmines*. UK, Leo Cooper, p. 96.
- 10 Ibid, p. 97.
- 11 All cluster munition statistics quoted from the Cluster Munition Monitor – 2012. Available from: www.the-monitor.org/cmm/2012
- 12 Roberts, S. and Williams, J. (1995) *After the Guns Fall Silent – The Enduring Legacy of Landmines*. VVAF, USA.
- 13 Eaton, R. (2003) The Future of Humanitarian Demining. *Third World Quarterly*, 24(5), 909 – 921.
- 14 Ibid
- 15 Survey Action Center, (online). Available from: www.sac-na.org (accessed: 24 July 2013).
- 16 APMBC. *Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on Their Destruction*, adopted 18 September 1997, entered into force 1 March 1999 (online). Available from: http://www.apminebanconvention.org/fileadmin/pdf/mbc/text_status/Ottawa_Convention_English.pdf (accessed: 20 June 2013).
- 17 ICBL and CCM, *Landmine and Cluster Munition Monitor* (online). Available from: <http://www.the-monitor.org/> (accessed: 24 July 2013).

- 18 ICBL (2006) *Landmine Monitor Report: Toward A Mine Free World*, Mines Action Canada, 193.
- 19 United Nations (1998) *Mine Action and effective coordination: the United Nations Policy*. UN Document A/53496/, UNMAS, New York.
- 20 Eaton, R. et al. (1997) *Study Report: The Development of Indigenous Mine Action Capabilities*. DHA, United Nations, New York.
- 21 For a detailed definition see 3 فصل Laws and Standards in Mine Action
- 22 Mine Action Standards (November 2009) *IMAS 04.10 Glossary of mine action terms, definitions and abbreviations* (online). Edition 2010, Definition 3.173. Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed: 20 July 2013).
- 23 Maresca, L. and Maslen, S. (eds) (2000) *The Banning of Anti-Personnel Landmines, The Work of the International Committee of the Red Cross 1955 – 1999*. Cambridge University Press, Cambridge, p. 147.
- 24 MAG (online). Available from: www.mag.org.uk (accessed: 20 July 2013).
- 25 Handicap International www.handicap-international.org (accessed: 20 July 2013).
- 26 Norwegian People's Aid www.npaid.org (accessed: 20 July 2013).
- 27 GICHD, Link and Information for Mine Action – LIMA (online). Available from: www.gichd.org/lima/organizations (accessed: 20 July 2013).
- 28 Kuwait Institute for Scientific Research (KISR), presentation to Workshop on Landmines and ERW in the Arab World, Kuwait, 10 – 12 Dec. 2013.
- 29 United Nations, UN Security Council Resolution S/RES/728 (online). Available from: [http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/728\(1992\)](http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/728(1992)) (accessed: 20 July 2013).
- 30 Eaton, R. et al. (1997) *Study Report: The Development of Indigenous Mine Action Capabilities*. DHA, United Nations, New York.
- 31 Eaton, R. et al. (1997) *Angola: The Development of Indigenous Mine Action Capabilities*. DHA, United Nations, New York. p. 37.
- 32 Landmine and Cluster Munition Monitor (online). Available from: <http://www.the-monitor.org/> (accessed: 23 July 2013).



پیام‌های کلیدی

- برنامه های مبارزه با مین معمولاً از شرایط پس از مناقشه بوسیله بازسازی از مرحله توسعه عبور کرده و در نهایت تعطیل می شوند. ظرفیت باقی مانده یا همسویی با دیگر مسائل.
- این دوران گذار ممکن است خطی نباشد و همزمان مراحل مختلفی در مناطق مختلف یک کشور در حال انجام باشد.
- مقامات ملی برای برعهده گرفتن "مالکیت" مشکل مین های زمینی / مهمات منفجره باقیمانده از جنگ به منظور تصویب قوانین و ایجاد مرجع های ملی دیگری که بتواند با این مشکل دست و پنجه نرم کنند ترغیب میشوند.
- مسائلی مانند تأیید صلاحیت شرکت ها، مسئولیت قانونی و تعهدات تحت معاهدات بین المللی باید در نظر گرفته شوند.

چرخه حیات برنامه های مبارزه با مین

مراحل چرخه حیات

مبارزه با مین همانند دیگر برنامه ها یا پروژه ها یک چرخه حیات را طی میکنند. آنها شروع شده، بسط یافته، به کمال رسیده، به سمت ظرفیت های باقی مانده محدودی نزول پیدا کرده است و در نهایت تعطیل شده و یا به سمت مسیر جدیدی در پی چالش های جدیدتر سوق پیدا می کنند.

شرایط گوناگون حاکم بر کشورهای مختلف که اغلب در نتیجه طولانی شدن مناقشات بروز میکنند به این معنی هستند که ظاهر هر یک از برنامه های مبارزه با مین میتواند متفاوت باشد. در تعدادی از اولین برنامه ها، فعالیت های اولیه تقریباً بطور کامل توسط اژانس های فراملی (مافوق محدودیت های ملی) سازمان ملل متحد هدایت می شدند. در دیگر مواردی که اخیراً اتفاق افتاده است مقامات ملی نقش رهبری را خود برعهده گرفته اند.

شرایط امنیتی غالب و وسعت ویرانی فیزیکی زیربنا ها بر ضرورت بازسازی و آزادی برای انجام کار تأکید میکند. چرخه حیات بعضی از برنامه ها در کشورهای که آلودگی کمتری دارند ممکن است ظرف چند سال به پایان برسد. برخی دیگر ممکن است بعد از چندین سال کماکان فعال بماند.

بافت متغیر مبارزه با مین

بیشتر آلودگی های ناشی از مین ها، مهمات خوشه ای و دیگر مواد منفجره باقیمانده از جنگ از مراحل مختلف مناقشه نشات میگیرند. در بسیاری از موارد، و بیشتر در چند دهه گذشته، این مسائل در نتیجه مناقشات داخلی بوده که باعث ایجاد به اصطلاح "فوریت های پیچیده" شده است. اینها شرایطی هستند که طی آن مشروعیت کشور در بخش های وسیعی به چالش کشیده شده یا از بین رفته است؛ صلح برای مدت طولانی در بعضی از مناطق کشور پایدار بوده و مناقشه در برخی نواحی پایدار بوده و یا بطور نامنظم بروز میکند و غیر افراد غیر نظامی و معیشت آنها اغلب توسط جناح متخاصم هدف قرار میگیرد.

جناح های متخاصم مرتباً از جامعه بین الملل درخواست میکنند که در قالب مأموریت های حفظ صلح یا برقراری صلح گسترده تر به آنها کمک رسانی شود. زمانی که چنین اقداماتی موفقیت آمیز باشد یا کشورهای بزرگ احساس کنند که منافع ملی شان در مخاطرات افتاده است ممکن است مرحله حفظ صلح به بازسازی عمده که مخارج آن توسط کشورهای اهدا کننده و موسسات مالی چند جانبه (مانند بانک جهانی و بانک های توسعه منطقه) تأمین میشود منجر شود.

اگر چه در بیشتر موارد کار توسعه "سنتی" (به عنوان مثال سرمایه گذاری در امور زیربنایی، خدمات اجتماعی و توسعه بخش خصوصی) کاملاً متوقف نمی شود، اما دولت و اهداکنندگان اصلی ممکن است در ابتدا بر روند حفظ/برقراری صلح تمرکز کرده و بعد از آن به برنامه بازسازی معطوف شوند. به محض اینکه بازسازی زیربنای اصلی (جاده ها، خطوط آهن، بندرها، تأسیسات برقی، سیستم های آب و غیره) و خدمات عمومی پایه (آموزش و پرورش، بهداشت، نیروی انتظامی و مواردی از این قبیل) پیشرفت میکند، ذهن ها بیشتر به سمت برنامه های توسعه سنتی معطوف میگردد.

در هر کشور تا چهار مرحله در دوران گذار تعریف میشود:

۱. مناقشه
۲. ثبات فوری پس از مناقشه (شامل حفظ/برقراری صلح)
۳. بازسازی
۴. توسعه سنتی با کمک اهداکنندگان بین المللی و موسسات مالی.

تصویر گذار از مناقشه به توسعه دارای سبک خاص خود است. در برخی موارد یک مناقشه غیر فعال دوباره فعال میشود و موجب متوقف شدن مرحله گذار به سوی بازسازی و توسعه میگردد. خصوصاً کشورهای بد اقبال ممکن است از درگیری های شدید برای مدتهای مدیدی رنج ببرند. شاید به یک فوریت فراموش شده تبدیل بشوند که در نتیجه جامعه جهانی توجه بسیار کمی به آنها معطوف دارد. در چنین مواردی گذار از مناقشه و حرکت به سمت توسعه نا معلوم بوده و به سمت عقب حرکت می کند، و ممکن است در نواحی مختلف کشور به میزان متفاوتی ادامه پیدا کند. بعلاوه آغاز و پایان فازهای مختلف ممکن است مستقل از هم نباشند و فازهای گوناگون بر هم همپوشانی داشته باشند. دینامیک کلی چنین انتقالاتی به همراه پیامدهای چنین دینامیک هایی برای کسانی که مسئولیت طرح ریزی و مدیریت برنامه های مبارزه با مین را دارند بیشتر از جزئیات گذار یک کشور خاص حایز اهمیت میباشد. مشخصاً:

- فضای اجتماعی سیاسی و اقتصادی کشور با مرور زمان متحول شده که این امر در بعضی جنبه های سریع اتفاق میفتد.
- حجم و اهمیت نسبی انواع مختلف کمکهای بین المللی از جمله بشر دوستانه، برقراری صلح، بازسازی بلافاصله پس از مناقشه با مرور زمان با تحول همراه بوده و به همین خاطر:
- عوامل بین المللی که در کشور حضور دارند اهداف اولیه و قدرت نسبی آنها در تأثیرگذاری بر روی امور داخلی به مرور زمان تغییر خواهد کرد.

مفاهیم مبارزه با مین

خروجی های اصلی مبارزه با مین (زمین و تأسیسات امن، اطلاعات، مردمی که از مخاطرات ناشی از مین های زمینی، مهمات خوشه ای و دیگر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، و تعداد ذخایر منهدم شده آگاه هستند) به خودی خود هدف محسوب نمیشوند. هر خروجی مبارزه با مین خود وسیله ای است برای یک هدف. مبارزه با مین باید (یا میبایست) در خدمت شهروندان کشور آلوده به مین باشد. در هر زمان مشخص شده ای اکثریت منابع آن میبایست برای پشتیبانی از راهبردی ترین اقدامات مهمی که در آن کشور در جریان است به کار گرفته شود.

اولویت های مبارزه با مین در فضای پس از مناقشه و توزیع منابع آن نیز باید همانطور که تمرکز از کمکهای بشر دوستانه به سمت ثبات و بازسازی رفته و در نهایت به توسعه می انجامد تغییر کند. معمولاً این موارد جابجایی های حساب شده ای هستند که با مرور زمان اتفاق می افتد و نه تغییرات غیر منتظره که ناگهان رخ میدهند. بنابراین ممکن است زمانی فرا برسد که برنامه مبارزه با مین در پشتیبانی از مثلاً سه نوع برنامه دیگر: بشردوستانه، بازسازی و توسعه کار میکند.

زمانی که بدین شکل عمل شود الگوی هزینه های مبارزه با مین در مرور زمان ممکن است همانطور که در شکل یک به تصویر کشیده شده نمایان شود.

دو نوع تغییر دیگر نیز بر عملکرد برنامه مبارزه با مین یک کشور تأثیرگذار است. اول اینکه ظرفیت های برنامه با دارایی ها، آموزش و به کار گیری سیستم های مدیریتی سازمان یافته بهتر و تجربه رشد میکند. برخی از پیشرفت های احتمالی برای برنامه ی مبارزه با مین با مرور زمان در پایین شکل یک ذکر شده اند.

مراحل برنامه مبارزه با مین دارای سبک



دوم، طراحان و مدیران برنامه های مبارزه با مین با مرور زمان اطلاعات بیشتری بدست می آورند که به آنها این امکان را میدهد (حداقل در نظریه) تا بتوانند تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و پیش بینی بهتری از تحولاتی داشته باشند که در آینده احتمال دارد بر برنامه تأثیر بگذارد.

برخی از طبقه بندی های داده هایی که برای برنامه مبارزه با مین حائز اهمیت است شامل:

- خطرات (محل، چینش، تعداد و نوع مهمات و این مسئله که دسترسی به دارایی های جامعه توسط چه خطرات مسدود شده اند و غیره).
- معیشت-چگونه افراد، خانوارها، و جوامع به زندگی ادامه داده و کامیاب شوند (این امر نیازمند داده های اجتماعی-اقتصادی که نسبت به سن و جنسیت طبقه بندی شده باشند).
- حکومت ملی- چگونگی تشکیل و جایگزینی دولت ها و چگونگی کارکرد دستگاه های حکومتی .
- کمک های بین المللی و تأمین منابع مالی دولت- عوامل کلیدی و اهداف اصلی آنها در سطح ملی-منطقه ایی و جامعه.

در کل طراحان می بایست انتظار سه حالت را داشته باشند:

۱. افزایش سطوح مالکیت ملی برنامه مبارزه با مین - دولت ملی ممکن است برای مثال مسئولیت مرکز مبارزه با مین (MAC) را بر عهده بگیرد. این مسئله بر افزایش مسئولیت (ظرفیت مرتبط با آن) دولت ملی نسبت به گروههای اهدا کننده در تعیین اولویت ها برای پیشرفت کشور اولویت دارد.
۲. افزایش ورودی از طرف ادارات بخشهای مختلف (ادارات دولتی، سازمانهای متعلق به دولت و غیره) به عنوان طرح ریزان در بخشهای مختلف (کشاورزی، حمل و نقل، خدمات رفاهی، محیط زیست و غیره) با مشکلاتی که بواسطه ی آلودگی برای طرح توسعه این بخشها بوجود می آید دست و پنجه نرم کند.
۳. افزایش ورودی از سطوح مختلف دولت وقتی که ظرفیت های محلی و استانی پس از مناقشه بازسازی شده و مسئولیت های مربوطه را بر اساس اختیارات قانونی و مصوب بر عهده میگیرند.

مبارزه با مین در بافت های فوری

فعالیت های مربوط به مبارزه با مین اغلب در بافت فوری در کشورهایی که شرایط امنیتی متغیر یا نامعلوم دارد به عهده گرفته میشوند. در چنین شرایطی فعالیت ها معمولاً توسط سازمان ملل متحد (UN) مشخصاً (UNMAS) در زمینه ی مأموریت حفظ صلح سازمان ملل انجام میشود. برنامه ها معمولاً توسط شورای امنیتی سازمان ملل متحد تصویب میشوند.

آنها اغلب از نقش مأموریت های حفظ صلح پشتیبانی میکنند، مانند پاکسازی مین یا مهمات منفجره باقیمانده از جنگ تا امکان گشت های مرزی نظارت و تسهیل انتخابات یا فعالیت های مربوط به جمع آوری صلاح، امکانپذیر کردن جابجایی پناهنجویان، تحویل اقلام غذایی و دارویی و از این قبیل را ممکن سازد. از نمونه های اخیر میتوان به قبرس، دافور، لبنان، لیبی و سودان جنوبی اشاره نمود. هزینه چنین برنامه هایی معمولاً از کمکهایی که از طرف کشورها به سازمان ملل متحد شده است تأمین میشود. اما گاهی اوقات نیز ممکن است توسط اهدا کنندگان داوطلب تأمین گردد. امروزه توجه بیشتری به نقش مبارزه با مین در حمایت از اقداماتی که برای به دست آوردن یا حفظ صلح درون و بین کشورها انجام میشود دارد صورت میپذیرد.

در مطالعاتی که توسط موسسه تحقیقات صلح اسلو (PRIO) در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، نتیجه گیری بدین ترتیب بود که مبارزه با مین میتواند نقش مهمی را در ایجاد صلح بازی کند. ابتکاراتی که در مبارزه با مین در حال پیدایش است میتواند به روند اعتماد سازی بین طرف های درگیر در مناقشه کمک کند. همانند آنچه در سالهای اخیر در سریلانکا و سودان اتفاق افتاد. مشارکت در مبارزه با مین نیز میتواند به آشتی اقشار مختلف همانطور که در روابط بین پیکار جویان سابق در برنامه مبارزه با مین برای صلح افغانستان نشان داده شد کمک کند. نهایتاً، مبارزه با مین حمایت کلی برای روند صلح بواسطه اثرات مستقیم آن بر زندگی روزمره مردم با برطرف کردن مخاطرات، بازگشایی مسیر های حمل و نقل یا آزادسازی منابع کمیاب مانند زمین و منابع آب را افزایش دهد. برنامه های مبارزه با مین اگر به دقت طراحی اجرا و هماهنگ شده باشند ابزار مؤثر و انعطاف پذیری برای ایجاد صلح فراهم می کنند.

تعدادی از مناطق بخصوصی که در آن مبارزه با مین میتواند از روند ایجاد صلح حمایت کند شامل موارد ذیل میشود:

- کاهش بیکاری (خصوصاً بین گروههایی که ممکن است در صورت نبود معیشت جایگزین به خشونت متوسل شوند)
- هماهنگی و مدیریت اطلاعات
- ایجاد پایگاه اجتماعی در سطح جوامع محلی؛ و
- اعتمادسازی در سطح منطقه ای.

کاهش بیکاری

بیکاری، اغلب در پایان مناقشات طولانی مدت در سطح بسیار بالایی قرار دارد. مبارزه با مین نسبت به بسیاری از دیگر بخشها در اشتغال زایی به واسطه ی قابلیت استخدام، آموزش، تدارکات، به کارگیری و مشارکت با سرعت بالا مزایای قابل قیاسی دارد که این امر خود باعث میشود همگان خیلی زود از صلح بهره مند شوند. به عنوان مثال در افغانستان برنامه ی مبارزه با مین برای مدتی بزرگترین کارفرمای مردم نهاد افراد غیر نظامی در کشور بود.

این امر پول به دستان مردم عادی که برای گذران زندگی بدان نیازمند هستند می‌رساند. چنین امنیت اقتصادی (نسبی) میتواند باعث حمایت خود جوش از روند صلح بشود. این مسئله همچنین میتواند منابع درآمدی مورد نیاز بیشتری را برای زن‌ها و مردهایی که در اثر مناقشه یا حوادث ناشی از مین‌های زمینی / مهمات خوشه‌ای / و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ سرپرست خانواده‌های خود شده‌اند فراهم سازد.

هماهنگ سازی و مدیریت اطلاعات

مبارزه با مین‌داری توانایی قابل توجهی برای گسترش هماهنگی متعارف و مدل‌های مدیریت اطلاعات می‌باشد. این امر برای ارائه به موقع خدمات در فضای پس از مناقشه ضرورت دارد. در کوزوو سیاست دیپلماسی داده که توسط سازمان ملل متحد برای پر کردن ابزار طرح ریزی مکانی در پایگاه داده‌های سیستم‌های مدیریت اطلاعات مبارزه با مین (IMSMA) انجام میشد. تلنگری به دیگر ادارات برای استخراج پتانسیل سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) بود. میزان بالای پشتیبانی از توسعه ظرفیت‌های ملی و محلی برای هماهنگی و مدیریت مبارزه با مین بسیار فراتر از این بخش کارایی دارد.

مشخصاً تجربه و تخصصی که از طریق ارزیابی و طرح ریزی به واسطه آموزش مدیریت نیمه ارشد به دست می‌آید میتواند به راحتی به دیگر بخش‌ها منتقل شود.

ایجاد سرمایه اجتماعی در سطح جوامع بومی

آموزش مخاطرات مین بخصوص از طریق برقراری ارتباطات اجتماعی در پیمایش‌نگرانی‌ها و اولویت‌های بومی و انتقال آنها به مراجع بالاتر کمک میکند و این امر همچنین میتواند به بسیج مردان و زنان در جوامع شان برای قبول کردن مسئولیت‌ها جهت مدیریت تهدیدات ناشی از مین مهمات خوشه‌ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ کمک کند.

چنین پشتیبانی از ایجاد یک سرمایه اجتماعی در سطح جامعه میتواند به تقویت آموزش مخاطرات بعد از اینکه تیم‌های متخصص منطقه را ترک کردند کمک کند و منافع مشابه برای بسیج جامعه در عملیات‌های سخت نظیر اعتماد سازی و همکاری در دوران پس از مناقشه بوجود آورد.

اعتماد سازی در سطح منطقه‌ای

اعتمادسازی همچنین میتواند در سطح منطقه‌ای صورت پذیرد. جنوب شرق اروپا که شاهد بعضی از بیرحمانه‌ترین جنگ‌های این قاره از جنگ جهانی دوم تا کنون بوده است برای حرکت به سمت هماهنگی منطقه‌ای در مبارزه با مین پیشقدم شد. شورای همکاری مبارزه با مین جنوب شرق اروپا (SEEMACC) یک مرجع هماهنگ کننده برای برنامه‌های مبارزه با مین در بالکان است. این شورا متشکل از روسای مراکز مبارزه با مین آلبانی، بوسنی و هرزگوین، کرواسی و صربستان است.

مبارزه با مین در حمایت از بازسازی و توسعه

به محض اینکه فوریت های بشردوستانه اتمام یافته و شرایط امنیتی در یک کشور آلوده به مین بهبود می یابد، اولویت های مبارزه با مین برای حمایت از برنامه های اولویت بازسازی خود را تطبیق می دهد. برنامه اولویت بازسازی پس از یک مناقشه معمولاً توسط بانک جهانی، بانک توسعه منطقه مربوطه و اهدا کنندگان اصلی برای مدت سه تا پنج سال طرح ریزی میشود. در پایان برنامه، زیر بنای اصلی کشور باید در صورت لزوم با حمایت سازمانهای مبارزه با مین خصوصاً از طریق عملیات پیمایش و پاکسازی بازسازی شده باشند.

علاوه بر بازسازی زیر بناهای کلیدی و ترمیم خدمات عمومی پایه، یکی دیگر از اهداف مهم یک برنامه بازسازی پس از مناقشه، بازگرداندن ظرفیت طرح ریزی و مدیریت فعالیت های توسعه به دولت تحویل گیرنده میباشد.

با توجه به اینکه ظرفیت های مدیریتی دولت ممکن است در طول مناقشه به شدت کاهش یافته باشد، اغلب ورودی نسبتاً کمی برای طرح های بازسازی اولویت دار اعم از اولویت های مبارزه با مین دارد. اگرچه در طول این دوره انتقال تدریجی مسئولیت ها به مراجع ملی اعم از تعیین اولویت های پاکسازی / پیمایش اتفاق می افتد و اغلب نیز از پست های تعیین شده برای مشاوران بین المللی مبارزه با مین کاسته میشود. هنگامی که ظرفیت دولت افزایش میابد و دولت شروع به ایفای نقش برجسته تری در تعیین اولویت های توسعه و هماهنگ سازی میکند پشتیبانی بودجه ای کشور برای مبارزه با مین آغاز شده و به آرامی افزایش پیدا میکند. معمولاً در طول بازسازی با نفوذترین عاملین بین المللی که از طریق سازمان ملل متحد و NGO های بین المللی بشر دوستانه مشغول به کار شده اند جای خود را با بانک جهانی، بانک های توسعه منطقه ای و اهدا کنندگان اصلی عوض میکنند.

در شرایط ایده آل مرجع های ملی مبارزه با مین سعی میکنند از پیوند با مکانیزم های طرح ریزی بازسازی اطمینان حاصل نمایند و سازمانها تلاش میکنند از هم ترازای بین مبارزه با مین و اولویت های بازسازی اطمینان یابند. اولویت های موجود پاکسازی / پیمایش متحول شده و اولویت های جدیدی به آنها افزوده میشود. ممکن است در قسمتی از کشور عملیات پاکسازی به منظور اولویت داشتن نجات جان و تن مردم انجام شود. همزمان ممکن است از پاکسازی / پیمایش برای مقاصد گسترده تر توسعه استفاده شود. به عنوان مثال بازگشایی جاده ها برای مدرسه سازی و احداث مراکز درمانی و تسهیل دسترسی به بازار. در طول این دوره بر اجرای برنامه مدیریتی اطلاعات ساختار یافته با تمرکز بر پایداری و توسعه ظرفیت ملی تأکید میشود.

در این مرحله این مسئله که کدام مرجع ملی مسئولیت سیستم مدیریت اطلاعات مبارزه با مین را بر عهده خواهد گرفت برای مرجع ملی مبارزه با مین و جامعه بین المللی مبارزه با مین حیاتی است.

مدیریت و هماهنگی مبارزه با مین

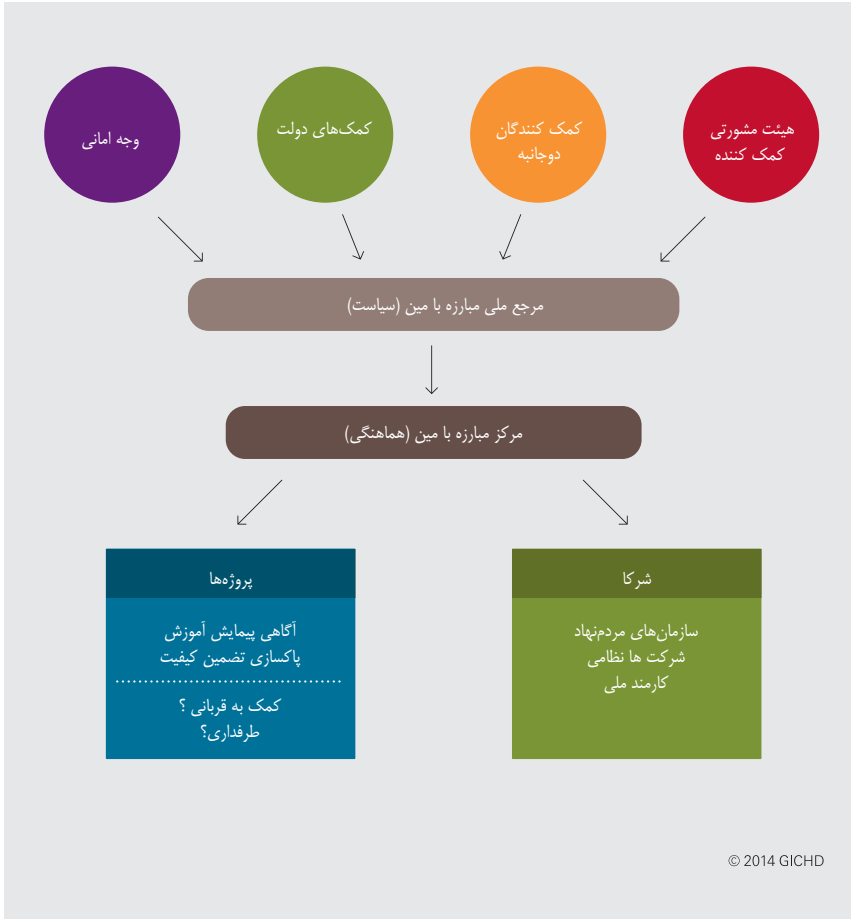
امروزه این اصل که مسئولیت اصلی مبارزه با مین بر عهده کشور آلوده به مین است به خوبی تثبیت شده است. این مسئولیت معمولاً بر عهده مرجع ملی مبارزه با مین (NMAA) که مسئول سیاست گذاری، تعیین مقررات و مدیریت کلی یک برنامه ملی مبارزه با مین و نیز بسیج منابع از طرف دولت است می باشد. NMAA معمولاً یک مرجع درون وزارتی است و در نهایت مسئول تمام مراحل و جنبه‌های یک برنامه مبارزه با مین در داخل مرزهای آن کشور است. این امر شامل راهبرد ملی مبارزه با مین، استاندارد های ملی مبارزه با مین، و دستورالعمل های فنی می باشد.

بازوی عملیاتی مرجع ملی مبارزه با مین NMAA، مرکز مبارزه با مین (MAC) می باشد. این دستگاه نماینده ی این مرجع در تمامی فعالیت های مربوط به مبارزه با مین بر روی زمین می باشد. این مرکز سیاست های مرجع ملی مبارزه با مین را اجرا کرده و کار روزانه سازمانها و آژانسهای گوناگونی که عملیات های پاکسازی را انجام می دهند هماهنگ می کند. مرجع ملی مبارزه با مین و مرکز مبارزه با مین یک کشور میبایست با هم ارگانهای اصلی باشند که مبارزه با مین را در یک کشور آلوده به مین، مهمات خوشه ای، و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ را مدیریت کرده و هماهنگی های مربوطه را انجام دهد.

در برخی موارد MAC تعداد زیادی از شرکت ها را هماهنگ کرده و پول نسبتاً هنگفتی را کنترل میکند. در حالی که در مواردی کاربرد نسبتاً کمی دارد. در دیگر موارد مانند آنگولا و کامبوج، MAC سیستم های عملیاتی مین روبی خود را اختیار کرد. این رویکرد چندان موفقیت آمیز نبود. زیرا MAC بیش از حد بر کار تیم های خود متمرکز شده بود و قادر نبود نقش هماهنگ کننده ی خود را در سطح کشور به خوبی انجام دهد. و حتی زمانی که مرکز ملی مبارزه با مین بعنوان نهاد نظم دهنده هم در نقش داور و هم در هیات بازیکن ایفای نقش مینمود باعث بروز درگیری بر سر منافع می گردید.

نمونه ای از یک ساختار مبارزه با مین ملی پیشنهادی در شکل ۲ نشان داده شده است.

علاوه بر NMAA و MAC تعدادی از دیگر مراجع ممکن است در برنامه مبارزه با مین کشور ورودی داشته باشند که مهمترین آنها اهدا کنندگان می باشند. این احتمال وجود دارد که کمیسیون های فنی یا کارگروههایی تحت مدیریت NMAA یا MAC شکل گرفته باشد و مسئولیت های مهمی بر عهده آنها گذاشته شده باشد.



عامل بین المللی که به توسعه ظرفیت های ملی کمک میکنند

عاملی سازمانهای متعددی وجود دارند که میتوانند به کشورهای آلوده به مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ کمک کنند. در سال ۲۰۱۳ سازمان ملل متحد از برنامه مبارزه با مین در ۳۰ کشور و ۳ قلمرو حمایت کرد. گاهی اوقات خدمات UN ممکن است محدود به یکی از ارکان مبارزه با مین بشود، مانند آموزش مخاطرات مین یا حمایت از قربانیان، در جاهای دیگر این سازمان می تواند در تمامی این ارکان از پاکسازی مین های زمین گرفته تا نابود کردن ذخائر دخیل شود.

میزان مشارکت سازمان ملل متحد به مقیاس مشکل، در خواست کمک از جانب دولت کشور مربوطه و به شرایط ویژه بستگی دارد. UNMAS در تعدادی از کشورهایی که از مناقشه‌های رهایی یافته بودند که معمولاً کشورهایی هستند که مأموریت حفظ صلح در آن به عهده سازمان ملل متحد است مراکز مین زدایی تأسیس نموده است. UNDP از ظرفیت سازی در سطح ملی و بومی حمایت میکند. این امر شامل راه اندازی مراجع ملی و مراکز مبارزه با مین میشود.

راهبرد سازمان ملل متحد برای مبارزه با مین از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ نشان دهنده ی اهداف و تعهدات مشترک سیستم مبارزه با مین این سازمان می باشد. یکی از این اهداف تقویت ظرفیت های ملی در زمینه مبارزه با مین است. این راهبرد خط مشی موجود سازمان ملل متحد را در پشتیبانی مبارزه با مین و هماهنگی مؤثر و سیاست داخلی آژانس های مربوطه این سازمان را ارتقاء میدهد. این خط مشی وظایف و مسئولیت های مربوط به بسیاری از آژانس ها و مراجع سازمان ملل را در مبارزه با مین مشخص میکند.

سازمانهای منطقه ای علی الخصوص سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) بر رویکرد منطقه برای مین زدایی و هماهنگی فعالیت های مبارزه با مین تمرکز کرده اند. بعلاوه تعدادی از این کشورها شامل ایالات متحده کمک های دو جانبه ای برای راه اندازی مراکز مبارزه با مین که معمولاً با نام دفاتر مین زدایی ملی مورد خطاب قرار میگیرند کرده اند.

GICHD بعنوان بخشی از حمایت های خود در زمینه ظرفیت سازی، خدمات آموزشی و کمک های فنی در زمینه قانون گذاری، طرح و مدیریت برنامه های مبارزه با مین و نیز تکنیک های مین روبی و آموزش مخاطرات مین به بسیاری از کشورهای آلوده ارائه داده است. این مرکز همچنین نقش اساسی در کمک به کشورها برای نگارش استاندارد های ملی مبارزه با مین (NMAS) میکند.

نیاز به قوانین ملی

کشورها از ابزارهای گوناگون قانونی برای راه اندازی NMAA و یا MAC و نیز تنظیم فعالیت های مبارزه با مین استفاده میکنند. این موارد شامل قوانین مصوب مجلس و احکام و دستوراتی می باشد که از کابینه توسط دفتر مدیر اجرایی (نخست وزیر یا رئیس جمهور) یا وزارت کشور صادر می شوند. کشورهای آلوده به مین، مهمات خوشه ای و دیگر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ برای اتخاذ قوانین ملی جهت هماهنگ سازی و قانون مندسازی مبارزه با مین استفاده میکنند. این موارد شامل قوانینی است که در مجلس تصویب میشوند.

احکام و دستوراتی از کابینه یا دفتر مدیر اجرایی (نخست وزیر یا رئیس جمهور) یا وزارت کشور صادر میشوند میباشد. کشورهای آلوده به مین، مهمات منفجره و دیگر مهمات باقیمانده از جنگ برای اتخاذ قوانین ملی جهت هماهنگ سازی و قانون مندسازی مبارزه با مین بسیار ترغیب میشوند. قوانین ملی به قوانین عمومی اشاره دارد که توسط مرجع قانونگذار کشور (مجلس یا کنگره) تصویب شده و به تأیید رئیس دولت رسیده باشد. قانونگذاری ملی به دلیل اینکه معمولاً حاصل یک فرایند گسترده مشترک بین قوای مجریه، مجلس کشور و در برخی موارد آژانسهای بیرونی است ترجیح داده میشود. این امر مجالی را برای رسیدگی کامل به مسائل مبارزه با مین فعالیت هایی که باید انجام شوند و پیامدهایی که قانون پیشنهادی دارد مهیا میکند. این مسئله همچنین اجازه میدهد مقررات مربوط به مسئولیت های اجرایی برای ارائه گزارش های دوره ای در مورد پیشرفت های حاصل شده در برنامه مبارزه با مین به قانونگذاری قوه مقننه گنجانده شود.

این امر کار قانون‌گذاری را در بازخواست از دولت آسان می‌سازد. قانون مبارزه با مین معمولاً شامل اصول معین و بخصوصی است. اینها شامل مقررات مربوط به موارد ذیل می‌باشد:

- راه اندازی NMAA؛
- راه اندازی MAC (و هر یک از دیگر دفاتر منطقه ای / استانی زیر مجموعه این مرکز)؛
- اجرای فعالیت های مبارزه با مین؛
- صدور گواهی تأیید صلاحیت و نظارت بر شرکت هایی که در مبارزه با مین شرکت دارند.

قانون ملی چهارچوب اختیارات و مشروعیت لازم برای عناصر اصلی یک ساختار نهادینه برای برنامه مبارزه با مین را ارائه می‌دهد. این قانون معمولاً خود را با جزئیات در مورد اینکه چگونه فعالیت های مبارزه با مین صورت می‌پذیرد درگیر نمی‌کند. تعداد بسیار کمی از کشورها وجود دارند که اصولی مانند شیوه های عملیاتی استاندارد (SOP)ها را در برخی از قوانین ملی می‌گنجانند.

انجام این چنین کاری موجب میشود که عملیات های مبارزه با مین در سطح بالا و یکسانی انجام شود (علی الخصوص در پاکسازی) اما با این وجود باعث سکون و مقاومت در برابر تغییر در سیستم میشود. تغییراتی که نیازمند توافقات قانونی در رده های بالا هستند به ندرت به روز رسانی میگردند و روند پیش نویس و توافق و باری که بردوش خدمات اجتماعی و دولت وقت تحمیل میکند، این نوع قوانین را ناخوشایند جلوه داده و برای اعمال تغییرات اسناد رسمی با مشکل مواجه میکند.

اصول پایه مدیریت کیفیت مخصوصاً بهبود مستمر برای اجازه دادن به فرایند ها، شیوه ها و سیستم ها در تطبیق و تنظیم خود با شرایط متغیر و در پرتو دانش و تجارب جدید نیازمند انعطاف پذیری و عکس العمل های مناسب به میزان مورد نظر می باشد.

قانونگذاری در تعیین سیاست ها و معیار های اساسی مبارزه با مین و نیز در ترغیب توسعه و فراگیری مناسب برای حمایت از کار و اثربخشی و کارایی برنامه مبارزه با مین نقش مهمی ایفا میکند. تعادل بین کنترل متمرکز و تفویض اختیار یکی از موارد مهم محسوب میگردد. از محاسن آن توجه دقیق و عملکرد متفکرانه میباشد.

قانونگذاری برای برنامه مبارزه با مین همچنین به تعهداتی که کشورهای تحت کنوانسیون منع مین های ضد نفر (APMBC) و کنوانسیون منع مهمات خوشه ای (CCM) دارند مرتبط می باشد علاوه بر اطمینان از اینکه فعالیت های ممنوعه در داخل کشور غیرقانونی تلقی شوند، قوانینی که به این معاهدات اثر بخشی میدهند میتوانند در بر گیرنده ی الزاماتی باشند که اطلاعات لازم برای اطمینان از انطباق را فراهم آورد. بعنوان مثال در مناطق آلوده به مین، پاکسازی این مناطق و مالکیت ذخایر و انباشت ها.

NMAA مرجع اصلی مسئول نظارت بر مبارزه با مین در یک کشور آلوده می‌باشد. یکی از اهداف و مقاصد قانونگذاری برای مبارزه با مین تأسیس NMAA و مشخص کردن وظایف آن است. قوانین مربوط به NMAA می‌بایست شامل مقررات واضح در حوزه‌های ذیل باشند:

۱. تأسیس NMAA: راه اندازی NMAA و برگزاری جلسات منظم باید در قانون به صراحت ذکر شود. قانون همچنین می‌بایست مشخص کند کدام وزارتخانه یا اداره یا اعضای قوه مجریه مسئولیت نظارت بر کار NMAA را بر عهده می‌گیرد.

۲. عضویت: قانون می‌بایست وزارتخانه‌ها و یا مقامات دولتی که باید اعضای NMAA را تشکیل می‌دهند شناسایی کند. چنین مرجع‌هایی معمولاً شامل مقامات وزارتخانه‌های دولتی یا اداراتی که با فعالیت‌های مبارزه با مین مرتبط هستند (مانند وزارتخانه‌های کشاورزی، دفاع، آموزش و پرورش، امور خارجه، بهداشت، داخله و خدمات اجتماعی) می‌باشد. در NMAA همچنین می‌بایست نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی و دیگر مرجع‌ها یا سازمان‌هایی که در مبارزه با مین دخالت دارند عضویت داشته باشند. این مراجع گاهی اوقات به عنوان ناظر در کار NMAA شرکت می‌کنند. همچنین در قانون می‌بایست مشخص شود که کدام وزارتخانه یا اداره باید ریاست جلسات را بر عهده گرفته و کدام یک به عنوان دبیرخانه NMAA ایفای نقش کند. البته این در صورتی است که مرکز مبارزه با مین این کار را انجام نمی‌دهد.

۳. مسئولیت‌ها: در قانون باید مشخص شود که NMAA مرجعی است که مسئولیت کمی مبارزه با مین در یک کشور را بر عهده دارد. در این رابطه این مرجع مسئول تصمیمات استراتژیک و سیاست کلی مربوط به مبارزه با مین می‌باشد. علی‌الخصوص در این قانون باید مشخص شود که NMAA مسئول موارد ذیل است:

- اجرای کلی قوانین مبارزه با مین؛
- اتخاذ یک سیاست راهبردی و اولویت‌های ملی و نیز برنامه کاری سالانه برای کاهش اثرات مین‌ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ (به عنوان مثال یک طرح مبارزه با مین ملی)؛
- تأیید استاندارد‌های ملی مبارزه با مین (NMAS)؛
- ارائه گزارش در مورد پیشرفت در مبارزه با مین به مجلس عموم مردم اهدا کنندگان سازمان ملل متحد و دیگر انجمن‌ها؛
- نظارت بر کار و عملکرد مرکز مبارزه با مین؛ و
- تأمین اعتبار از منابع ملی و جامعه اهدا کنندگان.

مرکز مبارزه با مین

مرکز مبارزه با مین (MAC) سازمان عملیاتی است که سیاست های NMAA را اجرا کرده و نماینده برای هماهنگ سازی فعالیت های روزانه مبارزه با مین بر روی زمین است. در حوزه هایی که مشکلات ناشی از مین ها و مواد منفجره باقی مانده از جنگ وخیم باشد احتمال دارد که مسئولیت های گوناگونی بر عهده این مرکز گذاشته شود.

نکات اصولی که در تأسیس (MAC) نقش حیاتی دارد و ممکن است در هنگام قانونمند کردن مبارزه با مین لحاظ شود شامل موارد ذیل میشود:

۱. تأسیس مرکز مبارزه با مین کشور و هر کدام از دفاتر استانی یا منطقه ای آن MAC همانند NMAA میبایست طبق قانون تأسیس شده و بعنوان دستگاه هماهنگ کننده مبارزه با مین در کشور شناخته شود.
۲. تأمین وجه: در قانون باید منبع تأمین بودجه و اعتبارات مالی MAC مشخص شود. فعالیت های این مرکز شامل حقوق کارکنان معمولاً از بودجه کشور آلوده تأمین میگردد. با این کار اطمینان حاصل میشود که MAC منبع تأمین هزینه قابل اطمینان داشتند و و با اتکا به آن میتواند فعالیت های خود را انجام دهد.
۳. علاوه بر منابع ملی بودجه را میتوان از اهدا کنندگان بین المللی و خصوصی و دیگر منابع تأمین کرد.

مسئولیت ها: MAC بعنوان سازمانی که بر مبارزه با مین در سطح عملیاتی نظارت دارد دارای مسئولیت های ذیل میباشد:

- هماهنگ سازی مبارزه با مین درون کشور؛
- مدیریت و انتشار اطلاعات مبارزه با مین؛
- آماده سازی و پیاده سازی طرح و راهبرد ملی مبارزه با مین به همراه طرح عملیاتی برنامه کاری سالانه؛
- تعیین معیار های مربوط به اولویت های مبارزه با مین؛
- تأیید صلاحیت شرکت هایی که در زمینه مبارزه با مین فعالیت دارند و نظارت بر فعالیت های مبارزه با مین؛
- پیش نویس استانداردهای ملی مبارزه با مین؛
- صدور دستور در مورد فعالیت های مبارزه با مین مطابق با برنامه کاری ملی؛
- اطمینان از کیفیت فعالیت های مبارزه با مین؛ و
- عمل به عنوان دبیرخانه NMAA.

اغلب تفویض اختیارات لازم جهت صدور دستورات اداری و فرعی و دستورالعمل های مربوط به وظایف فوق الذکر مفید است. علاوه بر این مسئولیت ها، بسیاری از مسائل اداری و رویه ای مانند دستورالعمل های کارکنان و الزامات مربوط به تأییدیه عاملین مبارزه با مین نیز باید تهیه شود.

چنین تمهیداتی معمولاً در قوانین مبارزه با مین ذکر نشده و منوط به دستورالعمل های داخلی می باشند. قوانین ممکن است در صورت لزوم به MAC اختیارات لازم را برای تهیه چنین دستورالعمل هایی و ارائه آنها به NMAA برای تأیید دهد.

تفویض اختیارات به ارگان درست، نقش مهمی در حفظ انعطاف پذیری لازم برای واکنش برنامه به تغییرات در شرایط و وضعیت های پیش رو و نیز درک مأموریت های مربوطه دارد.

MAC، بسته به ساختار عملیاتی ممکن است لزوماً سازمانی نباشد که نقش مدافعه در حمایت از قربانیان و تخریب ذخایر را ایفا کند.

اجرای قوانین مبارزه با مین

در قوانین مبارزه با مین باید آن دسته از اجزاء مبارزه با مین که در کشور اتفاق می افتد شناسایی شود. بعنوان مثال سازمان اصلی هماهنگ کننده مبارزه با مین، نظارت بر اکثر فعالیت ها از مسئولیت های MAC خواهد بود. این مرکز ممکن است خود بعضی از عملیات را بر عهده بگیرد، اما بیشتر اوقات مداخلات وزارت دولتی، سازمانهای بین المللی، سازمانهای مردم نهاد و شرکت های تجاری را هماهنگ میکند.

فعالیت های خاص مورد نیاز در یک کشور خاص به ماهیت مشکل مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ در آن کشور بستگی دارد. قوانین مبارزه با مین باید به گونه ای طراحی شوند که نیاز های خاص در بافت ملی را بررسی کند. عملیات های ذیل در شرایطی که مشکل مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ وخیم است و معمولاً در قوانین به آنها اشاره شده مشترک میباشند:

- پیمایش نقشه برداری و علامت گذاری مناطق آلوده به مین، مهمات خوشه ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ یکی از فعالیت های اصلی که MAC بر آن نظارت دارد شناسایی ثبت و علامت گذاری مناطقی است که بعلت وجود مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ خطرناک پنداشته میشود. عملیات های پیمایشی نقطه آغاز دیگر فعالیت های مبارزه با مین مانند پاکسازی مین، مهمات خوشه ای، و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ آموزش مخاطرات مین و هماهنگ سازی فعالیت های اژانس های خارجی یا شرکت های داخلی است. چنین فعالیت هایی در قوانین مبارزه با مین مبنای قانونی برای دسترسی نقشه برداران و دیگر پرسنل به منطقه آلوده مقامات دولتی و اطلاعات لازم جهت انجام وظایفشان را فراهم می آورد.
- آزادسازی زمین: بعد از انجام پیمایش غیرفنی و فنی، مناطق خطرناک مشخص شده ثبت و پیش از اولویت بندی برای پاکسازی علامت گذاری میشوند. قانون مبارزه با مین به پرسنل پاکسازی کمک میکند تا بتوانند به مناطق آلوده و اطلاعات برای تسهیل کار خود دسترسی پیدا کنند. آزادسازی زمین یک روند تصمیم گیری است که بر وجود اطلاعات و نیز اطمینان فی مابین تصمیم گیرندگان که از تصمیمات اتخاذ شده در آینده بر علیه شان استفاده نشود تکیه دارد. قوانین ملی میتوانند نقش مهمی در روشن کردن ابهامات مربوط به وظایف و مسئولیت های قانونی ایفا کنند.
- آموزش مخاطرات مین: آموزش مردم در مورد شیوه های ایمن زیستن در مناطقی که به واسطه مین ها، مهمات خوشه ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ آلوده شده اند بخش مهمی از به حداقل رسانیدن خطرات برای قربانیان این تسلیحات است. آموزش که میتواند فواید زیادی داشته باشد اغلب بعنوان یکی از ارکان قوانین مبارزه با مین مورد غفلت واقع میشود. قوانین مربوطه میتوانند در صورت امکان مبنای لازم برای گنجاندن آموزش مخاطرات مین در برنامه درسی مدارس و نیز رسانه های محلی و ملی را فراهم آورند.

- مسئولیت داده های مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، MAC معمولاً مسئولیت جمع آوری و تطبیق اطلاعات مکانهای آلوده به مین، مهمات خوشه ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و نیز اطلاعات مربوط به حوادث ناشی از این مواد را بر عهده دارد. MAC معمولاً پایگاه داده های اصلی که در آن این اطلاعات ذخیره میشود را کنترل میکند و با همکاری سازمانهای نقشه برداری نقشه چارت و دیگر اطلاعاتی را که سازمانهای مبارزه با مین و دیگر شرکت های علاقمند از آن استفاده میکنند تهیه مینماید. لحاظ کردن این مسئولیت در قوانین به MAC این امکان را میدهد که بر اساس یک مبنای قانونی این فعالیت ها را انجام داده و در جلوگیری از درگیری بین دیگر سازمانهای نقشه برداری کمک میکند.
- تخریب ذخایر: کشورهایی که کنوانسیون منع مین های زمینی ضدنفر را امضاء کرده اند ملزم هستند تا ظرف چهارسال از تاریخ عضویت خود تمامی ذخایر مین های ضدنفر خود را نابود کنند. الزاماتی مشابه برای تخریب ذخایر و مهمات خوشه ای در کنوانسیون منع این مهمات (CCM) وجود دارد. برخی از کشورها این الزامات را در قوانین مبارزه با مین یا مهمات خوشه ای خود آورده و مسئولیت آن را به عهده MAC گذاشته اند. ذکر این موارد در قوانین یک مبنای قانونی داخلی شفاف برای صدور دستورالعمل های مربوط به مالکیت حمل و نقل ذخیره و انهدام مین های ضدنفر مهمات خوشه ای و دیگر سلاح های مشابه فراهم میآورد.
- حمایت از قربانیان: فراهم کردن مراقبت های پزشکی، توانبخشی و بهبودی آنهايي که توسط مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ مجروح شده اند بخش مهمی از مبارزه با مین است. مسئولیت انجام آنچه برای کمک به قربانیان مورد نیاز است معمولاً به عهده وزارتخانه هایی است که با بهداشت عمومی خدمات اجتماعی و ناتوانی جسمی مرتبط هستند. هرچند مسئولیت اصلی در حمایت از قربانیان معمولاً بر عهده وزرات بهداشت / امور اجتماعی / یا نهادهای دولتی که مسئول ناتوانی و حقوق ناتوانی است میباشد، اما MAC و NMAA نیز نقشی برای ایفا کردن دارند. خط مشی ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد برای این بخش در مورد حمایت از قربانیان خاطر نشان میکند مراکز مبارزه با مین نه برای برعهده گرفتن نقش اصلی در حمایت از قربانیان طراحی شده اند و نه اینکه مأموریت، تخصص لازم یا منابع مورد نیاز برای چنین کاری در اختیار دارند، اما میتوانند در زمینه های جمع آوری و انتشار اطلاعات ، مدافعه و هماهنگ سازی به قربانیان کمک کنند. قوانینی نیز میتواند برای اطمینان از سلامت نجات یافتگان و برای تضمین حقوق آنها دور از هرگونه تبعیضی از طریق وضع قوانین مناسب به نفع افرادی که دچار ناتوانی شده اند وضع شود.

تأیید و نظارت بر عاملین مبارزه با مین

بخشی از روند اطمینان از کیفیت مبارزه با مین شامل اطمینان از انجام کار توسط عاملین شایسته می باشد. یکی از الزامات قوانین مبارزه با مین تأیید صلاحیت این عاملین پیش از انجام هرگونه فعالیت در کشور است. این امر تضمین میکند که سازمانهای بین المللی، سازمانهای مردم نهاد (NGO ها) و شرکت های تجاری قادر به طرح ریزی و مدیریت فعالیت های مبارزه با مین باشند و دارای صلاحیت لازم برای انجام مأموریت های خاص مبارزه با مین باشند. لزوم تأیید عاملین مبارزه با مین از انجام این کار مطابق با اولویت ها و استاندارد های ملی پذیرفته شده اطمینان حاصل میکند.

قوانین مبارزه با مین، اختیارات لازم را به MAC برای تعیین معیارهای تأیید صلاحیت اعطاء کرده و این مرکز را به عنوان مسئول این کار معرفی میکند. روند تأیید صلاحیت معمولاً شامل امکان استیناف به NMAA در صورت اعتراض به حکم صادره میباشد. تأیید صلاحیت معمولاً مربوط به سازمانهایی میشود که در زمینه مین رویی یا آموزش مخاطرات مین و در برخی موارد تخریب ذخایر فعالیت دارند.

معمولاً اعطای اختیارات به MAC برای تأیید مراجعی که در زمینه ی حمایت از قربانیان فعالیت دارند منتهی نیست، زیرا این فعالیت ها جزیی از رویکرد های گسترده تر بهداشت و خدمات اجتماعی حقوق بشر و دیگر عوامل دولتی هستند که هدایت این بخش را بر عهده دارند.

مدیریت کیفیت برای موفقیت نهایی مبارزه با مین حیاتی است. MAC اطمینان حاصل میکند که کار پایان یافته و پروژه های در حال انجام مطابق با استانداردهای ملی و بر اساس اولویت های طرح مبارزه با مین انجام شده باشند.

عناصر دیگری که باید در نظر گرفته شود

تعاریف:

تعاریف صریح بخش مسلمی از هر قانونی هستند. قوانین مبارزه با مین باید شامل تعاریف اصطلاحاتی باشد که در مبارزه با مین و مقررات آن استفاده میشود. این موارد میتواند شامل مبارزه با مین، آزادسازی زمین، مین رویی، آموزش مخاطرات مین، حمایت از قربانیان و دیگر اصطلاحات مهم باشد. تعاریف ممکن است بر اساس IMAS توضیح داده شود و انجام چنین کاری به اطمینان از سازگاری بین استانداردها و اصلاحات قوانین کمک میکند. در بعضی موارد ممکن است نیاز به اصلاح تعاریف برای منعکس کردن وضعیت کشور آلوده وجود داشته باشد.

سایر دولت ها معاهدات را به عنوان سوژه اجرای جداگانه قانون انتخاب کرده اند. هر دولت باید بهترین روش رسیدن به اهداف مبارزه با مین خود و اجرای معاهداتی که عضو آنهاست را خودش انتخاب کند.

اجرای تعهدات معاهده بین المللی

برخی دولت‌های عضو CCM، APMBC یا پروتکل اصلاحی ۲ کنوانسیون سلاحهای متعارف خاص (CCW) نیز از پذیرش قانون مبارزه با مین به عنوان وسیله ای برای اجرای شرایط این معاهدات استفاده کرده اند. APMBC و CCM در میان سایر معاهدات علامت گذاری و پاکسازی مناطق آلوده و تخریب ذخائر مهمات را ایجاب می کنند. پروتکل اصلاحی ۲ نیز تعهداتی را برای علامت گذاری و پاکسازی مین ها، تله های انفجاری و سایر دستگاه ها دربر دارد. این فعالیت ها اغلب در چارچوب دستورالعمل NMAA یا MAC قرار می گیرند.

سایر دولت ها معاهدات را به عنوان سوژه اجرای جداگانه قانون انتخاب کرده اند. هر دولت باید بهترین روش رسیدن به اهداف مبارزه با مین خود و اجرای معاهداتی که عضو آنهاست را خودش انتخاب کند.

مسئولیت پذیری در قبال حوادث

مسئولیت پذیری در قبال حوادث مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ نگرانی بسیاری از اپراتورهای مبارزه با مین است. در سالهای اخیر نمونه هایی وجود داشته که قربانیان یا خانواده های قربانیان، آسیب های مدنی یا شکایات کیفری حوادثی را مطرح کرده اند که در زمینی رخ داده که پیشتر به عنوان پاکسازی شده تأیید شده بوده یا جاهایی که علامت گذاری ها بدون مجوز خراب یا حذف شده بود.

روش اصلی کاهش مخاطرات چنین حوادثی دقت بر این مسئله است که مداخلات مبارزه با مین بر اساس IMAS یا استانداردهای ملی مربوطه اجرا شوند. توصیه می شود که قانون بیان کند که در صورت عملکرد حرفه ای پرسنل مبارزه با مین دارای تأییدیه مسئول اتفاقات بعدی نباشد (یعنی وقتی مطابق استانداردهای تأییدشده و رویه های عملیاتی استاندارد (SOP) ها) با مراقبت کافی عمل کنند).

سایر گزینه های ممکن مدنظر قراردادن مبارزه با مین مطابق قانون ملی با همان روشهای سایر فعالیت های خطرناکی است که توسط سازمان ها برای منافع عمومی انجام می شود (مثل ادارات نیروی انتظامی یا خدمات آتش نشانی). همچنین، قانون می تواند مسئولیت را محدود کند یا وقتی زمین بر اساس SOP ها پیمایش و علامت گذاری شد یا بعد از پاکسازی مین به عنوان ایمن تأیید شده مسئولیت را به دولت منتقل کند. صرف نظر از مقررات ملی قانونی، به عاملین مبارزه با مین توصیه می شود بیمه مسئولیت را (در صورت موجود بودن) برای محافظت از دعاوی یا دادخواهی های احتمالی حفظ کنند.

هدف تمام برنامه‌های مبارزه با من بررسی مشکلات ایجاد شده بخاطر حضور واقعی و درک شده مین، مهمات خوشه‌ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ تا زمانی است که دیگر اثری بر مردم نداشته باشند و مقررات مطابق معاهدات بین‌المللی رعایت شود.

انتظار می‌رود زمانی بیاید که دیگر مشکلی باقی نمانده باشد، یا مشکلات بقدری کم شده باشند که دیگر نیازی به برنامه‌ای با ساختار بزرگ و پیچیده سازمانی نباشد. برخی از پاسخ‌ها ممکن است مناسب باشد.

ظرفیت‌های باقیمانده

با وجود برنامه‌های دقیق، جامع و مؤثر مبارزه با مین، گفتن این نکته با اطمینان مطلق سخت بوده که هر شیء خطرناکی در کشور آلوده شده بررسی و دفع شده است. این مورد بخصوص درباره مهمات منفجره باقیمانده از جنگ که ممکن است در نواحی دور دست یا عمق زمین دفن شده باشد صادق است. حتی وقتی عملیات‌های پاکسازی گسترده به پایان می‌رسد معمولاً بهتر است بخشی از ظرفیت پاکسازی نگهداری شود تا در صورت کشف مجدد اشیاء خطرناک با آنها مقابله شود.

مسئولیت انجام این کار معمولاً به یگان‌های نظامی، پلیس یا دفاع غیرنظامی واگذار می‌شود، اگرچه در برخی موارد پیمانکاران تجاری نیز دخیل هستند. مقیاس زمانی برای حفظ ظرفیت باقیمانده ممکن است طولانی باشد - فرانسه و بلژیک ظرفیت‌های خود را حفظ کرده‌اند و آنها فعالانه به دفع مهمات منفجره باقیمانده از جنگ از جنگ‌های جهانی اول و دوم مشغول هستند.

تغییرات در قانون ممکن است برای انتقال مسئولیت از یک NMAA و MAC به عناصر وزارتخانه‌ها یا ادارات دیگر ضروری است. نیاز به حفظ، بروزرسانی، ایمن‌سازی و در دسترس قرار دادن اطلاعات مربوط به آلودگی‌های قدیمی و جاری مهمترین اولویت است. مسئولیت بررسی اطلاعات ممکن است بین آرشیه‌های ملی یا سایر مخازن مشابه (برای اطلاعات تاریخی)، و واحدهای عملیاتی ظرفیت باقیمانده (برای اطلاعات جدید) تقسیم شود.

همترازی مجدد

سازمان‌ها و ادارات ایجادشده در برنامه مبارزه با مین تجربه کسب می‌کنند و درسهای را در حین عملیات‌های اصلی کسب می‌کنند. ممکن است دولت‌ها تمایل نداشته باشند نیروهای تخصصی عناصری مثل MAC را از دست بدهند. در برخی موارد آنها را به اتخاذ تصمیم‌پذیرش مسئولیت‌های جدید توسط سازمان‌های موجود وادار می‌کنند.

گرایش‌های گسترده‌تر موجود در بخش جهانی مبارزه با مین (مثل تمرکز بر مهمات خوشه‌ای، تخریب ذخائر، سلاح‌های کوچک دستی/سبک و مسائل گسترده خشونت‌های مسلحانه) ممکن است در برنامه‌های مبارزه با مین منعکس شود. حتی زمانی که مشکل مین زمینی به پایان نزدیک باشد، ممکن است سایر مشکلات قوت و اهمیت یابند.

همترازی مجدد عناصر برنامه مبارزه با مین می‌تواند توسعه مؤثر و کارآمدی باشد. دوباره اشاره شود که ممکن است برخی قوانین نیاز به اصلاح داشته باشند تا بتوانند اقتدار و مشروعیت ضروری را برای دخالت در فعالیت‌های جدید و متفاوت عرضه کنند.

تکمیل

در برخی موارد، وقتی نزاع مدت کوتاهی داشته و منجر به آلودگی محدودی شده، ممکن است برنامه پاکسازی به پایانی واضح و طبیعی برسد. لغو فعالیت‌ها، نهادها و عناصر سازمانی زمانی رخ می‌دهد که قانون آن از آیین نامه حذف شده باشد یا بلااستفاده ماندن آن مجاز شناخته شده باشد.

لغو کامل یک برنامه توأم با نگهداری حداقل مقداری کمی از ظرفیت باقیمانده امکان‌پذیر است تا در صورتی انفجار یا کشف شیئی خطرناک در موارد نادر بتوان با آن مقابله کرد.



بازدید از سایت پاکسازی مین (جمهوری دموکراتیک کنگو)

- 1 United Nations Committee on Contributions defines the assessed contributions as 'expenses of the Organization that shall be borne by the Members as apportioned by the General Assembly.' (Online). Available from: <http://www.un.org/en/ga/contributions/assessments.shtml>
- 2 Harpviken, K. B. and Roberts, R. (eds.) (2004) *Preparing the Ground for Peace: Mine Action in Support of Peacebuilding* (Online). Peace Research Institute of Oslo (PRIO) Available from: [http://file.prio.no/Publication_files/Prio/Harpviken%20and%20Roberts%20\(eds,%202004\)%20Preparing%20the%20Ground%20for%20Peace%20\(PRIO%20Report%202\).pdf](http://file.prio.no/Publication_files/Prio/Harpviken%20and%20Roberts%20(eds,%202004)%20Preparing%20the%20Ground%20for%20Peace%20(PRIO%20Report%202).pdf)
- 3 IMAS, 04.10, Definition 3.194. The National Mine Action Authority is defined as 'the government department(s), organisation(s) or institution(s) in each mine-affected country charged with the regulation, management and coordination of mine action.'
- 4 In certain situations and at certain times it may be necessary and appropriate for the UN, or some other recognised international body, to assume some or all of the responsibilities, and fulfil some or all the functions, of a national mine action authority. This occurred, for example, after a number of UN peace-keeping missions, including in Kosovo during the emergency and transition phases of mine action that followed the peace agreement between the North Atlantic Treaty Organisation (NATO) and the Federal Republic of Yugoslavia in June 1999.
- 5 In some countries, the word 'coordination' has been added to the title of the mine action centre to better reflect its activities. In Kosovo, for example, the UN coordinating body was called the Mine Action Coordination Centre (MACC).
- 6 Mansfield, I. (2002) Building National Mine Action Capacity: It Is No Myth, *The Journal of ERW and Mine Action*, 15.1.
- 7 Ibid



پیام های کلیدی

- بخش مبارزه با مین ابزارهای قانونی بین المللی که به خوبی تعریف شده و مجموعه ای بالغ از استانداردهای سیاستی را توسعه داده است.
- CCM و CCW، APMBBC از اهمیت بالایی برای مبارزه با مین برخوردار می باشند.
- مدیریت اطلاعات برای بررسی میزان سازگاری با قوانین و استانداردهای حیاتی است.
- استانداردهای بین المللی مبارزه با مین (IMAS) و استانداردهای ملی مبارزه با مین (NMAS)، چارچوبی را برای بهبود ایمنی، اثر بخشی و کارایی در بخش مبارزه با مین ارائه می کند.
- پیشرفت های آینده ممکن است مسئله استفاده از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ علیه غیر نظامیان و بقایای مواد سمی ناشی از (TRW) را بررسی کند.

مقدمه

تعدادی از قوانین و استانداردهای بین المللی مربوط به مین ها، مهمات خوشه ای، مهمات باقیمانده از جنگ (ERW) و ذخائر مهمات می باشند. معاهدات بین المللی اصلی مربوط به مبارزه با مین شامل موارد زیر هستند:

- کنوانسیون سلاح های متعارف خاص (CCW) و پروتکل های ۲ آن، اصلاح شده و ۵:
- کنوانسیون منع مین های ضدنفر (APMBBC)؛ و
- کنوانسیون مهمات خوشه ای (CCM).

تعدادی از استانداردهای بین المللی نیز مستقیماً بر مبارزه با مین تمرکز دارند نظیر:

- استانداردهای بین المللی مبارزه با مین (IMAS)؛ و
- دستورالعمل های فنی و بین المللی مهمات (IATG).

برخی قوانین دیگر مربوط به اهداف و اجرای مبارزه با مین از نظر هدف و جهت گیری اصلی بسیار گسترده تر هستند نظیر کنوانسیون حقوق افراد معلول (CRPD).

قانون بین المللی سامان دهی یا منع سلاح های متعارف

سلاح ها توسط دو نوع از قوانین کنترل می شوند:

۱. **قانون خلع سلاح** در صدد حفظ پایداری نظامی با محدود کردن یا حذف تعداد یا انواع سلاح هایی است که ممکن است به طور قانونی تولید، ذخیره و یا منتقل شوند.^۱ معاهدات خلع سلاح بر کنترل یا نابودی سلاح های خاص تمرکز دارد.
 ۲. **قانون بشردوستانه بین المللی (IHL)** هم چنین موسوم به قانون جنگ یا قانون بین المللی مناقشات مسلحانه، قواعد مربوط به کاهش رنج ناشی از نزاع های مسلحانه را با کنترل چگونگی محافظت از مبارزان در برابر آسیب های غیر ضروری و محافظت از غیر نظامیان در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی تصویب می کند.
- چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی آن در ۱۹۷۷ از اهمیت زیادی در این زمینه برخوردارند، زیرا در آنها قوانین اصلی کنترل کننده حفاظت از قربانیان جنگ و رفتار خصوصاً آمیز به تصویب رسیده است. قانون اصلی در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ قرار دارد و بیان می دارد که طرفین جنگ باید همیشه بین غیرنظامیان و نظامیان و بین تأسیسات غیر نظامی (نظیر مدارس، بیمارستان و مناطق مسکونی) و اهداف نظامی تفاوت قائل شوند.

بر این اساس، طرفین باید عملیات خود را تنها به اهداف نظامی معطوف کنند. مکمل قانون تمایز، قانون ممنوعیت حمله کورکورانه (ناشی از عدم تبعیض) است (ماده ۵۱). این قانون بیان می دارد که این حملات:

- حملاتی هستند که در جهت یک هدف نظامی خاص نمی باشند؛
- حملاتی هستند که از روش یا روش های مبارزه ای استفاده می کنند که در جهت یک هدف نظامی خاص نمی باشند؛ و
- حملاتی هستند که از یک روش یا ابزار مبارزه ای استفاده می کنند که اثرات آنها را نمی توان بر اساس این پروتکل محدود کرد.^۲

بعد از پایان جنگ سرد، قانون مربوط به سلاح ها در جنگ های مسلحانه با یک دیدگاه توسعه ای و بشر دوستانه ویژه توسعه یافت. حفاظت غیر نظامیان در برابر سلاح های غیر انسانی و کشتار جمعی یک نیروی پیشران بود. مفهوم امنیت بشر برای پیشرفت های اخیر در این زمینه بر خلاف معاهدات خلع سلاح که قبلاً گفته شد، که در آنها حفاظت از ثبات ملی و بین المللی راهبردی که یک انگیزه اصلی است، اهمیت اساسی دارد.^۳

این منجر به پذیرش معاهداتی شد که می توان آن را خلع سلاح بشر دوستانه نامید. علاوه بر تصویب منع مطلق استفاده، تولید، جا به جایی و ذخائر انواع خاصی از سلاح ها، این معاهدات لزوم اقدامات درمانی نظیر پاکسازی مین و مهمات منفجر نشده و نیز مقررات کمک به قربانیان و آموزش مخاطرات را در نظر گرفته است. خصیصه آنها همچنین یک رویکرد مشارکتی بین بخش های مختلف (ایالات، سازمان ملل و سازمانهای مردم نهاد) در نظارت و اجرای قوانین است. APMBC 1997^۴ و CCM 2008 مثال هایی خوب از این روند جدید می باشند.

کنوانسیون سلاح های متعارف خاص (CCW)

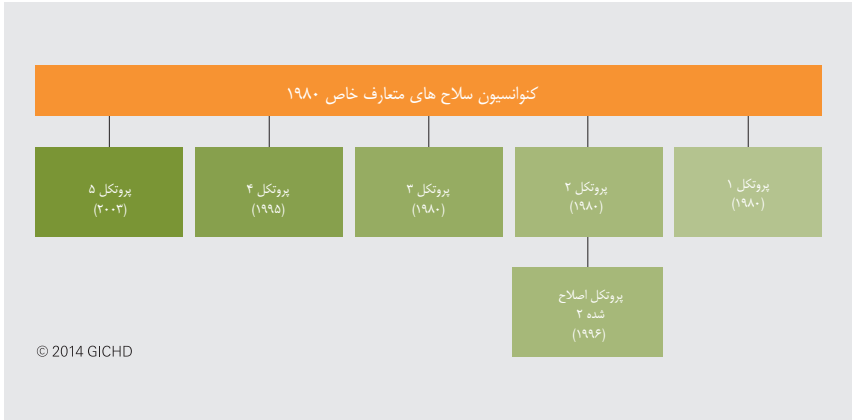
تغییر خلع سلاح متعارف به خلع سلاح بشردوستانه آنطور که در کنوانسیون سلاح های متعارف خاص که در ۱۹۸۰ میلادی به تصویب رسید، صریحاً ذکر نشده است. هنگام مذاکره در مورد CCW و پروتکل های آن،^۵ تعدادی از طرفین قرارداد بر لزوم ایجاد تعادل بین ملاحظات نظامی و بشردوستانه تأکید کردند.^۶

CCW یک معاهده چارچوب دار می باشد که قابل تعمیم به شرایط جنگ مسلحانه بوده و حاوی یک سری مفاد اصلی و پروتکل مربوط به سلاح های خاص و کاربرد آنهاست. این معاهده بر اساس قوانین عرف ساخته شده که رفتار خصومت آمیز را کنترل می کند و شامل قوانین تفکیک، تناسب، اقدامات احتیاطی در حملات و منع سلاح هایی است که آسیب ها یا صدمات جبران نشدنی بر رزمندگان وارد می آورند.

در ۱۹۸۰ میلادی، کشورها، کنوانسیون چارچوب و سه پروتکل نخست آن را تصویب کردند:

۱. پروتکل ۱ در خصوص سلاح هایی با قطعات غیر قابل تشخیص با اشعه ایکس؛
۲. پروتکل ۲ در خصوص مین های زمینی، بمب گذاری و تله های انفجاری و دستگاه های دیگر؛ و
۳. پروتکل ۳ در خصوص سلاح های آتش افروز.

پروتکل های الحاقی را می توان برای منعکس کردن نگرانی های بشر دوستانه جدید و نوظهور به CCW افزود.^۷ در نتیجه، در سال ۱۹۹۵، طرفین قرارداد پروتکل ۴ را افزودند (در خصوص سلاح های لیزری). در سال ۱۹۹۶، پروتکل ۲ به منظور تعریف مفاد آن اصلاح شد. در سال ۲۰۰۱، دامنه کنوانسیون چارچوب توسعه داده شده و شامل جنگ های مسلحانه بین المللی و ملی شد. دو سال بعد، پروتکل ۵ در خصوص مهمات باقیمانده از جنگ به تصویب رسید.



پروتکل ۲ اصلاح شده CCW

پروتکل ۲ CCW که در ۱۹۸۰ به تصویب رسید به بررسی مین ها، تله های انفجاری و سایر دستگاه ها می پردازد. این مسئله منعکس کننده وضعیت قانون عرف در آن زمان با محدود کردن استفاده از این سلاح ها بوده و مستلزم این است که برخی اقدامات عمومی برای کاهش مخاطرات برای غیر نظامیان نظیر دادن هشدار در صورت امکان اتخاذ شوند.

با این حال، بعدها مشخص شد که قواعد پروتکل ۲ در سال ۱۹۸۰، حفاظت ناکافی از غیر نظامیان در برابر اثرات مین های ضد نفر ارائه کرده است. در سال ۱۹۹۶، طرفین قرارداد CCW، پروتکل اصلاح شده ۲ (APII) را برای تعریف قوانین در خصوص این ابزارها تصویب کردند.

مین ها، تله انفجاری یا سایر ابزارها نباید غیر نظامیان و یا اهداف غیر نظامی را مورد هدف قرار داده و یا به صورت همه جانبه استفاده شوند. APII استفاده از مین های ضد نفر و مین های ضد تانک (مین هایی به غیر از مین های ضد نفر، MOTAPM) را منع می کند که برای انفجار زمانی که تجهیزات کشف مین از روی آنها عبور می کنند طراحی می شوند.

اگرچه استثنائات خاصی وجود دارند، طرفین قرارداد و سایر طرفین جنگ مسلحانه که از این سلاح ها استفاده می کنند باید:

- آنها را بعد از اتمام جنگهای فعال از محل بیرون کنند؛
- همه احتیاط های ممکن را برای حفاظت از غیر نظامیان در برابر اثرات آنها انجام دهند؛
- در رابطه با هر گونه جا به جایی این سلاح ها که بر غیر نظامیان ممکن است اثر نامطلوب داشته باشد هشدار قبلی را بدهند؛
- سوابق مربوط به محل این سلاح ها را حفظ کنند؛ و
- اقداماتی برای حفاظت از نیروها و مأموریت های حفظ صلح سازمان ملل، مأموریت های ICRC و سایر مأموریت های بشر دوستانه دیگر در برابر آثار آنها انجام دهند.^۸

APII نیز در بر گیرنده قوانینی در خصوص مین های ضدنفر می باشد:

- همه مین های زمینی ضدنفر باید با استفاده از تجهیزات فلزیاب موجود (ماده ۴) قابل کشف باشند. این بدین معنی است که حداقل ۸ گرم آهن (یا معادل آن از حیث تشخیص پذیری) باید در مین قرار داده شود (پیوست فنی APII).
- مین های ضدنفر دست کاشت باید به مکانیسم های خود غیر فعال سازی و خود انهدامی مجهز باشند مگر این که در یک منطقه مرزی کاشته شده باشند و تحت کنترل پرسنل های نظامی باشند و توسط حصار یا ابزارهای دیگر برای اطمینان از عدم تردد غیر نظامیان به منطقه حفاظت شده باشند (ماده ۵).
- مین های ضدنفر کار گذاشته شده از راه دور باید دارای استاندارد بالایی از خود غیر فعال سازی و خود انهدامی بر اساس ضمیمه فنی باشد.
- مین های ضد تانک کارگذاشته شده از راه دور باید تا حد امکان مجهز به مکانیسم های مؤثر خود انهدامی و خود خنثی سازی باشند و ویژگی خود غیر فعال سازی را نیز پشتیبانی کند (ماده ۶).
- انتقال مین هایی که استفاده از آنها بر اساس APII منع شده است غیر قانونی است. انتقال هر گونه مین به بخش مردم نهاد غیر مجاز ممنوع است.

بمب های دست ساز (IED) که به طور ویژه ای توسط گروه های مسلح مردم نهاد ساخته می شوند، نقش فزاینده ای در بسیاری از جنگها ایفا می کنند. یک IED، دستگاه یا ابزاری است که به شکل دستی ساخته شده و کار گذاشته می شود و در آن از مواد انفجاری، مخرب، کشنده، سمی، آتش زا، مواد آتش افروز، یا مواد شیمیایی طراحی شده برای تخریب، انهدام، بر هم زنی نظم و آزار و اذیت استفاده می شود. در آنها ممکن است از اجزای نظامی نیز استفاده شود، ولی طبعاً از اجزای غیر نظامی طراحی می شود. APII تنها ابزار الزام آور قانونی است که صریحاً IED را پوشش می دهد.

پروتکل ۲ اصلاح شده، تنها محدودیت های حداقلی را در خصوص استفاده از مین های ضد تانک ارائه می کند (MOTAPM). علی رغم تلاش های زیاد، هیچ گونه اجماع و توافق کلی در مورد پذیرش و تصویب قوانین سخت و سخت در رابطه با این سلاح ها حاصل نشده است. با این حال، مین های ضد تانک از دیدگاه بشر دوستانه یک نگرانی مهم به شمار می روند. در برخی از کشورها، خسارات و تلفات ناشی از مین های ضد تانک بیشتر از مین های زمینی ضدنفر رخ می دهد.

CCW پروتکل ۵

در نتیجه آگاهی روزافزون از اثرات مهمات خوشه ای و مهمات منفجر نشده (UXO) بر روی غیر نظامیان در جنگ هایی نظیر کوزوو، طرفین قرارداد، پروتکل ۵ را در سال ۲۰۰۳ تصویب کردند. پروتکل ۵، ERW را به صورت مهمات عمل نکرده (UXO) و مهمات منفجره رها شده (AXO) تعریف می کند.

UXO مواد منفجره ای است که برای جنگ های مسلحانه، آماده، ماسوره گذاری و مسلح شده است و باید منفجر می شده ولی این امر به وقوع نپیوسته است (ماده ۲، بند ۲). UXO شامل نارنجک دستی، خمپاره، ریز مهمات های منفجره یا بمب هایی است که استفاده شده ولی برخلاف انتظار منفجر نشده است.

AXO به معنی مهمات انفجاری است که طی یک جنگ مسلحانه استفاده نشده، با این حال توسط یک گروه به یک منطقه جنگی وارد شده است، طوری که دیگر تحت کنترل گروه مربوطه نیست (ماده ۲، بند ۳).

تحت پروتکل ۵:

- گروه تحت کنترل قلمرو آلوده، مسئول پاکسازی، حذف یا تخریب مهمات منفجره باقیمانده از جنگ می باشد (ماده ۳).
- همه اقدامات احتیاطی ممکن برای حفاظت از غیرنظامیان در برابر مخاطرات و آثار (ماده ۵) لازم باشد.
- در مواردی که کاربر مهماتی که جزئی از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ بوده و بر قلمرو آسیب دیده کنترلی ندارد، این گروه بعد از توقف مخاصمه ملزم به ارائه کمک های فنی، مالی، مادی و انسانی به صورت دو جانبه و یا از طریق شخص ثالث مورد توافق طرفین (بند ۳) می باشد.
- هر دولت عضو در موضع انجام کار ملزم به ارائه کمک برای یافتن و پاکسازی، حذف و انهدام مهمات باقیمانده از جنگ و برای آموزش در مورد مخاطرات برای جمعیت غیر نظامیان می باشد (مطابق ماده ۸).

در CCW و به ویژه در پروتکل ۵، تعدادی از ملزومات توسط برخی عبارات نظیر "تا حد امکان" مشخص شده اند.^{۱۰} یک مثال ماده ۳ است که در آن بیان شده است که بعد از توقف مخاصمه فعال و در اسرع وقت، هر یک از طرفین معظمین معاهدتین و طرفین جنگ مسلحانه باید اقدام به علامت گذاری، پاکسازی، خارج سازی و یا انهدام مواد منفجره جنگ در مناطق جنگ زده تحت کنترل خود کنند. اگرچه این در پروتکل به منظور افزایش انعطاف پذیری اجرای ملزومات با توجه به شرایط عدم قطعیت که اغلب حول انتهای جنگ لحاظ شد، این عبارات ممکن است مورد سوءاستعمال قرار گیرد، زیرا کشور یا طرف عضو ممکن است ادعا کند که این عملیات غیر ممکن است.

هم چنین CCW ممکن است با چالش عدم اجرای مناسب توسط گروه های مسلح غیر عضو مواجه شود.^{۱۱} همانند بسیاری از IHL ها، معاهدات خلع سلاح و قوانین بین المللی عمومی، اطمینان از رعایت قوانین در میان گروه های مسلح غیر عضو یک چالش جاری محسوب می شود.

کنوانسیون منع مین ضدنفر (APMBC)

APMBC در ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۷ به تصویب رسیده و در ۱ مارس ۱۹۹۹ اجرا شد. این کنوانسیون هدف کاملاً بشر دوستانه داشت. مقدمه آن با یک بند شروع می شود که میزان آسیب غیر نظامیان را تحت اثرات مین های زمینی برجسته کردند:

دولت های عضو مصمم به پایان دادن به آسیب ها و تلفات ناشی از مین های ضدنفر که صدها انسان را هر هفته، به خصوص غیر نظامیان بی دفاع و بی گناه و کودکان را کشته یا معلول کرده، مانع از توسعه اقتصادی و بازسازی آن شده، مانع از بازگشت پناهنده ها و افراد جا به جا شده داخلی می شوند و یا بعد از کارگزاری، چندین عواقب دیگر را نیز دارند می باشند.^{۱۲}

بند آخر مقدمه بیان می دارد که کنوانسیون بر اساس قوانین بشر دوستانه بین المللی است و این که حقوق طرفین جنگ مسلحانه در انتخاب روش ها و ابزارهای جنگ افزاری محدود نیست و بر اساس اصلی است که مانع از درگیری در جنگ های مسلحانه است که موجب وارد آمدن آسیب های غیر ضروری شده و مبتنی بر این اصل است که باید بین غیر نظامیان و نظامیان تفکیک قائل بود.

APMBC:

- توسعه، تولید، استفاده، انتقال و ذخیره سازی مین های ضدنفر را منع می کند.
- انهدام مین های ضدنفر ذخیره شده را طی چهار سال تأکید می کند.
- پاکسازی مین های ضدنفر را طی ۱۰ سال تأکید می کند.
- پشتیبانی برای کمک به قربانیان را تأکید می کند.

این معاهده در راستای حذف آسیب های وارده بر غیرنظامیان تحت تأثیر مین های ضدنفر است. برای رسیدن به این هدف، کنوانسیون منعیات جامع را برای پیشگیری از استفاده از مین های AP و نیز اقدامات درمانی را برای برطرف کردن نیاز های افرادی که از این سلاح ها رنج می برند تصویب کرد.

APMBC استفاده از مین های ضدنفر را تحت هر شرایط منع می کند (ماده ۱). این همه موارد زمان صلح، جنگ مسلحانه و یا آشفتنگی داخلی را شامل می شود. طرفین حتی اگر با دفاع نظامی قریب الوقوع تهدید شوند، نمی توانند به مین های ضدنفر در حمله و یا دفاع از خود استفاده کنند.

کنوانسیون امکان پرده پوشی هیچ یک از مفاد خود را نمی دهد. دولت یا کشور عضو باید همه ذخائر مین ضدنفری را که دارد و یا تحت کنترل و اختیار آن است طی چهار سال بعد از عضویت در APMBC منهدم کند (ماده ۴).

هر یک از دولت های عضو ملزم به پاکسازی همه مین های ضدنفر در مناطق مین گذاری شده تحت اختیار خود طی ۱۰ سال می باشد (ماده ۵). هر یک از دولت های عضو که در این مدت زمان قادر به اجرای قانون نیستند می توانند تمدید این حکم را درخواست کنند. این درخواست تمدید باید به طور کتبی و موجه نوشته شده و به کشورهای عضو برای تأیید تسلیم شود.

ماده ۶ شامل مفادی در خصوص کمک به قربانیان است، یکی از دلایلی که APMBC یک توسعه هنجاری پیشگامانه در نظر گرفته می شود، اگرچه همانند کنوانسیون مهمات خوشه ای، جزییات آن به طور صریح بیان نشده بود.



مراسم امضای APMBC (اتاو ۱۹۹۷)

تا به امروز، بیش از سه چهارم کشورهای دنیا APMBC را تصویب کرده اند و بسیاری هم که آن را تصویب نکرده اند به مفاد آن پایبند بوده و یک قانون بین المللی را علیه استفاده از مین های ضد نفر به طور شفاف تثبیت کرده اند. APMBC در ترویج و بهبود مبارزه با مین در زمین و افزایش پشتیبانی بین المللی در این بخش مفید بوده است.

کنوانسیون مهمات خوشه ای (CCM)

CCM در می ۲۰۰۸ تصویب شده و در آگوست ۲۰۱۰ وارد مرحله اجرایی شد. ساختار آن مشابه با APMBC بوده و مفاد آن در بر گیرنده ملزوماتی در خصوص استفاده، پاکسازی، انهدام ذخائر، تهیه گزارش، کمک به قربانیان و همکاری بین المللی است. این هم چنین بر اساس قانون حقوق بشر دوستانه بین المللی است.

:CCM

- توسعه، تولید، استفاده، جا به جایی و ذخیره مهمات خوشه ای را منع می کند.
- مستلزم انهدام معمات خوشه ای ذخیره شده در طی ۸ سال است.
- مستلزم پاکسازی مهمات خوشه ای باقیمانده (مواد منفجره عمل نکرده یا مهمات خوشه ای رها شده) در طی ۱۰ سال است.
- مستلزم کمک های حساس سنی و جنسیتی به قربانیان - افرادی که به دلیل مواد منفجره انفجاری آسیب دیده اند - علاوه بر خانواده های آنها و جوامع درگیر.

این کنوانسیون با بیان این مسئله که جمعیت های غیرنظامیان و تک تک غیرنظامیان در حال تحمل آسیب های ناشی از جنگ های مسلحانه هستند شروع می شود. سپس هدف این معاهده بیان می شود: پایان دادن همیشگی به همه آسیب ها و تلفات ناشی از مهمات خوشه ای در زمان استفاده، در زمانی که عمل نکرده باشند و یا حتی در زمانی که رها شده باشند.

بمب های خوشه ایی باقیمانده، موجب کشته شدن یا معلولیت غیرنظامیان از جمله کودکان و زنان شده، مانع از توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق کاهش معیشت، جلوگیری از بازسازی و احیای بعد از جنگ، تاخیر یا جلوگیری از بازگشت پناهنده ها و یا افراد جا به جا شده در داخل شده و اثر منفی می تواند بر تلاش های بشردوستانه و صلح آمیز ملی و بین المللی گذاشته و دارای سایر عواقب جدی دیگر می باشد که می تواند سالها بعد از استفاده باقی بماند.

اگرچه ساختار و رویکرد CCM و APMBC تا حدودی همسو است، این رژیم های حقوقی بین المللی در مراحل مختلف توسعه خود هستند. CCM یک سری مفادی را در بر دارد که فراتر از آن چه که تحت عنوان APMBC شده است می باشد:

- ماده ۵ دارای گسترده ترین مفاد و قوانین در خصوص کمک به قربانیان می باشد که در معاهده قانون بشردوستانه یا خلع سلاح وجود ندارند. هر کشور عضو که دارای قربانیان مهمات خوشه ای در قلمرو خود و یا تحت کنترل خود می باشد، باید برای این قربانیان کمک های پزشکی و توان بخشی فیزیکی، پشتیبانی روان شناسی، و اولویت های اجتماعی اقتصادی قائل شود. به علاوه، کشور مربوطه باید اقدام به ارزیابی نیازهای داخلی در این زمینه ها و توسعه طرح ها و استفاده از منابع برای برطرف کردن این نیاز ها کند. تعریف قربانیان در کنوانسیون بسیار گسترده است و نه تنها افراد کشته شده یا آسیب دیده تحت تأثیر مهمات خوشه ای را شامل می شود، بلکه در بر گیرنده خانواده ها و جوامعی است که از عواقب اجتماعی اقتصادی آن رنج برده اند.
- ماده ۹ کشورهای عضو را ملزم به اتخاذ همه اقدامات مدیریتی و قانونی مناسب برای اجرای این کنوانسیون از جمله ملزومات مثبت و منفی CCM می کند (APMBC تنها کشورهای عضو را ملزم به اجرای اقدامات ملی به منظور اطمینان از رعایت ملزومات منفی تحت کنوانسیون می کند).^{۱۴}
- ماده ۲۱ (۱) و (۲) هر یک از کشورهای عضو را ملزم به جامعیت بخشیدن به کنوانسیون می کند تا هتجار هایی را که تشکیل می دهند ترویج کرده و تمام تلاش خود را در راستای منع کشورهای غیرعضو در استفاده از مهمات خوشه ای به کار گیرند.

از ژانویه ۲۰۱۴، ۸۴ کشور CCM را تصویب کرده اند. این پیشرفت قابل توجهی است، ولی هنوز راهی بس دراز برای رسیدن به پذیرش جهانی این معاهده وجود دارد. همانند APMBC، منابع کمکی زیادی نیز در دهه های بعدی برای کمک به پاکسازی و انهدام ذخائر در مهلت معین شده توسط CCM در فقیرترین کشورها و جنگ زده ترین آنها لازم خواهد بود.



مراسم امضای CCM (اوسلو ۲۰۰۸)

چالش مهم دیگر، مشکل کشورهای عضو در ارائه کمک به کشورهای غیر عضو CCM در زمینه همکاری و عملیات نظامی است (گاهی مواقع موسوم به همکاری نظامی). در برخی مواقع، کشورهای CCM از نظر تفسیر ملزومات ذکر شده در ماده ۲۱ CCM تفسیر متفاوتی را دارند و این می تواند موجب افزایش تنش میان کشورهای عضو شود.^{۱۴}

پیشرفت های آینده

ابزارهای قانونی بین المللی تعریف شده و مجموعه ای از استانداردهای سیاستی در زمینه عملیات میان توسعه یافته است. APMBBC و CCM الهام بخش جامعه بین الملل در حرکت به سمت زمینه های جدید نظیر استفاده از سلاح های انفجاری و بقایای سمی جنگ است (TRW).

استفاده از سلاح های منفجر شونده در مناطق پر جمعیت

استفاده از سلاح های منفجر شونده در مناطق پر جمعیت به طور مستقیم بر غیر نظامیان (هم در زمان استفاده و هم پس از آن به دلیل مهمات عمل نکرده یا رها شده) صدمه می زند و به طور غیر مستقیم آنها را از طریق آسیب وارده بر زیر ساختار ها متاثر می سازد (نظیر عرضه آب و بهداشت).

سلاح های انفجاری از طریق منفجر شدن و پراندن ترکش به اطراف نقطه انفجار، موجب کشتار، زخمی شدن و یا خسارت می شود. این سلاح ها شامل بمب های خمپاره ای، گلوله توپ، بمب های هواپیما، کلاهک های راکتی و موشکی، مواد منفجره و دستگاه های انفجاری (IED) می باشند. شواهد رو به رشدی در مورد سطوح بالای آسیب های وارده بر غیر نظامیان وجود دارد که نشان می دهد پاسخ های مؤثر و جامع تر برای اطمینان از حفاظت غیر نظامیان و ایجاد تغییرات در رفتار کاربران سلاح های انفجاری نیاز است.^{۱۵}

در سال ۲۰۱۱، چندین سازمان مردم نهاد نگرانی خود را در مورد استفاده از سلاح های انفجاری در مناطق پر جمعیت ابراز کرده و شبکه بین المللی سلاح های انفجاری INEW را تشکیل دادند.^{۱۶} INEW کشورها و سایر بخش ها را ملزم به موارد زیر می کند:

- قبول کنند که استفاده از سلاح های انفجاری در مناطق پر جمعیت موجب وارد شدن آسیب جدی بر افراد و جوامع شده و آسیب های ناشی از وارد آمدن خسارت بر زیر ساخت های حیاتی می شود.
- از این صدمات و آسیب ها در هر شرایط اجتناب کرده، و سیاست ها و عملیات ملی در خصوص استفاده از سلاح های انفجاری را بازنگری و تعریف کرده و داده های مربوطه را جمع آوری کرده و آنها را قابل دسترس برای همگان سازند.
- برای تحقق کامل حقوق قربانیان و بازمانده ها تمام سعی خود را بکنند.
- استانداردهای بین المللی قوی تر از جمله موانع و محدودیت های خاص در خصوص استفاده از سلاح های انفجاری در مناطق پر جمعیت را توسعه دهند.

همانند مین های ضدنفز، مهمات خوشه ای و سایر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، سازمان ملل، ICRC و جامعه مدنی از طریق INEW برای افزایش آگاهی در خصوص اثر گذاری دولت ها بر تغییر و قوانین مشارکت و تفکر در مورد نتایج و عواقب قبل از استفاده از انواع سلاح های انفجاری به منظور پیش گیری و یا حداقل کاهش آسیب ها و خسارت ها بر غیر نظامیان همکاری می کنند.

بقایای سمی جنگ (TRW)

عملیات و مواد نظامی خاص می توانند منجر به بروز یک سری آسیب های زیست محیطی شود که بر سلامت غیر نظامیان نیز اثر گذاشته و موجب اختلال در بهبود و بهبودی بعد از جنگ می شود.

اگرچه اثر مهمات باقیمانده از جنگ به خوبی اثبات و به طور روز افزونی مدیریت می شوند، توجه کمی به مواد سمی آزاد شده طی فعالیت های نظامی شده است. TRW به صورت زیر تعریف می شود: هر گونه ماده سمی یا رادیولوژیکی ناشی از فعالیت های نظامی که برای انسان و اکوسیستم خطر در پی دارد.^{۱۷}

پروژه TRW به مرور شکاف های موجود در تعهدات کشورها برای موارد زیر می پردازد:

- کاهش آسیب های زیست محیطی و انسانی مواد سمی با منشأ نظامی.
- بررسی سیستم های موازی حفاظت را بر اساس قوانین حقوق زیست محیطی و بشری و چارچوب های مقرراتی زمان صلح.^{۱۸}

استانداردهای بین المللی

رهنمودها و دستور العمل های جهانی منسجمی برای ثبت عملیات مناسب در زمینه استانداردهای بین المللی و کمک به ترجمه آنها به استانداردهای ملی وجود دارد. از مهم ترین آنها، استانداردهای بین المللی مبارزه با مین است (IMAS).^{۱۹}

IMAS

سازمان بین المللی استاندارد سازی ISO و IMAS، استاندارد را به صورت یک توافق نامه حاوی اطلاعات فنی و غیره در مورد اطمینان از مطابق بودن فرایند ها و خدمات با اهداف تعریف می کند.

IMAS رهنمود ها و اصولی را ارائه کرده و در برخی موارد، ملزومات و مقررات بین المللی را تعریف می کند. آنها برای بهبود ایمنی، کارایی و کیفیت در مبارزه با مین و بهبود رویکردهای متداول و پایدار برای انجام مبارزه با مین طراحی می شوند. IMAS درصدد ارائه دستور العملی برای توسعه استانداردهای ملی، روش های عملیاتی استاندارد و مواد آموزشی در مبارزه با مین می باشد.

استانداردها، اطلاعات عمومی در خصوص قوانین و معاهدات موجود مؤثر بر مبارزه با مین به خصوص قوانین مربوط به حقوق بشر، ملزومات پاکسازی مین، علامت گذاری مناطق خطرناک و مسائل ایمنی عمومی ارائه می کند. آن به پروتکل های APMB، CCM و CCW استناد کرده و به مسئولان مبارزه با مین در توسعه استانداردهای ملی کمک می کنند.

۵ اصل اساسی شکل دهنده IMAS می باشند:

۱. IMAS دستورالعمل هایی برای استانداردهای ملی در برنامه های ملی است.
۲. استانداردها باید مناطق و افرادی که در معرض بیشترین مخاطرات را دارند در اولویت قرار دهند.
۳. تأکید بر توسعه ظرفیت ملی برای توسعه، حفظ و کاربرد استانداردهای مناسب برای مبارزه با مین.
۴. استانداردها باید با هنجارها و معیار های بین المللی دیگر مطابق باشند.
۵. استانداردها باید مطابق با معاهدات و کنوانسیون های ملی باشند.

IMAS در دهه ۱۹۹۰ از طریق یک فرایند مشاوره ای با نمایندگان انجمن مبارزه با مین از جمله آژانس های سازمان ملل، مسئولان ملی مبارزه با مین (NMAA)، ایزو، نظامیان، شرکت های تجاری و متخصصان آغاز به کار کرد. این گروه ها در قالب بازنگری IMAS به ریاست سرویس مبارزه با مین سازمان ملل (UNMAS) و کمک دبیر خانه GICHD گرد هم آمدند.

هیئت بررسی:

- توسعه پیش نویس IMAS را هدایت می کند؛
- به بحث و بررسی مسائل پرداخته و مسئول تأیید پیش نویس IMAS است؛ و
- یادداشت های فنی تولید می کند که اصول، مشاوره و اطلاعات مربوط به موضوعات فنی و یا IMAS ویژه در اختیار می گذارد.

این فرایند تحت نظارت گروه پیشگام IMAS است. استانداردهای حاصله در نهایت توسط گروه همکاری بین آژانسی بین المللی - مبارزه با مین تأیید می شود (ICG-MA).

IMAS ملزومات الزام آور قانونی برای دولت ها همانند معاهدات نظیر پروتکل های APMB، CCM و CCW برای کشورهای عضو نمی باشند. مبارزه با مین در طیف وسیعی از شرایط مختلف رخ می دهد که همه آنها در صدد انجام وظیفه خود بر اساس بهترین استانداردها می باشند (یعنی در هنگام و بلافاصله بعد از جنگ مسلحانه، در هنگام شرایط اضطراری بشری و یا حتی سال ها بعد از جنگ در حفاظت از غیر نظامیان و فعالیت های توسعه املاک).

معاهدات الزامات قانونی کشورهای عضو را تصویب می کند در حالی که IMAS اسناد زنده ای هستند که در حال تغییر بوده و در صورت لزوم اصلاح می شود. با این وجود، IMAS منابع اصلی توسعه استانداردهای ملی می باشند که دارای الزام قانونی در بسیاری از کشورها هستند.

توسعه استانداردهای ملی توسط NMAA معمولاً مستلزم صرف زمان است طوری که IMAS اغلب در این حالت استفاده می شود. به علاوه، سازمان ملل از IMAS در همه قراردادهای مبارزه با مین استفاده کرده و نظامیان را تشویق به انجام پاکسازی بر اساس IMAS هنگام مشارکت در مین زدایی بشر دوستانه می کنند. در نتیجه، IMAS برای بخش مبارزه با مین از اهمیت بالایی برخوردار بوده و به اطمینان از کامل شدن کار به شکل ایمن و کارآمد کمک می کند.

چارچوب IMAS، مجموعه ای جامع از استانداردها را در قالب ۱۴ سری موضوعی ارائه می کند. این سری های موضوعی مطابق با استانداردهای بین المللی دیگر و مطابق با مقررات بین المللی، کنوانسیون ها و معاهدات نوشته می شوند. علاوه بر معاهدات مربوط به سلاح های مختلف، کنوانسیون ها و پروتکل ها، این موارد شامل استانداردهای ایمنی محل کار در سازمان جهانی کار و استانداردها و دستورالعمل ایزو در مورد مدیریت ریسک و کاربرد سیستم های کیفیت هستند.

شکل ۴

چارچوب IMAS (فوریه ۲۰۱۴)

دستورالعمل کاربرد IMAS	
دستورالعمل کاربرد IMAS	۰۱،۱۰
راه اندازی برنامه های مبارزه با مین	
دستورالعمل راه اندازی برنامه های مبارزه با مین	۰۲،۱۰
آزمایش و ارزیابی تجهیزات	
دستورالعمل تأمین تجهیزات مبارزه با مین	۰۳،۱۰
فرایند تهیه و تدارک	۰۳،۲۰
دستورالعمل تحقیقات فناوری مبارزه با مین	۰۳،۳۰
تست و ارزیابی تجهیزات مبارزه با مین	۰۳،۴۰
فرهنگ واژگان و تعاریف	
فرهنگ واژگان، تعاریف و اختصارات مبارزه با مین	۰۴،۱۰
مدیریت اطلاعات	
مدیریت اطلاعات	۰۵،۱۰
مدیریت آموزش	
مدیریت آموزش	۰۶،۱۰

مدیریت، تأیید صلاحیت و نظارت

دستورالعمل مدیریت عملیات های مین زدایی	۰۷,۱۰
آزادسازی زمین	۰۷,۱۱
دستورالعمل توسعه و مدیریت قراردادهای مبارزه با مین	۰۷,۲۰
تأیید صلاحیت سازمانهای مین زدایی	۰۷,۳۰
نظارت بر سازمانهای مین زدایی	۰۷,۳۰
نظارت برانهدام ذخائر	۰۷,۳۲

پیمایش

پیمایش عمومی	۰۸,۱۰
پیمایش فنی	۰۸,۲۰
مستندسازی پس از پاکسازی	۰۸,۳۰
علامت گذاری خطرات	۰۸,۳۰

پاکسازی مین و مهمات باقیمانده از جنگ

ملزومات پاکسازی	۰۹,۱۰
پاکسازی منطقه جنگی	۰۹,۱۱
پاکسازی مهمات EOD	۰۹,۱۲
دستورالعمل نمونه برداری پس از پاکسازی	۰۹,۲۰
امحاء مواد منفجره EOD	۰۹,۳۰
دستورالعمل استفاده از سگ های مین یاب	۰۹,۳۰
روش های عملیاتی برای سگ های مین یاب	۰۹,۳۱
آزمایش عملیاتی سگهای مین یاب و سگ بانها	۰۹,۳۲
ردیابی مواد منفجره از راه دور-REST	۰۹,۳۳
دستورالعمل حفاظت از سلامت شغلی و سگ	۰۹,۳۳
مین زدایی مکانیزه	۰۹,۵۰

ایمنی مبارزه با مین و سلامتی شغلی

اصول عمومی مبارزه با مین و سلامتی شغلی	۱۰,۱۰
ایمنی منطقه عملیاتی مین زدایی	۱۰,۲۰
تجهیزات حفاظت شخصی - PPE	۱۰,۳۰
پشتیبانی پزشکی از عملیات های مین زدایی	۱۰,۴۰
ذخیره، انتقال و جا به جایی مواد منفجره	۱۰,۵۰
تهیه گزارش و بررسی حوادث مین زدایی	۱۰,۶۰
ایمنی و بهداشت شغلی - حفاظت از محیط زیست	۱۰,۷۰

انهدام ذخائر مین / مهمات عمل نکرده

راهنمای انهدام ذخائر	۱۱,۱۰
عملیات انهدام باز و سوزاندن باز (OBOD)	۱۱,۲۰
دستورالعمل های برنامه ریزی ملی برای انهدام ذخائر	۱۱,۳۰

آموزش مخاطرات ات مین و مهمات باقیمانده از جنگ

آموزش مخاطرات مین و مهمات باقیمانده از جنگ	۱۲,۱۰
--	-------

ارزیابی برنامه های مبارزه با مین

دستورالعمل ارزیابی ارکان مبارزه با مین	۱۲,۱۰
--	-------

دیگر استانداردهای بین المللی

از زمان توسعه اولیه IMAS، استانداردهای بین المللی در زمینه های مربوط به و یا دارای هم پوشانی با مبارزه با مین ارائه شده است. این استانداردها قابل تعمیم به عاملین و شرکت های مبارزه با مین بسته به شرایط خاصی که در آن کار می کنند و انواع فعالیت هایی که اتخاذ می کنند می باشد.

دستورالعمل های فنی بین المللی مهمات (IATG)

در سال ۲۰۰۸، نیاز به مدیریت مناسب ذخائر مهمات اضافی مشخص شد. این شامل موارد زیر است:

- سیستم های طبقه بندی و حسابداری (برای اطمینان از جا به جایی و ذخیره ایمن و شناسایی مازاد ها ضروری است).
- سیستم های امنیت فیزیکی و روش های آزمایش و نظارت برای ارزیابی پایداری و قابل اطمینان بودن مهمات.

دستورالعمل های فنی بین المللی مهمات IATG توسط هیئت بررسی فنی متشکل از متخصصان کشورهای مختلف عضو با پشتیبانی از سازمانهای بین المللی و سازمانهای مردم نهاد تهیه شد. دستورالعمل ها در اواخر سال ۲۰۱۱ کامل شدند.

سازمان ملل به طور مرتب IATG را برای منعکس کردن توسعه قوانین و عملیات مدیریت ذخائر مهمات و استفاده از اصلاحات بازنگری می کند. IATG در سطح لجستیک عمل کرده و ملزومات فنی را برای ذخیره ایمن، مؤثر و کارآمد، فرآوری، حمل و نقل و دفن مهمات ارائه می کند.

استانداردهای بین المللی کنترل تسلیحات کوچک (ISACS)

تسلیحات کوچک و سلاح های سبک (SALW) در جنگ های مسلحانه، بعد از جنگ و نیز در سایر شرایط شکننده و آشفته به کار می روند. تکثیر کنترل نشده، تجارت غیر قانونی و سوءاستفاده از تسلیحات کوچک و سلاح های سبک امری رایج است.

در جولای ۲۰۰۸، قانون همکاری بین آژانس سازمان ملل در خصوص تسلیحات کوچک (CASA) از رویکردی برای توسعه ISACS در امتداد خطوط IMAS استفاده کرد. ISACS در آگوست ۲۰۱۲ دستورالعمل شفاف، عملی و جامع برای متخصصان و سیاستمداران در رابطه با ابعاد اساسی کنترل تسلیحات کوچک و سبک ارائه کرد. ISACS از این حیث شبیه IMAS است که دارای چارچوبی است که به یک سری مازول موضوعی تقسیم می شود از جمله مدیریت ذخائر، علامت گذاری، رکورد گذاری و انهدام سلاح.

قوانین ملی و استانداردهای ملی مبارزه با مین (NMAA)

به منظور هماهنگی فعالیت های مبارزه با مین و مهمات عمل نکرده، کشور تحت تأثیر مین به طور طبیعی یک مرجع مبارزه با مین ملی (NMAA) و یک مرکز مبارزه با مین (MAC) را تأسیس می کند. NMAA، برنامه های مبارزه با مین ملی را هماهنگ کرده و سیاست های مربوطه، استانداردهای ملی مبارزه با مین و مقررات مربوطه را اشاعه می کند (و در برخی موارد روش های اجرای استانداردها).

MAC، فعالیت های مبارزه با مین را در منطقه هماهنگ می کند. در این راستا سیاست های NMAA اجرا شده و کارهای روزمره سازمان هایی را که مبارزه با مین انجام می دهند هماهنگ می شوند.

به منظور افزایش قابلیت اطمینان NMAA و MAC و افزایش اعتبار قانونی آنها در انجام مسئولیت ها، ابزارهای قانونی معمولاً برای تثبیت آنها همانند مرجع های دولتی رسمی با مسئولیت های رسمی استفاده می شود.

کشورهای متأثر از مین از انواع مختلف ابزارهای قانونی به منظور ایجاد NMAA و یا MAC و نیز کنترل فعالیت های مبارزه با مین استفاده می کنند. این موارد شامل لایحه های تصویب شده در مجلس، فرمانها، حکم ها و ابزارهای قانونی مشابه صادر شده توسط رئیس جمهور یا نخست وزیر هستند. تجربه و مطالعات نشان می دهد که دولتها باید از قوانین ملی برای هماهنگی و کنترل قانونی مبارزه با مین استفاده کنند.

قوانین ملی

قوانین ملی معمولاً، نقش ها و مسئولیت های NMAA و MAC را تعریف و شناسایی می کنند. این قوانین نشان می دهد کدام یک از وزارتخانه ها، بخش ها و یا اعضای مدیریت باید فعالیت های مختلف NMAA را نظارت کند و این که کدام یک از وزرا یا مسئولان باید اعضای NMAA باشند - معمولاً مسئولانی از وزرات کشاورزی، دفاع، آموزش و پرورش، امور خارجه، بهداشت، زیرساخت و غیره.

قانون مبارزه با مین باید برای حل مسائل خاص مین / مهمات منفجره باقیمانده از جنگ در هر کشور طراحی شود. این قانون اجزای مبارزه با مین را که در یک کشور اتفاق می افتد، از جمله موارد زیر شناسایی می کند:

- پیمایش، نقشه برداری و علامت گذاری مناطق آلوده به مین/ مهمات منفجره باقیمانده از جنگ؛
- پاکسازی؛
- آموزش مخاطرات مین/ مهمات منفجره باقیمانده از جنگ؛
- مسئولیت مدیریت کیفیت؛
- انهدام ذخائر (برای کشورهای عضو کنوانسیون منع مین های زمینی (APMBC)؛ و
- کمک به قربانیان.

قانون برای اختیار دادن به MAC به منظور تأیید پیش نویس استانداردهای ملی، دستورالعمل های مدیریتی و مقررات توسط NMAA و اطمینان از این که در صورت تصویب، به همه فعالیت های مین / مهمات منفجره باقیمانده از جنگ در کشور قابل کاربرد باشند استفاده می شود.

به منظور اطمینان از این که مبارزه با مین/ مهمات منفجره باقیمانده از جنگ به طور ایمن و هماهنگ با اولویت های ملی انجام می شوند، قانون مبارزه با مین، اختیار کاملی را به MAC برای به رسمیت شناختن همه عاملین و شرکت های مبارزه با مین در کشور و نظارت فعالیت های آنها را به صورت مکرر می دهد. این قانون MAC را ملزم می کند تا از IMAS به عنوان اساس توسعه NMAS استفاده کند. برای کشورهای عضو APMBC، CCW یا CCM، قانون مبارزه با مین به عنوان ابزاری برای اجرای ملزومات این معاهدات استفاده می شود.

جزئیات بیشتر در خصوص توسعه قانون ملی در چرخه حیات برنامه مبارزه با مین را می توان در فصل ۲ مشاهده کرد.

استانداردهای ملی مبارزه با مین (NMAS)

NMAS برای تطبیق IMAS مطابق با محیط و شرایط کشور خاص توسعه می یابد. اهداف آنها به شکل زیر است:

- بهبود ایمنی و کارایی؛
- ارائه سطوح توافق مشترک عملکرد؛
- بهبود همکاری؛
- اطمینان از ساخت ظرفیت ملی؛
- اطمینان از اعتماد در مبارزه با مین؛ و
- کمک به کشورها در برآورده کردن ملزومات معاهداتی آنها.

ضمن ارائه پیش نویس NMAS، این مسئله مهم است که NMAA و MAC به طور کامل مسئله مین/ERW را در کشور درک کرده، همه ذی نفعان را در فرایند مشارکت داده و به اصول ارائه شده توسط IMAS احترام بگذارند.

NMAS باید دارای قوانین و سیاست های مناسب و ملزومات NMAA و عاملین و شرکت های مین زدایی در کشورها باشند. آنها به اجزای کارکردی مبارزه با مین (آموزش مخاطرات مین، شناسایی، پاکسازی، ذخایر، کمک به قربانیان) و نیز فعالیت های مبارزه با مین (اعتبار بخشی، نقشه برداری، علامت گذاری، تهیه گزارش، پاکسازی، EOD، BAC، تحویل زمین و نظارت، بررسی سگ ها، ماشین های مین یاب، پشتیبانی پزشکی) بیان میکنند.

در بیشتر موارد، NMAA مسئولیت پیش نویس را ضمن حفظ مسئولیت تأیید رسمی آنها به MAC اعطا می کند.

NMAS و مسئولیت

NMAS یک فرصت مهم را برای پاسخ دادن به سؤالات مسئولیتی ارائه می کند.

در رابطه با اراضی دولتی، قبل از پیمایش و پاکسازی، دولت مسئول منطقه منطقه خطرناک و هر گونه انفجار یا حادثه می باشد. طی پیمایش و پاکسازی، مسئولیت سازمان انجام مبارزه با مین است.

NMAA و MAC باید سیاست هایی را توسعه دهند که دقیقاً در بر گیرنده جزییات و ابعاد مسئولیت پذیری از جمله تغییر در مسئولیت از شرکت مین روب تا دولت یا جوامع محلی هنگام برآورده شدن معیار های خاص باشد. این مستلزم استانداردها و روش و رویکرد های مناسب در سرتاسر عملیات مین زدایی است.

استانداردهایی باید برای حفظ داده ها و اطلاعات برای پشتیبانی از تحقیقات آینده در صورت هر گونه اتفاق یا رخداد وجود داشته باشد و یا باید دیگر شواهد مربوط به مخاطرات باقی مانده غیر قابل قبول کشف کند.

وضعیت قانونی NMAS

یک جنبه مهم NMAS وضعیت قانونی آنهاست. اگرچه بسیاری از کشورها دارای NMAS های خاص مبتنی بر IMAS هستند، قانونی بودن و کلیت این استانداردهای ملی به دلیل شیوه تکثیر آنها و شفافیت قوانین اصلی زیر سؤال می رود.

در بسیاری از موارد NMAS توسط عناصر برنامه مبارزه با مین تشخیص داده شده و استفاده می شود با این حال در برخی موارد معدود، NMAS تنها توسط MAC استفاده شده و و یا توسط سازمان دیگر نه اجرا شده و نه شناخته شده است (حتی استفاده از دیگر بخش های دولتی با مسئولیت برخی ابعاد مبارزه با مین).

برنامه های ملی که شامل طیف وسیعی از سازمان ها و عملیات است، به خصوص برنامه هایی که در آنها فعالیت های تجاری قراردادی در پشتیبانی از صنایع مهندسی شهری، مواد و منابع وجود دارد، به این عدم قطعیت حساسیت ویژه ای دارند. استانداردها برای کمک به حفظ اعتماد در کیفیت کار توسعه می یابند. عاملان مختلف، که بر روی استانداردهای مختلف کار می کنند، موجب می شوند تا حفظ اعتماد به همه فعالیت ها سخت تر شود. قانون، نقش مهمی در تثبیت اعتبار، قابلیت کاربرد و قابلیت اجرای NMAS ایفا می کند.

ارتباط قوانین و استانداردهای بین المللی ارکان مبارزه با مین

قوانین و استانداردها بر کارهای انجام شده در هر یک از ارکان مبارزه با مین اثر می گذارند به خصوص:

- آزادسازی زمین (از جمله پیمایش و پاکسازی)
- انهدام ذخائر
- کمک به قربانیان
- آموزش مخاطرات مین
- مدیریت اطلاعات در پشتیبانی از ستون های مختلف

آزادسازی زمین (پیمایش و پاکسازی)

آزادسازی زمین فرایند استفاده از همه کارهای منطقی را برای شناسایی، تعریف و حذف حضور و یا تردید در مورد مین ها/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ از طریق شناسایی عمومی، پیمایش فنی و پاکسازی توصیف می کند. معیارهای برای همه تلاش های منطقی باید توسط NMAA تعریف شود.

ملزومات قانونی مؤثر بر مین ها، مهمات عمل نکرده، مهمات خوشه ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ در پروتکل های ۲ CCW، اصلاح شده ۲ و ۵، APMBC و CCM مشاهده می شوند.

اولین تعهد قانونی برای پاکستانی، خارج کردن و انهدام مین ها، تله های انفجاری و سایر تجهیزات مشابه در پروتکل ۲ اصلاح شده CCW امضا شده در می ۱۹۹۶ دیده شده است. ماده ۱۰ کشورهای عضو را ملزم به پاکسازی، خارج کردن و انهدام مین ها، تله های انفجاری و سایر دستگاه ها در پایان جنگ در مناطق تحت کنترل آنها می کند. وقتی این ابزارها توسط کشورهای دیگر استفاده شدند، این کشورها باید اطلاعاتی را در خصوص شیوه حفاظت از غیر نظامیان در برابر اثرات میدان مین، مناطق مین دار، تله های انفجاری و سایر ابزارها ارائه کنند (به ماده ۹، پروتکل ۲ اصلاح شده CCW مراجعه شود).

CCW Protocol V

پروتکل ۵، ماده ۳(۱) کشورهای عضو را ملزم به پاکسازی مهمات باقیمانده از جنگ از قلمرو تحت کنترل آنها با پایان یافتن مخاصمات می کند. در مناطقی که تحت کنترل کشور نیست، باید کمک های فنی، اطلاعاتی و مالی برای تسهیل حذف مهمات باقیمانده از جنگ کشور مسئول ارائه کند.

این قانون به مهمات باقیمانده از جنگ موجود از زمان اجرایی شدن این پروتکل قابل تعمیم است. کمک می تواند به طور مستقیم به کشوری که کنترل منطقه آلوده به مین را دارد و یا از طریق شخص ثالث نظیر سازمان ملل، آژانس های بین المللی یا سازمانهای مردم نهاد ارائه شود.

نگرانی اصلی و مهم پروتکل ۵، پاکسازی کنترل شده و سیستماتیک مهمات باقیمانده از جنگ از مناطق جنگی سابق است. این موسوم به پاکسازی منطقه جنگی BAC است که معمولاً در بر گیرنده پاکسازی (بصری) و یا پاکسازی زیرسطحی است.

در طول پاکسازی، دولت های عضو و طرفین جنگ مسلحانه ملزم به رعایت استانداردهای بین المللی از جمله IMAS می باشند.

APMBC

مطابق APMBC، هر یک از کشورهای عضو را ملزم به پاکسازی همه مین های ضد نفر در مناطق مین گذاری شده تحت اختیار و کنترل خود در اسرع وقت می کند؛ این کار باید در کمتر از ۱۰ سال بعد از عضویت در APMBC صورت گیرد. منطقه مین گذاری شده منطقه ای تعریف می شود که به دلیل حضور یا حضور مشکوک مین ها خطرناک است.

هر یک از کشورهای عضو هم چنین ملزم به انجام همه تلاش های خود در راستای شناسایی مناطق تحت اختیار و کنترل خود که در آن مین های ضد نفر شناسایی شده اند و یا مشکوک به کار گذاشته شدن هستند، و تعیین مرز، نظارت و حفاظت از غیر نظامیان در برابر آنها می باشند. تمدید پاکسازی تا ۱۰ سال منوط به پذیرش و تصویب دیگر کشورهای عضو است.

اگرچه پیشرفت های قابل ملاحظه ای در آزادسازی زمین از زمان اجرایی شدن معاهده صورت گرفته است، دامنه مسئله و نبود دانش از همه میادین مین در زمان نوشتن معاهده به طور کافی مشخص نشده و در نظر گرفته نشده است. یکی از بزرگ ترین چالش ها در تلاش برای رفع ملزومات معاهده و پاکسازی مناطق آلوده، بزرگ جلوه دادن مسئله مین توسط برخی کشورها است. نهمین اجلاس کشورهای عضو APMBC که در ۲۰۰۸ برگزار شد بیان می دارد که برای بسیاری از کشورهای عضو که مناطق مین گذاری شده تحت کنترل خود را گزارش می کنند، شناسایی غیر دقیق و برآورد بیش از مقدار واقعی مناطق مین گذاری شده منجر به تخصیص نامناسب زمان و منابع شده است.

نتیجه این است که بسیاری از کشورهای عضو که منطقه را پاکسازی کرده اند دارای مین های ضدنفز یا مهمات باقیمانده از جنگ نبوده و یا این که این مناطق اصلاً نیازی به پاکسازی نداشتند. سه عملیات اصلی برای کمک به این مسئله وجود دارد- زمین را می توان از طریق موارد زیر رها کرد:

- روش های غیرفنی
- شناسایی فنی
- پاکسازی فیزیکی.

این روش ها می توانند منطقه موسوم به مین گذاری شده را هنگامی که اطمینان کافی از این وجود دارد که مخاطرات ناشی از مین ها یا سایر ERW ها وجود ندارد لغو یا طبقه بندی مجدد کنند.

CCM

کشورهای عضو ملزم به پاکسازی همه مهمات خوشه ایی باقیمانده طی ۱۰ سال می باشند نظیر مهمات خوشه ای و مواد منفجره رها شده و یا باقی مانده بعد از یک حمله.

ماده (۴)۴-، با برجسته کردن مسئولیت ویژه کاربران این سلاح ها، کشور عضوی را که از مهمات خوشه ای در قلمرو کشوری دیگر استفاده کرده به شدت تشویق به ارائه کمک برای پاکسازی می کند، حتی در صورتی که آنها قبل از اجرایی شدن کنوانسیون استفاده شده باشند.

چون کمک می تواند به اشکال مختلفی باشد، نظیر فنی، مالی، مادی و منابع انسانی، هر یک از کشورها باید بتواند کمک هایی را ارائه کنند. یک دولت کاربر که قصد کمک به پاکسازی دارد، باید اطلاعاتی را در مورد انواع، تعداد و محل مهمات خوشه ای ارائه کند. این اطلاعات به شدت موجب تسهیل و تسریع پاکسازی می شوند.

در ماده ۴ (۳) از CCM، یک ارجاع خاص به کشورهای عضو استفاده کننده از استانداردهای بین المللی از جمله IMAS برای پاکسازی مهمات خوشه ای منفجره وجود دارد. چندین IMAS وجود دارد که با فرایند آزادسازی زمین (IMAS 07.11)، شناسایی عمومی (IMAS 08.10)، شناسایی فنی (IMAS 08.20) و پاکسازی سر و کار دارد (IMAS 09.10). هم چنین یک یادداشت فنی وجود دارد که به پاکسازی مهمات خوشه ای رسیدگی می کند.

مسائل مسئولیت

یک مسئله مهم مربوط به کارهای پاکسازی و آزادسازی زمین، مخاطرات باقی مانده بعد از عملیات نقشه برداری و پاکسازی است. همیشه امکان دارد که یک یا چند مین یا ERW بعد از پاکسازی تحویل منطقه آزادسازی باقی بمانند. این مین ها ممکن است طی پاکسازی مشاهده نشده باشند و یا در عمق بیشتری قرار گرفته باشند که روش های پاکسازی استفاده شده قادر به تشخیص آنها نباشند. احتمال دیگر این است که ممکن است منطقه به طور صحیح شناسایی عمومی یا فنی نشده باشد. این احتمال آخر اهمیت زیادی برای NMAA که دارای استانداردهای ملی کافی است دارد از جمله برای آزادسازی زمین. پس مسئله ایجاد شده این است که مسئول قانونی هر گونه آسیب یا خسارت وارده چه کسی است؟^{۳۹}

مسئولیت در مبارزه با مین به دلیل رسمی شدن روش ها و رویه های آزادسازی زمین روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار می شوند. در برخی موارد، مسئولیت پذیری مبارزه با مین موجب می شود تا کشورها کم تر به مناطق مین زده بپردازند و یا الزامات قانونی بین المللی خود را برطرف کنند. IMAS نمی تواند شرایط جهانی قابل تعمیم را برای مسئولیت عواقب خطرات انفجاری کشف شده در منطقه آزاد شده تصریح کند. این شرایط باید مطابق با شرایط هر کشور و با قوانین قانونی آن، استانداردها و غیره باشد.^{۴۰}

حقوق ارضی

حقوق ارضی در شرایط جنگ و پس از جنگ، در آزادسازی اراضی یک نگرانی مهم به شمار می رود. جنگ اغلب منجر به تغییرات زیادی در مدیریت و رژیم ارضی هر کشور شده و حقوق ارضی را حتی بعد از اتمام جنگ تهدید می کند.

اغلب، زنان، مهاجرت اجباری داخلی (IDP)، پناهندگان بازگشتی، مهاجران و کارگران مزرعه آسیب پذیر ترند. دلایل این امر شامل موارد زیر می شود:

- رویه های مبهم تنظیم سند مالکیت زمین؛
- اطلاعات مربوط به زمین که به صورت عمدتاً یا سهواً از بین رفته اند؛
- ظرافت ناکافی کشور برای تأمین نیاز های حجم انبوهی از پناهنده ها یا افراد جا به جا شده در داخل؛
- نبود برنامه های مؤثر و لازم الاجرا برای اطلاع رسانی به افراد در خصوص حقوق ارضی؛
- افزایش تقاضا برای اراضی قابل کشت؛
- ماهیت پیچیده، زمان بر و هزینه بر ثبت خصوصی تصرف زمین؛ و
- نابرابری های جنسیتی در حقوق ارضی.

برای محدود کردن تنش های ارضی مربوط به مبارزه با مین، سازمانهای مبارزه با مین می توانند با سازمانهای توسعه و بشر دوستانه که به جمعیت های متأثر از جنگ رسیدگی می کنند و سازمانهای ملی و بین المللی که با مسائل ارضی سرو کار دارند همکاری کنند.

انهدام ذخائر و مدیریت ایمنی مهمات

الزامات قانونی کشورها برای انهدام مین های ضدنفخ و مهمات خوشه ای در APMBC و CCM تشریح شده اند. پروتکل CCW ۵ به بررسی مدیریت مهمات در پیوست فنی و IMAS پرداخته و IATG به ابعاد مختلف انهدام ذخائر، ذخیره ایمن و جا به جایی مواد منفجره می پردازد.

CCW پروتکل ۵

در پروتکل ۵ انهدام منابع لازم نیست در حالی که توصیه هایی را در مورد بهترین شیوه مدیریت ذخائر ERW ارائه می کند.

دولت ها به استفاده از بهترین روش در خصوص ذخیره، انتقال، ذخیره میدانی و یا جا به جایی مواد منفجره به منظور اطمینان از ایمنی بلند مدت تشویق می شوند. هم چنین توصیه ای در خصوص آموزش مناسب پرسنل های جا به جایی، انتقال و استفاده از مواد منفجره و تولید آینده این مواد ارائه می شود.

APMBC کشورهای عضو را به انهدام همه ذخائر مین های ضدنفری که در مالکیت و یا اختیار و کنترل آنهاست در اسرع وقت و یا کم تر از چهار سال بعد از عضویت در APMBC ملزم می کند. این مهلت قابل تمدید نیست.

مطابق ماده ۳، کشورهای عضو باید اقدام به حفظ و انتقال حداقل تعداد مطلق لازم از مین های ضدنفری برای اهداف خاص "توسعه و آموزش در روش های ردیابی مین، پاکسازی مین یا انهدام مین کنند. هدف اصلی ترویج اهداف بشر دوستانه APMBC می باشد و هیچ گونه ابهام قانونی در مفاد ماده ۳ دیده نمی شود.

کشورهای عضو ملزم به ارائه گزارش در خصوص تبدیل یا انهدام مراکز تولید مین ضدنفری هستند.

CCM

CCM هم چنین، انهدام ذخائر را در اسرع وقت یا کم تر از ۸ سال بعد از اجرایی شدن کنوانسیون برای کشور عضو لازم می کند.

علی رغم مشکلات و سختی انهدام مهمات خوشه ای، پیشرفت زیادی از ژانویه ۲۰۱۴ با انهدام ۶۸ درصد مهمات خوشه ای و ۶۰ درصد مواد منفجره انفجاری ذخائر شده توسط کشورهای عضو وجود داشته است. مشابه با APMBC، کشورهای عضو می توانند تعداد محدودی از مهمات خوشه ای را برای اهداف آموزش و توسعه شیوه های شناسایی، پاکسازی، انهدام و مقابله حفظ کنند (ماده ۳).

IMAS

سری ۱۱ از IMAS انهدام ذخائر را پوشش می دهد. IMAS موارد ۱۱.۱۰ تا ۱۱.۳۰ شامل رهنمودی برای انهدام ذخائر، سوزاندن باز و عملیات انهدام باز و رهنمود های برنامه ریزی ملی برای انهدام ذخائر می باشد. IMAS 7.42 به نظارت بر انهدام ذخائر و IMAS 10.50 به ذخیره سازی، انتقال و جا به جایی مواد منفجره می پردازد.

IATG نیز به ایمنی و از بین بردن مهمات رسیدگی می کند:

- IATG 4.10 در مراکز مهمات منفجره (انبار) (شرایط میدانی و موقت)؛
- IATG موارد ۵.۱۰ تا ۵.۶۰ در مراکز مهمات منفجره (انبار) (زیر ساخت و تجهیزات) ؛
- IATG موارد ۶.۱۰ تا ۶.۷۰ در مراکز مهمات منفجره (انبار) (عملیات)؛
- IATG 7.10 در ایمنی و کاهش مخاطرات؛
- IATG 8.10 در خصوص جا به جایی مهمات؛ و
- IATG 10.10 در خصوص انهدام و نظامی زدایی مهمات.

آموزش مخاطرات

آموزش مخاطرات مین (MRE) اشاره به فعالیت های آموزشی با هدف کاهش مخاطرات آسیب ناشی از مین ها و مهمات منفجر نشده با افزایش آگاهی و ترویج تغییرات رفتاری از طریق کمپین های اطلاعات عمومی، آموزش، پرورش و ارتباط با جوامع دارد.

APMBC و CCM، همه کشورهای عضو را ملزم به مشارکت و کمک به کاهش آسیب و آسیبهای وارده به غیرنظامیان می کنند. بر اساس ماده ۶ از APMBC در خصوص کمک و همکاری بین المللی، هر یک از کشورهای عضو باید از برنامه های افزایش آگاهی در مورد مین پشتیبانی کنند. این برنامه ها موجب کاهش مخاطرات برای غیر نظامیان از طریق آموزش آنها در مورد خطرات میادین مین می شود. CCM ماده ۴ بیان می دارد که کشورها باید آموزش کاهش مخاطرات را برای اطمینان از آگاهی میان غیر نظامیان در اطراف مناطق آلوده به مهمات خوشه ای انجام دهند. پروتکل ۲ اصلاح شده CCW (ماده ۹) و پروتکل ۵ (ماده ۵) نیز اقدامات احتیاطی را ملزم می دارد.

IMAS استاندارد برای آموزش مخاطرات مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ دارد. به علاوه، یونیسف رهنمود های بین المللی برای آموزش و افزایش آگاهی از مهمات منفجر نشده و میادین مین با مسائل مربوط به آگاهی از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مهمات عمل نکرده/مین ارثه می کند. این رهنمود ها چهار زمینه را پوشش می دهند:

- مطالعات امکان سنجی
- سنجش نیاز ها
- طراحی برنامه
- نظارت و ارزیابی.

این دستور العمل ها بر شیوه در نظر گرفتن MRE به صورت بخش اصلی برنامه ریزی مبارزه با مین و پیاده سازی ها تأکید می کند نه به صورت یک فعالیت جداگانه.

کمک به قربانیان

چهار سند قانونی وجود دارد که ملزومات قانونی برای کمک به افراد معلول را عرضه می کند.

APMBC کنوانسیون منع مین های زمینی

APMBC (ماده ۶) - کشورها در این موضع باید کمک هایی را برای مراقبت و توان بخشی و نیز بازسازی اقتصادی و اجتماعی قربانیان مین و برای برنامه های آگاهی از مین ارائه کنند.

CCW پروتکل ۵

CCW پروتکل ۵ (ماده ۸) - کشورهای عضو باید کمک هایی را برای مراقبت و توان بخشی و نیز بازسازی اجتماعی قربانیان مهمات باقیمانده از جنگ ارائه کنند.

پروتکل ۵ هم چنین یک برنامه عملی را برای کمک به قربانیان دارد که از CCM تبعیت می کند. این به خودی خود الزام قانونی ندارد ولی یک مرجع مهم است، زیرا اقدامات ویژه برای کمک رسانی به قربانیان را تشریح می کند.

CCM کنوانسیون منع مهمات خوشه ای

CCM دارای یک ماده جداگانه (۵) در مورد کمک به قربانیان است که بیان می دارد کشورها باید کمک های سن و جنسیت محور از جمله مراقبت پزشکی، توان بخشی و پشتیبانی روانی و نیز کمک اقتصادی و اجتماعی ارائه کنند. کشورها ملزم به ارزیابی نیاز های قربانیان مهمات خوشه ای و توسعه، اجرا و پیاده سازی سیاست ها و قوانین ملی لازم می باشند.

کنوانسیون حقوق اشخاص معلول (CRPD)

CRPD پایه مهم دست یابی به اهداف کمک به قربانیان قید شده در CCM، APMBC و CCW می باشد که در آن هر یک از کشورهای عضو این معاهدات، به اهمیت رویکرد مبتنی بر حقوق در قبال کمک به قربانیان پی برده اند. هدف کنوانسیون به طور شفاف در ماده ۱ بیان شده است: بهبود، محافظت و اطمینان از بهره وری عادلانه از حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه افراد معلول و افزایش احترام برای شان و احترام ذاتی آنها.

CRPD حقوق جدید را شناسایی نمی کند، بلکه رهنمودی را در مورد شیوه اطمینان از این که افراد معلول می توانند حقوق موجود را بدون تبعیض استفاده کنند ارائه می کند. این شامل حقوق بازمانده های مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ است. در ماده ۴ کنوانسیون، دولت ها ملزم به پیاده سازی قوانینی هستند که تضمین کننده حقوق در کنوانسیون و لغو همه قوانین و مقرراتی است که بر علیه افراد معلول تبعیض قائل می شود.

این کنوانسیون هم چنین کشورها را ملزم به ترویج، حفاظت و اطمینان از برابری و عدالت در خصوص حقوق بشر و آزادی های اساسی توسط همه افراد معلول و ترویج احترام به حقوق ذاتی دیگران می کند. کشورها باید اطمینان حاصل کنند افراد معلول به موارد زیر دسترسی کامل و منصفانه دارند:

- آموزش در همه سطوح؛
- بهداشت، درمان و توان بخشی؛
- آموزش شغلی؛
- امکانات عمومی؛
- فرصت های شغلی و کارآفرینی؛ و
- طیف وسیعی از حقوق اجتماعی و اقتصادی دیگر.

هم چنین در این کنوانسیون، ماده ۱۱ تصریح می کند که دولت های عضو باید همه اقدامات لازم و ضروری را برای اطمینان از حفاظت و ایمنی افراد معلول در شرایط مخاطره آمیز از جمله شرایط جنگ مسلحانه، شرایط اضطراری و وقوع بلایای طبیعی بر اساس ملزومات موجود در قوانین بین المللی از جمله قانون بشر دوستانه بین المللی و قانون حقوق بشر بین المللی اتخاذ کنند.

تهیه گزارش و مدیریت اطلاعات

مدیریت اطلاعات، بخش اصلی و مهم همه فعالیت ها در مبارزه با مین، مهمات خوشه ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ است.

مدیریت اطلاعات کارآمد و صحیح این اطمینان را به ما می دهد که مسئولان ملی، مدیران مبارزه با مین و سایر ذینفعان هنگام تصمیم گیری به اطلاعات بهینه دسترسی دارند.

بدون اطلاعات صحیح برای آزاد سازی زمین، انهدام ذخائر، کمک به قربانیان و آموزش مخاطرات مین، انجام فعالیت های قید شده در کنوانسیون ها و معاهدات مختلف سخت است و دولت ها قادر به تهیه گزارش صحیح در رابطه با پیشرفت انجام شده نمی باشند.

پروتکل ۲ و ۵ اصلاح شده CCW

پروتکل ۲ اصلاح شده CCW مطابق ماده ۱۳ بیان می دارد که دولت های عضو ملزم به ارائه گزارش سالانه ای هستند که موارد زیر را پوشش دهد:

- پاکسازی مین و برنامه های توان بخشی؛
- اقدامات اتخاذ شده برای رعایت ملزومات فنی پروتکل؛
- قوانین مربوط به پروتکل؛ و
- اقدامات اتخاذ شده در خصوص تبادل اطلاعات فنی و یا همکاری بین المللی در خصوص پاکسازی مین.

در CCW پروتکل ۵، ملزومات ویژه ای در خصوص ثبت، حفظ و انتقال اطلاعات وجود دارد. ماده ۴ کشورها و طرفین جنگ مسلحانه را ملزم به ثبت و حفظ اطلاعات در خصوص استفاده از مواد منفجره یا کنار گذاشتن مهمات انفجاری تا حد ممکن و قابل پیش بینی می کند.

مکمل این ملزومات، پیوست فنی فاقد الزام قانونی است. این قانون بیان می دارد که دولت باید اطلاعات زیر را تا حد ممکن برای مهمات منفجره که ممکن است UXO شده باشد ثبت کند:

- موقعیت مناطق هدفی که از مواد منفجره استفاده می کنند؛
- تعداد تقریبی مهمات مورد استفاده در مناطق هدف؛
- نوع و ماهیت مهمات منفجره مورد استفاده در مناطق هدف؛ و
- موقعیت عمومی UXO مشخص و احتمالی.

به علاوه، وقتی دولتی ملزم به کنار گذاشتن مواد منفجره در روند عملیات می شود، باید سعی کند AXO را به صورتی ایمن و امن کنار گذاشته و موارد زیر را ثبت کند:

- موقعیت AXO؛ و
- تعداد تقریب و نوع AXO در هر سایت خاص.

پیاده سازی ماده ۴ و گزارش آن توسط برخی کشورها نا امید کننده بوده است. برای کمک به شفاف سازی موارد لازم، ICRC گزارشی را در خصوص جلسه کارشناسان بر گزار شده در ۲۰۱۲ در پیاده سازی ماده ۴ منتشر کرده است.^{۴۸}

هر دو APMBC و CCM در بر گیرنده ملزومات تهیه گزارشی مطابق ماده ۷ - اقدامات شفاف سازی - می باشد.

اطلاعات مورد نیاز شامل موارد زیر هستند:

- مقادیر و نوع مین ها و مهمات خوشه ای در ذخائر و
- موقعیت مناطق مین گذاری شده همراه با انواع مین ها.

به علاوه، کشورهای عضو باید موارد زیر را گزارش کنند:

- وضعیت برنامه های انهدام ذخائر؛
- انواع مین ها و مهمات خوشه ای منهدم شده؛
- روش های اتخاذ شده برای اطلاع رسانی خطرات مین ها و مهمات خوشه ای به مردم
- مسائل دیگر داوطلبانه نظیر ملاحظات سرمایه گذاری، تأمین بودجه و جنسیتی.

CCM هم چنین دولت های عضو را ملزم می کند پیاده سازی و اجرای ملزومات کنوانسیون را گزارش کنند. این گزارش ها باید به طور سالانه به روز رسانی شده و به دبیر کل داده شوند. به علاوه، CCM شامل ملزومات جمع آوری داده ها در خصوص کمک به قربانیان است. مطابق CCM، کشورهای عضو ملزم به این هستند که همه تلاش های خود را برای جمع آوری داده های مطمئن با توجه به قربانیان مهمات خوشه ای به کار گیرند.

IMAS

IMAS در خصوص مدیریت اطلاعات (IMAS 5.10) بر لزوم تلفیق همه ابعاد مبارزه با مین تأکید می کند، طوری که همه روش ها به صورت تلفیقی و تعاملی بوده و ارتباط متقابلی داشته باشند. از دیدگاه MAC جمع آوری اطلاعات در مورد موارد زیر مهم است:

- مبارزه با مین؛
- مهمات خوشه ای و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ؛
- UXO/مین و آموزش افزایش آگاهی در خصوص مهمات خوشه ای
- کمک به قربانیان.

IMAS 07.11 ملزومات جمع آوری حداقل داده ها را طی عملیات پیمایش و پاکسازی را ارائه می کند. این ماده بیان می دارد که علاوه بر ثبت مرز های مناطق مشکوک خطرناک SHA و مناطق خطرناک CHA، سازمانها باید موارد زیر را ثبت کنند:

- چه چیزی، کجا و چه زمانی پیدا شده؛ و
- چه کاری، کجا و چه زمانی انجام شده است.

هم چنین این استاندارد بیان می دارد که وقتی موارد خطرساز کشف می شوند، سازمان های مبارزه با مین باید موارد زیر را ثبت کنند:

- نوع مهمات (تا حد ممکن)
- موقعیت هر مورد مورد (به طور مطلق و نسبت به مورد های دیگر)؛
- عمق کشف هر مورد؛
- شرایط مورد؛

چالش های مدیریت اطلاعات

چندین چالش اصلی مدیریت اطلاعات وجود دارد که بر اهداف و تهیه گزارش صحیح مورد نیاز تحت APMBC، CCM و اثر می گذارد:

۱. APMBC بر لزوم تهیه گزارش در خصوص تعداد مین ها و میادین مین و مناطق پاکسازی شده تأکید می کند. یافتن داده های پایه خوب در خصوص آلودگی و پیشرفت های انجام شده در پاکسازی سخت است.

۲. هنگام استفاده از روش های مختلف پاکسازی، موارد شمارش مجدد وجود دارد. برای نمونه، یک منطقه می تواند تحت پوشش پرسنل های مین یابی و سگ های مین یاب قرار گیرد. در صورتی که هر دو اپراتور، مساحت پاکسازی بر حسب متر مربع یکسانی را گزارش کنند، این شانس وجود دارد که اطلاعات مبهمی وارد پایگاه داده ها شود.

۳. سوالات دیگر در مورد نوع داده های جمع آوری شده و شیوه گزارش آن مربوط به CCM می باشد که کشورهای عضو را ملزم به جمع وری داده های مطمئن در خصوص قربانیان مهمات خوشه ای می کند. CCM اعضای خانواده را نیز در تعریف خود از قربانیان لحاظ کرده و سؤالاتی را در مورد شمارش افراد مطرح می کند. در بسیاری از کشورها، مفهوم خانواده وسیع تر از مفهوم خانواده سنتی است که منجر به عدم قطعیت و کمبود استاندارد سازی در شیوه شمارش قربانیان شده است.

پیروی از قوانین مدیریت اطلاعات و و گزارش دهی معاهدات مستلزم بررسی دقیق نوع داده های مورد نیاز، شیوه تعریف آن و شیوه جمع آوری و تهیه گزارش آن است. مبارزه با مین بستگی به مدیریت اطلاعات در هر یک از ابعاد آن است. مدیریت کیفیت و پیوستگی داده ها و اطلاعات سخت ولی مهم است.

نتیجه گیری

مبارزه با مین در چارچوب ابزارهای قانونی بین المللی تعریف شده و مجموعه کاملی از استانداردهای سیاستی رخ می دهد. این خود با دیگر زمینه های فعالیت محور برای بهبود امنیت انسانی ارتباط دارد.

لازم به ذکر است که عاملان خاص در مبارزه با مین، اصطلاح مبارزه با مین را بسیار محدود کننده می دانند. برای مثال ICRC در حال حاضر مبارزه با مین و مواد انفجاری را همانند حل مسئله آلودگی سلاح ها به صورت حکم عملیات حفاظت از غیر نظامیان در برابر اثرات جنگ های مسلحانه مد نظر قرار می دهند.^{۴۹}

APMBC و CCM، مدل های قانونی را ارائه می کنند که نشان می دهد چگونه جامعه بین الملل در برخی زمینه ها نظیر تکثیر و سوءاستفاده کنترل نشده سلاح های سبک، استفاده از سلاح های انفجاری و بقایای سمی جنگ می توانند حرکت رو به جلو داشته باشند.

اگرچه معاهدات، الزامات قانونی را تصویب می کنند، استانداردهای بین المللی برای انتشار به روش ها در خصوص شیوه رعایت کارآمد و مؤثر این قوانین در حال تغییر و تکامل هستند.

جامعه بین الملل، به اهمیت ثبت سیستماتیک و جمع آوری شواهدی در خصوص آسیب های آن بر انسان ناشی از انواع مختلف سلاح ها از طریق مبارزه با مین پی برده است. تحلیل داده ها پایه و اساس سیاست های جدید توسط کشورها و سایر بخش ها است.

چارچوب قانونی مربوط به خلع سلاح انسان دوستانه به طور معنی داری طی ۳۰ سال گذشته تغییر پیدا کرده است. خلع سلاح خالص بخاطر اهداف حفاظت از امنیت کشورها به رویکرد بشر دوستانه منع سلاح ها تغییر کرده و روش هایی برای پیش گیری و کاهش آسیب های وارده بر غیر نظامیان توسط این سلاح ها ایجاد شده است.

شواهد بین المللی در خصوص خطرات مهمات منفجره و اشکال دیگر خشونت مسلحانه در این دوره وجود داشته و دانش جدید- منعکس شده در قوانین قانونی بین الملل و استانداردهای جدید ظهور یافته است.

- 1 US Legal Definitions. *Disarmament Law and Legal Definition* (online). Available from: <http://definitions.uslegal.com/d/disarmament/> (accessed: 19 June 2013).
- 2 Article 51, 1977 Additional Protocol I. International Committee of the Red Cross. *1949 Conventions and Additional Protocols, and their Commentaries* (online). Available from: <http://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/vwTreaties1949.xsp> (accessed: 19 June 2013).
- 3 Rapillard, P. (2011) Humanitarian Disarmament. *The Journal of ERW and Mine Action* (online). 15.1, 3841-. Available from: <http://maic.jmu.edu/journal/15.120%15.1/pdfs/rapillard.pdf> (accessed: 19 June 2013).
- 4 Docherty, B. (2010) Ending Civilian Suffering: the Purpose, Provisions, and Promise of Humanitarian Disarmament Law, *Austrian Review of International and European Law*, 10.
- 5 High Contracting Parties is the formal name for States Parties in IHL.
- 6 See eg Meeting of States Parties to the CCW, 'Final Report', CCW/MSP/201020) 5/ February 2011), p. 7. Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G1100/602//PDF/G1160200.pdf> (accessed: 20 June).
- 7 Maresca, L. Advocacy and International Law. In: GICHD (2005) *Mine Action: Lessons and Challenges*. Geneva, Switzerland, GICHD, p. 105.
- 8 International Review of the Red Cross. *1996 Amended CCW Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and other Devices (Amended Protocol II)*, adopted 3 May 1996, 1125 UNTS 609, entered into force 3 December 1998. (Online). (2201) 991, 10001001-. Available from: <http://www.icrc.org/Web/eng/siteengo.nsf/html/57JRLI> (accessed: 20 June 2013).
- 9 UNODA. *International Ammunition Technical Guidelines (IATG)*, developed in 2008 (online). Available from: <http://www.un.org/disarmament/convarms/Ammunition/IATG/> (accessed: 20 June 2013).
- 10 Maresca, L. (2004) A new Protocol on explosive remnants of war: The history and negotiation of Protocol V to the 1980 Convention on Certain Conventional Weapons. *International Review of the Red Cross*, (856), 815835-.
- 11 Ibid.
- 12 APMBC. *Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on Their Destruction*, adopted 18 September 1997, entered into force 1 March 1999 (online). Available from: http://www.apminebanconvention.org/fileadmin/pdf/mbc/text_status/Ottawa_Convention_English.pdf (accessed: 20 June 2013).
- 13 Docherty, B. (2010) Ending Civilian Suffering: the Purpose, Provisions, and Promise of Humanitarian Disarmament Law, *Austrian Review of International and European Law*, 36.
- 14 GICHD (July 2009) *A Guide to Cluster Munitions* (online). Geneva, GICHD. Available from: <http://www.gichd.org/fileadmin/pdf/publications/Guide-to-Cluster-Munitions-June2009.pdf> (accessed: 20 June 2013).
- 15 Borrie, J. and Brehm, M. (2011) Enhancing Civilian Protection from Use of Explosive Weapons in Populated Areas: Building a Policy and Research Agenda. *International Review of the Red Cross*, 93 (883), 128-.

- 16 International Network on Explosive Weapons (INEW) (online). Available from: www.inew.org (accessed: 19 June 2013).
- 17 Ghalaiey, M. (February 2013) Toxic Harm: Humanitarian and Environmental Concerns from Military-Origin Contamination. *Discussion Paper*, 3.
- 18 Ibid., p. 1.
- 19 A range of other international standards does exist, however, especially in related fields of arms control and disarmament, as well as in small arms and light weapons and the storage of ammunition.
- 20 Mine Action Standards. About Technical Notes for Mine Action (TNMA) (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/technical-notes/about-technical-notes/> (accessed: 20 June 2013).
- 21 United Nations, UN Office for Disarmament Affairs. *International Ammunition Technical Guidelines* (online). Available from: <http://www.un.org./disarmament/convarms/Ammunition/IATG/> (accessed: 20 June 2013).
- 22 UNODA Update (2012) *UN launches new International Small Arms Control Standards* (online). Available from: <http://www.un.org/disarmament/update/20120829a/> (accessed: 20 June 2013).
- 23 International Small Arms Control Standards (2013), *Standards Modules* (online). Available from: <http://smallarmsstandards.org/isacs/> (accessed: 20 June 2013).
- 24 GICHD (March 2006) *A Guide to Developing Mine Action Legislation* (online) Geneva, GICHD. Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 20 June 2013).
- 25 Ibid., pp. 23-.
- 26 Ibid., p. 7.
- 27 Ibid., p. 10.
- 28 Ibid., p. 9 and 11.
- 29 GICHD (october 2012) *Introduction to National Mine Action Standards* (online). Geneva, GICHD. Available from: <http://www.mineactionstandards.org/national-standards/about-nmas/> (accessed: 20 June 2013).
- 30 Lodhammar, P. (2013) Legal Aspects of the Land Release Process, *Journal of ERW and Mine Action (online)*. 17. 1. Available from: <http://cisr.jmu.edu/journal/17.1/pdfs/Lodhammar.pdf> (accessed: 20 June 2013).
- 31 Mine Action Standards. *IMAS 7.11 Land Release* (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed: 20 June 2013).
- 32 Formally called High Contracting Parties in the Convention on Certain Conventional Weapons.)
- 33 Mine Action Standards. *IMAS 9.11 Battle Area Clearance* (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed: 20 June 2013).
- 34 GICHD (July 2008) *Mine Action and the Implementation of CCW Protocol V on Explosive Remnants of War* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 20 June 2013).
- 35 Article 5 of the Convention
- 36 APMB (2008) *Ninth Meeting of the States Parties to the Anti-Personnel Mine Ban Convention, 'Final Report'*, APLC/MSP.975 ,4/2008/

- 37 Article 4 of the Convention
- 38 Docherty, B. (2010) Ending Civilian Suffering: the Purpose, Provisions, and Promise of Humanitarian Disarmament Law. *Austrian Review of International and European Law*, 3435-.
- 39 GICHD (June 2011) *A Guide to Liability and Insurance in Mine Action* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 20 June 2013).
- 40 Lodhammar, P. (2013) Legal Aspects of the Land Release Process, *Journal of ERW and Mine Action (online)*. 17. 1. Available from: <http://cisr.jmu.edu/journal/17.1/pdfs/Lodhammar.pdf> (accessed: 20 June 2013).
- 41 Technical Annex on Generic Preventive Measures under Article 3(b) Munitions Management.
- 42 GICHD (July 2008) *Mine Action and the Implementation of CCW Protocol V on Explosive Remnants of War* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 20 June 2013).
- 43 Article 4 of the Convention.
- 44 Landmine and Cluster Munition Monitor (September 2012), *Cluster Munition Monitor 2012*, 2.
- 45 Mine Action Standards. *IMAS 12.10 Mine/ERW Risk Education* (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed: 20 June 2013).
- 46 United Nations, UNICEF (1999) *International Guidelines for Landmine and Unexploded Ordnance (UXO) Awareness Education* (online). Available from: http://www.unicef.org/spanish/emerg/files/Mine_Awareness_Guidelines_1999.pdf (accessed: 25 June 2013).
- 47 United Nations, *Convention on the Rights of Persons with Disabilities*, adopted 13 December 2006, entry into force 3 May 2008, in accordance with Article 45(1) (online). Available from: <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CRPD/Pages/ConventionRightsPersonsWithDisabilities.aspx> (accessed: 25 June 2013).
- 48 International Committee of the Red Cross (October 2013) *Identifying and Addressing the Challenges to Implementation of Article 4 of Protocol V to the CCW, Report of the 2012 expert meeting convened by the ICRC*.
- 49 ICRC. *Overview: Mine Action* (online). Available from: <http://www.icrc.org/eng/what-we-do/other-activities/mine-action/overview-mine-action.htm> (accessed: 25 June 2013).



بخش ۲—مبارزه با مین در عمل

مدیریت برنامه های مبارزه با مین

پیام های کلیدی

- مدیریت کیفیت (QM) در مبارزه با مین، ابزاری برای اطمینان و بهبود کارایی و اثر بخشی سازمان هاست.
- مدیریت نتیجه گرا (RBM) بر اهمیت روش های دست یابی به اهداف قید شده در بخش غیر انتفاعی تأکید می کند.
- مدیریت اطلاعات (IM) شواهد مورد نیاز برای تصمیم گیری آگاهانه را علاوه بر بهبود سیستم های مدیریت نتیجه گرا و کیفیت به مدیران ارائه می کند.
- جریان شناسی ملاحظات جنسیتی و تنوع در مدیریت، اطمینان از انجام یک تحلیل کامل برای اطلاع رسانی در خصوص راهبرد، برنامه ریزی و اجرای برنامه های مبارزه با مین که منجر به منافع قابل توجه می شود.

خلاصه

در کسب و کار، مدیریت اغلب عاملی است که هزاران نفر را با مهارت ها و دانش های مختلف قادر به دست یابی به یک هدف مشترک می کند. مدیریت خوب موجب می شود نقاط قوت افراد به طور مؤثرتر استفاده شده و نقاط ضعف آنها جبران شود. این خود موجب تقویت پیوسته توسعه ظرفیت و نوآوری در سطوح فردی، واحد کاری، سازمانی و جامعه می شود. مدیران ارشد باید به اهداف بلند مدت و راهبرد های دست یابی به این اهداف فکر کنند.

سیستم های مدیریت کیفیت (QMS) شامل ابزارها و روش هایی هستند که سازمان می تواند از آنها برای بهبود کیفیت خدمات دهی و میزان رضایت مشتریان استفاده کند. مشتری و ذی نفع همیشه در بخش مبارزه با مین یکسان نیستند و در نتیجه مفهوم مشتری می تواند پیچیده باشد. مدیریت نتیجه گرا بر اهمیت روش های اتخاذ شده برای رسیدن به اهداف دنبال شده در بخش غیر انتفاعی تأکید کرده و اطمینان حاصل می کند که سازمان در دست یابی به نتایج مطلوب (برایند ها و اثرات) کمک کرده و هدف آن تنها ارائه خروجی نیست.

مدیریت اطلاعات، شواهد مورد نیاز را برای اتخاذ تصمیمات هوشمند به مدیران می دهد:

- این خود موجب اجرای سیستم های مدیریت نتیجه گرا و کیفیت می شود.
- مدیریت در مورد پیشرفت را اطلاع رسانی کرده، اهداف عملکرد را توصیف کرده و میزان پیشرفت انجام شده و تلاشی که از این به بعد باید انجام شود را تعیین کرده، و مشخص می کند که آیا برآیند ها حاصل شده اند و به افزایش احتمال دسترسی به اثرات مثبت کمک می کنند یا خیر.
- موفقیت و نیز مشکلات را از حیث بازدهی، اثر بخشی و کارایی برجسته می کند.

مدیریت اطلاعات موجب بروز فرایندهای پیشرفت و بهبود از طریق درک بهتر خصوصیات مسائل مین یابی و عملکرد افراد، منابع و سیستم در پاسخ به این مسائل می شود.

IM و QM، RBM همگی نیاز به منابع، تلاش و تعهد دارند با این حال ساختار، اصول و فرایندهایی را ارائه می کنند که به سازمانها امکان تعریف و دست یابی به اهداف را به طور کارآمد می دهد. آنها شفافیت و مسئولیت پذیری را تشویق می کنند، ضمن این که از ناکارآمدی و فساد پیشگیری می کنند.

مبارزه با مین می تواند بر تنوع و جنسیت های مختلف درون جوامع به شیوه های مختلف اثر بگذارد. ملاحظات جنسیتی و تنوعی باید با تحلیل کامل برای اطلاع رسانی راهبردها، برنامه ها و پیاده سازی برنامه های مبارزه با مین در مدیریت لحظ شود؛ انجام این کار شناسایی اولویت های مناسب و بهینه سازی پرونده جنسیتی و تنوع کارکنان برنامه برای خدمات رسانی کارآمد را تضمین می کند.

مدیریت راهبردی

معماری سازمانی و توسعه ظرفیت

معماری سازمانی چیست؟

معماری سازمانی به این نکته اشاره دارد که چگونه یک برنامه ملی مبارزه با مین:

- سازمان دهی میشود (یعنی شیوه ارتباط بخش های مختلف مبارزه با مین با یک دیگر)
- با دیگر عرصه ها ارتباط برقرار می کند از جمله موارد زیر:

- ◀ عرصه دولتی
- ◀ عرصه بین المللی
- ◀ عرصه جوامع محلی
- ◀ عرصه بازار.

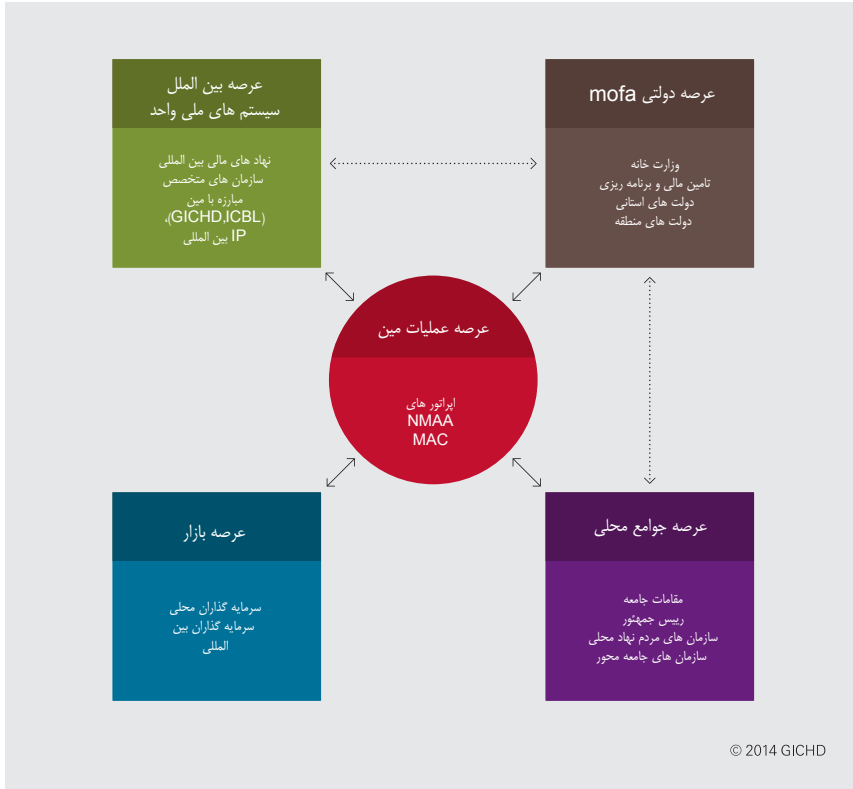
در هر دو صورت، رفتار بخش های مبارزه با مین و بخش های مربوط به عرصه های دیگر توسط مرجع هایی (قوانین، استانداردها، مقررات و هنجارها) شکل می گیرد که قوانین بازی و از این روی محرک ها (پاداش ها و تنبیهات، مکانیسم های اجرایی) که هر بخش با آن رو برو است را ایجاد می کند.

شکل ۵ برخی خصوصیات کلیدی را هنگام تحلیل گزینه هایی برای معماری برنامه مبارزه با مین ملی نشان می دهد. برخی ساده و برخی پیچیده هستند. آموزش دقیقی از حیث شیوه ایجاد بهترین ارتباط بین مبارزه با مین و زمینه های دیگر لازم است.

برنامه های مبارزه با مین زمانی ایجاد می شوند که کشور از جنگ خارج شود. این زمان پویایی است که طی آن تغییرات سریعی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و جمعیت شناختی و نیز اندازه و هدف مشارکت بین المللی صورت می گیرد.

درک محرک های تغییر طی این دوره بسیار مهم است. سه محرک مهم برای مبارزه با مین وجود دارد:

- پیشرفت در فرایند صلح برای همه فعالیت ها از جمله مبارزه با مین لازم و حیاتی است.
- ارتباطات بین ساختارهای رسمی دولت و جوامع محلی. جنگ ها و تعارض اغلب موجب تشدید روابط بین دولت و جوامع در بخش هایی از کشور می شود و نزدیک تر شدن روابط بعد از صلح مدت زمانی طول می کشد. تا زمانی که ارتباطات احیا شود، دولت ها فاقد اطلاعات، توانایی و در برخی موارد اعتماد به بسیاری از جوامع جنگ زده خواهد بود. این موارد برای درک نیاز های محلی، ایجاد اولویت ها و ارائه خدمات عمومی از جمله مبارزه با مین لازم هستند. عاملان مبارزه با مین که در مناطق جنگ زده عمل می کنند نقش مهمی در ارزیابی نیاز های جامعه محلی، اولویت بندی و خدمات رسانی ایفا می کنند. این جایگاه NGO/UN زمانی که رابطه دولت در جوامع تحت تأثیر و جنگ زده بهبود یافت تا حدودی تقویت می شود.
- رابطه کلی دولت و جامعه بین الملل. با ایجاد صلح و در هنگام دوره پس از جنگ، محدودیت های مالی و ظرفیتی به این معنی هستند که دولت باید بر مسائل با اهمیت متمرکز باشد و جامعه بین الملل باید به بررسی موضوعات دیگر از جمله مبارزه با مین بپردازد. طبیعتاً این یک وضعیت موقت است و مالکیت بعد از جنگ مجدداً اصلاح شده و ظرفیت های دولتی رشد می کند.



پشتیبانی از توسعه ظرفیت

یکی از مسائل کلیدی در مبارزه با مین، توسعه ظرفیت های محلی است. عاملان و بخش های بین المللی، ظرفیت های محلی را توسعه نمی دهند: سازمان ها و مردمان محلی، ظرفیت های محلی را توسعه داده و عاملان بین المللی از تلاش های آنها پشتیبانی می کنند. درک محیط پویا و عوامل تغییر که شکل دهنده محیط هستند، برای اطمینان از این که معماری مبارزه با مین مطابق با نیاز های خاص دوره پس از جنگ است، مهم است.

چنین درک و دانشی در پشتیبانی از برنامه ریزی برای توسعه ظرفیتی از اهمیت بالایی برخوردار است. اغلب عاملان بین المللی نقش پیشرو و مهمی در تعیین مهارت های مدیریت عملیاتی و فنی مورد نیاز و آموزش و طراحی روش ها و کمک به برنامه ریزی و اجرا ایفا می کنند.

هم چنین ظرفیت ها باید برای هماهنگی برنامه ملی و تثبیت روابط کاری مؤثر با سایر عرصه ها ایجاد شوند. برای این منظور برنامه مبارزه با مین باید با آرایشات سازمانی وسیع تر در کشور سازگار باشند از جمله:

- چارچوب قانونی ارائه شده توسط قانون اساسی و قوانین دیگر؛
- تقسیم مسئولیت ها بین وزارت خانه ها و سطوح دولتی؛
- سیستم های برنامه ریزی ملی و تعیین بودجه؛
- نقش سازمانهای امنیتی نظیر ارتش، پلیس و حفاظت مدنی؛ و
- جامعه مدنی.

پرسنل بین المللی مبارزه با مین به ندرت در این زمینه ها تخصص دارند. بخش های داخلی و ملی بیشتر این مسائل را درک می کنند. پیشرفت در توسعه ظرفیت های عالی بستگی به رهبری مدیران و متخصصان محلی دارد. بر این اساس، مشاوران بین المللی سعی می کنند تا از نوشتن برنامه های توسعه ظرفیت برای دست یابی به ظرفیت های عالی اجتناب کنند. در عوض، آنها سعی دارند تا مأمورین و مقامات ملی مبارزه با مین را برای تدوین طرح های توسعه ظرفیتی کشور برای مبارزه با مین و نشان دادن اولویت ها برای پشتیبانی بین المللی تشویق کنند.

اولویت بندی^۱

اولویت ها برای اطمینان از تخصیص منابع مادر به موضوعات مهم و فوری تنظیم می شوند. اولویت ها باید بر اساس منابع موجود تعیین شوند.^۲ این مسئله به طور گسترده ای پذیرفته شده است که ارزش برنامه های مبارزه با مین ناشی از میزان ترویج آن بر اساس چهار هدف است:^۳

۱. حفظ جان و جلوگیری از مصدومیت

۲. رشد اقتصادی

۳. کاهش فقر

۴. پیروی از هنجار ها و معاهدات بین المللی.

ترویج مؤثر هر چهار هدف مستلزم داشتن اطلاعات خوب در خصوص موقعیت و ماهیت مهمات منفجره باقیمانده از جنگ/ مین است. سه مورد اول نیاز به اطلاعات اقتصادی اجتماعی دارند: الگوهای اقتصادی و جمعیت شناختی موجود، طرح های توسعه ملی و محلی، مسیر های مهاجرت فصلی شبانان و روستاییان و دیگر ابعاد خاص کشوری. موقعیت آلودگی نشان دهنده این است که کدام مناطق باید در نهایت پاکسازی شوند، ولی داده های اقتصادی اجتماعی نشان دهنده این هستند که کدام مناطق باید در وهله اول (و تا چه عمقی) پاکسازی شوند.

بسیاری از عاملین و شرکت های مبارزه با مین تجربه زیادی در تنظیم اولویت های دقیق از نظر میزان منابع موجود دارند. به طور مشابه، خدمات مبارزه با مین سازمان ملل UNMAS تجربه گسترده ای در اولویت بندی برای پشتیبانی از برنامه های حفظ صلح دارد. از دیدگاه ملی، برنامه مبارزه با مین در صورتی که هر آژانس دارای اولویت های جداگانه باشد به ارزش پولی منجر نمی شود. این صرف نظر از اهمیت مکانیسم های اولویت بندی آژانس های فردی است.

هماهنگی میان تک تک آژانس ها می تواند تا حدودی به سیستم اولویت بندی ملی برای پشتیبانی از برنامه ملی مبارزه با مین به عنوان یک رویکرد سیستمی کمک کند. این سیستم برنامه محور برای اطمینان از تخصیص مناسب منابع موجود بین بخش های مختلف کشور، سازمانها، ستون های مبارزه با مین و بین عملیات فعلی و سرمایه گذاری ها در ظرفیت های آینده نیاز است.

مقامات ملی با مشورت مشاوران بین المللی نیز باید اطمینان حاصل کنند که منابع کل بر اساس وزن نسبی بر طبق موارد زیر تخصیص داده می شوند:

- حفظ جان و اعضا؛
- پشتیبانی از سرمایه گذاری های توسعه ای و رشدی (برای مثال زیر ساختی)؛ و
- کاهش فقر (پاکسازی مناطق برای بازگشت پناهنده ها و سایر خانواده های بی خانمان).

مقامات ملی با همکاری مشاوران بین المللی از جریان مناسب منابع به مناطقی که بیشترین نیاز را دارد یا در اولویت است همکاری می کنند. با این حال، یک دفتر در پایتخت به ندرت دارای اطلاعات دقیق مورد نیاز برای تعیین وظایف خاصی است که باید اول اجرا شوند.^۴ تصمیمات در خصوص اولویت های کاری منعکس کننده نیاز ها و سلايق مردم محلی هستند.

اثربخشی کمک ها و مبارزه با مین

نیاز مقامات ملی به مشاوره با متخصصان بین المللی برای اطمینان از این که منابع کل مبارزه با مین به طور مناسب بر اساس برنامه تخصیص داده شود، موجب مطرح شدن مسئله اثربخشی کمک شده است. بیانیه پاریس در سال ۲۰۰۵^۵ که مورد توافق کشورهای کمک کننده و کشورهای دریافت کننده است، اصول زیر را در خصوص اثربخشی کمک تصویب کرده است:

- مالکیت: کشورهای در حال توسعه راهبرد های خاص خود را برای ریشه کن سازی فقر، بهبود سازمان های خود و مبارزه با فساد تصویب می کنند.
- همسو سازی: کشورهای کمک کننده این اهداف را با سیستم های محلی همسو سازی می کنند.
- هماهنگ سازی: کشورهای کمک کننده، روش ها را هماهنگ و ساده تر کرده و اطلاعات را برای اجتناب از تکرار، به اشتراک می گذارند.
- نتایج: کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمک کننده بر نتایج توسعه و اندازه گیری آن تأکید دارند.
- مسئولیت پذیری متقابل.

از آن زمان به بعد، جلسات عالی در اکرا (۲۰۰۸) و بوسان (۲۰۱۱) برای بهبود و پیشبرد دستور کار اثربخشی کمک برگزار شده است. تعدادی از دولت‌ها در کشورهای دارای مین مکانیسم‌های ملی و خاص خود را برای ترویج اثربخشی کمک ایجاد کرده‌اند. به مبارزه با مین منحصر در تعدادی از موارد اشاره شده است.

این تلاش‌ها برای حرکت از وضعیتی که در آن هر کشور دارای راهبرد خاص خود برای مبارزه با مین است به سمت وضعیتی که در آن کشورهای دریافت‌کننده کمک (دولت‌ها، و نیز پارلمان و جامعه مدنی) با یک دیگر همکاری قوی داشته باشند و رویکرد مشترک را اتخاذ کنند طراحی می‌شوند. برای مبارزه با مین، این اشاره به این دارد که دولت اقدام به تدوین راهبرد ملی منفرد (جایگزینی راهبرد‌های کمکی چندگانه) و هماهنگی همه طرفین برای اجرای راهبرد مشترک کند. هماهنگی مستلزم ایجاد اولویت‌ها و همکاری با کمک‌کننده‌ها در سیستم ارزیابی و نظارت مشترک برای نظارت میزان پیشرفت می‌باشد تا تلاش‌ها در هر دو سطح برنامه و ملی صورت گیرد.

انتقال و مالکیت ملی

جامعه بین‌الملل از این اصل تبعیت می‌کند که مسئولیت نهایی میادین مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ بر عهده دولتی است که تحت مالکیت و اختیار او، آلودگی وجود دارد. این اصل از مدت‌ها پیش در قانون بین‌الملل به رسمیت شناخته و پذیرفته شده است. دولت‌ها و جوامع بین‌الملل باید در راستای اهداف زیر همکاری کنند:

- بهبود و توسعه مالکیت ملی؛
- استفاده از رویکرد‌های پایدار؛
- توسعه ظرفیت و قابلیت؛ و
- رعایت استانداردهای بین‌المللی و اقدامات خوب.

رویکرد‌های انتقال متفاوت بوده و نتایج آنها نیز ترکیبی بوده است. هم‌چنین رهنمود‌های محدودی در خصوص شیوه برنامه ریزی و انتقال برنامه‌های مبارزه با مین تحت مدیریت سازمان ملل برای مالکیت ملی وجود داشته است.

مالکیت ملی چیست؟

در سال ۲۰۰۵، بیانیه پاریس مالکیت کشور را به صورت اصل کلیدی اثربخشی کمک تثبیت کرد که به موجب آن کشورهای همکار، رهبری مؤثر را بر راهبرد ها و سیاست های توسعه ای و هماهنگ سازی اقدامات توسعه ای اعمال می کنند. شاخص مالکیت شامل موارد زیر بود: ۱- راهبرد توسعه عملیاتی دولت ۲- همسو سازی کشورهای کمک کننده در رابطه با این راهبرد. جلسات بین المللی بعدی موجب توسعه مفهوم مالکیت تشخیص نقش های عوامل توسعه دیگر نظیر سازمان های جامعه مدنی، پارلمان و دولت های محلی شد.

مالکیت، مفهومی ساده نیست و اندازه گیری آن سخت است. مالکیت به صورت مجموعه ای از حقوق و مسئولیت هاست از جمله:

- حق تعیین این که آیا رویکرد جدیدی نیاز است یا درخواست کمک برای آن؛
 - مسئولیت ایجاد تعهدی ملموس؛
 - حق اعمال کنترل بر منابع موجود و مزایای ایجاد شده؛ و
 - مسئولیت پذیری، همراه با کمک کننده ها، برای تعیین این که آیا رویکرد موفق بوده است یا تداوم یابد.^۶
- بر این اساس، برخی کشورها مالکیت بالایی را در یک بعد، و مالکیت پایینی را در بعد دیگر نشان می دهند.

مدیریت کیفیت و سیستم های مدیریت نتیجه گرا

مقدمه

هدف اصلی مدیریت کیفیت (QM) در برنامه های مبارزه با مین، ایجاد اعتماد در میان ذینفعان، عاملین و شرکت ها و مرجع ملی مبارزه با مین می باشد مبنی بر این که نیاز های پاکسازی و کیفیتی برآورده شده است و این که زمین پاکسازی شده در واقع ایمن است.^۷

کیفیت به معنی درجه مطابقت بودن مجموعه ای از صفات و خصوصیات ذاتی با قوانین و ملزومات است. اصل مدیریت کیفیت بر رضایت مشتری متکی است.

وقتی که مبارزه با مین مدرن برای اولین بار تثبیت شد، تأکید و هدف مدیریت کیفیت بر اراضی بود که تحت پاکسازی کامل قرار داشته است. هدف اصلی امروزه جامع تر است. این خود شامل همه بخش ها و فعالیت های سازمان های مبارزه با مین می باشد تا اطمینان حاصل شود که اصول کلیدی مدیریت کیفیت نظیر تصمیم گیری مبتنی بر شواهد، بهبود پیوسته و مشتری محوری در هر بُعد از کار متجلی شده است.

در حوزه غیر انتفاعی، اغلب تمایز بین ارباب رجوع و ذی نفعان لازم است طوری که هر دوی آنها را می توان به صورت مشتری در نظر گرفت. خروجی یکی از فعالیت های مبارزه با مین کمتر می تواند ارتباط نزدیکی با برآیند گسترده تر نظیر تغییر در تعدادی از علیت ها داشته باشد. رویکرد مدیریت مبتنی بر نتایج (RBM)، ابزاری را برای کمک به حل این چالش ارائه می کند.

استانداردهای مبارزه با مین

IMAS 07.30 تصریح می کند که مدیریت کیفیت در مبارزه با مین شامل تأیید صلاحیت، نظارت و بازرسی پس از پاکسازی بوده و همه عناصر همیشه برای دست یابی به اطمینان لازم خواهد بود. ملزومات در دیگر فصول IMAS تعریف شده است: ۰۹.۱۰ برای پاکسازی زمین، ۰۹.۱۱ برای پاکسازی منطقه جنگی، ۰۹.۲۰ برای بازرسی های پس از پاکسازی و نمونه برداری، ۰۷.۱۱ برای آزادسازی زمین، ۰۸.۱۰ برای شناسایی عمومی و ۰۸.۲۰ برای شناسایی فنی.

IMAS در ابتدا اصطلاح اراضی پاکسازی شده را متفاوت از اراضی آزاد شده قلمداد می کرد، ولی اکنون استاندارد اصلی این است که همه اراضی آزاد شده باید خصوصیات یکسانی داشته باشد. سطوح بالایی از اعتماد مبنی بر این وجود باید داشته باشد که اشیای خطرناک بعد از تحویل و پاکسازی در عمق خاص قرار دارد. چالش اصلی شیوه دست یابی به سطوح اعتماد به نفس صرف نظر از این است که آیا زمین از طریق شناسایی عمومی (NTS)، شناسایی فنی (TS) و پاکسازی آزاد شده است یا نه.

رویکرد سنتی به QM در مبارزه با مین

تعاریف و توصیفات سنتی در مبارزه با مین بر خروجی (زمین پاکسازی شده) و کاربرد محدود به تعداد کمی از ابزارهای اصلی (تأیید صلاحیت، نظارت و بازرسی پس از پاکسازی) تأکید دارد.

تفسیر این اصطلاح نیز تاحدودی محدودیت داشته است. پیشرفت کیفیت به طور منحصر به فرد با اصطلاح نظارت استفاده شده است و اشاره به بازدید ها و واری های میدانی دارد. کنترل کیفیت به طور ویژه ای به بازرسی زمین پاکسازی شده قبل از تحویل آن اعمال شده است.

امروزه، تعاریف صحیح تر از اصطلاح و کاربرد گسترده تر اصول، اساس توسعه QMS در بسیاری از کشورها، سازمان ها و مرجع ها می باشند.

QA دارای تعریف رسمی از بخش مدیریت کیفیت است که بر ارائه اطمینانی تأکید دارد که مبنی بر آن قوانین کیفیتی باید برآورده شود با این حال به آسانی به صورت ابزار کیفیت و دسترسی به سازمان درک می شود.

اصطلاح نظارت اغلب به معنی فرایند پیوسته مشاهده در مورد سازمان و فعالیت های آن است. در بخش توسعه، این خود دارای یک مفهوم ویژه تر است. در این رابطه، این خود اشاره به یک عمل پیوسته ای دارد که از جمع آوری سیستمی داده ها در خصوص شاخص های خاص برای ارائه شاخص هایی در مورد میزان پیشرفت و دستیابی به خروجی و نتایج و استفاده از بودجه تخصیص داده شده استفاده می کند.^۸ این ارتباط تنگاتنگی با نظارت سیستمی شاخص های کلیدی عملکرد نسبت به کاربرد بازدید های میدانی دارد.

QC رسماً به عنوان بخشی از مدیریت کیفیت تعریف می شود و بر اعتمادی تأکید می کند که مبنی بر آن قوانین برآورده می شوند. این مطلقاً بر بازرسی اراضی تأکید دارد. این را می توان در سرتاسر فرایند های سازمان استفاده کرد به خصوص در صورت لزوم محصولات باید مطابق با ملزومات باشند (نظیر کامل کردن دوره آموزشی کارآموزان، گزارش ها و غیره).

افزایش درک و دانش از اصطلاحات و کاربرد اصول، مزیت مستقیم همه فعالیت های مبارزه با مین است. این خود از پیوستگی شیوه های استعمال اصطلاحات اطمینان حاصل کرده و در بخش ها و صنایع دیگر درک می شود.

ابزارهای اصلی که برای دست یابی به اطمینان استفاده شده اند، با گذشت زمان توسعه یافته اند، در شکل سنتی خود آنها متشکل از موارد زیر است:

- تأیید صلاحیت شرکای اجرایی و سازمان های عملیاتی تأیید صلاحیت معمولاً توسط مرکز ملی مبارزه با مین و یا مرکز مبارزه با مینی که سازمان ملی سکان دار آن است انجام شده و این اطمینان وجود دارد که سازمانها از روش های عملیاتی استاندارد استفاده کرده اند که مطابق با ملزومات NMAS است.^۹
- نظارت از طریق بازدید های میدانی یا از طرف MAC (که اغلب اشاره به QA دارد).
- بازرسی پس از پاکسازی اراضی پاکسازی شده همراه با تعاریف غیر پیوستگی نظیر موارد از قلم افتاده (که اشاره به QC دارد)

محدودیت های رویکرد سنتی QM

عملکرد و درک سنتی محدودیتهایی داشته است:

۱. این رویکرد "زمین پاکسازی شده ایمن" را به عنوان تنها محصول مبارزه با مین در نظر می گیرد، اگرچه تعدادی از محصولات دیگر از حیث اراضی آزاد شده (لغو شده یا کاهش یافته) و از حیث فرایند های دیگر اصلی مبارزه با مین میتواند وجود داشته باشد (آموزش، توسعه ظرفیت، آموزش مخاطرات مین، انهدام ذخائر، اولویت بندی و غیره).
۲. تأکید اصلی بر بازرسی های نظارت میدانی و بازرسی های پس از پاکسازی می باشد که تشکیل دهنده QA و QC بوده و اهمیت کاربرد گسترده اصول کنترل و اطمینان از کیفیت در سرتاسر روش ها و فرایند های سازمان نادیده گرفته شده است.
۳. این رویکرد به کیفیت اولیه (طراحی پروژه و برنامه) و یا کیفیت در سطح خروجی نمی پردازد (جریان های خروجی تا ذینفعان هدف و به شیوه های مورد انتظار استفاده می شوند).
۴. این رویکرد نمی تواند با سیستم کلی کشور برای استاندارد تلفیق شود.

رویکرد جامع به QM

برای حل برخی از این محدودیت ها، روندها در صنعت قرار است به:

۱. افزایش تأکید بر کاربرد روش های جامع QM در سازمان و وابستگی تاریخی به بازرسی QC پس از پاکسازی بپردازد.
۲. استفاده بیشتر از استاندارد QM ISO 9001 و مدل های تعالی کسب و کار بپردازد.
۳. اصلاح ۰۹.۲۰ IMAS (بازرسی پس از پاکسازی) و 07.40 IMAS (نظارت سازمان های مین زدایی) برای تبعیت از رویکرد های QM و اطمینان از این که سایر IMAS، اصول مربوطه QM را نشان می دهد، بپردازد.
۴. پذیرش اصول QM ISO9001 بپردازد:

- ◀ مشتری محوری
- ◀ مشارکت افراد
- ◀ رهبری
- ◀ رویکرد سیستم
- ◀ رویکرد فرایند
- ◀ پیشرفت مداوم
- ◀ رویکرد حقیقی برای تصمیم گیری
- ◀ روابط متقابل سودمند با عرضه کننده.

پذیرش اصول و سیستم مدیریت کیفیت بهبودیافته، اهمیت ها و اثرات زیادی برای اثر بخشی، کارایی و اطمینان در مبارزه با مین دارند. این می تواند محدود باشد از این جهت که به بررسی فرایند ها و فعالیت ها تا نقطه ای که محصول ارائه می شود می پردازد. سؤالاتی در این رابطه که آیا جمعیت به دلیل محصولات ارائه شده توسط سازمان های مبارزه با مین ذینفع می شود یا خیر خارج از سیستم های مدیریت کیفیت صنعتی است. مدیریت نتایج مبارزه با مین نیاز به ابزارها و فنون بیشتری دارد.

مدیریت نتیجه گرا

مدیریت نتیجه گرا (RBM)، یک سیستم مدیریت عملکردی است که هنگام عرضه خدمات عمومی از جمله کمک های توسعه ای رسمی (نظیر مبارزه با مین) استفاده می شود. هنگام فروش به بخش خصوصی، افراد و سازمان ها، کالاها و خدماتی را مطابق با نیاز های خود می خردند از این روی مشتری هم ارباب رجوع است و هم ذی نفع. با این حال، در ارائه خدمات عمومی، مشتری و ذی نفع یکسان نیستند.

در برنامه های مبارزه با مین، این مسئله مشخص نیست که مشتری کیست؟ آیا مشتری (کسی که پرداخت می کند؟ اغلب اهدا کننده)، شهروندان (ذی نفعان مورد نظر)، و یا دولت گیرنده (افراد مسئول حل مسئله مین های زمینی) است؟

در ارائه خدمات عمومی و به خصوص زمانی که این ها توسط کمک های توسعه ای رسمی تأمین می شوند، تعریف رضایت مشتری اغلب سخت است. RBM، مجموعه اضافی از ابزارها و مفاهیم برای اجرای QM ارائه می کند به خصوص زمانی که مقوله های مختلف مشتریان رضایت داشته باشند.

QM عمدتاً بر کیفیت محصولات و خدمات ارائه شده توسط سازمان تأکید دارد. RBM موجب بسط فرایند مدیریتی شده و شامل تغییرات و برآیند های ناشانی از تحویل خروجی است. این سؤالاتی در خصوص این که آیا برنامه می تواند تفاوتی ایجاد کند یا صرفاً به ارائه خدمات و محصولات می پردازد کمک می کند.

یک مؤلفه کلیدی RBM، اندازه گیری عملکرد- فرایند اندازه گیری مؤثر در خصوص این مطلب است که چگونه کارگزاری یا نمایندگی به اهداف خود می رسد. این شامل موارد زیر است:

- بیان و همسو سازی اهداف؛
- انتخاب شاخص ها و هدف گذاری؛
- نظارت عملکرد (جمع آوری داده های نتایج)؛ و
- تحلیل و تهیه گزارش از نتایج در رابطه با اهداف.

اندازه گیری عملکرد به طور ویژه ای مربوط به تولید یا عرضه داده های عملکرد است. مدیریت عملکرد یک راهبرد مدیریتی گسترده با هدف دست یابی به تغییرات مهم در شیوه عملکرد آژانس های دولتی است در سیستم مدیریت عملکرد، دست یابی به نتایج و بهبود پیوسته بر اساس اندازه گیری عملکرد برای فرایند مدیریت اهمیت دارد.^{۱۰}

بین QM و RBM ارتباط شفاف وجود دارد. اندازه گیری عملکرد مربوط به اندازه گیری پیشرفت اجرا و نتایج حاصله است. اندازه گیری اجرا و پیاده سازی به بررسی این موضوع ارتباط دارد که آیا ورودی و فعالیت های پروژه مطابق با بودجه ها، طرح ها و برنامه ها است یا نه؟ اندازه گیری نتایج به بررسی این موضوع می پردازد که آیا نتایج مورد انتظار حاصل شده است یا نه؟

نتایج معمولاً در سه سطح خروجی فوری، برآیند های میانی و اثرات بلند مدت اندازه گیری می شود. این به ایجاد توافق در مورد اهداف و تعهد فرایند اندازه گیری عملکرد برمی گردد.^{۱۱}

مدیریت اطلاعات

نقش مدیریت اطلاعات در مبارزه با مین

مدیریت اطلاعات (IM) برای همه فعالیت های مبارزه با مین اهمیت دارد. در واقع می توان گفت آزادسازی زمین یک فرایند مدیریت اطلاعاتی است در کنار نقطه حذف و انهدام فیزیکی ابزارهای کشف شده. هر چیز دیگر حول جمع آوری اطلاعات از طریق ابزارهای فنی و عمومی و تحلیل آن برای پشتیبانی از تصمیم گیری در رابطه با ایمن بودن زمین، مستلزم تحقیقات بیشتر قبل از آزاد سازی آن است.

از این نظر، مین یاب یک ابزار ساده برای جمع آوری اطلاعات در مورد زمین برای پشتیبانی از تصمیم گیری است که آیا دارای مورد های خطرناک بوده و یا آیا کاملاً پاک شده است. دیگر ابعاد مبارزه با مین (پیمایش، آموزش مخاطرات، کمک به قربانیان) همگی بر وجود اطلاعات مطمئن که تصویری از مسائلی که باید حل شوند و پیشرفت در راستای رسیدن به یک راه حل متکی هستند.

هدف IM یا مدیریت اطلاعات ارائه اطلاعات معتبر به تصمیم گیران در سرتاسر سازمان مبارزه با مین برای تصمیم گیری است. این خود ارتباط مستقیمی با مفهوم تصمیم گیری مبتنی بر شواهد دارد که یکی از اصول اساسی QM است.

IM شامل فرایند تعیین مداوم نیاز های اطلاعاتی، جمع اوری، تحلیل و ارائه اطلاعات مورد نیاز به همه ذی نفعان مبارزه با مین است. این اطلاعات به افزایش دانش مربوط به تصمیم گیری کمک می کند به خصوص در رابطه با موارد زیر:

- ماهیت، خصوصیات و توزیع آلودگی؛
- عملکرد سازمان ها و برنامه ها در پاسخ به آلودگی؛
- اثر آلودگی بر جمعیت، سازمان ها و دولت ها؛
- نیاز ها، ملزومات و سلاقی جمعیت های متأثر از مین؛
- اولویت بندی اقدام ها و تخصیص منابع؛ و
- پیشرفت در راستای تبعیت از ملزومات معاهداتی.

آگاهی از نوع اطلاعات و افراد استفاده کننده از آن، شیوه تحلیل آن و هدف استفاده از آن برای موفقیت در هر سیستم IM نیاز است. کاربران مختلف نیاز به داده های یکسانی برای اهداف مختلف دارند. این به نوبه خود بر صحت، فراوانی و فرمت جمع اوری و گزارش داده ها اثر دارد. مدیریت اطلاعات تنها مسئولیت بخش مدیریت اطلاعات نمی باشد. مسئول اصلی کسانی هستند که از آن استفاده کرده (و باید نیاز های خود را تعیین کنند)، کسانی که آن را جمع اوری می کنند (افرادی که باید از قوانین تبعیت کنند) و افرادی که آن را ذخیره، حفظ و منتشر می کنند.

IM یا مدیریت اطلاعات می تواند به عنوان یک وظیفه جدا و منحصر به فرد بخش فناوری اطلاعات در نظر گرفته شود و انجام این کار اشتباه است. IM یکی از وظایف اصلی هر تصمیم گیرنده یا مدیر در هر سطحی از سازمان و نیز به طور ویژه در مبارزه با مین است. هم چنین افرادی که با اطلاعات در تماس هستند می توانند در این زمینه نقش داشته باشند. ذی نفعان باید برای استفاده از داده های پایگاه داده ها و جست و جوی خطاها تشویق شوند.

ارائه بازخورد هایی به مدیران پایگاه داده ها امکان تصحیح خطاها و در چرخه IM، برنامه ریزی در مورد شیوه جلوگیری از خطاهای آینده را می دهد. در صورتی که داده ها استفاده نشوند و یا اگر بازخوردهای کافی ارائه نشود، خطاها تصحیح نشده و علاقه ذینفعان برای استفاده از داده و یا کمک به جمع اوری داده ها کم می شود.

همه داده ها با یک هدف خاص جمع آوری می شود. در صورتی که هدف برآورده نشود، سیستم با شکست مواجه می شود. ترکیب مدیریت عملیات، کیفیت و اطلاعات به عنوان ابعاد یک فعالیت منحصر به فرد درون برنامه های مبارزه با مین به خوبی مشخص است.

آینده شاهد افزایش تأکید بر دانش مشترک از روابط درونی این عملیات و نیاز مدیران مبارزه با مین برای درک، اعمال و اصول (عملیاتی، کیفیت و مدیریت اطلاعات) در سرتاسر کارشان خواهد بود.

سیستم مدیریت اطلاعات برای مبارزه با مین (IMSMA)

GICHD توسعه IMSMA را در اواخر ۱۹۹۰ میلادی با هدف ارائه یک بسته جامع IM به انجمن مبارزه با مین آغاز کرد. IMSMA اکنون در بیش از ۶۵ کشور استفاده می شود. این موفق ترین شیوه مدیریت نه تنها در مبارزه با مین بلکه در زمینه توسعه پایدار و انسان دوستی می باشد.

IMSMA ابزاری کاربر دوست و انعطاف پذیر است، از توسعه ظرفیت کاربران پشتیبانی می کند و یک شروع آسان بعد از پذیرش ابزارهای پشتیبانی از تصمیم گیری ارائه می کند. GICHD گواهی هایی را برای مدیران IMSMA در سه سطح بر حسب پیچیدگی ارائه می کند. اکثریت برنامه های مبارزه با مین نیاز به بیش از یک گواهی دارد که خود مستلزم دو هفته آموزش است.

مدیران قادر به تنظیم و سفارشی سازی سیستم و نیز آموزش همه کاربران در سازمان هستند. این سیستم بر روی ۲۰۰۰ کامپیوتر نصب و استفاده می شود، رقمی که روز به روز در حال افزایش سریع است. IMSMA بخشی از اکوسیستم راه حل های نرم افزاری است که توسط GICHD برای پوشش دادن نیاز های انجمن مبارزه با مین ارائه می شوند. این موارد شامل ابزارهایی IMSMA میباشد نظیر:

- ابزار هوشمند مبارزه با مین آنلاین MINT
- مخزن داده های مشارکتی مواد CORD
- متعلقات اضافه به دیگر نرم افزار ها نظیر جعبه ابزار مبارزه با مین برای Esri ArcGIS

IMSMA صدور داده و اتصالات جاری با داده ها را با استفاده از برخی ابزارهای تحلیلی مثل اکسل ممکن می سازد. با فراهم آوردن امکان صدور مرتب از داده های IMSMA به کاربران در ابزاری تحلیلی به انتخاب خودشان، نیاز آنها را به طراحی پایگاه داده های تکراری به حداقل می رساند و به حفظ کیفیت داده های IMSMA نیز کمک میکند.

پیشرفت های مهم سیستم که از عملیات مین زدایی پشتیبانی می کنند شامل ابزار GICHD برای مدیریت عملیات مین زدایی، پرتال GIS Geo و ابزارهای هوشمند مبارزه با مین است. دو مورد اول سریعاً برای شناسایی دلایل و حل موانع عملیاتی استفاده می شوند. مورد آخر برای انجام تحلیل های پیشرفته کامپیوتری برای بهبود کارایی در برنامه های مبارزه با مین استفاده می شود.

استفاده از ابزارهایی به غیر از IMSMA مشکلی ندارد و در واقع بسیاری از برنامه ها به احتمال زیاد نیاز به ابزارهای نرم افزاری دیگر برای کمک به ابعاد مختلف مدیریت پروژه دارند به جز IMSMA که باید توسط ذی نفعان استفاده شده و برای پیشگیری از کاهش کیفیت داده ها باید تجزیه و تحلیل شود. تنظیم پایگاه داده های مواری و صفحات تثبیت داده (اکسل) حاوی اطلاعات مبارزه با مین است که مخاطرات آمار های ناقص و کیفیت پایین اطلاعات را معرفی می کند. به طور کلی این مورد توصیه نمی شود. IMSMA همراه با MINT می تواند بسیاری از خصوصیات ارائه شده در اکسل را داشته باشد ولی این خصوصیات بر روی یک سکوی مرکزی قرار می گیرند که استانداردسازی و انتشار آمارها را تسهیل می کند.

BRIEFING TABLE

NAME OF THE MF	SHIKHARKH
CODE OF THE MF	C 0 / 53 / 45 / 0001000 - 004
SIZE OF THE MF	8 095 000

TABLE (HR DEPLOYED - DAILY)

TYPE OF EMPLOYEES	SH-01-12/22	SH-02-12/22	SH-03-12/22
TL	-	1	-
SL	-	6	-
DTL	-	1	1
DE MINERS	-	24	4
TOTAL	-	32	5
ABSENTEES	-	2	0

TABLE (DEVICES FOUND - TOTAL)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - DAILY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - MONTHLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - YEARLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - QUARTERLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - WEEKLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - DAILY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - MONTHLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - YEARLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - QUARTERLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - WEEKLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - DAILY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - MONTHLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - YEARLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - QUARTERLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - WEEKLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - DAILY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - MONTHLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - YEARLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - QUARTERLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - WEEKLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - DAILY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - MONTHLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - YEARLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - QUARTERLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - WEEKLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - DAILY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - MONTHLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - YEARLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - QUARTERLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - WEEKLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - DAILY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - MONTHLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - YEARLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - QUARTERLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - WEEKLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - DAILY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - MONTHLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - YEARLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65
Sh 002	-	16	31
Sh 004	3	4	6
DASHARKH	-	-	-
SH 005	-	-	-
TOTAL	4	-	-

TABLE (DEVICES FOUND - QUARTERLY)

FIELD'S	AD	AT	UXO
Sh 001	1	19	65

مقدمه

در صورتی که برنامه های مبارزه با مین انحصاری، کارآمد، مؤثر باشد و همه گروه های ذی نفع از آن بهره مند شوند، آنها باید تنوع و جنسیت را در برنامه ریزی، پیاده سازی، بودجه، نظارت و ارزیابی لحاظ کنند. مدیریت کیفیت در مبارزه با مین در راستای اصول اساسی می باشد که نیاز های مشتری را برطرف کند. مشتریان مبارزه با مین دربرگیرنده گروه های جنسیتی و متنوع می باشند.

کیفیت مبارزه با مین را نمی توان تضمین کرد، مگر این که نیاز های مختلف این گروه ها در راستای هر یک از ابعاد برنامه های مبارزه با مین درک شده و منعکس شود. این مربوط به افرادی که در داخل برنامه کار می کنند و نیز افرادی که از آنها ذی نفع می شوند و یا در تماس با برنامه هستند می باشند.

اصطلاح شناسی جنسیت و تنوع

تنوع اشاره به تفاوت های ارزشی، نگرشی، ابعاد فرهنگی، باور ها، سابقه اخلاقی، گرایش جنسیتی، توانایی یا معلولیت، دانش، مهارت، تجربه زندگی و سن دارد. اگر سازمان می خواهد اطمینان حاصل کند که همه گروه های افراد قادر به بهره مندی یکسان از عملیات می شوند و تبعیضی متوجه گروه های حاشیه ای نشود، این تفاوت ها باید شناسایی، درک و ارزش گذاری شوند.

جنسیت به عنوان تفاوت های فرهنگی و اجتماعی بین زنان و مردانی تعریف می شود که تعیین کننده نقش و مسئولیت های آنها در جامعه بوده و از یک محل به محل دیگر و از زمانی به زمان دیگر متغیر است.^{۱۲} این مفهوم در دهه ۱۹۵۰ میلادی برای تفکیک مفهوم جنسیت بیولوژیکی و ساختار اجتماعی فرصت ها و خصوصیات مربوط به مرد و زن بودن معرفی شد.^{۱۳}

IMAS 04.10 حاوی اصطلاحات کلیدی مربوط به جنسیت است:

- تحلیل جنسیت- مطالعه تفاوت ها در نقش های زنان و مردان علاوه بر دسترسی و کنترل متفاوت آنها بر روی منابع است. این ابزاری برای بهبود دانش و درک اثر تفاوت های بین مردان و زنان بر فرصت ها و مسائل بوده و می تواند چالش های مشارکت در توسعه را شناسایی کنند.
- برابری جنسیت- حقوق مساوی، مسئولیت ها و فرصت های مردان و زنان. برابری جنسیت به معنی این است که منافع، اولویت ها و نیاز های هر دو جنس به طور مساوی در نظر گرفته شود.

- همترازی جنسیتی: فرایند ارزیابی آثار قوانین طراحی شده برای زنان و مردان از جمله قانون، سیاست ها یا برنامه ها در همه زمینه ها و سطوح. این راهبردی برای استفاده از دغدغه ها و تجارب مردان و زنان به عنوان بخشی از ابعاد یکپارچه طراحی، پیاده سازی، نظارت و ارزیابی سیاست ها و برنامه ها در همه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می باشد طوری که زنان و مردان به طور برابر ذی نفع شده و بی عدالتی از بین می رود.

- جنسیت-محور: در نظر گرفتن اثرات مختلف مین های زمینی بر روی زنان، دختران، پسران و مردان. هدف نهایی مبارزه با مین حساس به جنسیت انجام مبارزه با مین است طوری که بر عدالت جنسیتی احترام گذاشته و یا مبتنی بر آن باشد.

دیگر اصطلاح مهم که در IMAS به آن پرداخته نشده است، خشونت مبتنی بر جنسیت (GBV) است که اشاره به هر گونه آسیب وارده بر اراده فرد داشته و ناشی از بی عدالتی های قدرت جنسی که از تفاوت های بین زن و مرد در میان زنان و مردن سو استفاده و بهره کشی می کند بوده و اثر منفی بر روی سلامت روان و فیزیکی، رشد و هویت فرد دارد. GBV اگرچه منحصرأ مربوط به زنان و دختران نیست، با این حال اثر قابل توجهی بر زنان و دختران در همه فرهنگ ها دارد. خشونت می تواند فیزیکی، جنسی، روانی، اقتصادی یا اجتماعی فرهنگی باشد.^{۱۴}

اگرچه خشونت جنسی در مبحث مبارزه با مین نمی گنجد، با این وجود توانایی سازمان ها در شناسایی موارد خشونت جنسیتی و داشتن سیستمی مناسب برای رسیدگی به آنها در داخل و خارج از اهمیت زیادی برخوردار است.



تیم مختلط (NPA) زیمبابوه

چرا جنسیت و تنوع در مبارزه با مین؟

مبارزه با مین در خلاء اتفاق نمی افتد. مبارزه با مین در زمینه و شرایطی رخ می دهد که در آن تفاوت ها و نابرابری های بین زنان و مردان از نظر مسئولیت های تعیین شده، فعالیت های بر عهده گرفته شده، دسترسی به منابع و کنترل آن و نیز فرصت های تصمیم گیری وجود دارد. در نتیجه، برنامه های مبارزه با مین به طور خودکار و یکسان برای زنان و مردان با ویژگی های مختلف سود آوری ندارد. آنها باید اقداماتی را انجام دهند که اطمینان حاصل شود که بی عدالتی ها و نابرابری های بین گروه ها و افراد ذربط نه تداوم داشته باشد و نه تشدید شود.

تنوع و جنسیت بر موارد زیر اثر می گذارد:

- مواجهه با مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ
- مخاطرات قربانی شدن
- توانایی دسترسی به خدمات پزشکی و روانی
- یکپارچگی بلند مدت
- آموزش و آگاهی از مخاطرات مین (MRE) و
- احتمال استخدام شدن در مبارزه با مین.

زنان، دختران، پسران و مردان از فرهنگ های مختلف به دلیل نقش های خاص جنسیتی و مسئولیت های مختلف خود به طور متفاوتی از میادین مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ متاثر می شوند و به روش های مختلف باید به آنها کمک کرد. الگوهای تحرک جنسیتی اغلب به این معنی است که گروه های سنی و جنسی مختلف اطلاعات متفاوتی در مورد آلودگی مین داشته و اولویت های متفاوتی را برای پاکسازی و پیمایش مین دارند. در برخی کشورها، تقسیم کار را می توان با دیگر خصوصیات نظیر قومیت، جنسیت یا معلولیت شناسایی کرد.

مشارکت دادن همه ذینفعان در مشاوره ها و پیمایش ها منجر به اطلاعات کامل تری در خصوص ماهیت و بزرگی مسئله و درک دقیق تر همه اولویت های مختلف نیاز ها در جوامع متاثر می شود. این به بهبود امنیت و توسعه پایداری و انحصاری زنان، دختران، پسران و مردان با ویژگی ها و فرهنگ های مختلف کمک می کند.

در دیگر زمینه های مبارزه با مین، نظیر کمک به قربانیان و MRE، خدماتی باید برای دست یابی به گروه های ویژه هدف اتخاذ شوند. برای مثال، در طی روز به سختی می توان به مردان دسترسی پیدا کرد و یا آنها ممکن است تمایلی به گرفتن کمک های روان شناسی بعد از معلول شدن تحت مین یا مهمات منفجره باقیمانده از جنگ ندارند. زمان در برخی مناطق ممکن است قادر به شرکت در جلسات عمومی و صحبت برای مردان نباشند. کودکان ممکن است نیاز به اشکال پویا تر و تعاملی MRE داشته باشند و اگر آنها عضوی را در حادثه مین از دست بدهند، باید پروتز خود بیش تر از افراد بزرگ تغییر دهند.

در برخی کشورها، تفاوت هایی ممکن است در سطوح دسترسی به فعالیت ها برای افراد با قومیت های مختلف وجود داشته باشد. بدنام سازی و تبعیض می تواند برای سایر افراد از نظر دسترسی به خدمات مانع ایجاد کند (برای نمونه بر اساس گرایش جنسیت یا معلولیت).



جلسه محله (لاتوس)

ادغام جنسیت و تنوع در برنامه های مبارزه با مین

تحلیل جنسیت و تنوع برای شناسایی و توسعه دانش و درک از تفاوت های میان زنان، دختران، مردان و پسران از حیث رفتار مخاطراتی ضروری است:

- فرد مبتلا شده و شیوه ابتلا؛
- دسترسی به منابع، فرصت ها، تصمیم گیری و خدمات؛
- نیازها و اولویت های ویژه؛
- موانع مشارکت؛
- اثر فعالیت های مبارزه با مین
- اثرات بالقوه بر روی برابری جنسیتی.
- تنوع و جنسیت، مسائل مهمی هستند که باید در همه سطوح برنامه های مبارزه با مین به آنها به طور برابر توجه شود.

- برنامه ریزی: هم ترازی جنسیت و تنوع در راهبرد ملی مبارزه با مین، استانداردهای ملی مبارزه با مین (NMAS)، برنامه ها و SOP ها، جمع آوری، تحلیل و استفاده از اطلاعات کمی و کیفی در خصوص جنسیت، سن و سایر ابعاد مربوطه برای اطلاع رسانی در خصوص طراحی برنامه های مبارزه با مین
- اولویت بندی: مشاوره فعال با نماینده های زنان و مردان از تمام گروه های مختلف، توسعه شاخص های حساس جنسیتی به صورت بخشی از سیستم وزن دهی برای منعکس کردن اولویت های زنان و مردان با ویژگی های فرهنگی مختلف.
- شناسایی فنی: استفاده از تیم های جنسیتی مختلط از فرهنگ های مختلف برای تسهیل جمع آوری اطلاعات از زنان، دختران، پسران و مردان در شرایطی که تماس مستقیم با زنان و دختران یا گروه های حاشیه ای امکان پذیر نیست، استفاده از روش ها بر اساس شرایط.
- شناسایی فنی و پاکسازی: ارائه دسترسی برابر به فرصت های شغلی و استخدامی به زنان و مردان واجد شرایط از زمینه های مختلف، ارائه تسهیلات مناسب به کارکنان مرد و زن از جمله افراد معلول، داشتن کد رفتاری مناسب با مکانیسم های شفاف به منظور برخورد با نقض قوانین
- روش های انتقال: اطمینان از این که ذی نفعان و بهره برداران مرد و زن در مورد زمینی که ایمن است اطلاع رسانی شده اند.
- ارزیابی اثر پیش و پس از پاکسازی: اطمینان از این که مردان و زنان متاثر مورد مشاوره قرار گرفته و در مورد ذی نفع شدن به طور مساوی متقاعد گردیده اند.
- آموزش مخاطرات و ارتباط با جامعه: استفاده از تیم های مختلف با طرح ها و جلسات مختلف و متنوع از نظر سنی، جنسیتی و شیوه های حساس به تنوع.
- کمک به قربانیان: آموزش و استخدام متخصصان مرد و زن برای خدمات رسانی: اطمینان از این که موانعی برای دسترسی گروه ها و افراد به خدمات وجود ندارد، ارائه کمک های مستقیم و غیر مستقیم به قربانیان.
- مدیریت اطلاعات: اطمینان از این که فرم هایی برای جمع آوری داده های جنسیتی، سنی و سایر ابعاد طراحی می شوند، توسعه شاخص های حساس به تنوع و جنسیتی برای نظارت و ارزیابی خروجی ها و برابند ها.
- مدیریت کیفیت: هم ترازی جنسیت و تنوع در معیار ملی مربوطه، SOP، فرم های ضمانت کیفیت و فرایندهای تأیید صلاحیت.

چارچوب هنجاری و منابع کلیدی

تعدادی از دستور العمل ها، اسناد سازمان ملل و قطعنامه ها، گزارش ها و برنامه ها بر اهمیت در نظر گرفتن چشم انداز های تنوع و کیفیت و ملاحظات مربوط به برنامه های مبارزه با مین تأکید می کنند:

منابع مربوط به جنسیت و مبارزه با مین	
برنامه پکن (۱۹۹۵)	زنانی که در شرایط فقر زندگی می کنند، به خصوص زنان روستایی نیز به دلیل استفاده از سلاح هایی که آسیب رسان بوده و اثرات عمومی دارند رنج می برند. اقدامات اتخاذ شده توسط دولت شامل موارد زیر هستند: آگاهی از این که زنان و کودکان به شدت تحت استفاده عمومی از مین های ضد نفر قرار دارند.
قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل در خصوص زنان، صلح و امنیت (۲۰۰۰) ^{۱۵}	بر لزوم اطمینان همه کشورها از این که برنامه های آگاهی از مین و پاکسازی آن، نیاز های خاص زنان و دختران را در نظر می گیرند تأکید می کند. UNSCR1325 یک مرجع قانونی برای ملزومات ذی نفعان است تا اطمینان حاصل شود که مبارزه با مین نیاز های زنان و دختران را در نظر می گیرند.
هدف سوم توسعه هزاره سازمان ملل: ترویج برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان ^{۱۶}	سازمان های مبارزه با مین باید به اطمینان از برابری جنسیتی و توانمند سازی فعال زنان در فعالیت های آنها کمک کنند.
برنامه عملیاتی کارتهای APMBC (۲۰۱۰-۲۰۱۴) ^{۱۷}	جنسیت را صریحاً در ۹ نقطه عملیاتی و سایر نمونه ها در رابطه با MRE، کمک به قربانیان و اهمیت جمع آوری و تحلیل داده ها در زمینه جنسیت و سن.

ارجاع به جنسیت در خصوص تعداد فرصت ها به خصوص در رابطه با اهمیت اطمینان از این که کمک به قربانیان حساس به جنسیت و سن است.	کنوانسیون مهمات خوشه ای (۲۰۰۸) ۱۸
ارائه تعدادی از قوانین و طرح های عملیاتی، ذکر صریح اهمیت جنسیت به خصوص در رابطه با اهمیت جمع آوری و تحلیل همه داده ی تفکیک جنسیتی و سنی، اطمینان از مشاوره و مشارکت حساس جنسیتی و اطمینان از طراحی و اجرای فعالیت های کاهش مخاطرات با در نظر گرفتن مسائل خاص جنسیتی و سنی. همه کشورهای عضو مسئول اجرای مؤثر مصوبه های طرح جامع کارتانگا و ویتیان می باشند.	برنامه عملیاتی ویتیان (۲۰۱۵-۲۰۱۰) CCM ۱۹
این معاهده سازمان ملل، حقوق افراد معلول و نیز ملزومات کشورهای عضو کنوانسیون را برای ترویج، حفاظت و اطمینان از این حقوق پیمایش می کند. در این کنوانسیون، افراد معلول دیگر به عنوان دریافت کننده های کمک های خیریه از نظر مراقبت اجتماعی نخواهند بود بلکه اعضای فعال جامعه با حقوق خود هستند.	کنوانسیون حقوق افراد معلول (۲۰۰۶) ۲۰
این دستورالعمل برای کمک به پرسنل های مبارزه با مین سازمان ملل و کارکنان ستادی برای همتراز سازی ملاحظات جنسیتی و تلاش برای برابری جنسیتی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه های مبارزه با مین سازمان ملل توسعه یافته اند.	دستور العمل جنسیت سازمان ملل (۲۰۱۰) ۲۱
این گزارش توسط برنامه مبارزه با مین و جنسیت (GMAP) به مطالعه اهمیت جنسیت در تأثیر گذاری و اثر بخشی مبارزه با مین می پردازد. در عین حال دیدگاه هایی همراه با مثال هایی از ۵ کشور (کلمبیا، لبنان، موزامبیک، سری لانکا، سودان) در خصوص شیوه هم تراز سازی جنسیت در مبارزه با مین ارائه می کند.	جنسیت و میدین مین: از حرف تا عمل (۲۰۰۸) ۲۲

ترویج برابری جنسیتی را شامل شده و شاخص های ویژه ای را در خصوص جنسیت و ارائه خدمات کمکی جنسیتی و سنی و جمع اوری داده های با تفکیک جنسیتی و سنی ارائه می کند.	راهبرد سازمان ملل در مبارزه با مین (۲۰۱۳-۲۰۱۸)^{۳۳}
GMAP برنامه بین المللی را برای افزایش آگاهی از اهمیت در نظر گرفتن نیاز ها، اولویت ها، قابلیت ها و دانش زنان، دختران، پسران و مردان متأثر از مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ توسعه داده است. این برنامه بخش مبارزه با مین را برای هم تراز سازی جنسیت در سیاست ها، برنامه ها، عملیات تشویق کرده و مکمل کار های مشابه سازمان ملل و سایر بخش هاست. این منبع اصلی اطلاعات در همه ابعاد کیفیتی، مبارزه با مین و برنامه ها با تأکید بر این مسئله است.	برنامه مبارزه با مین و جنسیت (GMAP)^{۳۴}

مبارزه با مین و محیط زیست

مبارزه با مین در عین طبیعی بودن خود ارتباط مستقیم (از طریق فعالیت های فیزیکی نظیر پاکسازی و انهدام) و غیر مستقیمی (از طریق اثر آن بر روی زمین های جدیداً آزاد شده به کاربران) با محیط زیست دارد.

بخش های بشر دوستانه به کرات به این نتیجه رسیده اند که اثرات زیست محیطی ناشی از بلایای طبیعی و جنگ ها و نیز عملیات امداد و نجات، افراد و جامعه را تهدید می کنند. از این روی بخش های حقوق بشری باید اثرات منفی عملیات باز یابی و امداد و نجات را در نظر گرفته و اطمینان حاصل کنند که آسیب پذیری بلند مدت و اثرات نامطلوب بر روی معیشت وجود ندارد.^{۳۵} سازمان های مبارزه با مین در این حالت استثنا نمی باشند. برخی از ابعاد مبارزه با مین معمولاً در معرض ارزیابی زیست محیطی به خصوص اثرات استفاده از ابزارهای مکانیکی بر روی اراضی آسیب پذیر می باشند. سایرین توجه زیادی را به خود جلب نکرده اند نظیر اثرات انهدام های انفجاری بر روی خاک و هوا یا کمپ های میدانی موقتی بر روی محیط زیست.

IMAS 10.70 ایمنی و بهداشت حرفه ای - حفاظت از محیط زیست رهنمود و دستورالعمل عمومی را برای عاملین و شرکت های مبارزه با مین در مورد شناسایی و ارزیابی اثرات بالقوه مربوط به کار آنها در اختیار می گذارد.^{۳۶}

توسعه های اخیر با جنبه های تخریب ذخائر و اجرای سایر استانداردهای بین المللی مشهور (مثل ایزو ۱۴۰۰۱) در عملیات های مبارزه با مین مرتبط شناخته شده است.

در گذشته در بخش مبارزه با مین این ترس وجود داشت که استفاده از سیستم های مدیریت رسمی زیست محیطی مانع برخی از فعالیت ها مثل تخریب در محل مین های زمینی و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ گردد. البته برای توجیه چنین ترسی شواهد کمی وجود دارد، اما بسیاری از کمک کنندگان و دولت های برای اجرای اصول عادی مدیریت زیست محیطی در مبارزه با مین اشتیاق واضحی دارند. اثر عملیات ها بر محیط زیست می تواند در بهبودی سریعتر اجتماعی-اقتصادی در جوامع تحت تأثیر مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ اثرگذار باشد. برای مثال، کاهش فروسای و آلودگی خاک می تواند جوامع را قادر سازد کشاورزی در مقیاس کوچک را آغاز کنند، و معیشت ایمن و پایدارتری را در بلندمدت برای خود رقم بزنند.^{۲۷}

منابع و مأخذ

- 1 GICHD (November 2011) *Priority-setting in Mine Action*, Issue Briefs (Online). (Available from: www.gichd.org/publications/year/2011/priority-setting-in-mine-action-issue-briefs-en); GICHD (2009) *Priority-setting for ERW Clearance Programmes*, Discussion Paper 6, Meeting of Experts of the States Parties to CCW Protocol V (Online). Available from: [http://www.unog.ch/80256EDD006B8954/\(httpAssets\)/F8BC9C3275BDC263C125759F00604A8A/\\$file/DP+6+Clearance+Priorities.pdf](http://www.unog.ch/80256EDD006B8954/(httpAssets)/F8BC9C3275BDC263C125759F00604A8A/$file/DP+6+Clearance+Priorities.pdf) (accessed: 20 June 2013).
- 2 Another way of stating that mine action programmes should attempt to maximise value-for-money is that they should aim at maximising the ratio of benefits to costs.
- 3 The four objectives are valid for all mine action programmes through all stages of the mine action Programme Life Cycle (see chapter 2, Figure 1). Mine action programmes may have additional objectives in specific countries at specific times: for example, mine action organisations may be asked to hire former combatants to support a disarmament, demobilisation and reintegration (DDR) programme.
- 4 In its *Issue Briefs* on priority-setting the GICHD refers to the resource allocation decisions as 'big-P Prioritisation' and decisions concerning task priorities as 'small-p prioritisation' to reinforce the fact that all these decisions should be viewed as part of an inter-connected system.
- 5 OECD, Paris Declaration (2005) and Accra Agenda for Action (2008) (Online). Available from: <http://www.oecd.org/dac/effectiveness/parisdeclarationandaccraagendaforaction.htm> (accessed: 20 June 2013).
- 6 Ostrom, E. et al (2001) Aid, Incentives, and Sustainability. *Sida Studies in Evaluation 0201*/(online). Available from: <http://www.sida.se/evaluation> (accessed: 20 June 2013).
- 7 Mine Action Standards. *International Mine Action Standards* (online). Available from: www.mineactionstandards.org (accessed: 20 June 2013).
- 8 Mine Action Standards. *IMAS 04.10 Glossary of mine action terms, definitions and abbreviation* (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> and OECD/DAC Glossary (online). Available from: <http://stats.oecd.org/glossary/index.htm> (Accessed 20 June 2013).
- 9 IMAS 07.30 provides details on accreditation, including organisational and operational accreditation, application, desk assessment and on-site assessment, modifications to the accreditation as well as suspension and termination

- 10 DAC (2001) *Results based management in the development co-operation agencies: A review of experience* (online). Available from: <http://www.oecd.org/dac/evaluation/dcdndep/31950681.pdf> (accessed: 20 June 2013).
- 11 Ibid.
- 12 Gender and Mine Action Programme (online). Available from: <http://www.gmap.ch/> (accessed: 15 July 2013).
- 13 Sexologist John Money introduced the terminological distinction between biological sex and gender as a role in 1955. Before his work, it was uncommon to use the word 'gender' to refer to anything but grammatical categories. Money's meaning of the word did not become widespread until the 1970s, when feminist theory embraced the distinction. Today, the distinction is strictly followed in some contexts, but in many contexts, even in some areas of social sciences, the meaning of gender has expanded to include 'sex' or even to replace the latter word.
- 14 Reproductive Health Response in Crises (RHRC) Consortium, *Gender-based Violence Initiative* (online). Available from: http://www.igwg.org/igwg_media/techupdate1/GBVpressrelease2page1.pdf (accessed: 15 July 2013).
- 15 United Nations Security Council (2000), Resolution (UNSCR) 1325 on Women, Peace and Security, (online). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N0018/720//PDF/N0072018.pdf?OpenElement> (accessed: 15 July 2013).
- 16 UN (2010) *The Millennium Development Goals Report* (online). Available from: <http://www.un.org/millenniumgoals/pdf/MDG%20Report%20201020%En%20r1520-%low%20res%202010061520-%.pdf#page=22> (accessed: 15 July 2013).
- 17 APMBC (2009) Cartagena Action Plan 20102014-: Ending the Suffering Caused by Antipersonnel Mines, the Second Review Conference of the APMBC (online). Available from: <http://www.cartagenasummit.org/fileadmin/pdf/review-conference-2nd/2RC-ActionPlanFINAL-UNOFFICIAL-11Dec2009.pdf> (accessed: 15 July 2013).
- 18 CCM. *Convention on Cluster Munitions*, adopted on 30 May 2008, entered into force on 01 August 2010 (online). Available from: <http://clusterconvention.org/files/201101//Convention-ENG.pdf#page=4> (accessed: 15 July 2013).
- 19 CCM. *Vientiane Action Plan 2010 – 2014*, adopted on 12 November 2010 (online). Available from: <http://www.clusterconvention.org/files/201101//VIENTIANE-ACTION-PLAN-Final2.pdf> (accessed: 15 July 2013).
- 20 United Nations, *Convention on the Rights of Persons with Disabilities*, adopted 13 December 2006, entry into force 3 May 2008, in accordance with Article 45(1) (online). Available from: <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CRPD/Pages/ConventionRightsPersonsWithDisabilities.aspx> (accessed: 15 July 2013).
- 21 UN (March 2010) *Gender Guidelines for Mine Action Programmes* (online). Available from: http://www.gmap.ch/fileadmin/UN_gender_guidelines/UN_Gender_Guidelines_for_Mine_Action.pdf (accessed: 15 July 2013).

- 22 GMAP, Swiss Campaign to Ban Landmines (2008) *Gender and Landmines – from Concept to Practice* (online). Available from: http://www.gmap.ch/fileadmin/Gender_and_Landmines_from_Concept_to_Practice/SCBL_-_Gender___Landmines_2008_rev_Sep09.pdf (accessed: 15 July 2013).
- 23 UN, Strategy of the United Nations on Mine Action (2013/2018-) (online). Available from: http://www.gmap.ch/fileadmin/National_and_Donor_Mine_Action_Strategies/UN_mine_action_strategy_2013/2018-.pdf (accessed: 15 July 2013).
- 24 Gender and Mine Action Programme (online). Available from: <http://www.gmap.ch/> (accessed: 15 July 2013).
- 25 The Do No Harm framework is based on the belief that humanitarian actors should take steps to ensure that they do not make a situation worse through the assistance that they provide.
- 26 Specific mitigation measures are listed in: GICHD (2009) *A Handbook of Mechanical demining* (pp. 127137-) (online). Available from: <http://www.gichd.org/lima/reports-publications/detail/publications/a-handbook-of-mechanical-demining/> (accessed: 15 December 2013).
- 27 Delrue T & Sexton R (2009) Mainstreaming the environment into humanitarian action. *Humanitarian Aid on the Move*, Newsletter no. 4 (online). Available from: http://www.urd.org/IMG/pdf/Groupe_URD_HEM_4_Uk.pdf (accessed: 15 December 2013).



پیام های کلیدی

- آزاد سازی زمین فرایندی است که شامل شناسایی عمومی (NTS)، شناسایی فنی (TS) و فعالیت های پاکسازی است. این فرایند در راس مقابله با تهدیدات واقعی و ادراک شده مین های زمینی، مهمات خوشه ای و سایر مهمات باقیمانده از جنگ (ERW) قرار می گیرد.
- آزاد سازی کارآمد زمین با بهبود و ارتقای پیمایش های ارزان و کم هزینه بالاتر از فعالیت های پاکسازی پر هزینه و اجتناب از پاکسازی کل مناطق خطرناک مشکوک SHA یا مناطق خطرناک قطعی CHA در صورت امکان حاصل می شود.
- بزرگ ترین پیشرفت ها در کارایی آزاد سازی زمین از طریق استفاده از فنون NTS پیشرفته و کارکنان واجد شرایط و ماهر حاصل می شود.
- پیمایش و پاکسازی مناطق آلوده به مواد منفجره را می توان بسیار سریع تر از منابع مشکوک به مین انجام داد.
- آلودگی باقی مانده مین ها/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ یک مسئله مدیریتی بلند مدت در بسیاری از کشوری هایی است که از جنگ های شدید رنج می برند.
- مین یاب های دستی مورد اطمینان ترین روش پاکسازی هستند، با این حال سرعت آنها کند بوده و اغلب پر هزینه ترین روش محسوب می شود.
- سیستم های ردیابی حیوانی را می توان در مناطقی که در آن مین ها و مقدار فلزات اندکی پیش بینی می شود استفاده کرد زیرا آنها قادر به ردیابی بوی مواد منفجره هستند تا کشف فلزات درون مین.
- سیستم های مکانیزه می توانند مقرون به صرفه ترین بخش در برنامه های مین زدایی باشند.
- مین زدایی به طور کلی از طریق کمک های رقابتی و قرار دادی حاصل می شود که در آن مفاد قرار داد و چارچوب های مربوطه اهمیت و اثر قابل ملاحظه ای بر روی کارایی عملیاتی دارند.

مقدمه

در صورتی که موقعیت و محل قرار گیری مین ها شناسایی شده باشد، خارج سازی و انهدام مین های زمینی و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ یک فعالیت نسبتاً ساده خواهد بود. چالش اصلی در مبارزه با مین، تعریف دقیق مناطق آلوده و تعریف مرز های مشکوک به آلودگی و تصمیم گیری در رابطه با شروع و توقف پاکسازی است.

اصطلاح پاکسازی بیش از حد، توسط برخی برای توصیف عملیات مین زدایی زیاده از حد استفاده می شود به خصوص زمانی که زمینی که نیازی به پاکسازی ندارد، طی فرایند خارج کردن تهدید های واقعی و ادراک شده توسط مین ها یا مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، مجدداً مورد پاکسازی قرار گیرد.

این عملیات منجر به کشف تعداد ناچیزی مهمات به نسبت مناطق جست و جو شده می شود. در برخی موارد، قسمت زیادی از زمین بدون یافتن علایم مین یا مهمات منفجره باقیمانده از جنگ پاکسازی می شود. اگرچه گاهی مواقع پاکسازی مناطق گسترده بدون هر گونه تهدید قابل پیمایش لازم است (در پاسخ به ضروریات توسعه ای و اضطراری)، موارد بسیاری وجود دارد که در آن پیشرفت های عظیم در هدف گیری دارایی های عملیاتی می تواند صورت گیرد.

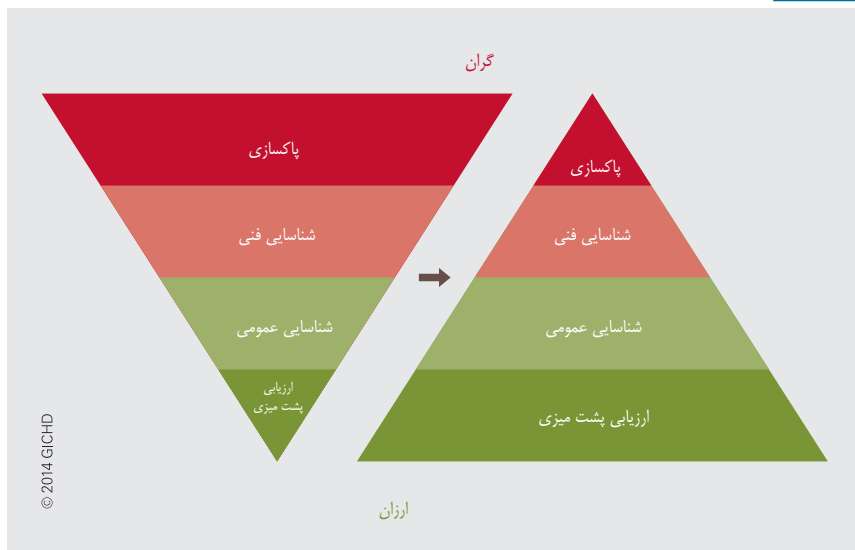
آزاد سازی زمین فرایندی است که فعالیت های فنی و عمومی را با مدیریت اطلاعات تلفیق می کند. این امکان تصمیم گیری مؤثر، کارآمد و مطمئن را در خصوص بخشی از میدان مین که باید پاکسازی شود، کدام نباید پاکسازی شود، استفاده از روش های پر هزینه یا کم هزینه می دهد.

بر اساس تعریف، فرایند آزاد سازی زمین در بر گیرنده رویکرد های شناسایی و نیز فعالیت های پاکسازی است. زمین را می توان از طریق شناسایی و پاکسازی آزاد کرد. با این حال، پایه و اساس مسئله آزاد سازی زمین، ایجاد یک توازن و تعادل مشخص بین فعالیت های کم هزینه و سریع پیمایش بر خلاف روش های پاکسازی کند و پر هزینه است.

آزاد سازی زمین موجب بهبود و ارتقاء سیستم فعالیت های شناسایی شده و تنها به عنوان گزینه آخر به پاکسازی کامل زمین متوسل می شود. هر یک از تلاش ها در فرایند آزاد سازی زمین در راستای تعریف دقیق مناطق آلوده می باشد طوری که فعالیت پاکسازی تنها در مناطق مورد نیاز انجام شود.

تکامل هرم آزاد سازی زمین

شکل ۶



آزاد سازی مؤثر زمین از طریق روش های جامع جمع آوری اطلاعات با تحلیل داده های تاریخی، داده های شناسایی عمومی، اطلاعات از عملیات دیگر در سایت های مشابه، برنامه ریزی مبتنی بر شواهد خوب برای استفاده از شناسایی فنی و دارایی های پاکسازی و تغییرات مناسب در برنامه در هنگام اجرای عملیات حاصل می شود.

دامنه محدود کردن نیاز به پاکسازی گسترده توسط فعالیت های شناسایی به خصوص رویکرد های فنی بستگی به ماهیت آلودگی مورد انتظار و موجود بودن اطلاعات در مورد آن دارد.

آزاد سازی کارآمد زمین به طور ویژه ای بستگی به دو عامل دارد:

۱. میزان سختی یا آسانی تعریف دامنه آلودگی.
۲. میزان کارایی آژانس های مبارزه با مین در دست یابی به این مرز بندی یا تعریف مرز آلودگی.

اولین عامل به ماهیت آلودگی، خصوصیات منظم یا غیر منظم آن و قابلیت دسترسی به اطلاعات بستگی دارد. دومین عامل به مهارت افراد، فرآیندها و روش های مورد استفاده و میزان بهره وری مناسب و مفید از سیستم های اطلاعات مفید بستگی دارد.

ماهیت آلودگی

دامنه، خصوصیات و توزیع آلودگی مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ به طور گسترده ای بین کشورها، مناطق و تک تک مکانها متغیر است. این به تاریخ جنگ، نوع سلاح های مورد استفاده و طیف وسیعی از اثرات زیست محیطی بستگی دارد.

راهبرد های مین گذاری

مین های زمینی به طور گسترده ای برای ازبین بردن، به تاخیر انداختن، از هم گسیختن و پراکنده ساختن نیرو های دشمن استفاده شده اند. راهبرد های مین گذاری و توزیع مین ها بسته به جنگ، اهداف تاکتیکی طرفین، و قابلیت دسترسی به مین ها متغیر است. شیوه توزیع مین و قابلیت شناسایی آنها با استفاده از ابزارهای الکترونیکی یا روش های دیگر ارتباط مستقیمی با کارایی استفاده از فرایند های آزاد سازی زمین دارد.

هدف یابی فعالیت فنی باید آسان تر باشد و در صورتی که مین گذاری به صورت منظم و قابل پیش بینی باشد هزینه آزاد سازی زمین به حداقل می رسد. توزیع نامنظم مین و شیوه های مین گذاری بر شناسایی مین اثر گذاشته و زمان و هزینه فعالیت های آزاد سازی زمین را افزایش می دهد. درک شرایط مین گذاری و تاریخچه جنگ در منطقه به منظور انجام شناسایی های کارآمد و پاکسازی میادین های مین از اهمیت زیادی برخوردار است.

بسیاری از مین ها به صورت دستی کار گذاشته می شوند با این حال یک سری سیستم های فنی وجود دارند که امکان کارگذاری مکانیزه مین ها و انتشار هوایی آن توسط هواپیما یا هلی کوپتر در اختیار می گذارند. میادین مین قدیمی که توسط نیرو های آموزش دیده نظامی کار گذاشته می شوند معمولاً دارای یک الگوی مناسب مبتنی بر نقشه و علامت مشخص است. این میادین مین برای محافظت از تأسیسات ساکن نظیر پایگاه های نظامی، مرز ها، شهر ها و موقعیت راهبردی نظیر پل ها، دکل های برقی و سدها ایجاد می شوند.

در بسیاری از موارد، اطلاعات میدان مین که در ابتدا قابل دسترس و موجود هستند، بعد ها از بین رفته و مفقود می شوند. حتی زمانی که اطلاعات قابل دسترس نباشند، میادین مین مدل سازی شده فرصت های خوبی را برای کاربرد مناسب روش های شناسایی فنی و تصمیم گیری مناسب زمانی که کار های فنی باید متوقف شود در اختیار می گذارد.



میدان مین علامت گذاری شده (مرز اردن و اسرائیل)

کمبود اطلاعات در شرایطی بیشتر به چشم می خورد که در آن مین ها در کوتاه مدت گذاشته شود، زمانی که مین ها به طور نامنظم و غیر قابل پیش بینی کار گذاشته شوند. در بسیاری از موارد، مین ها توسط واحدی که آنها را کار گذاشته شده است ممکن است مجدداً بازیابی شوند و در برخی موارد بازیابی مین ممکن است در حضور نیروهای دشمن یا مخالف انجام نشود. در طی جنگ ها، خط مقدم اغلب تغییر می کند و منجر به ایجاد لایه های متوالی یا دارای هم پوشانی از مین ها می شود که این موجب سخت شدن مرز بندی و پیش بینی مین می شود.

وقتی که میادین مین به شکلی پراکنده (تعمدی) برای اختلال در فعالیت های دشمن و جمعیت آن کار گذاشته شوند درک وضعیت سخت تر می شود این تاکتیک به طور گسترده ای طی جنگ های چریکی و زمانی که گروه های شورشی با دسترسی محدود به مین ها عمل می کنند استفاده می شود.

با گذشت زمان، حتی شناسایی قابل پیش بینی ترین میادین مین سخت تر می شود. عبور و مرور انسان و حیوان و حتی آتش سوزی پوشش گیاهی می تواند منجر به انهدام برخی مین ها شده و آرایش میدان مین را به هم بریزد و به این ترتیب اتخاذ تصمیمات مناسب در مورد زمان پاکسازی مین ها و زمان توقف کار با مشکل مواجه می شود.

هر دو فرسایش و سیلاب می توانند موجب جا به جایی مین، مدفون شدن در عمق بیشتر و یا نزدیک تر شدن به سطح شود. الگو های مین گذاری تحت فعالیت های پاکسازی که تنها بخش های کوچکی از اراضی مین گذاری شده را شامل می شود و یا فعالیت های پاکسازی که قادر به شناسایی برخی مین ها نیست و یا مطابق با استانداردهای ملی و بین المللی نیست ممکن است به هم بریزد. تصمیم گیری مؤثر در خصوص آزاد سازی زمین با یک سری عواملی که مرز بندی میادین مین را در خصوص وجود یا نبود مین تعریف می کنند سخت تر می شود. این می تواند منجر به کار های فنی بیشتری شود.

مهمات خوشه ای باقیمانده

مهمات خوشه ای از مهمات دیگر متمایز هستند. وقتی این مهمات شلیک، پرتاب و انداخته شوند، ریز بمب هاب آن پراکنده شده و یک الگوی انفجاری خطی یا رد پای در زمین ایجاد می شود. یافتن ریز بمب های عمل نکرده در منطقه خطی به دلیل سرعت بالای عمل نکردن آنها طبیعی است.^۱



مهمات خوشه ای که مواد منفجره را پخش می کنند

با تشخیص شکل رد پا یا اثر خطی مهمات، و شناسایی مرکز و حاشیه خروجی آن، امکان تعیین مناطقی که نیاز به فعالیت فنی دارد و مناطقی که نیاز به فعالیت ندارد به وجود می آید. معمولاً قابلیت پیش بینی به تصمیم گیری کارآمد در خصوص آزاد سازی زمین کمک می کند و در صورتی که حملات مهمات خوشه ای نسبتاً جدید باشد، فرصت استفاده از فرایند های کارآمد وجود خواهد داشت. با گذشت زمان، وضعیت ممکن است کمی مبهم تر شود.

اثرات زیست محیطی (سیل، فرسایش، زمین لغزه و توسعه پوشش گیاهی) موجب سخت تر شدن پیش بینی وجود ریز بمب ها و محل آنها می شود. اعضای جمعیت محلی ممکن است موجب جا به جایی مورد ها شوند و شواهدی از آلودگی را در مناطقی نشان می دهند که در اصل مورد حمله نبوده اند.

استفاده از روش های پاکسازی و شناسایی های مختلفی هنگام پاکسازی مناطق آلوده به ریز بمب ها در مناطقی که در آن مین وجود ندارد سخت است. مقدار زیاد فلزات در ریز بمب ها قابلیت تشخیص آنها را بالا می برد. اگر چه به مناطق مشکوک به آلودگی نمی توان وارد شد، ولی در مناطق حاوی ریز بمب ها می توان وارد شد، مطالعه انجام داد و پوشش گیاهی را قبل از پاکسازی برای تسریع و افزایش کارایی عملیات، از بین برد.

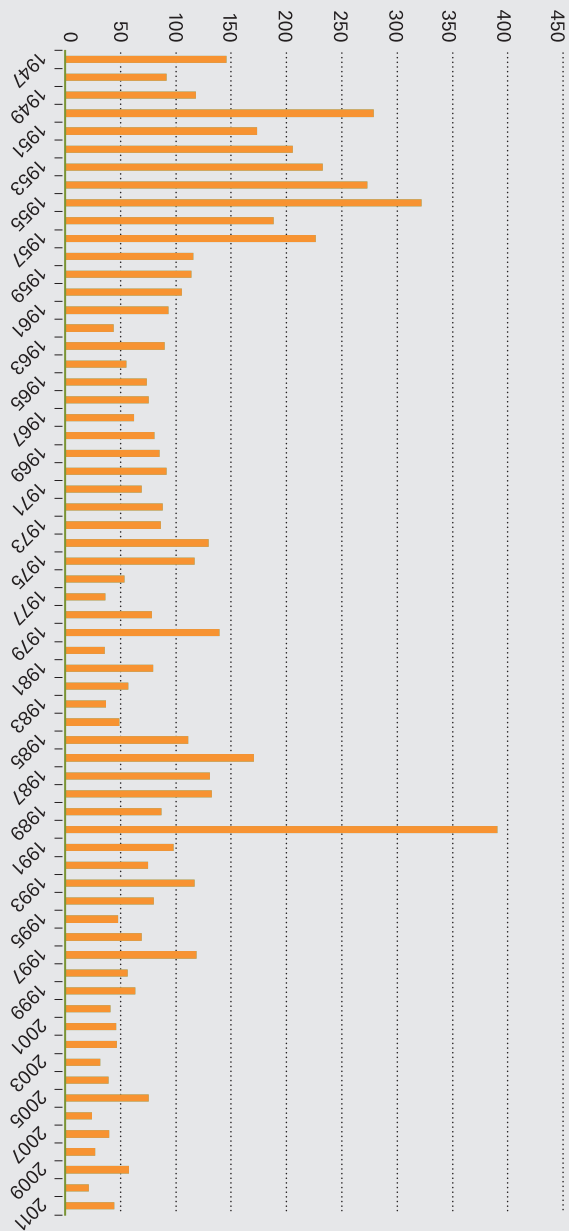
دیگر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ

در حالی که مین های زمینی و مهمات خوشه ای، به دلیل ممنوعیت استفاده از آنها در کنوانسیون های بین المللی توجه ویژه ای را به خود جلب کرده است. دیگر انواع مهمات منفجره باقیمانده از جنگ اغلب در شرایط پس از جنگ نیز وجود دارند-بمب های هوا به زمین، خمپاره ها، و گلوله های توپ ای که ممکن است عمل نکرده باشند از این قبیل می باشند. بدین ترتیب بعد از شلیک شدن آنها یک الگوی قابل پیش بینی ندارند اگرچه ممکن است در مناطق خاصی متمرکز شده باشند.

لاتوس و ویتنام، نمونه هایی هستند که غالباً متاثر از UXO با طیف وسیعی از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ ها بوده اند (از جمله آلودگی قابل توجه به ریز بمب ها) با این حال آلودگی مین آن بسیار کم تر بوده است. این مهمات عمل نکرده اغلب بر ایمنی عمومی توسعه اقتصادی و اجتماعی اثر گذاشته و موجب توسعه آلودگی های پیشرفته سه بعدی می شود.

این مسائل با گذشت چندین دهه و سالیان بسیار نیاز به مدیریت مؤثر دارند. مین ها و ریز بمب ها موجب آلودگی سطحی و زیر سطحی می شوند با این حال انرژی جنبشی بالای خمپاره ها، گلوله های توپ بمب های هوایی موجب می شوند تا مواد تا چندین متر درون عمق زمین فرو روند. در ویتنام و لاتوس، بمب ها غالباً در اعماق ۱ تا ۵ متری یافته شده اند که مهمات سنگین در برخی موارد تا عمق ۱۰ تا ۲۰ متر نفوذ کرده است.^۲

Source: Record of finds and responses by EOD unit of west-Berlin (later Berlin) police 'PTU'



به طور مشابه در جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای اروپای غربی تحت بمباران شدید هوایی و زمینی قرار گرفته و مقادیر عظیمی از مواد منفجره عمل نکرده در شهر ها، روستا ها، دریاچه ها، رودخانه و دریاها باقی ماند.^۲ اهمیت این اطلاعات برای کشورهای دیگر با جنگ های اخیر نظیر کشورهای جنوب شرق آسیا است.

ترکیبات آلودگی

ترکیب میداین مین منظم همراه با توزیع مین های نامنظم و با تراکم پایین در طیف وسیعی از مناطق جغرافیایی مشاهده می شود. به علاوه، آلودگی بیشتر ناشی از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ از جمله ریز بمب ها در مناطق خطرناک مین گذاری شده مشکل را دو چندان میکند. در مناطقی که بمباران هوایی موجب مدفون شدن UXO شده است، محیط عملیاتی و ماهیت آلودگی نیز به شدت پیچیده تر می شود.

ترکیب انواع آلودگی مستلزم ترکیبی از پاسخ ها و عملیات آزاد سازی زمین بوده و به استانداردهای بالای جمع آوری، تحلیل و استفاده از داده ها وابسته است. شناسایی فنی در مناطق مشکوک به بمب های خوشه ای یا مهمات منفجره باقیمانده از جنگ را می توان بسیار سریع تر از مناطق آلوده به مین انجام داد.

مین ها تبدیل به یک عامل مخاطره آمیز غالب شده اند که اگر یک منطقه مشکوک به مین باشد می بایست روش های پاکسازی و مطالعاتی را به شکل ایمن ولی کند پیاده سازی کرد. برای اجتناب از کند شدن فعالیت های مربوط به مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، می توان قبل از این که روش های جست و جوی سریع تر UXO را استفاده کرد، اول به بررسی خطرات مین های زمینی پرداخت.

فرایند و تهیه گزارش در خصوص آزاد سازی زمین

آزاد سازی زمین بیانگر فرایند های زیر است:

- استفاده از همه تلاش های منطقی در راستای پیمایش مناطق خطرناک
- لغو زمین از طریق شناسایی عمومی
- کاهش زمین از طریق شناسایی فنی و
- پاکسازی زمین از آلودگی مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ

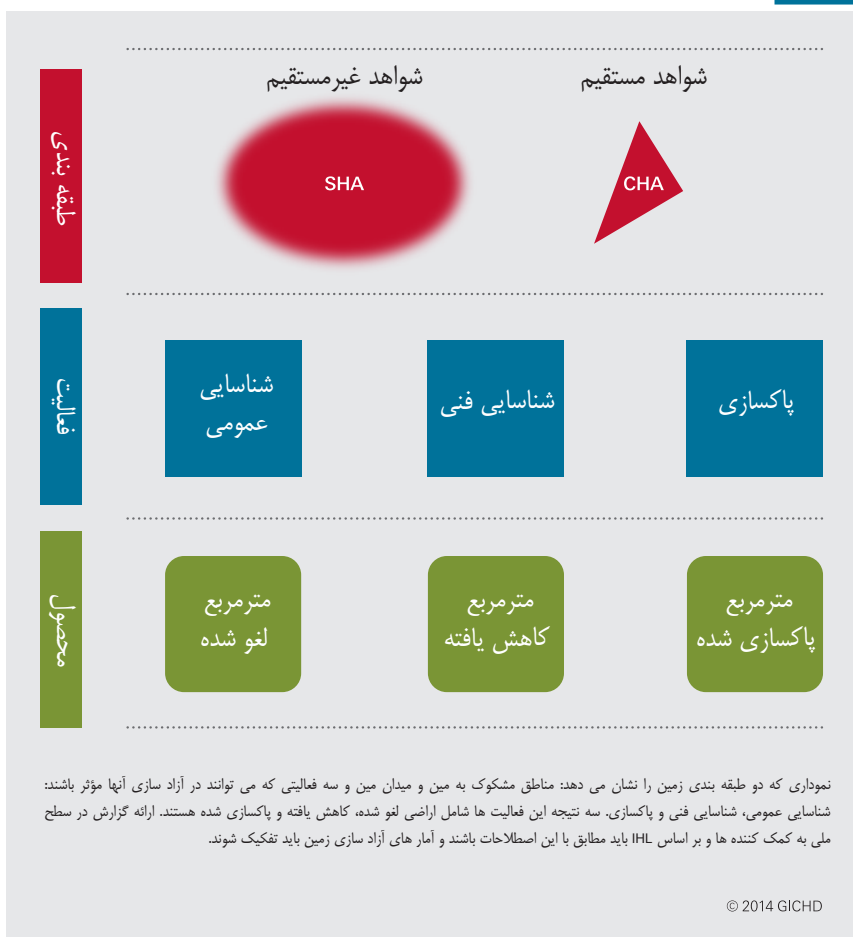
همه تلاش های منطقی و معقول

به طور کلی، همه تلاش های منطقی زمانی استفاده می شوند که:

- به طور موجه اطمینان حاصل شود که مین ها/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ یا در منطقه وجود ندارند و یا آن چه که تاکنون یافته شده اند، تخریب شده و یا از منطقه خارج شده است
- لزوم استفاده از منابع بیشتر در رابطه نتایج مورد انتظار به طور غیر منطقی در نظر گرفته می شود.^۴

عناصر فرایند آزاد سازی زمین

شکل ۸



کاربرد همه ی روش های منطقی در همه ی مراحل در فرایند آزاد سازی زمین صورت می گیرد. این نه تنها به معنی استفاده از روش های فیزیکی برای مطالعه ی زمین است بلکه شامل استفاده ی مناسب از جمع آوری، تحلیل و مدیریت داده برای پشتیبانی و توجیه تصمیم گیری است.

تعریف مناطق خطرناک

آزاد سازی زمین شامل تعریف و مرز بندی مناطق مشکوک به مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ است و سپس استفاده از اقدامات بیشتر (فنی یا عمومی) برای بهبود این مرز بندی تا زمانی که اطمینان حاصل شود مخاطرات وجود دارند و یا ندارند و یا این که به طور کامل پاکسازی صورت گرفته است لازم است. در پایان فرایند همه ی اراضی پاکسازی شده باید مطابق با قوانین یا ملزومات پایه مبنی بر این باشند که هیچ گونه خطری وجود ندارد (اندازه و عمق مورد نظر) و استفاده از آن ایمن است.

منطقه را می توان به صورت منطقه ی مشکوک خطرناک (SHA) و یا منطقه قطعاً خطرناک (CHA) طبقه بندی کرد. این بستگی به این دارد که آیا شواهد و علائم مخاطرات مستقیم (برای مثال اراضی کشاورزی بایر، گزارش های شفاهی از مردم محلی و پیکارجویان سابق) یا غیر مستقیم (حوادث و تصادفات، اطلاعات قابل اطمینان مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مشاهدات مین در منطقه علائم هشدار و غیره) باشند.

اگر شناسایی عمومی یا NTS به این نتیجه برسد که شواهد ناکافی از آلودگی مین در همه یا بخشی مناطق مشکوک به مین موجود وجود دارد، زمین آزاد شده و به صورت لغو شده در نظر گرفته می شود. اگر شناسایی فنی یا TS شواهد ناکافی را در مورد آلودگی نشان دهد زمین آزاد شده و به صورت کاهش یافته در نظر گرفته می شود.

اگر NTS در منطقه ی جدیدی اتفاق بیفتد و شواهدی در خصوص حضور مین ها یا دیگر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ وجود نداشته باشد منطقه به صورت کنسل یا لغو شده در نظر گرفته می شود. کنسل و کاهش را تنها می توان به مناطقی اعمال کرد که این مناطق قبلاً به صورت مناطق مشکوک و یا مناطق قطعی خطرناک طبقه بندی شده باشند (SHA و CHA).

IMAS 07.11 آزاد سازی زمین عنوان می کند که صرف نظر از نتایج هر گونه شناسایی یا عملیات پاکسازی فعالین و شرکت های مبارزه با مین باید همیشه موارد زیر را ثبت کنند:

- چه کاری، در کجا و چه زمانی انجام شده است.
- چه چیزی در کجا و چه زمانی یافت شده است.

آزاد سازی زمین فرایند ارزیابی پیوسته ی مخاطرات بوده و شامل مدیریت عملیات، افراد، اطلاعات و کیفیت است. هدف نهایی آزاد سازی و رهایش جوامع مناطق و قلمرو ملی از اثرات آلودگی مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ است.

هدف فعالیت های شناسایی جمع آوری شواهد برای پشتیبانی از تصمیم گیری مطمئن و کارآمد در مورد وجود مناطق خطرناک و وجود مناطق امن، آگاهی از اثرات بر روی جمعیت ها و پشتیبانی از فرایند های اولویت بندی و برنامه ریزی است. همه ی روش ها و فنون پیمایشی باید مطابق با شرایط محلی، ماهیت آلودگی و هدف استفاده از داده ها و اطلاعات باشند. ترکیبی از ابزارهای فنی و عمومی به طور کلی در فرایند آزاد سازی زمین استفاده می شود.

NTS معمولاً اولین گام برای جمع آوری اطلاعات جدید در خصوص SHA & CHA و برای مناطق آزاد سازی شده و یا بخشی از این مناطق است که در پایگاه داده های قرار می گیرد (لغو سازی) فعالیت های NTS را می توان به دو گروه عمده تقسیم بندی کرد:

۱. پیمایش های جامع محور

- پیمایش های اثر از جمله پیمایش اثر مین های زمینی LIS

۲. پیمایش های مخاطره محور

- گاهی مواقع به آن پیمایش های اضطراری می گویند. پیمایش های اضطراری، پیمایش های کلی پیمایش سطح ۱. اما همه ی آنها تحت اصطلاح پیمایش های غیرفنی بر ایای IMAS قرار می گیرد.

TS که شامل استفاده از دارایی های فنی در مناطق مشکوک و مظنون به مین است اغلب برای جمع آوری اطلاعات مستقیم در مورد ماهیت، دامنه و خصوصیات آلودگی و مناطقی که مین و آلودگی در آن قرار گرفته است استفاده می شود.

پیمایش اثرات مین های زمینی LIS

۱۸ کشور در پیمایش و نظر سنجی اثرات اجتماعی اقتصادی مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ بر روی جوامع با استفاده از روش LIS پرداختند. آنها از مجموعه ی مشترکی از پرتکل ها، روش سیستماتیک پیمایش ملی، و روش گزارش دهی استاندارد و جمع آوری داده ها در IMSMA استفاده کردند.

نظر سنجی و پیمایش از ۳ پارامتر یعنی نوع آلودگی (مین یا UXO) کاربری زمین و تعداد قربانیان برای تولید درجه اثرات برای هر یک از جوامع مورد نظر سنجی استفاده کرده است. این به جوامع امکان می دهد تا بر اساس امتیاز آنها رتبه بندی شوند و یک چار چوب برای هدف گذاری منابع طی برنامه ریزی راهبردی و فرایند های اولویت بندی ارائه شود.

روش LIS معمولاً بر اندازه گیری اثرات مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ بر روی جوامع تأکید دارد تا محل خاصی از مناطق مین گذاری شده و از این رو واکنش های ضعیفی را به دلیل توجه کمتر به صحت مرز های SHA جلب کرده است. سوء تفاهم ها و داده های غلط منجر شده اند تا برخی از پایگاه داده های ها با اندازه های غلط مناطق خطرناک پر شوند.

یک بازنگری توسط GICHD نظر سنجی های LIS در ۳ کشور نشان داد که اندازه ی SHA (در LIS موسوم به مناطق اثر به جای مناطق مشکوک به خطرناک) ایجاد یک پایگاه داده های LIS کرده که می تواند به طور میانگین تا ۹۰ درصد کاهش پیدا کند به خصوص اگر در معرض NTS بیشتر قرار گیرد. این آمار در مورد گستره ی اثرات ادراک شده در منطقه ی آلوده به مین می تواند اطلاعات بیشتری به ما بگوید و تنها شاخص ضعیفی از تعریف کیفیت SHA در LIS نیست. درس های فرا گرفته شده در هنگام حل برخی از سوء تفاهم های مربوط به استفاده از داده های LIS به توسعه ی روش های آزاد سازی زمین امروزی کمک کرده است.

شناسایی عمومی

شناسایی عمومی نقطه ی شروعی برای شناسایی ارزیابی جمع آوری، تهیه ی گزارش و استفاده از اطلاعات برای تعریف مناطق مین گذاری شده و آلوده به مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و نیز مناطق امن و نیز شناسایی SHAS و CHAS به منظور مطالعات بیشتر و پاکسازیهای بیشتر است.

روش NTS از ارزیابی میزی، تحلیل اطلاعات تاریخی، مصاحبه با افراد خبره و کارشناس، ارزیابی آنچه که طی شناسایی یافته شده است و عملیات پاکسازی در مناطق دیگر و بازدید های فیزیکی میدانی بدون تجهیزات فنی و بدون وارد شدن به مناطق خطرناک استفاده می کنند.

تیم های میدانی NTS تلاش می کنند تا منطقه خطرناک و قطعی مین گذاری شده را تا حد ممکن نقشه برداری کنند. اطلاعات بیشتر نظیر کاربردی زمین، مالکیت زمین و اثر مناطق خطرناک از جمله داده های قربانیان نیز جمع آوری می شوند.

اگر چه NTS معمولاً نقطه ی شروعی برای عملیات است با این حال می تواند در سر تا سر فرایند آزاد سازی زمین همسو با فعالیت های پاکسازی TS باشد. اطلاعات جدید معمولاً در برخی نقاط می توانند شواهد بیشتری برای تغییر مرز ها ها تعیین حد آستانه ی فعالیت های پاکسازی یا شناسایی فنی استفاده شود.

علی رغم ماهیت بسیار متغیر مناطق آلوده به مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و چالش های مواجهه هنگام تلاش برای ثبت محیط و مرز مناطق مشکوک به مین، بزرگ ترین پیشرفت ها در افزایش کارایی آزاد سازی زمین از طریق روش های متمرکز و پیشرفته ی NTS حاصل شده است. اغلب اوقات نقاط شروع برای انجام عملیات پاکسازی نامناسب بوده و بر اساس اطلاعات ضعیف و غیر دقیق است که قبلاً توسط شناسایی فنی بر طرف نشده اند.



تیم های NTS در حال جمع آوری اطلاعات در مورد مکان های خطرناک (آنگولا)

شناسایی فنی

روش های پیمایش فنی شامل مداخله ی فیزیکی با استفاده از ابزارهای پاکسازی و پیمایشی در منطقه ی مشکوک به مخاطرات با اهداف زیر است:

- تأیید وجود یا عدم وجود مین ها و مهمات باقیمانده از جنگ و شناسایی انواع خطرات موجود.
- تعریف بهتر مرز های SHA/CHA که نیاز با پاکسازی دارند.
- جمع آوری اطلاعات برای پشتیبانی از تصمیم گیری مربوط به آزاد سازی.

شناسایی فنی را می توان به دو نوع اصلی طبقه بندی کرد:

۱. تحقیقات هدفمند: مناطق یا نقاط خاص درون منطقه ی خطر به طور سلیقه ای هدف گذاری می شوند. این مناطق ممکن است مناطق با مخاطرات بالا باشند که در آن یک سری انفجارات مین رخ داده و یا حضور مین ها یا UXO ها بسیار محتمل به نظر می رسد.
۲. تحقیقات سیستماتیک: معبر زنی و یا ورود به بخشی از منطقه (با ایجاد باکس) که اغلب در آن یک سری مناطق دست نخورده باقی می ماند در برخی از مواد تحقیقات سیستماتیک ممکن است ۱۰۰ درصد منطقه ی مشکوک را پوشش دهد.

ابزارهای نظر سنجی و شناسایی فنی معمولاً مطابق با همه ی معیار های تجهیزات و ابزارهای پاکسازی نیستند، آن چه که باید آنها انجام دهند شامل موارد زیر است:

- ایمن نگه داشتن پرسنل شناسایی فنی.
- ارائه ی افزایش احتمال قطعیت در مورد این که حضور مورد های مشکوک خطرناک با تجهیزات و روش های مورد استفاده قابل تشخیص خواهد بود.

عملاً جدا کردن شناسایی فنی به عنوان یک فعالیت مجزا در فرآیند خطی و یا متوالی کاری بس دشوار است (یعنی بعد از شناسایی عمومی و قبل از پاکسازی). فعالیت ها معمولاً به طور مکرر با هم تداخل داشته و می توان آنها را به طور همزمان انجام داد. پیمایش فنی می تواند:

- قبل از پاکسازی برای کمک به مرز بندی SHA/CHA.
- در هنگام و یا همزمان با پاکسازی برای اطلاع رسانی در مورد تصمیمات مربوط به عملیات پاکسازی.
- بعد از پاکسازی هنگام بررسی منطقه ی بافر (منطقه ی خنثی) حول منطقه ی پاکسازی شده در مورد اطمینان از این که هیچ گونه مین یا مهمات منفجره باقیمانده از جنگ ای باقی نمانده است اتفاق بیفتد.



یک شناسایی فنی سیستماتیک با استفاده از مین کوب، یک منطقه ی مشکوک خطرناک با طول ۸ کیلومتر SHA گزارش شد. مسیر های اکتشافی مکانیزه در هر ۲۵ متر پاکسازی شدند. در صورتی که هیچ گونه انهدام صوتی یا تصویری در عملیات مکانیزه اتفاق نمی افتاد دیگر نیازی به شناسایی بعدی نبود، اراضی بین این خطوط معمولاً دست نخورده باقی ماندند. در طی عملیات هیچ چیزی پیدا نشد و کل منطقه بدون هر گونه عملیات بیشتر آزاد شد.

مشهودترین و مشخص ترین بخش مبارزه با مین پاکسازی مین و مهمات باقیمانده از جنگ است همچنین این جزء پر هزینه ترین بخش از ۵ رکن اصلی می باشد. پاکسازی اشاره به فرایند جمع آوری اطلاعات و حذف تهدید دارد که به طور کامل یک منطقه ی خطرناک را ضمن خارج کردن خطرات منفجره تعریف می کند.

هدف پاکسازی ایجاد یک منطقه ی امن با مکان یابی و سپس تخریب همه ی مین ها و سایر مواد منفجره ی خطرناک در یک منطقه ی مشخص با عمق معین است. این مستلزم سیستم های مدیریتی و روش های پاکسازی مناسب و مؤثر، ایمن و کارآمد باشد. علاوه بر انجام پاکسازی سازمان های مین زدا نیز جوامع را در خصوص میزان تهدید باقیمانده و یا پیشرفت عملیات آگاه می کنند برقراری ارتباط با جوامع یک بخش مهم از فرایند مین زدایی و ابزار مناسب ایجاد اعتماد میان بهره برداران ذی نفعان و به خصوص کاربران مناطق آزاد شده است.

اصطلاح جعبه ابزار مین زدایی غالباً در مبارزه با مین استفاده می شود که مشکل از ۳ عنصر است. پاکسازی دستی، سیستم ردیابی حیوانی و سیستم های مکانیزه. استفاده از ماشین ها و حیوانات اغلب در عملیات مین زدایی امری رایج است اگر چه اکثریت مین های زمینی و مهمات باقیمانده از جنگ به صورت دستی پاکسازی می شوند.

تصمیم گیری برای انتخاب ترکیب خاصی از روش ها در یک کشور تحت تأثیر گستره و نوع تهدیدی است که این مهمات ارائه می کنند و در عین حال تحت تأثیر عوامل مهم دیگری نظیر میزان بودجه و امنیت، شرایط زیر ساختی و قلمرو کشور و قوانین ملی است.

پاکسازی دستی

روش های پاکسازی دستی مین به طور معنی داری از جنگ جهانی دوم به بعد تغییر پیدا نکرده اند این روش ها بیشتر متکی به نفر مین یابی است که در امتداد یک خط مشخص با استفاده از یک فلز یاب، سیخک یا چنگک و یا یک کیت حفاری تا زمان مواجهه با یک شی مشکوک کار می کند. اگر چه این روش ها اغلب پیشرفت نسبتاً کندی دارند با این حال آنها در برنامه های مبارزه با مین رایج و محبوب هستند زیرا اطمینان پذیری آنها در پاکسازی اراضی مین بیشتر از روش های دیگر است. برخی از سازمان های دخیل در پاکسازی دستی از روش های جایگزین و تجهیزات دیگر استفاده نمی کنند.

مین یاب های دستی معمولاً برای ایجاد معبر و پاکسازی سیستم های مشبک، انجام جستجو های هدفمند و سیستماتیک و نیز پاکسازی منطقه ایی استفاده می شود. این مین یاب ها معمولاً در فواصل ایمن تعریف شده از یک دیگر قرار گرفته و پاکسازی را تا زمان کشف یک شی مشکوک ادامه می دهند سپس مین یاب به طور دقیق اطراف شی را حفاری کرده و اگر آن شی مین و یا هر گونه ماده ی منفجره باشد یا آن را در محل منفجر کرده از کار انداخته و یا برای انهدام در پایان روز آن را خارج می کند.

آموزش تیم های مین یاب های دستی و شناسایی آسان است. در کشورهایی که در آنها هزینه نیروی کار پایین است، مین یابی یا مین زدایی دستی می تواند مقرون به صرفه باشد. زمانی که اطلاعات و نقشه میدان مین موجود است این افراد گزینه مناسبی برای پاکسازی میادین مین می باشند به خصوص اگر مین ها به صورت ردیفی با الگوهای قابل شناسایی کار گذاشته شده باشند. پوشش گیاهی متراکم، قلوه سنگ، گل و لای و مناطق شهری همگی عواملی می باشند که روند پاکسازی مین را مختل می کنند و از این روی در این رابطه باید روش های دیگر در نظر گرفته شود. بر عکس، مین یاب های دستی می توانند به سیستم های پاکسازی و پردازش مکانیزه زمین در مناطقی که محدودیت دسترسی به ماشین وجود دارد کمک کنند و هم چنین این مین یاب ها می توانند اطلاع رسانی و برقراری ارتباط با جامعه را نیز انجام دهند.

فلز یاب ها

در ۱۹۶۰ میلادی، افزایش استفاده از پلاستیک ها در تولید مین موجب کاهش مقدار فلز در تولید مین به شکل قابل توجهی شد. در بسیاری از مین های ضد نفر مدرن، اجزای فلزی تنها به چند گرم کاهش یافته است و اغلب شامل پین احتراقی، فنر و شاسی پرایمر می باشد. برای حل مسئله حداقل مقدار فلزی، مین یاب های مدرن حساس بوده و در مقایسه با ابزارهای دهه ۱۹۴۰ میلادی، آنها سبک تر، با دوام تر، مطمئن تر و استفاده از آنها آسان تر می باشد.



متأسفانه، با افزایش حساسیت، حساسیت فلز یاب ها به هشدار های کاذب سیگنال از قطعات فلزی کوچک و ترکیبات فلزی موجود در خاک های خاص نظیر لاتریت حساس تر شده اند. علی رغم این محدودیت ها، فلز یاب ها رایج ترین ابزار کشف بوده و طراحی آنها روز به روز پیشرفته تر می شود.

بسیاری از مین یاب های مدرن بر اساس اصل القای مغناطیسی ساخته می شوند و قادر به فیلتراسیون سیگنال های ترکیبات فلزی غیر منتظره در خاک می شود. هم چنین برخی از آنها دارای رادار های نفوذ به زمین می باشند. علی رغم پیشرفت های فناوری حسگر و نرم افزاری، آنها باید با دوام بوده، استفاده از آنها آسان باشد، تعمیر و شارژ مجدد نیز با سهولت انجام شود و در عین حال نیاز به نگه داری ناچیزی داشته باشند.

یک مین یاب زن NPA (اردن)

سیخک، یک ابزار رایج مورد استفاده برای تأیید محل دقیق یک مین مدفون است. این ابزار ارزان، ساده و کارآمد بوده و برای تکان دادن مین از کناره های آن در درون زمین استفاده می شود. این کار با سوراخ کردن سطح زمین در زاویه حداکثر ۳۰ درجه برای اجتناب از برخورد سر مین صورت می گیرد که در بسیاری از موارد سر مین دارای مکانیسم تحریر کننده است.

سیخک ها از مواد متنوعی ساخته می شوند که متغیر از پلاستیک ها تا فولاد، آلومینیوم و آهن است. معایب سیخک شامل افزایش هزینه طرح های پیشرفته تر، نزدیکی سر و دست مین یاب به مین پیدا شده و تلاش مورد نیاز برای استفاده از آن در مناطق سنگلاخی می باشد. سیخک ها زمانی که امکان مواجهه با مین دارای فیوز ضد تماس داشته باشد و یا مین هایی که از محل خود به سمت دیگری چرخیده باشند استفاده نمی شوند.

چنگک ها

چنگک ها یا ریک ها برای حفاری و تشخیص مین در سواحل شنی، بیابان ها و دیگر مناطق با بافت نرم بدون سیستم ریشه ای، لایه تحتانی سفت و سنگ استفاده می شوند. اصل عملیاتی آنها نزدیک شدن به مین از کناره همانند سیخک و یا کندن و درآوردن مین از زیر زمین است: در فرایند اول هدف تعیین موقعیت دقیق مین برای حفاری زمین بوده و فرایند دوم شامل بالا آوردن و بیرون کشیدن مین به سطح زمین است.

چنگک ها مزایای افزایش فاصله بین مین یاب و مین، پاکسازی سریع تر، هزینه کم و پتانسیل تولید محلی را دارند. در مناطقی که پوشیده از قطعات فلزی است، روش چنگک بسیار کارآمد تر از فلز یاب هاست. در مناطق شنی و یا اراضی با بافت نرم مناسب، برخی از عاملین و شرکت های مین یابی مین های فلزی را به طور کامل با چنگک ها جایگزین می کنند.

از معایب روش چنگک، دقت کم مین یابی و یا پتانسیل بیرون کشیدن مواد منفجره ناخواسته است. مین یاب به خوبی محافظت می شود و فاصله میله چنگک از چاشنی انفجار دور است و از این روی مین یاب از آسیب جدی در امان است ولی انفجار، صدا و پرت شدن قطعات می تواند آسیب جدی به فرد بزند. در صورتی که چنگک با احتیاط استفاده شود می تواند یک ابزار مفید برای پاکسازی مین تلقی شود.

حفاری

حفاری کامل می تواند سطوح بالایی از اطمینان را در بین همه روش های پاکسازی در اختیار بگذارد با این حال این روش بسیار زمان بر است. نظارت بر خارج کردن همه خاک ها تا یک عمق خاص آسان است با این حال این روش محدود به موارد زیر است:

- مناطق بر روی دامنه های تپه ای شیب دار و سایر مناطقی که حرکت و تردد در آن سخت است
- مناطق شهری خاص
- خاک سفت با آلودگی فلزی بالا
- مناطق با مقدار مین فلزی بسیار کم که برای سیستم های تشخیص حیوانی یا مکانیکی نامناسب است

پیشرفت و کارایی

پیشرفت روزانه بسته به روش و فناوری مورد استفاده و نیز منطقه عملیاتی، نوع خاک و آب و هوا تغییر می کند. خروجی پاکسازی روزانه برای یک مین یاب بین ۵ و ۱۵۰ متر مربع می باشد. پاکسازی دستی زمانی مؤثر ترین و کارآمد ترین است که با روش های پاکسازی و ردیابی دیگر همراه باشد.



روش حفاری کامل در یک تپه شیب دار (افغانستان)

اگرچه روش های پاکسازی دستی برای مین یاب ها به طور مرتب برای ارزیابی فرصت های افزایش سرعت، ایمنی و اطمینان مرور می شوند، عمده ناکارآمدی های مشاهده شده در سطح مدیریت تیمی و عملیاتی دیده می شوند. نبود نظارت و برنامه ریزی حساس به منبع، اولویت بندی غلط، توجه کم به مطالعات زمانی و مکانی و نیز آب و هوا، منطقه و متغیر های لجستیک می تواند اهمیت داشته باشد.

عاملی که بیشترین تأثیر را بر روی کارایی دارد، اطمینان در تصمیم‌گیری‌های آزادسازی زمین یا به دلیل نبود اطلاعات مناسب می‌باشد و یا به این دلیل که ساختارهای مدیریتی امکان تجهیز مدیران را در سطوح بالای تصمیم‌گیری نمی‌دهد. از آن‌جا که مین یابی دستی نیاز به نیروی کار زیاد و هزینه بالا دارد، امروزه تأکید بیشتری بر بهینه‌سازی صحت‌شناسایی قبل از پاکسازی دیده می‌شود که امکان استخدام مین یاب‌ها را تنها در مناطقی که واقعا آلوده هستند می‌دهد.

سیستم‌های ردیابی حیوانی

رایج‌ترین حیوان برای مین یابی سگ می‌باشد و دلیل آن قابلیت بالای آن و آموزش دیدن توسط انسان می‌باشد. هم‌چنین موش‌های صحرایی نیز استفاده می‌شود. این حیوانات برای تشخیص بوی سلاح‌های خاص با مواد منفجره و یا دیگر اجزای مین‌ها و مهمات آموزش دیده می‌شوند. این اشاره به سیستم ردیابی حیوانی (ADS) دارد.

سگ‌ها به مدت چندین قرن در ردیابی استفاده شده و از جنگ جهانی دوم به بعد برای مین‌زدایی استفاده می‌شده‌اند. حیوان حضور مین را نشان داده و سپس مسئولیت یافتن مین بر عهده مین یاب است.

حیوانات نظیر هر دستگاه مین‌زدایی و شناسایی دیگر دارای محدودیت‌هایی می‌باشد یا این حال تجربه نشان می‌دهد که با آموزش خوب، برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب، می‌توان بر بسیاری از محدودیت‌های محیطی و آب و هوایی غلبه کرد.



سگ مین یاب آزاد گرد و نگه دارنده‌ای که چکمه مین پوشیده است (سارایوو)

حیوانات تشخیص دهنده مواد منفجره می توانند مین های با مقدار فلز کم، مین های دفن شده در عمق و مین های مدفون در مناطق با آلودگی فلزی بالا که در آنها استفاده از فلز یاب ها سخت است تشخیص دهند. ADS سریع تر و مقرون به صرفه تر از روش های مین یابی دستی می باشند. پیشرفت روزانه در این رابطه بسته به شرایط محیطی، نوع وظیفه و مفهوم عملیاتی مورد استفاده ۳۰۰ متر مربع تا ۲۰۰۰ متر مربع ثبت شده است. ADS در مرز های میدان مین و شناسایی مین های پراکنده بهترین عملکرد را نسبت به کار در میداین مین با تراکم بالا دارند.

سایر وظایف توصیه شده شامل نمونه برداری سریع از مناطق پاکسازی شده توسط مین یابی مکانیکی و دستی، مناطق غیر قابل دسترس برای ماشین ها و مسیر های خطرناک و نیز پاکسازی مناطق جنگی و مناطق پر از مهمات خسته ای است. حیوانات را می توان در نقش شناسایی فنی مورد استفاده قرار داد.

حیوانات، به ویژه سگ ها در رد یابی از راه دور بوی مواد منفجره (REST) استفاده شده اند. REST شامل جمع آوری نمونه های هوا و گرد و غبار در فیلترها از جاده ها و مناطق مشکوک است. سپس فیلتر ها در یک محیط کنترل شده گذاشته شده که در اختیار حیوانات آموزش دیده برای تحلیل بو قرار می گیرند. نمونه ها به چندین حیوان به طور متوالی داده می شود. در صورتی که هیچ یک از آنها حضور مین یا بوی مهمات منفجره باقیمانده از جنگ را نشان ندهند، منطقه ای که نمونه از آن برداشته شده است به دیگر به عنوان خطرناک طبقه بندی نمی شود.

REST ها عمدتاً برای پاکسازی جاده استفاده شده و بیش از یک دهه است که در کشورهای نظیر افغانستان، آنگولا، موزامبیک و سودان استفاده می شود. بیشتر کار های پاکسازی جاده ای در دنیا از REST استفاده می کنند.

چالش اصلی استفاده از REST مشکل ارزیابی کیفیت نمونه ها است و باید اطمینان حاصل کرد که طی انتقال از منطقه نمونه برداری به منطقه آنالیز الودگی به فیلتر ها سرایت نکرده است.

ADS نمی تواند جایگزین مین یاب ها باشد با این حالی در صورتی که با سیستم های مکانیزه و دستی استفاده شود ابزاری قوی محسوب شده و موجب افزایش بهره وری برنامه های مین زدایی می شود.

سیستم های مکانیزه

طیف وسیعی از سیستم های مکانیزه برای از بین بردن و انهدام مین تولید شده اند. آنها می توانند اجزای مقرون به صرفه در برنامه مین زدایی باشند که موجب تسریع پیشرفت سایر تجهیزات از طریق پاکسازی پوشش گیاهی، چاشنی و خرد کردن خاک می شود. آنها کارکرد های مهمی در شناسایی فنی دارند و در برخی موارد به عنوان روش پاکسازی اصلی محسوب می شوند. رایج ترین نوع ماشین های مورد استفاده در عملیات های مین زدایی مجهز به مین کوب، تیلر و غلطک می باشند.

استفاده موفق از سیستم های مکانیزه بزرگ تر می تواند اثراتی بر زیر ساخت های پل و جاده داشته باشد. همه سیستم ها نیاز به قابلیت دسترسی به قطعات یدکی، ابزار و مهارت های لازم برای استفاده از آنها دارند. نیاز به تریلر و کامیون برای جا به جایی تجهیزات مکانیکی سنگین و پشتیبانی لجستیک موجب شده است تا نیاز به سیستم های عملیاتی تشدید شود که بر تصمیمات استفاده از ماشین آلات اثر می گذارد.

مین های ضد تانک و مهمات انفجاری بزرگ می توانند موجب آسیب و یا نابودی کامل سنگین ترین و حتی ماشین های مین یابی با بهترین محافظت شوند. در طی پیمایش های اولیه، پیمایش انواع مواد منفجره برای تصمیم گیری در خصوص استفاده از ماشین ها لازم است.

با توسعه بخش مدرن مبارزه با مین، توجه زیادی به استفاده از ماشین آلات برای اهداف بشر دوستانه شده است. پیشرفت های زیادی از اولین سیستم مکانیکی تولید شده در ۱۹۴۲ صورت گرفته است. ماشین های اولیه اغلب بدقواره، نامطمئن و توان کافی را نداشتند و نتایج پاکسازی همیشه کم تر از انتظار و خواسته های برنامه های بشر دوستانه مدرن بوده است.

امروزه طیف وسیعی از ماشین های مین یاب موجود می باشند که دارای توان بالا بوده و مجهز به سیستم کنترل از راه دور، سیستم های موقعیت یابی و کنترلی و بسته های پشتیبانی و خدماتی جامع می باشند. برخی از ماشین ها به صورت انبوه تولید می شوند در حالی که سایرین به تعداد محدود تولید شده اند. در برخی موارد، وسایل نقلیه ساختمانی و کشاورزی تغییر یافته و برای پاکسازی مین تجهیز شده و از این روی در سرمایه گذاری از حیث قابلیت دسترسی و هزینه کم موجب صرفه جویی می شوند.

سیستم های مکانیزه قادر به شناسایی فنی، تعیین مرز های مناطق خطرناک مشکوک بوده و نقش مهمی در فرایند آزاد سازی زمین ایفا می کنند. اعتماد به استفاده از آنها برای پاکسازی تحت شرایط مناسب افزایش یافته است زیرا ابزاری برای کاهش مخاطرات همراه با دو روش پاکسازی: مین یاب های دستی و سگ های مین یاب می باشد.

در سال ۲۰۰۴، GICHD مطالعه تجهیزات پاکسازی مکانیزه مین را منتشر کرد که به بررسی عوامل مؤثر بر کارایی، بهره وری و مقرون به صرفگی پرداختند. این مطالعه نشان داد که در شرایط مناسب (نوع تهدید، خاک و توپوگرافی)، ماشین ها را می توان به عنوان سیستم پاکسازی مهم استفاده کرد.

یک دهه بعد، اعتماد افزایش پیدا کرده و برخی از برنامه های مبارزه با مین از ماشین ها به عنوان سیستم های پاکسازی اصلی استفاده می کنند. IMAS (07.11) آزاد سازی زمین بر لزوم جمع آوری داده های عملکرد طی عملیات فعلی با استفاده از ماشین ها برای تولید داده هایی که بر اساس آن تصمیماتی را می توان در مورد زمان و مکان استفاده از ماشین ها در نقش پاکسازی استفاده کرد تأکید می کند.

ماشین های مورد استفاده در مین زدایی را می توان به انواع ماشین هایی تقسیم کرد که برای اهداف زیر طراحی شده اند:

- انهدام خطرات
- آماده سازی زمین و
- تشخیص خطرات

برخی برای برای بیش از یک هدف طراحی می شوند.

بسیاری از ماشین ها نیازمند عاملین انسانی هستند و برای محافظت از ساکنین و تجهیزات در برابر اثرات انهدام طراحی می شوند. سایرین از سیستم های کنترل از راه دور برای دور کردن عاملین و شرکت ها از خطر استفاده می کنند.

سیستم های هدفمند شامل مین کوب ها، تیلر ها، ماشین های پاکسازی پوشش گیاهی، سرند و ماشین های دیگر می باشند. سیستم های فوق را می توان با لودر ها و بیل مکانیکی تلفیق کرد که برای پاکسازی مواد منفجره در درون منطقه خطرناک و یا در خارج از مرز آن مجهز می شوند.

برخی سیستم های مکانیزه همزمان چندین هدف را دنبال می کنند. برای مثال در صورتی که این ابزار طی عملیات مین زدایی به عنوان مین کوب استفاده شود می تواند موجب انهدام مین، خارج کردن پوشش گیاهی و شل شدن خاک شود. در صورتی که حتی به یک آهن ربا همراه باشد می تواند قطعات فلزی را خارج کرده و اطلاعاتی را در مورد مین و الودگی مهمات منفجره باقیمانده از جنگ بدهد.



سنگ شکن مکانیزه و غربال هم زمان

ماشین های آماده سازی زمین را می توان برای افزایش بازدهی و ایمنی عملیات پاکسازی مین در دیگر تجهیزات پاکسازی استفاده کرد. آنها می توانند مناطق را برای عملیات پاکسازی بیشتر با پاکسازی پوشش گیاهی و از بین بردن چاشنی ها و یا شکستن یخ ها و سله زمین در شرایط سرد آماده کنند.

ماشین های آماده سازی زمین را می توان به عنوان پیمایش گر فنی برای تشخیص مناطق مشکوک به مین استفاده کرد (معمولاً بستگی به این دارد که آیا مین ها منفجر شده اند یا نه).

اگرچه ماشین های تخصصی زیاد و ابزارهای قابل توجهی برای پاکسازی مکانیزه موجود هستند، با این حال این ماشین ها به ندرت قادر به از بین بردن همه انواع مین ها بوده و بعید است که همه مهمات منفجره باقیمانده از جنگ را منهدم کنند. یک رویکرد سیستمی نیاز است که در آن ماشین ها با ترکیبی از ابزار، ترکیبی از ماشین های با ابزارهای مختلف و یا روش های ADS و مین یابی دستی در مراحل مختلف مبارزه با مین استفاده شوند.

یک عامل مهم هنگام تصمیم گیری در مورد انتخاب ماشین، اثر آنها بر اطلاعات و میزان تصمیم گیری در مورد توقف کار های مکانیزه است. در برخی از موارد، استفاده محتاطانه تر از ماشین ها و دستگاه ها می تواند برای حفظ الگوی آلودگی مناسب باشد. تعادل بین استفاده از ماشین به عنوان ابزار شناسایی فنی و تجهیزات پاکسازی تنها بستگی به سطح اطمینان مربوط به قابلیت های پاکسازی آن ندارد بلکه منوط به توانایی آن برای حفظ و ارائه اطلاعات می باشد.

دیگر فناوری های مین زدایی

دو فناوری جدید مهم رادار نفوذ به زمین GPR و تشخیص بخارهای انفجاری می باشند.

GPR متشکل از فرستنده ای است که پالس انرژی (و یا موج پیوسته را در دامنه فرکانسی خاص) به زمین ارسال می کند که با یک گیرنده ای که سیگنال های راداری منعکس شده از اشیای مدفون را دریافت می کند همراه است. انرژی رادار از زمین عبور کرده و با سرعت های مختلف بسته به ماده ای که از درون آن عبور می کند منعکس می شود.

GPR زمانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است که با یک فلزیاب همراه باشد که امکان تشخیص مین های با پوشش پلاستیکی را که حاوی اندکی فلز می باشند می دهد. اگرچه فناوری روز به روز پیشرفته تر می شود تغییرات GPR به طور موفقی برای بهبود بازدهی مین یاب ها در میداین مین با الودگی فلزی بالا استفاده شده و زمان صرف شده در حفاری ناشی از سیگنال های کاذب مثبت را کاهش می دهد.

در تشخیص بخار های انفجاری دو روش اصلی امروزه توسعه یافته است که شامل حسگر های شیمیایی و حشرات است. روشی که بیشترین کاربرد و قابلیت را نشان می دهد کراماتوگرافی گازی است. بسیاری از کراماتوگراف های گازی برای شرایط آزمایشگاهی مناسب تر از شرایط میدانی هستند، زیرا آنها بزرگ، ظریف و پیچیده هستند و به عرضه ی پیوسته ی الکتریسته و گاز نیاز دارند. این سیستم می تواند در درون یک آزمایشگاه سیار قرار داده شود که سپس به میدان مین که در آن نمونه های بخار برای تحلیل وجود دارند به خصوص ردیابی از راه دور بوی انفجاری که قبلاً گفته شد منتقل شود.

آزمایشات تشخیص بوی مواد منفجره با حشراتی نظیر مگس ها و زنبور ها نیز انجام شده است. حشرات را می توان طوری اصلاح کرد که حساسیت و قابلیت های تشخیص عالی داشته باشند. با این حال اطمینان از این که آنها می توانند به طور مکرر در میداین مین استفاده شوند اغلب هنوز اثبات نشده است.

دیگر ابزار های فناوری از جمله پیشرفت های مورد انتظار در تجهیزات حفاظتی، تحقیقات جاری در استفاده از آهنربا های دستی، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین UAV برای شناسایی و استفاده از آهن ربا در سیستم های مکانیکی موجود برای کاهش مقدار فلزات زمین موجب موجب تسریع پاکسازی زمین و روش های مربوطه می شود.

پاکسازی منطقه ی نبرد

پاکسازی منطقه ی نبرد یک روش پاکسازی کنترل شده و سیستماتیک مهمات باقیمانده از جنگ در نواحی خطرناک مناطق جنگی سابق است که گفته می شود در آن مین وجود ندارد. بسیاری از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ های یافت شده در هنگام مین یابی اقلام کوچکی نظیر ریز بمب ها، نارنجک ها و خمپاره ها می باشند که شلیک شده اند ولی منفجر نشده اند. این ها اغلب توسط مین یاب ها پاکسازی می شوند. مهمات منفجر نشده اشاره به مورد های بزرگی نظیر گلوله های توپ، موشک های هدایت شونده و بمب های هوا به زمین می باشند. پیچیدگی UXO مستلزم این است که توجه ویژه ای باید به مدیریت BAC و EOD شود.

BAC شامل جست و جوی سطحی یک منطقه ی خاص توسط یک تیمی است که به طور چشمی به بررسی زمین برای یافتن شواهد و علائم خطر می پردازند. همچنین شامل استفاده از روش های مشابه با روش های استفاده شده در عملیات پاکسازی مین است که مورد هایی را بر روی زمین و زیر زمین در مناطق مشخص پیدا می کند. در صورتی که مین ها و مهمات باقیمانده از جنگ در یک منطقه وجود داشته باشند منطقه اول به صورت خطرناک از نظر مین در نظر گرفته می شود قبل از این که به خطر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ با استفاده از روش های BAC بعد از ازبین بردن تهدید مین رسیدگی شود.

صدها نوع UXO و مکانیسم های ماسوره ایی وجود دارد. تبدیل شدن به یک تکنسین EOD نیازمند سالها تجربه است. وقتی که تکنسین EOD با یک مهمات عمل نکرده مواجه می شود، ابتدا آن را بررسی کرده و سیستم فیوزینگ آن، امکان تله بودن و همچنین سیستم فیوز آن را شناسایی کرده و سپس تصمیم می گیرد که آیا دست زدن به آن ایمن است یا نه. UXO معمولاً در محل منهدم می شود. اگر امکان انهدام آن به دلایل ایمنی و یا ملاحظات زیر ساختی^۶ و زیست محیطی^۷ وجود نداشته باشد، روش های خنثی سازی یا غیر مسلح کردن قبل از جابجایی آن به منطقه ی دیگر استفاده می شود.

عملیات های EOD زیر آبی

تعدادی از کشورها تحت تأثیر مین دریایی قدیمی، و مهمات و عمل نکرده در اسکله ها، رودخانه ها، آبهای خشکی و دریاچه ها می باشند. تقاضایی برای توسعه ی استانداردها و رهنمود های بین المللی برای تعیین بهترین روش ها در عملیات زیر آبی EOD ارائه شده است. این فرایند در حال حاضر استفاده شده و در صورتی که کامل شود می تواند به ایمنی کیفیت و مقرون به صرفگی پاکسازی و شناسایی زیر آبی کمک کند.

علاوه بر ابعاد بشر دوستانه، مهمات زیر آبی می توانند مخاطرات امنیتی داشته باشند و یک مانع مهم برای توسعه ی زیر ساخت ها و رشد اقتصادی محسوب می شوند. مهمات و مواد منفجره باقیمانده از جنگ ها در صورتی که به مدت زمان طولانی در آب باشند تجزیه شده و ممکن است پایداری خود را از دست بدهند. وقتی مواد سمی خود را آزاد کنند می توانند برای معیشت محلی و نیز زیرساخت ها خطرناک باشند. مهمات قرار گرفته در عمق های کمتر ممکن است در نهایت برای تولید بمب های دست ساز (IED) استفاده شوند.

از آنجا که^۸ استاندارد ها و رهنمود هایی^۹ برای غواصی نظامی و تجاری از جمله EOD وجود دارد استاندارد EOD زیر آبی بین المللی جدید یک مرجع عمومی و یک مخزن دستور العملی و اطلاعاتی برای عملیات EOD زیر آبی است. پتانسیل بهبود کارایی و مقرون به صرفه گی این بخش با همسو سازی مفاهیم و مفاهیم مبارزه با مین و درس های آموخته شده در رابطه با عملیات EOD زیر آبی وجود دارد.



عملیات زیر آبی EOD

تحويل

بعد قانونی و آزاد سازی زمین که بسیاری از عاملین و شرکت ها و مراکز مین زدایی با آن آشنا هستند زمانی حادث می شود که کار پاکسازی و شناسایی به اتمام برسد و زمین آماده تحويل به مالکان و کاربران باشد. مجوز تحويل یا تکمیل معمولاً باید تا حد امکان شفاف باشد. این گواهی معمولاً شامل موارد زیر است:

- موقعیت و محل، نام و هر گونه جزئیات شناسایی سایت.
- جزئیات مربوط به سازمان هایی که کار آزاد سازی زمین را انجام داده اند.
- توصیف کلی از کارهای انجام شده (شناسایی، پاکسازی، و غیره) و این که آیا زمین از طریق فرایند حذف، کاهش پاکسازی و یا ترکیبی از آنها آزاد شده است.
- گزارشی در مورد شرایط زمین (از جمله محدودیت عمق و یا نوع ابزار های مربوط به تعریف وظایف) و ایجاد محدودیت هایی که توسط عاملین و شرکت های آزاد سازی زمین ارائه شده است.
- نام و امضای با تاریخ نماینده ی مجاز عامل آزاد سازی زمین.
- گزارشی در مورد عملیات QA و QC اعمال شده در سایت با توزیعی در مورد بیمه ی ارائه شده توسط آژانس QA/QC خارجی.
- نام و امضای با تاریخ نماینده ی آژانس بیمه و کنترل کیفیت.
- نام و امضای با تاریخ نماینده ی مجاز برای پذیرش آزاد سازی زمین از طرف دولت و یا دیگر مالکین.

روش های تحويل و مستند سازی شفاف برای آزاد سازی کارآمد و مطمئن زمین نقشی حیاتی دارند و اغلب نقش مهمی در فرایند قراردادی مربوط به پرداخت به ازای کار ایفا می کنند. تحويل یک آستانه ی مهم در انتقال مسئولیت برای زمین بین اپراتور و مالک بوده و اغلب روند تشریفات اداری را در رابطه با بیمه ی اپراتور طی می کند.

در سطح جهانی مکانیسم قانونی اصلی برای انجام فعالیت پاکسازی مین از طریق تنظیم قرارداد است. یک قرارداد معمولاً یک توافق با محدودیت زمانی بین نماینده قرارداد و پیمانکار برای ارائه ی تجهیزات و خدمات خاص است. ۳ عضو مهم وجود دارند که منافع آنها در قرارداد وجود دارد:

۱. کارفرما
۲. پیمانکار
۳. ذی نفعان.

پیمانکاران معمولاً سازمان های مردم نهاد، شرکت های تجاری، واحد های تجاری مراکز مبارزه با مین ملی هستند. رایج ترین روش های مشارکت این افراد از طریق گرندها (قرارداد های غیر رقابتی) و قرارداد های بر اساس فرایند های رقابتی است.

کارفرمایان شامل مراجع ملی مین (NMAA) یا مراکز مبارزه با مین ملی (NMAC)، آژانس های سازمان ملل، کمک کنندگان و شرکت های مهندسی عمران هستند. ذی نفعان شامل همه ی افراد و سازمان هایی هستند که از این قرارداد نفع می برند و در عین حال در چارچوب وظایف خود عمل می کنند.

در یک مدل تنظیم قرارداد متداول، کارفرما/قرارداد را برای تجهیزات پاکسازی خاص تنظیم کرده و سپس منطقه ی پاکسازی را برای پیمانکار تعیین می کند. پیمانکار هیچ گونه محرک و اختیاری در تغییر منطقه ی پاکسازی ارائه شده به او ندارد و تنها بر اساس ظرفیت او و منطقه ی پاکسازی شده به او ارائه می شود. این روش تنظیم قرارداد زمانی مؤثر است که خصوصیات مناطق مین یابی شده مشخص و معین باشد و به طور شفاف تعریف شده باشد.

با این حال در بسیاری از موارد، ممکن است مناطق از نظر وجود مین و یا مهمات منفجره باقیمانده از جنگ مشخص نباشد و یا این که به طور مبهمی توصیف شده باشند و یا مرز بندی مناطق مشکوک خطرناک تقریبی باشد (SHA). در این موارد مدیریت داخلی فرایند آزاد سازی زمین و تنظیم قرارداد پروژه های شناسایی اغلب ارزش بهتر پول را نشان می دهد.

هدف فرایند آزاد سازی زمین از SHA و CHA با استفاده از کارآمد ترین روش ها است با این حال پر واضح است که در صورتی که پیمانکار پول زیادی را از کار پاکسازی بگیرد، اما کمترین نقش را در پاکسازی منطقه داشته باشد، تضاد منافع ایجاد خواهد شد. در این موارد مقرون به صرفگی و اطمینان از طریق مکانیسم های قراردادی حاصل می شود که عملیات تصمیم گیری آزاد سازی زمین را در یک سازمان طرف قرارداد قید می کند.

جامعه مبارزه با مین معمولاً ممکن است با مفهوم آزاد سازی مین از طریق ابزار های غیر فنی در قرارداد های مبارزه با مین با چالش روبرو باشد. وقتی قرارداد ها در صدد دادن مسئولیت های پیچیده تر تصمیم گیری با استفاده از آزاد سازی زمین به پیمانکار نباشند، اصول اساسی و مسئولیت ها باید در یک متن قراردادی قید شود.

اصول مربوط به تعریف نقش ها و مسئولیت های بخش های مختلف و اطمینان از این که هیچ گونه تضاد منافعی ایجاد نمی شود، باید به عملیات پاکسازی مین تعمیم داده شود که تحت دیگر قرارداد های رسمی نظیر یادداشت تفاهم ایجاد شده اند. ۰۷.۲۰ IMAS دستور العملی را برای تنظیم قرارداد مبارزه با مین ارائه می دهد.

شیوه ی تنظیم قرارداد مبارزه با مین نقش مهمی در اطمینان از این که فعالیت های آزاد سازی زمین ضروری، کارآمد و مؤثر است ایفا می کند.

مسئولیت

رسمی سازی روش های آزاد سازی زمین (تحويل زمین لغو شده یا کاهش یافته که در معرض پاکسازی تا یک عمق خاص قرار نگرفته) و تنظیم قرارداد در مورد ظرفیت های مین زدایی موجب افزایش علاقه و افزایش اهمیت مربوط به مسئولیت و بیمه در مبارزه با مین شده است.

امکان باقی ماندن یک یا چند مین و یا دیگر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ بعد از تحويل یک منطقه ی پاکسازی شده وجود دارد. یک مورد ERW ممکن است طی پاکسازی از قلم افتاده باشد و یا زمین ممکن است به طور ناصحیحی توسط شناسایی اشتباهی آزاد شده باشد، در نتیجه ممکن است آسیب یا مرگ اتفاق بیفتد. از آنجا که مسئولیت به عدم تبعیت از روش یا سیاست قرار داد و موافقت نامه مربوط است، اژانس تنظیم قرارداد و مرکز مبارزه با مین ملی باید سعی کند به مسئولیت قانونی مربوط به آسیب یا مرگ در این رابطه پاسخ دهد.

به طور کلی گفته می شود که دولت مسئول ایمنی شهروندانش است. این دولت است که باید مسئله ی کاهش خطرات مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مین را در قلمرو خود حل کرده و حوادث مربوط به آن را به حداقل برساند.

در طی فعالیت های مین زدایی، این مسئولیت اغلب به سازمان انجام دهنده ی عملیات محول می شود. اگر دولت استاندارد ی برای حقوق قربانیان و یا سیاستی برای رسیدگی به مخاطرات باقی مانده داشته باشد، این مسئله می تواند مفید باشد (که در IMAS به صورت مخاطرات باقی مانده بعد از استفاده از همه ی تلاش های منطقی برای خارج کردن و یا انهدام همه ی مین ها و یا خطرات ERW از یک منطقه ی خاص تا یک عمق خاص تعریف می شود).

رخدادهای تکی معمولاً بصورت مورد به مورد بررسی میشود و این شواهدی مبنی بر غفلت اپراتور می باشد. در میان جامعه جهانی مبارزه با مین معمولاً در خصوص این که بخش یا بخش هایی که باید مسئولیت را هنگام تکمیل شناسایی و پاکسازی بر عهده بگیرند و یا منطقه ای که باید به کاربر نهایی تحویل داده شود اختلاف نظر وجود دارد.

حتی پاکسازی کامل مطابق با استاندارد های IMAS تا عمقی فراتر از محافظه کارانه ترین ارزیابی مخاطرات نمی تواند این تضمین مطلق را بدهد که منطقه کاملاً عاری از مواد منفجره ی خطرناک شده است. IMAS سعی ندارد شرایط قابل تعمیم جهانی را از نظر مسئولیت تسریع کند، در عوض دستورالعمل ها و رهنمودهایی را بر اساس تجربه و شواهد موجود ارائه می دهد. کیفیت کار چگونه ارزیابی می شود؟ مخاطرات باقی مانده در قانون و استانداردهای ملی چگونه تعریف می شود؟ آیا استاندارد و یا معیار رسمی برای تحویل زمین وجود دارد؟

سؤالات مربوط به مسئولیت پذیری باید توسط دولت، آژانس های تنظیم قرارداد پیمانکاران و ذی نفعان در جوامع تحت تأثیر مبارزه با مین قبل از شروع کار در نظر گرفته شده، درک شده و مورد موافقت آنها قرار گیرد. همه ی مراحل در فرایند آزاد سازی زمین باید مستند باشند، از جمله تصمیم گیری های انجام شده و این که این تصمیمات بر چه مبنایی بودند. اطلاعات باید به طور ایمن برای ارجاعات آینده ذخیره شوند.

بیمه

پاکسازی مین نیاز به نیروی کار زیاد داشته و در یک محیط کاملاً خطرناک صورت می گیرد که در آن بیمه برای رسیدگی به مخاطرات جانی و مادی حیاتی است. بیمه به صورت یک انتقال برابر مخاطرات زیان حاصل از یک مرجع به مرجع دیگر به ازای پرداخت بیمه تعریف می شود. همچنین باید روشی برای حفاظت در برابر عواقب منفی حادثه و یا دیگر زیان های مادی و جسمی نامطلوب ارائه شود.

از همه مهم تر بیمه نباید به صورت ابزاری برای محافظت محض درک شود، بلکه برگشت پذیری برای مشتری محسوب می شود که امکان تنظیم مجدد عملیات را برای یک فرد یا دولت نزدیک به آن قبل از هر گونه زیان ارائه می دهد. پوشش موجود برای پرسنل پاکسازی شامل مرگ تصادفی، از دست دادن اعضا و یا دیگر شرایط معلولیت دائم با پوشش خدمات تخلیه ای و ترخیص اورژانس پزشکی، هزینه های بازگشت به وطن است.

در یک بازار توسعه یافته بیمه های دیگر نیز ممکن است برای رفع مسائل پیمانکاران و کارفرمایان در رابطه با قابلیت دسترسی به تجهیزات، اختلال در پروژه، ابعاد مربوط به مشاوره ی فنی و عواقب ناشی از تصادفات و حوادث بعد از کار موجود باشد.^{۱۰}

- 1 Normally between 520- percent
- 2 BOMICEN/VVAF (2005), *Executive Summary, Unexploded Ordnance and Landmine Impact Assessment and Technical Survey Report, Phase 1* Hanoi, 14 October 2005, pp. 2–3
- 3 GICHD (to be released in 2014) *A study of policy and practice in relation to residual World War II Unexploded Ordnance in Germany and the UK*.
- 4 Mine Action Standards. IMAS 04.10 Glossary of mine action terms, definitions and abbreviation, Second Edition. (Amendment 6, May 2013) (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed 20 July 2013).
- 5 GICHD (April 2011) *A Guide to Land Release: technical methods* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 20 July 2013).
- 6 IMAS 04.10 states: '...*The act of replacing safety devices such as pins or rods into an explosive item to prevent the fuze or igniter from functioning...*'
- 7 IMAS 04.10 states: '...*The act of making a mine or explosive ordnance safe by removing the fuze or igniter. The procedure normally removes one or more links from the firing chain...*'
- 8 eg NATO STANAG, NORSOK, IMCA
- 9 eg IMAS incl. TNMA, ISACS, OSCE BP, CWA EOD Competency Standards
- 10 GICHD (June 2011) *A Guide to Liability and Insurance in Mine Action* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 20 July 2013).



پیام های کلیدی

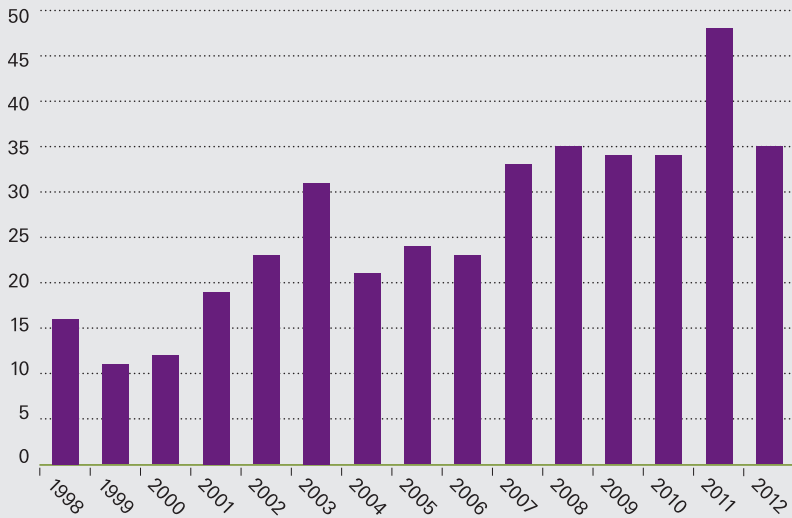
- نگرانی زیادی در مورد انفجار های برنامه ریزی نشده ذخائر مهمات وجود دارد که منجر به خسارات شهری و آسیب به املاک می شود.
- دزدی مهمات از ذخائر موجب می شود تا مواد برای تولید بمب های دست ساز آماده باشد.
- جرقه زنی خودبه خودی ناشی از واکنش های شیمیایی در مهمات قدیمی و یا در حال تخریب در ذخائر یک عامل اصلی بسیاری از انفجار ها است.
- پیشگیری بهتر از درمان است- انهدام ذخائر مازاد و خطرناک مهمات ارزان تر از پرداختن هزینه های پاکسازی و آسیب ها و تلفات ناشی از رویداد های انفجاری غیر منتظره است.
- تلاش های بین المللی در حال حاضر بیشتر برای اطمینان از این که مهمات به خوبی مدیریت شده بودند و به طور مناسب ذخائر شده اند معطوف شده است.
- برنامه های ایمنی فیزیکی و مدیریت ذخائر PSSM مدیریت و تسلیحات توجه بیشتری را به خود جلب می کند.
- برنامه های کمک به کشورها در انهدام ذخائر خطرناک و مازاد در سرتاسر دنیا اجرا می شود.

مقدمه

هر کشور عضو کنوانسیون منع مین های ضد نفر (APMBC) ملزم به انهدام همه ی مین های ضد نفر^۱ ذخیره شده ی خود بوده و آن دسته از کشورهای عضو که در موقعیت انجام این کار هستند باید به کشورهای غیر عضو برای انجام این الزام کمک کنند^۲. کنوانسیون مهمات خوشه ای CCM نیز کشورهای عضو را ملزم به نابودی ذخائر مهمات خوشه ای تحت اختیار و کنترل خود می کنند^۳.

انهدام سلاح های ممنوعه مطابق معاهدات بین المللی تنها یکی از عناصر مربوط به فعالیت انهدام ذخائرست؛ این امر شامل حذف دیگر تسلیحات و مهمات قدیمی خطرناک و مازاد می باشد.

لزوم مدیریت مناسب مهمات کاملاً شفاف است. جامعه ی بین الملل تلاش هایی را در راستای حداقل سازی خطرات ناشی از انفجار ناخواسته ی ذخائر مهمات صورت داده، با این حال هنوز این اتفاقات رخ می دهند و هر ساله تلفات جانی بسیاری را به بار می آورند. هزاران نفر در طی سال های اخیر به دلیل چنین انفجار هایی جان خود را از دست داده یا معلول شده اند.



منبع: نظر سنجی تسلیحات کوچک.

انهدام ذخائر

تعریف

IMAS بیان می دارد که اصطلاح ذخائر به ذخیره ی انباشته شده ی عظیمی از مهمات منفجره اشاره دارد.^۴

- انهدام ذخائر مهمات به صورت روش انهدام فیزیکی برای کاهش ذخائر مهمات ملی تعریف می شود.^۵
- دولت یا هر مرجع دیگری که ذخائر مهمات را دارا می باشد باید مواد و مهمات منفجره را به صورت بخشی از فرایند خلع سلاح منهدم کرده و به عنوان یک لازمه ی قانونی با منقضی شدن عمر مفید مهمات و یا به دلایل ایمنی این کار را انجام دهد.

IMAS بر انهدام مین های ضدنفر بر اساس ملزومات قانون APMBC و به طور غیر مستقیم ملزومات پروتکل ۲ اصلاح شده کنوانسیون تسلیحات متعارف خاص تأکید دارد. طیف وسیعی از روش ها برای انهدام دیگر ذخائر مهمات مواد منفجره وجود دارد.

کنوانسیون ها جزئیات انهدام را تعریف نمی کنند. این اصطلاح توسط کشورهای عضو تعریف و تفسیر می شود که شامل تعدادی از رویکردهای مختلف از جمله جدا و پیاده سازی قطعات، نابود کردن و بازیافت و نیز انهدام فیزیکی است.

گزینه ها و روش هایی برای انهدام

روش های انهدام فیزیکی از سوزاندن باز ساده OB و روش های انهدام باز OD تا انهدام و نابودی کامل و تا فرایند های صنعتی بسیار پیشرفته متغیر هستند. هزینه ی پاکسازی مین های زمینی^۶ ضدفنر معمولاً گفته می شود که ۲ تا ۴ دلار می باشد که به نوع مین بستگی دارد، در حالی که برخی کشورها رقم های بالاتری را گزارش کردند. رقم های کمتر از ۱ یورو به ازای هر بمب کوچک برای انهدام مهمات خوشه ای گزارش شده است.^۷

گزینه های موجود برای انهدام (و هزینه های مربوطه) تا حد زیادی بستگی به مقدار مهمات، وضعیت آنها، تاریخچه ی ذخائر و کیفیت اطلاعات دارد. ذخائر کوچکی از مهماتی که به طور ضعیف ذخیره سازی شده اند و بدون تاریخچه و اطلاعات مستند هستند بعید است برای پردازش های صنعتی پیشرفته قابل قبول پذیرش شوند.



آماده سازی برای انهدام باز (رواندا)

به طور کلی OD ارزان ترین روش انهدام ذخائر کوچک (بیش از یک میلیون مین ضدنفز) می باشد. OD نیازمند دانش و مهارت بالایی در خصوص مهندسی مواد منفجره و نظارت دقیق پرسنل می باشد، زیرا موج های انفجاری ناشی از انهدام در صورتی که چاله های انهدام به طور نامناسبی ایجاد شده باشد، نمی تواند همه ی مهمات را از بین ببرد، بلکه فقط آنها را پرت می کند و از این رو نیاز به کار های EOD اضافی در شرایط خطرناک تر دارد (احتمال این که برخی از مواد پرتاب شده دارای مهمات عمل نکرده باشد زیاد است).

پاکسازی در مقیاس صنعتی مزایای زیادی دارد که جداسازی مکانیکی، انهدام در سیستم های کنترل شده از نظر محیط زیستی و توانایی عملکرد ۲۴ ساعته در شبانه روز و ۳۶۵ روزه سال از جمله آن مزایاست. مهم ترین عیب آن هزینه ی عملیاتی بالای آن برای طراحی، مدیریت پروژه، ساخت و ساز و کمیسیون و نیز هزینه ها و زمان زیاد مربوط به بهبودی و بازایی ناشی از انفجار های ناخواسته است.

هزینه های عملیاتی معمولاً کمتر از OBOD (۵۰ سنت تا ۱ دلار) می باشد در حالی که هزینه های نیروی کار در کشورهای توسعه یافته بالاست که درصد بالایی از هزینه های OBOD را شامل می شود. انهدام صنعتی به طور موفقی در آلبانی انجام شده است و همه ی ذخائر مین های ضدنفز در یک کارخانه منهدم شده اند، چرا که همه ی این مین ها در همان کارخانه تولید شده بود.^۹

با این وجود OBOD می تواند در برخی شرایط یک گزینه ی ارزان بسته به اقتصاد مقیاس باشد. در ایالات متحده برای مثال هزینه ی متوسط OBOD (برای همه ی نوع مهمات) ۸۵۰ دلار در هر تن است، در حالی که انهدام صنعتی دارای هزینه ی ۱۱۸۰ دلار در هر تن است.^۹ استفاده از ضایعات فلزی یا پسماند های منفجره نیز می تواند تا حدودی به مقرون به صرفگی کمک کند و برخی از مواد منفجره می توانند برای صنایع تولید مواد منفجره ی تجاری مناسب باشند. دیگر فلزات (نظیر مس) نیز برای بازار های صنعتی اهمیت دارند.



انهدام باز (رواندا)

در بسیاری از کشورها توسعه ی مراکز انهدام تخصصی که کشورهای عضو را قادر به انهدام ذخائر به صورت قانونی می کند، فراتر از منابع قابل دسترس بوده و گزینه ای عملی نیست. عواملی نظیر هزینه، مکان و ایمنی ممکن است به این معنی باشند که OBOD تنها گزینه ی عملی و ممکن است. این نه تنها برای مورد های تحت پوشش کنوانسیون بلکه برای همه ی مهماتی صادق است که احتمالاً بیش از حد بعد از عمر مفید خود ذخیره شده اند، حال به دلیل سن خود و یا به دلیل این که دارندگان سلاح ها دیگر نیازی به استفاده از مهمات ندارند.

آماده سازی برای انهدام: روش های جداسازی قطعات

ممکن است جداسازی یا تجزیه ی قطعات قبل از فرایند انهدام لازم باشد. این مستلزم محدود کردن مقدار مواد منفجره ی موجود در مین است که می تواند منهدم شود و حتی طراحی مورد ها یا ملزومات فنی برای اجزای مختلف جهت تفکیک قطعات می باشد.

فناوری های موجود شامل موارد زیر هستند:

- جداسازی قطعات بصورت دستی
- جداسازی و تجزیه ی مکانیکی
- جداسازی روباتی
- انجماد
- برش آبی اره ای
- ذوب مواد منفجره در مایکروویو.

همه ی این روش ها به جابجایی مواد منفجره ی اصلی به مرکز انهدام نهایی نیاز دارند. تصمیم گیری برای استفاده ی هر یک از این روش ها بستگی به هزینه، ایمنی و ملاحظات زیست محیطی و نوع مهمات مورد انهدام دارد.

جداسازی دستی

این تکنیک مستلزم استفاده از منابع انسانی برای جداسازی مهمات توسط عملیات دستی با استفاده از ابزار های ساده است. مزیت آن نیاز به سرمایه ی کم است ولی به نیروی کاری زیادی نیاز دارد که منجر به کاهش بازدهی آن می شود. این روش به استفاده از کارکنان با مهارت متوسط که به مدت زمان طولانی بر روی مواد منفجره متمرکز شوند نیاز دارد.

تجزیه و جداسازی مکانیکی

سیستم های مکانیکی را می توان برای جداسازی مهمات استفاده کرد. فناوری های مختلف در دسترس شامل جداسازی کامل، غیر مسلح کردن و یا تفکیک تنها بخش های منفجره می شود. فنون تجزیه برای بیرون آوردن مواد منفجره قبل از مرحله ی انهدام استفاده می شود.

برعکس جداسازی دستی، جداسازی و تجزیه ی مکانیکی دارای نرخ تولید بالایی است. این سیستم کارآمد بوده و نیاز به افراد کمتری دارد؛ همچنین از نظر زیست محیطی سازگار و ایمن بوده و این فناوری به راحتی قابل دسترس است. مهم ترین عیب آن هزینه ی سرمایه ی اولیه ی بالای آن است. اگر چه هنگام جداسازی ذخائر بزرگ تر این گزینه می تواند اقتصاد مقیاس بالاتری داشته باشد. فرایند تجزیه ممکن است در طی فراوری مخاطرات انفجار را به همراه داشته باشد.

جداسازی روباتی

سیستم جداسازی تمام اتومات روباتی دارای مزایا و معایب مشابه با جداسازی مکانیکی است، اما هزینه ی سرمایه ی اولیه ی آن بسیار بیشتر است. این سیستم از نظر اقتصادی برای مقادیر زیاد مهمات کارآمد و مقرون به صرفه است.

کرایوفکچر (انجماد)

انجماد، اقلام مهمات را به قطعات کوچک طوری که بتوان از طریق روش های انهدام اشتعالی آنها را فراوری کرد تقسیم می کند. این روش شامل استفاده از نیتروژن مایع برای شکننده کردن و منجمد سازی پوشش مهمات تا دمای ۱۳۰ درجه می باشد. سپس مهمات با استفاده از روش فشار یا برش مکانیکی از بین می روند. سیستم پاکسازی انجمادی هنوز به مرحله ی بلوغ خود نرسیده است. اصول عملیات این مشابه با شکستن کرایوژنیک یا یخی است به جز این که در این روش مواد منفجره تحت نیتروژن مایع قرار می گیرد تا خارج کردن آن ساده باشد.

کرایوفکچر یا انجماد تکنیکی ایمن از نظر زیست محیطی بوده و نیاز کمی به کارکنان دارد. همچنین می تواند برای همه نوع مهمات مواد منفجره استفاده شود و نیاز کمی به پیش آماده سازی مهمات دارد. در این روش هیچ گونه پسماندهای ثانویه وجود ندارد که این موجب کاهش هزینه های ازبین بردن آن ها در پایان می شود. در اصطلاح مالی راه اندازی این مورد به هزینه ی کمتری نیاز دارد.

برش آبی - سنباده ای

برش آبی - سنباده ای (HAC) از آب و مواد ساینده در فشار های متغیر از ۲۴۰ تا ۱۰۰۰ بار برای برش مهمات باز استفاده می کند. دو روش مجزا شامل حباب سازی و تزریق مستقیم می شود (گزینه ی مطلوب به دلایل ایمنی).

سیستم های HAC به نیروی کار انسانی کمتری نیاز دارد و می توان با آنها طیف وسیعی از مهمات هدف را خنثی کرد. ایمنی انفجاری سیستم های HAC به خوبی اثبات شده و روشی مقرون به صرفه در مقایسه با دیگر روش ها می باشد.

یکی از معایب اصلی آن نیاز به سرمایه ی اولیه ی بالا برای زیر ساخت است. همچنین این سیستم ها ممکن است تولید فاضلاب آلوده کنند که نیاز به یک سیستم فیلترسازی پیشرفته برای پاکسازی آن وجود دارد. از حیث عملیات پس از فراوری، مقدار مواد منفجره ی آنها حساس به شن بوده و نیاز به احتیاط کامل در هنگام فراوری و یا خنثی سازی جهت اجتناب از انهدام غیر عمدی است.

ذوب در مایکروویو

این فناوری در آمریکا در حال توسعه است و از مایکروویو برای گرمادهی و ذوب مواد منفجره ی TNT استفاده می شود. این روش سریع و پاک است ولی عیب مهم آن عدم کنترل حرارتی است که منجر به ایجاد تشکیل نقاط داغ شده و ممکن است موجب انفجار ماده شود. همچنین این روش نسبت به سیستم های ذوب بخار از نظر انرژی مقرون به صرفه بوده و موجب بهبود ارزش مواد انفجاری بهبودی شده می شود. کارهایی برای توسعه ی آن در حال انجام است ولی هنوز به روشی عملی تبدیل نشده است.

دپوی دریایی و لندفیل

دپو مهمات و مواد منفجره در اعماق دریا در پاسخ به نگرانی های محیطی امروزه منع قانونی دارد. قرار دادن این مورد ها در مکان های لندفیل نیز به دلایل مشابهی منع شده است. هر دو روش امروزه به عنوان روش های غیر قابل قبول از نظر زیست محیطی معرفی شده اند.

مزایای شروع زود هنگام

مزایای هزینه ی قابل توجهی با شروع زود هنگام فعالیت های انهدام مهمات وجود دارد. روش های پیشرفته ی پاکسازی امکان بازیافت بسیاری از پسماند ها و ضایعات را در اختیار گذاشته که می توان از فروش آنها و یا استفاده از فلزات نادر آنها درآمد زایی کرد. وقتی ذخائر نابود شده و یا کاهش یابند اغلب صرفه جویی در هزینه ی ذخائر می شود و همچنین وقتی مخاطرات مواد انفجار ناخواسته کاهش می یابد نگرانی های ذهنی نیز کاهش می یابد.

هزینه ی نسبی مدیریت ایمن ذخایر در مقایسه با هزینه های مربوط به تلفات انسانی آسیب به املاک و عملیات پاکسازی بعد از انفجار ناخواسته حداقل است.

شناسایی، ثبت اطلاعات و تهیه ی گزارش

شفافیت برنامه های انهدام یک شاخص مهم ایمنی و اعتماد سازی است. سازمان های بین المللی، سفرای ملی، رسانه ها و سازمان های مردم نهاد اغلب شاهد فرایند های انهدام بوده و دسترسی به اطلاعات انهدام در خصوص مین های ضد نفر و مهمات خوشه ای دارند. طوری که آنها می توانند تأیید کننده ی انهدام ذخائر باشند.

برخی از نگرانی‌ها در مورد انهدام انواع خاصی از مهمات در فرآیند انهدام باز چه توسط کشورهای دارنده ی ذخائر مهمات و چه توسط کشورهای بالقوه ای که حساس به قوانین بین المللی محیطی و ملی می باشند ابراز شده است.

مین های ضد نفر PFM-1 قابل کارگذاری از راه دور دارای کلرید هیدروژن می باشند که انهدام باز آن می تواند منجر به آلودگی زیست محیطی غیر قابل قبولی شود. یک راه حل انهدام بسته در یک اتاقک کنترل آلودگی است، زیرا این نوع مین را نمی توان جدا سازی کرد. همین واکنش را می توان با یک سری از مهمات خاص انجام داد.

عرفاً سازمان های نظامی مسئول انهدام مهمات با استفاده از روش های OBOD هستند. اگر چه شرکت های مدنی از انهدام صنعتی استفاده می کنند، در حالی که کار های پس از جنگ در عراق و افغانستان و همچنین پشتیبانی از کشورهای عضو CCM که توسط سازمانهای مردم نهاد ارائه شده است موجب ابهام در این تفاوت شده است.

قابلیت دسترسی به نیروی انسانی ماهر نیز اثر قابل توجهی بر گزینه های موجود برای انهدام وجود دارد. روش های خاص منجر به تولید ضایعات خطرناک یا ویژه می شوند که مستلزم انهدام و یا دفن به شکل ایمن از نظر محیط زیست است. یک شرکت متخصص بازیافت و یا دفن محیط زیستی می تواند این کار را انجام دهد.

در اروپا برخی از کشورها OBOD همه ی مهمات را منع کردند، مگر این که هیچ گونه روش دیگری وجود نداشته باشد و این روش توجیه ایمنی هم داشته باشد. این موجب ایجاد یک سری مراکز انهدام گسترده شده که بر اساس بازیابی و پاکسازی طیف وسیعی از مهمات به مقدار زیاد برای به صرفه گی از نظر اقتصادی می باشد.

تحقیقات در زمینه ی اثرات زیست محیطی OBOD هنوز در حال انجام است شواهد علمی مبرهن نشان می دهند که OBOD انواع خاصی از مهمات ممکن است هیچ تهدیدی برای محیط زیست نداشته باشد. OBOD یک روش انهدام مطمئن برای ذخائر مهمات بوده و ممکن است مناسب ترین گزینه در مناطقی که مراکز انهدام صنعتی وجود دارد یا تعداد آنها کم است تلقی شود.

تعیین روش و تکنولوژی مناسب برای انهدام ذخائر مهمات

IMAS بیان می دارد که امکان ارائه ی یک راه حل کلی برای انهدام مهمات وجود ندارد. انتخاب مناسب ترین تکنولوژی و یا روش توسط یک کشور بستگی به منابع موجود شرایط طبیعی و فیزیکی، مقدار مهمات، ظرفیت و توانایی ملی و قوانین محیط زیستی و مواد منفجره دارد.

پایداری در ذخائر و تجزیه یا سرعت تخریب مقدار مواد منفجره بر درجه ی ضرورت انهدام، نوع حمل و نقل که به طور ایمن استفاده شود و روش انهدام اثر دارد.

IMAS بیان می دارد که اگر چه ذخائر مین ضدنفر از حیث وضع و مقدار مواد انفجاری خالص نسبتاً کوچک هستند اما مقدار آنها زیاد بوده و انهدام ذخائر یک عملیات لجستیک پیچیده است.^{۱۰}

انهدام ذخائری مین های ضدنفر

در ۱۷ آگوست ۲۰۰۰ گروه همکاری بین آژانسی سازمان ملل در خصوص مبارزه با مین موافقت کرد که انهدام ذخائر مین به طور رسمی به عنوان پنجمین اصل مبارزه با مین در نظر گرفته می شود. بر همین اساس IMAS توسعه یافته تحت آژانس های سازمان ملل به انهدام ذخائر نیز رسیدگی می کند. علاوه بخش انهدام ذخائر شبکه ی اطلاعات مین الکترونیکی سازمان ملل (E-MINE) یک نقطه ی مرجع محکم می باشد که حاوی مقالات فنی دستور العمل های سیاستی، درس های فراگرفته شده، و دیگر اطلاعات مناسب در خصوص انهدام ذخائر مین است.

سازمان ملل مسئول کلی تشویق و پشتیبانی از مدیریت کارآمد برنامه های انهدام ذخائر است. بر اساس برنامه ی توسعه ی سازمان ملل (UNDP) انهدام ذخائر باید بخشی از هر برنامه ی مبارزه با مین یکپارچه باشد که UNDP از آن پشتیبانی می کند. GICHD همچنین کمک های فنی را برای انهدام ذخائر مهمات برای کشورهایی که آن را درخواست می کنند ارائه می کند.

از حیث انهدام ذخائر مهمات، مین های ضدنفر تفاوتی با دیگر انواع مهمات ندارند. آنها دارای سیستم های فیوزینگ (و مواد انفجاری زیاد می باشند طوری که خطرات انفجار در هنگام حمل و نقل ذخیره، ترابری و انهدام وجود دارد. به همین دلیل IMAS توصیه می کند انهدام ذخائر مین های ضدنفر باید به صورت جداگانه صورت بگیرد.^{۱۱}

یک عامل مؤثر در تعیین روش انهدام ذخائر مین ضدنفر اقتصاد مقیاس است. هر چه تعداد مین های ضدنفری که نیاز به انهدام دارند بیشتر باشد اقتصاد مقیاس بیشتر بوده و طیف وسیعی از گزینه های فناوری قابل دسترس خواهد بود. مسئولان ملی ممکن است بخواهند تا انهدام مین ضدنفر را به صورت منطقه ای انجام دهند و یا این که دیگر مهمات را در برنامه های انهدام برای دستیابی به اقتصاد مقیاس در دستور کار قرار دهند.

انهدام ذخائر مهمات خوشه ای

طیف وسیعی از روش ها برای انهدام عملی ذخائر مهمات خوشه ای ارائه شده اند که از انهدام باز تا انهدام بسته، جداسازی قطعات، انجماد و جمع اوری مواد منفجره است.

انهدام باز

تکنیک های انهدام باز می تواند یک راه حل عملی برای نابودی مهمات خوشه ای در کشورهای خاص باشند. این مسئله در مواردی صادق است که تعداد مهمات محدود باشد و هیچ گونه پایگاه صنعتی برای روش های دیگر انهدام وجود نداشته باشد.

انهدام باز به طور کلی برای نابودی انهدام بزرگ مقیاس مهمات خوشه ای لازم است. موقعیت یابی دقیق و محاسبه ی هزینه نیز برای اطمینان از انهدام همه ی مواد منفجره و هزینه های مکمل لازم است. انهدام ناقص مهمات و مواد منفجره می تواند منجر به پراکندگی و انتشار قطعات مواد منفجره در محیط شود.

انهدام بسته

دو تکنیک برای انهدام بسته به طور موفق برای انهدام مهمات خوشه ای استفاده می شوند: انهدام عمیق زیر زمینی در نروژ و انهدام در اتاقک های انهدام بسته.

سوزاندن بسته

مهمات خوشه ای کامل را نمی توان سوزاند، بلکه اجزای مواد منفجره ی آنها بعد از تجزیه نیز باقی می ماند. پیش تیمار می تواند شامل خارج کردن فیوز ها از مهمات کوچک که بعد از آن فیوز ها را می توان سوزاند، خارج کردن یا به هم ریختگی مخروط های چاشنی ها و در رابطه با مهمات خوشه ای پرتاب شده توسط راکت، تجزیه ی موتور راکت به بخش های مناسب برای سوزاندن است.

سوزاندن بسته به زباله سوزهای پسماند انفجاری بسیار مخصوصی به همراه سیستم های کنترل آلودگی نیاز دارد تا از انتشار گازهای سمی جلوگیری شود.

جداسازی مهمات خوشه ای در دو سطح امکان پذیر است: استخراج مواد منفجره از بدنه و جدا سازی مواد منفجره از هم

استخراج مواد منفجره از جای‌دان یا محفظه اصلی می تواند در بازیافت مواد مفید باشد. این به کاهش مخاطرات ایجاد ترکش و پرتاب شدن در طی انهدام باز کمک می کند. جداسازی مواد منفجره می تواند فرصت های بیشتری را برای بازیافت فلزات در اختیار بگذارد (نظیر مس از کلاهک های خرج گود) و موجب افزایش گزینه های بازیابی نهایی اجزای انرژی زا و ساکن می شود.

جدا سازی راه حل کاملی برای تخریب و انهدام مهمات خوشه ای نیست زیرا اجزا و مواد منفجره نیاز به فراوری بیشتری بعد از جداسازی قطعات دارد. این فراوری شامل استفاده از روش های دیگر نظیر سوزاندن در محیط بسته و یا انجماد است.

انجماد

این تکنیک به طور گسترده ای برای خنثی سازی مهمات کوچک نظیر نارنجک های M46, M42 و m77 که توسط مهمات خوشه ای توپخانه ای ایجاد می شوند استفاده می شود. فیوز های نارنجک قبل از این که نارنجک ها از حمام نیتروژن مایع عبور کنند و ساختار های آنها شکننده شود، به طور مکانیکی بریده می شوند. سپس خرد می شوند تا مواد انفجاری آنها بیرون بیاید و سپس تحت شعله در یک محیط بسته قرار می گیرند تا مواد انفجاری آن سوزانده شود. سپس مواد فلزی آن به عناصر آهن و غیر آهنی تفکیک می شوند.

جمع آوری اجزای مهمات خوشه ای

یک ماشین برش واقع در پشت خاکریزها یا دیواره های حفاظتی برای خنثی سازی استفاده می شود. این ماشین به طور ایمن مهمات را بریده و از این روی امکان بازیافت مواد منفجره و شاسی فلز را به صورت آهن قراضه می دهد. مواد منفجره ساچمه دار توسط فرایند مورد استفاده برای عملیات EOD جمع آوری می شوند که می تواند مزیتی برای پاکسازی مین در اختیار بگذارد.

ابزار شناسایی مهمات خوشه ای

ابزار شناسایی مهمات خوشه ای GICHHD- که یک سیستم وب محوری است که امکان شناسایی مهمات خوشه ای را می دهد- از طریق این ابزار کشورها می توانند به آسانی این موضوع را ارزیابی کنند که آیا آنها سلاح هایی دارند که به صورت مهمات خوشه ای منع شده توسط CCM طبقه بندی می شوند.

ابزار CM ID یک پایگاه داده قابل دسترس و به آسانی قابل جستجو را با استفاده از جهت یابی گرافیکی برای شناسایی مهمات خوشه ای بر اساس مقوله سلاح ارائه می کند. این ابزار انواع و مجموعه ای از مهمات خوشه ای و مواد منفجره نشان داده و از این روی به شناسایی بقای بمب های کوچک و مهمات خوشه ای نظیر روبان نایلون، چتر نجات و قطعات فلزی کمک می کند. در عین حال در این پایگاه داده ها، یک سری تصاویر از الگو های پرتاب بسیاری از انواع مهمات خوشه ای می دهد.



صفحه جست و جو: ابزار ID (شناسایی) مهمات خوشه ای

لینک ابزار CM ID: <http://cmid.gichd.org>

تلاش های بین المللی آینده

بهبود ایمنی ذخائر مهمات در سرتاسر دنیا مستلزم تلاش های مصمم برای آموزش مالکان ذخائر مهمات جهت ایجاد رژیم های مدیریت ایمنی مؤثر مهمات است.

اقدامات پیشگیرانه

آموزش نیروی کار محلی برای حفاظت مؤثر از ذخائر مهمات از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اگرچه تلاش های فوری بیشتر بر ایمن سازی ذخائر و مراکزی که قبلاً وجود دارند تأکید دارند، نیرو های کار محلی آموزش هایی را به منظور جلوگیری از تخریب بیشتر ذخائر می بینند.

هزینه صرف شده در خصوص پیشگیری از انفجار ذخائر بزرگ مهمات چندین برابر کم تر از هزینه صرف شده برای پاکسازی پس از انفجار است. هزینه های پولی شامل هزینه های بعد از انفجار مهیب، هزینه تلفات جانی، تخریب، جا به جایی تجهیزات و ساختمان ها است.

مراکز انهدام سیار

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، یک شیوه مقرون به صرفه به منظور نابودی مهمات مازاد و مهماتی که خطرناک می باشند، استفاده از مراکز انهدام سیار و مخصوص است. چندین مراکز و تجهیزات در بازار وجود دارند. این می تواند یک جایگزین بهتر برای انهدام همه مورد ها توسط OBOD با ایمنی بهتر، آثار زیست محیطی و هزینه کم تر باشد.

لجستیک ها، بازیافت و بازیابی هزینه

برنامه های مؤثر و کارآمد برای ایجاد درآمدزایی (نظیر درآمد حاصل از مواد بهبودی شده یا بازیابی شده) امکان انجام کار های بیشتری را می دهد. بازیابی اقلام و موادی که می توانند فروخته شوند یکی از این منابع درآمدی است. یک سیستم بازیافت موفق برای اجزا را می توان برای اطمینان از حداکثر سود ایجاد کرد.

مدیریت ایمنی مهمات ASM

ASM به صورت فرایند PSSM

مدیریت ذخائر و امنیت فیزیکی PSSM اصطلاحی است که توسط آژانس کاهش تهدید دفاعی امریکا DTRA برای توصیف برنامه های ایمن سازی تسلیحات و ذخائر مهمات در سرتاسر دنیا ایجاد شده است. اصطلاح مدیریت ایمنی مهمات ASM برای آن دسته از عناصر PSSM در خصوص اقدامات ویژه برای بهبود شرایط ایمنی، امنیت و ذخیره انباشت مهمات استفاده می شود.

حوادث و عوامل

در سال ۲۰۰۸، انفجاراتی در آلبانی، بلغارستان، ایران، عراق، اوکراین و ازبکستان منجر به صدها تلفات جانی شده و پخش شدن مهمات در چندین کیلومتر مربع اراضی ایمن شد.^{۱۲} ارقام ارائه شده توسط مطالعه ارتش های کوچک نشان می دهد که میانگین ۲.۵ انفجار مهمات در هر ماه اتفاق افتاده و این که تعداد انفجار های برنامه ریزی نشده و غیره منتظره در حال افزایش است.^{۱۳}

این مسئله به طور ویژه در کشورهایی مهم است که قوانین اساسی در خصوص مدیریت ایمنی مهمات از حیث شرایط مهمات و ذخیره و ذخائر آن رعایت نمی شود.

متداول ترین عامل انفجار های غیر منتظره جرقه ناشی از سیگار کشیدن، اشتعال پوشش گیاهی خشک توسط آفتاب، غفلت و طیف وسیعی از عوامل دیگر است. در صورتی که امکان وجود مواد قابل اشتعال نیز وجود داشته باشد امکان توسعه آتش سوزی و غیر قابل کنترل بودن آن افزایش می یابد.

همه مهمات تحت تأثیر آتش سوزی قرار می گیرند، ولی اقلام با قدمت بیش از ۲۰ سال بسیار حساس می باشند به خصوص مهمات حاوی باروت. با افزایش عمر مفید، باروت به تدریج ماده تثبیت کننده کارگذاشته شده در هنگام تولید تمام شده و در بسیاری از موارد منجر به خودجرقه زنی و آتش سوزی نیتروسولولز درون باروت می شود. در صورتی که باروت در معرض آتش قرار بگیرد به آسانی منفجر می شود.

تعریف مدیریت ایمنی مهمات

مدیریت ایمنی مهمات شامل ارزیابی مهمات و مراکز و نیز توسعه روش ها و عملیات برای اطمینان از ایمنی و امنیت آنها، بی خطر بودن برای افراد، دارایی و محیط زیست می باشد.

ASM کارآمد با مدیریت ذخایر و انبارهای مهمات برای اطمینان از ذخیره، انتقال و انهدام و بازیابی ایمن حاصل می شود. این خود در بر گیرنده مهمات برای اطمینان از ذخیره چرخشی آنها و استفاده در زمان مناسب است طوریکه این مهمات هرگز ناپایدار نشوند و تجهیزات و مراکز ذخائر مهمات ایمن باشند و مطابق با استانداردها باشند. این اطمینان حاصل می شود که مهمات خطرناک تفکیک شده و قبل از خطرناک شدن منهدم می شوند.

هم چنین ASM این اطمینان را به وجود می آورد که همه اقدامات در خصوص مهمات بر اساس قوانین و مقررات بوده و توسط افراد ذیصلاح و ماهر انجام می شود. یک بخش مهم ASM، مدیریت انبار است تا اطمینان حاصل شود که امکان ایجاد و توسعه آتش سوزی وجود ندارد.

مخاطرات مواد منفجره

دو مخاطره مهم ناشی از ذخیره غیرایمن مهمات وجود دارد: ریسک برای مردم و ریسک برای محیط زیست مجاور ذخائر مهمات (ASAs).

مهمات داخل ASAs ها می توانند در معرض سرقت تروریست ها و سایر گروه های جنایی قرار گیرند. غیر نظامیان در کشورهای در حال توسعه نیز می توانند اقدام به سرقت مهمات از ASAs کرده و از فروش فلزات قراضه و مواد انفجاری درآمدزایی کنند. خطرات ذاتی ناشی از ذخائر مهمات و مواد منفجره می تواند به طور معنی داری با مدیریت صحیح مهمات و ASA کاهش یابد.

مهمات طوری طراحی می شوند که در هنگام استفاده تا حد ممکن کشنده باشند و در زمان ذخائر تا حد ممکن ایمن باشند ولی با این حال دارای ترکیبات بسیار حساس و واکنش زا است. سطح ریسک مربوط به مهمات بستگی به شرایط مهمات، مهارت پرسنل مسئول، سیستم های مدیریتی و زیر ساخت های ذخائر و محیط اطراف دارد.

اطمینان از ایمنی مهمات مستلزم این است که به طور مناسب تولید، تست و بازرسی شود، عمر قفسه ای یا عمر مفید مناسب داشته باشد و با سایر موارد مناسب ذخیره شود (بر اساس قوانین ترکیب سازگاری).

مسائل امنیتی و مخاطرات تکثیر

مهمات باید در یک مرکز امن و ایمن انبار شود. سرقت مهمات برای سود آوری و یا اهداف غیر مجاز یک مسئله مهم است به خصوص در مناطقی که میزان جرم و جنایت بالاست و یا در مناطقی که گروه های تروریستی فعالیت می کنند.

اقدامات کمک به امنیت مهمات شامل موارد زیر است:

- بازرسی مداوم و کنترل ذخائر به خصوص اقلام جذاب نظیر چاشنی، نارنجک ها، سیستم های تسلیحاتی کامل و ماده منفجره فله ای.
- ایمن سازی ساختمان ها و سایت ها تا حد ممکن، کنترل دسترسی و حفظ نیروهای گارد و حفاظت مؤثر.

عوامل زیست محیطی مؤثر بر مهمات

مهمات به دماهای بسیار سرد یا گرم، تغییرات سریع دمای، شوک / ضربه فیزیکی، میزان بالای اشعه های الکترومغناطیسی، رطوبت و آسیب های ناشی از کرم ها حساس است.



ذخائر مهمات (سودان جنوبی)

برای خنثی سازی و کاهش اثرات زیست محیطی مواد منفجره و مهمات، آن را باید در مکان های خشک، با تهویه مناسب و تا حد ممکن خنک و یا عاری از تغییرات دمایی متوالی قرار داده شده و در برابر نور خورشید مستقیم و ارتعاش و ضربه قرار نگیرند.

برخی مواد مورد استفاده در مواد منفجره و مهمات، رطوبت را جذب و حفظ می کنند که این موجب کاهش عملکرد مواد منفجره می شود. در صورتی که بلور ها و کریستال های مواد منفجره حساس بین فیوز و بدنه اصلی مهمات تشکیل شوند، جا به جایی آنها خطرناک خواهد بود.

باران، رطوبت و نم می تواند آسیب قابل توجهی را به مهمات و مواد منفجره در کوتاه مدت وارد کند. تمام تلاش برای خشک سازی شرایط باید طی ذخیره و انتقال صورت گیرد. تهویه مناسب ذخائر مهمات و مواد منفجره به خنک نگه داشتن آنها و جلوگیری از تصعید کمک می کند.

روش های پیشگیری

راه حل هایی برای مسائل مربوط به ذخیره مهمات وجود دارد. مطمئن ترین و کارآمدترین روش ایمن سازی ذخائر و آموزش مالکان مهمات در خصوص شیوه مدیریت ایمن، کارآمد و مؤثر آن است. بدین ترتیب می توان اطمینان حاصل کرد که مواد منفجره و مهمات موجود به شکل مناسب و بر اساس مراکز و شرایط موجود کشورهای میزبان و همکار انبار و محافظت می شوند.

یک برنامه ساده را می توان دنبال کرد که نیاز به مداخله کم تر متخصصان خارجی و سرمایه کم تر داشته باشد و در عین حال از نیروی کار محلی موجود استفاده می کند.

- بازرسی مهمات برای اطمینان از این که جا به جایی آنها ایمن باشد، و نابود سازی مهمات غیر ایمن؛
- دور کردن مهمات از مناطق مسکونی و یا حتی مناطق غیر مسکونی.
- ساخت انبار هایی با بهترین استانداردهای عملی در شرایط محلی.
- معرفی رژیم مدیریت کارآمد و مطمئن مدیریت مهمات برای اطمینان از این که مهمات خطرناک به شکل کنترل شده منهدم شده اند و این که مهمات باقی مانده در بهترین مکان ذخائر شده اند.
- اطمینان از این که همه کارگران آموزش کافی برای مدیریت مهمات را دیده باشند.
- دنبال کردن و رعایت مراحل بازرسی به طور مداوم، جا به جا کردن و چرخاندن مهمات و منهدم کردن مهمات قبل از خطرناک شدن آنها.
- اطمینان از این که هنگام بررسی عدم ایمنی اقلام، همه شرایط مربوط به عمر مفید، انبار کردن و تاریخ مصرف، شرایط هواشناسی و غیره در نظر گرفته شده باشد.
- بهبود مداوم مراکز و تجهیزات در صورت داشتن زمان و منبع کافی.
- دست یابی به استانداردهای قابل قبول و بین المللی مدیریت مهمات بر اساس روش ها و استانداردهای شناخته شده نظیر رهنمودهای فنی بین المللی مهمات ITAG.

ابزار مدیریت ایمنی مهمات

برای این که ذخائر مهمات در سرتاسر دنیا ایمن تر شوند، روش های بسیاری وجود دارند که باید استفاده شوند. بسیاری از روش ها و اقدامات مربوط به ایمنی مهمات در دستور العمل فنی بین المللی مهمات دیده می شوند. IATG تحت شرایطی که بودجه، مراکز و مهارت کافی با استاندارد بالا وجود داشته باشد بیشترین کاربرد را دارد. اجرا و پیاده سازی این روش ها هزینه بردار است.

مجموعه ابزار GICHD ASM حاوی دستورالعمل ها و رهنمودهایی در خصوص شیوه استفاده از این استانداردها با کمترین هزینه ممکن است. این ابزار دارای دستورالعمل ها و رهنمودهایی در خصوص اقداماتی است که موجب افزایش ایمنی شده و در عین حال هزینه نیروی کار و حمل و نقل کم تری دارند: استفاده از این معیارها بهتر از انجام ندادن هیچ کاری است.^{۱۵}

بخش اصلی ایمنی مهمات، امنیت آنهاست. یک سری معیارها در این مجموعه ابزار وجود دارد که حفاظت کم هزینه ای را ممکن می کند، اگرچه این معیارها موقت بوده و یک راه حل کلی نمی باشند. IATG جزئیاتی را در مورد هدف این کار ارائه می دهد- منابع دیگر اطلاعات امنیت وجود دارد که هنگام بهبود امنیت بلند مدت ذخائر مهمات می توان به آنها مراجعه کرد.

علاوه بر ریسک انفجارات درون ذخائر و ذخیره گاه ها، نگرانی اصلی مهمات باقیمانده از جنگ یا مهمات ذخائر شده ای است که مورد سرقت گروه های خرابکار و تروریستی قرار می گیرد.



صفحه جستجوی برای مرحله ۱ ابزار ASM

جمع آوری و نابودی همه UXO و AXO ها اهمیت دارد حتی اگر مورد نتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند، هنوز امکان استفاده از آن در یک سلاح دیگر و یا به صورت جزئی از IED وجود دارد. این مجموعه ابزار طیف وسیعی از اقدامات لازم برای رفع نیاز های خود را پوشش می دهد.

- 1 APMBC. *Article 4 of the Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on Their Destruction*, adopted 18 September 1997, entered into force 1 March 1999 (online). Available from: http://www.apminebanconvention.org/fileadmin/pdf/mbc/text_status/Ottawa_Convention_English.pdf (accessed: 20 June 2013).
- 2 Ibid, *Article 6 of the Convention*
- 3 CCM. *Convention on Cluster Munitions*, adopted on 30 May 2008, entered into force on 01 August 2010 (online). Available from: <http://clusterconvention.org/> (accessed: 20 July 2013).
- 4 Mine Action Standards. *IMAS 04.10 Glossary of mine action terms, definitions and abbreviations* (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed: 23 July 2013).
- 5 Ibid.
- 6 Ibid.: '...the act of removing or otherwise nullifying the military potential of a munition. Demilitarization is a necessary step for military items prior to their release into a non-military setting. The process that renders munitions unfit for their originally intended purpose...'
- 7 Mine Action Standards. *IMAS 11.10 Guide for the destruction of stockpiled anti-personnel mines* (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed: 23 July 2013).
- 8 Ibid.
- 9 Ibid.
- 10 Mine Action Standards. *IMAS 11.10 Guide for the destruction of stockpiled anti-personnel mines* (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed: 23 July 2013).
- 11 Ibid.
- 12 Lazarević, J. (2012) *Costs and Consequences Unplanned Explosions and Demilitarization in South-east Europe Special Report* (online). Switzerland , the Small Arms Survey. Available from: <http://www.smallarmssurvey.org/> (accessed: 23 July 2013).
- 13 Small Arms Survey (2013). *Unplanned Explosions at Munitions Sites* (online). Available from: <http://www.smallarmssurvey.org/> (accessed: 24 July 2013).
- 14 United Nations, UN Office for Disarmament Affairs. *International Ammunition Technical Guidelines* (online). Available from: <http://www.un.org/disarmament/convarms/Ammunition/IATG/> (accessed: 24 July 2013).
- 15 Rawson, J. (2013). *GICHD Ammunition Safety Management Toolset* (online). Available from: <http://www.gichd.org/operations/stockpile-destruction-and-eod/ammunition-safety-management/> (accessed: 24 July 2013).



پیام های کلیدی

- آموزش مخاطرات مین و مهمات باقیمانده از جنگ (MRE) و ارتباط جامعه برای برنامه ریزی، پیاده سازی، نظارت و ارزیابی مبارزه با مین لازم است.
- MRE در صدد تشویق تغییرات رفتاری و بهبود رفتارهای ایمن است.
- تیم های MRE/همبستگی محلی می توانند "چشم و گوش" مبارزه با مین در نظر گرفته شوند.
- IMAS همبستگی محلی را به عنوان اصل راهبردی مبارزه با مین طبقه بندی می کند.
- تحلیل جنسیت باید بخش اساسی پروژه های MRE باشد و از این روی اطمینان حاصل شود که مواد و روش ها جنسیت-محور بوده و این که همه گروه های سنی و جنسی به شکلی مؤثر و کارآمد هدف گذاری شده و استفاده می شوند.

MRE چیست؟

تعریف

IMAS 12.10، آموزش مخاطرات مین و مهمات باقیمانده از جنگ را به صورت فعالیتی تعریف می کند که هدف آن کاهش مخاطرات مرگ و میر و آسیب های ناشی از مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ (از جمله مهمات منفجر نشده) با افزایش آگاهی و ترویج و ارتقاء رفتار ایمنی است. این فعالیت ها شامل تبادل اطلاعات با جوامع در معرض خطر انتشار پیام های ایمنی به گروه های هدف و پشتیبانی از مدیریت مخاطرات جامعه و مشارکت آن در مبارزه با مین است.¹

IMAS 12.10 هم چنین بیان می دارد که هدف MRE کاهش مخاطرات تا سطحی است که افراد به طور ایمن زندگی کنند و محیطی داشته باشند که در آن توسعه اقتصادی و اجتماعی عاری از محدودیت های ناشی از آلودگی انجام شود.

لازم به ذکر است که اگرچه این رشته MRE نامیده می شود، ولی هدف آن پیش گیری از آسیب های وارده به غیر نظامیان ناشی از همه نوع مهمات منفجره از جمله مهمات خوشه ای و بمب های عمل نکرده است.

اهداف اصلی MRE:

- کاهش مرگ و میر و مصدومیت های ناشی از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ/ مین ها
- کاهش اثرات اجتماعی و اقتصادی مهمات منفجره باقیمانده از جنگ/مین ها
- توسعه پشتیبانی

تعدادی از عاملین و شرکت ها مبارزه با مین دیگر از MRE برای توصیف این فعالیت ها استفاده نمی کنند. برای مثال، به طور کلی خشونت مسلحانه و به خصوص تسلیحات سبک و کوچک، خطرات اصلی را در بسیاری از جوامع به بار می آورند؛ با این حال چندین اپراتور MRE را با اصطلاحاتی نظیر ارزیابی مخاطرات تسلیحات متعارف و آموزش مخاطرات جایگزین کرده اند. این فصل ضمن استفاده از اصطلاح MRE به بررسی این پیشرفت ها که در IMAS 12.10 تعریف شده است می پردازد.

عناصر کلیدی

انتشار پیام های ایمنی

هدف اصلی پیام های ایمنی به حداقل رساندن آسیب های ناشی از مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مرگ و میر های مربوطه در میان جوامع در معرض خطر از طریق افزایش آگاهی و ارتقاء و ترویج رفتار ایمن است. پیام های ایمنی MRE را می توان به چندین طریق منتشر کرد از جمله ارتباطات بین فردی، رسانه های جمعی (تلویزیون رادیو و روزنامه، تئاتر) نقش آفرینی و غیره...



MRE در مدرسه (سودان جنوبی)

ارتباطات از طریق کانال های ارتباط عمومی و جمعی از رایج ترین و عملی ترین ابزارهای انتشار اطلاعات ایمنی در شرایط اضطراری و پس از جنگ می باشد. کتابچه ی *MRE* اضطراری یونیسف یک مرجع مفید برای معرفی در شرایط اضطراری و اورژانسی است.^۲

انتشار پیام های ایمنی در بسیاری از شرایط با ثبات تر غالباً به عنوان بخشی از راهبرد کاهش مخاطرات جامع درون یک برنامه ی مهمات منفجره باقیمانده از جنگ یا مین محسوب می شود. مثال هایی شامل مین یا تلفیق پیام های ایمنی در برنامه های درسی مدرسه و پیام های اجتماعی از جمله توسعه ی شبکه های داوطلبانه ی اجتماعی است. راهبردهای همکار به همکار و کودک به کودک نیز از شیوه های دیگری می باشد که از این طریق پیام های ایمنی منتشر می شود.

مدیریت اطلاعات

جمع آوری و تحلیل اطلاعات یک جنبه مهم از فعالیت های *MRE* است. طیف وسیعی از اطلاعات به طور رایج در طی فعالیت های *MRE* به اشتراک گذاشته می شوند، از جمله موارد مربوط به خطرات مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مین مشکوک و قطعی، داده های مربوط به قربانیان و حوادث (زمان ثبت، مکان و فعالیت در زمان حادثه یا تصادف) راهدندان و یا اثرات ناشی از آلودگی کمک به قربانیان و غیره....

برای اطمینان از این که نیاز های مختلف و مجزا و اولویت های زنان دختران، پسران و مردان شناسایی و تأیید می شود جمع آوری و تحلیل همه ی داده های جداگانه ی جنسی و سنی *SADD* لازم است. تحلیل داده ها یک بعد مهم از چرخه مدیریت پروژه است. یافته های حاصل از تحلیل باید برنامه ریزی آینده اطلاعاتی را روشن کند، طوری که بتوان برنامه ها و راهبرد ها را اصلاح کرد و یا درس هایی را آموخت. مدیریت اطلاعات برای اهداف نظارت و ارزیابی نیز ضروری است.

همبستگی محلی

حق دستیابی به اطلاعات به موقع و صحیح در مورد مخاطرات مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مین توسط جوامع در معرض مخاطرات یک اصل اساسی *MRE* می باشد؛ اما *MRE* موارد بیشتری را در نظر گرفته است. این اصل از توجه تنها به افزایش آگاهی به درک واقعیت هایی که پیش روی جوامع در معرض خطر هستند و دلیل اساسی مبنی بر مشارکت زنان، دختران، پسران و مردان در رویداد های مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مین که چرا آنها در معرض این خطرات قرار می گیرند را مد نظر قرار می دهد.

یک بعد کلیدی *MRE*، تشویق به تغییرات رفتاری و ارتقاء رفتار ایمن است. مشارکت فعال زنان، دختران، پسران و مردان در معرض مخاطرات در این فرایند پیش شرط شناسایی صحیح نیاز ها، اولویت ها و مواجهه ی آنها است. تأکید اصلی بر تبادل اطلاعات، جمع آوری اطلاعات لازم برای درک شرایطی که پیش روی جوامع متاثر قرار دارد و ارائه ی اطلاعات کافی به آنها برای کاهش مخاطراتی که با آن مواجه می باشند است.

تبادل اطلاعات پیش شرط درک اولویت های جامعه و آگاهی از شیوه ی در معرض قرار گرفتن جوامع در برابر آلودگی ناشی از مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ برای سازمان های عملیاتی می باشد. همچنین این مسئله برای اطمینان از این که جوامع برنامه های سازمانی را درک می کنند و هدف فعالیت های اجرا شده در جامعه بدست می آید مهم است. این فرایند معمولاً با همبستگی محلی ارتباط دارد و ارتباط تنگاتنگی با MRE دارد.

IMAS 04.10 همبستگی محلی را به صورت "ارتباط با مردان، زنان در جوامع متأثر از مین /مهمات منفجره باقیمانده از جنگ برای تبادل اطلاعات در خصوص وجود و اثر مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، ایجاد ارتباطی گزارشی با برنامه های مبارزه با مین و توسعه ی راهبرد های کاهش مخاطرات تعریف می کند. هدف همبستگی محلی حصول اطمینان از این است که نیاز ها و اولویت های مختلف جامعه در رأس برنامه ریزی، اجرا و نظارت مبارزه با مین قرار بگیرد.^۳ IMAS با تشخیص اهمیت آن، همبستگی محلی را به عنوان یک اصل راهبردی در مبارزه با مین در نظر می گیرد.



تیم همبستگی محلی (سودان جنوبی)

MRE در بافت کنوانسیون

مطابق کنوانسیون ممنوعیت مین زمینی ضدنفر (APMBC) کشورهای عضو باید مساعدت و همکاری برای آگاهی از مین را ارائه دهند. ماده ی ۶ از APMBC در خصوص مساعدت و همکاری بین المللی بیان می دارد که کشورهای عضو می توانند درخواست مساعدت برای برنامه های ملی مین زدایی به منظور تعیین فعالیت های آگاهی از مین برای کاهش وقوع مرگ و میر و آسیب های ناشی از مین کنند.^۴

برنامه عملیاتی کارتاگنا ۲۰۱۰-۲۰۱۴: اتمام رنج ناشی از مین های ضد نفر در برگرفته ی یک سری از نکات عملیاتی است که به MRE اشاره می کند. نکته عملیاتی ۱۹ به طور اخص بر کاهش مخاطرات مین تأکید دارد: *ارائه ی برنامه های آموزش و کاهش مخاطرات مین به صورت بخشی از فعالیت های کاهش و ارزیابی مخاطرات جوامع بیشترین مخاطرات می باشند که این برنامه ها جنسیت و سن محور و مطابق با استانداردهای ملی و بین المللی هستند و در عین حال نیاز های جوامع متأثر از مین را در نظر گرفته و در فعالیت های مبارزه با مین فعلی به خصوص جمع آوری داده، پاکسازی و کمک به قربانیان تلفیق شده است.*^۵

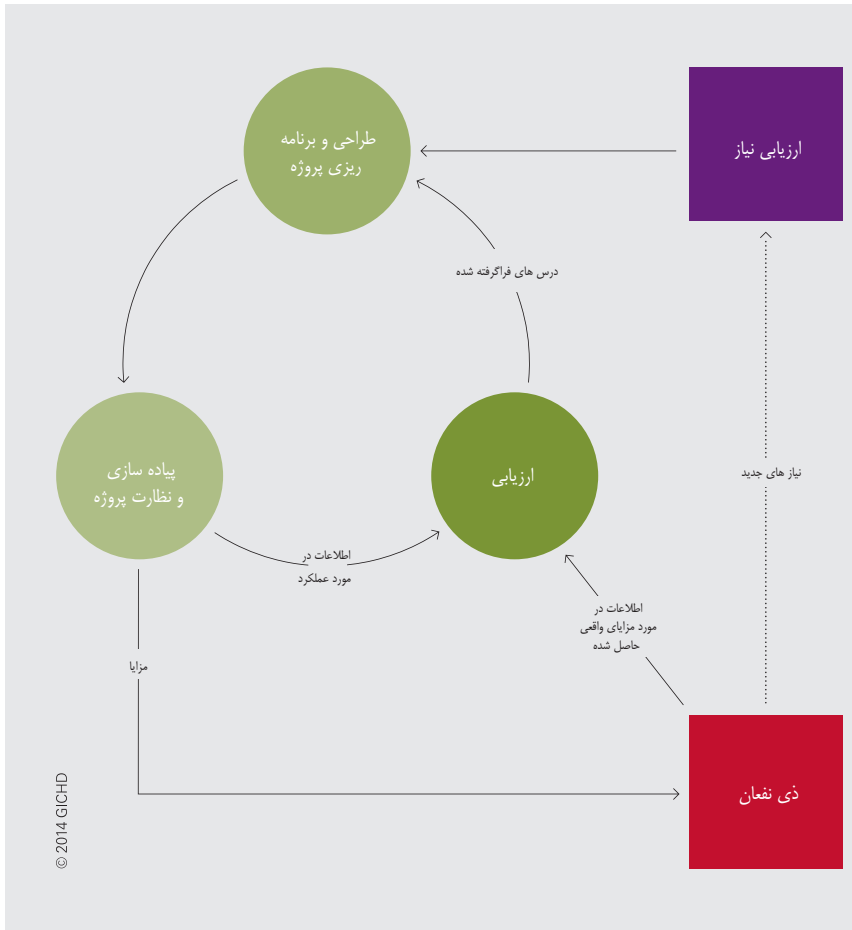
کنوانسیون مهمات خوشه ای (CCM) اصطلاح آموزش کاهش مخاطرات را به جای MRE به کار گرفته است. عنوان ماده ۴ "پاکسازی و انهدام مهمات خوشه ایی باقیمانده و کاهش مخاطرات است". ماده ۴ بیان می دارد که برای رعایت ملزومات پاکسازی کشورهای عضو باید در اسرع وقت یک سری از اقدامات از جمله آموزش کاهش مخاطرات را برای اطمینان از افزایش آگاهی میان غیر نظامیانی انجام دهند که در داخل و یا اطراف مناطق آلوده به مهمات خوشه ای و در معرض بقایای این مهمات زندگی می کنند.^۶

برنامه عملیاتی ویتیان ۲۰۱۰-۲۰۱۴ شامل چندین نکته عملیاتی است که به آموزش کاهش مخاطرات استناد می کند. نکته عملیاتی ۱۷ به طور خاصی بر آموزش کاهش مخاطرات تأکید می کند: *توسعه و ارائه ی برنامه های آموزش و کاهش مخاطرات که بر پیشگیری و ارائه ی جایگزین هایی برای رفتار های خطرپذیر و در جوامعی که در معرض بیشترین مخاطرات می باشند تأکید دارد. برنامه های آموزش مخاطرات باید نیاز های جوامع درگیر را در نظر بگیرند، سن و جنس محور باشند، مطابق با استانداردهای بین المللی بوده و فعالیت های مساعدت با قربانیان نظارت و پاکسازی را شامل شوند. فعالیت های کاهش مخاطرات باید در صورت امکان در برنامه های درسی مدارس، برنامه های اجتماعی و کمپین های اطلاعات عمومی تلفیق شوند. افزایش آگاهی در مقیاس وسیع باید در شرایط پس از جنگ در دستور کار قرار گیرد.*^۷

پروتکل CCW ۵ تصریح می کند که طرفین قرارداد باید همه ی احتیاطات ممکن را در قلمرو تحت کنترل خویش که تحت تأثیر مهمات منفجره باقیمانده از جنگ قرار دارد از جمله هشدار ها و آموزش مخاطرات برای جمعیت غیر نظامی را در دستور کار خود قرار دهند.^۸

مدیریت چرخه پروژه ی MRE

پروژه ی MRE همانند دیگر پروژه ها باید همه ی مراحل مدیریت چرخه پروژه را در نظر بگیرد.



ارزیابی نیاز ها

نخسین گام چرخه ی مدیریت پروژه ارزیابی نیاز، شناسایی و درک قابلیت ها، نیاز ها، اولویت ها و آسیب پذیری زنان، دختران، پسران و مردان است. لازم به ذکر است که هر ارزیابی نیاز باید شفاف باشد و به شکل مشارکتی پیاده شود و نتایج با ذی نفعان به اشتراک گذاشته شود. اگر چه ارزیابی نیاز، اولین گام مهم است، با این حال نباید تنها به عنوان فعالیت یکباره در نظر گرفته شود، بلکه باید به صورت منظم انجام شود و بخشی از فعالیت های نظارت دائمی باشد.

زنان، دختران، پسران و مردان به طور متفاوتی تحت تأثیر مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ به دلیل نقش های خاص جنسیتی و مسئولیت هایی که در جامعه دارند قرار می گیرند. ضروری است که ارزیابی نیاز شامل همه ی گروه های سنی و جنسی در جامعه ی باشد. اطلاعات جمع آوری شده به خوبی گویای واقعیت است. در برخی از شرایط استفاده از تیم های یک دست زن به منظور دستیابی به زنان تحت تأثیر مین لازم است.

تشخیص مسائل مربوط به تنوع به طور کلی مهم است و اطمینان از این که افراد از فرهنگ های اقتصادی اجتماعی مختلف، اشخاص معلول و خانوار های که سرپرست آنها زن است، در نظر گرفته شود مهم است. جوامع متشکل از طیف وسیعی از گروه های متنوع افراد است. روابط قدرتی عمیق در ساختار و فرایندهای تصمیم گیری آنها اثر دارد. سن، جنس، قبیله، نژاد و جایگاه اجتماعی و مذهب از محدود عوامل مهمی هستند که بر روابط قدرت در جوامع اثر دارند.

برنامه ریزی

مرحله ی برنامه ریزی بر اساس یافته های تحلیل داده های ارزیابی نیاز تنظیم می شود. پروژه ها باید طوری طراحی و برنامه ریزی شوند که به نیاز های افراد پاسخ دهند و در عین حال مزایایی را برای ذی نفعان داشته باشند. برنامه ریزی پیش شرط اجرای موفق بوده و باید بر اساس ارزیابی مداوم نیاز های افراد باشد. تحلیل همه ی داده های جمع آوری شده در ارزیابی نیاز ها باید انجام شود. یافته های تحلیل جنسیت اطلاعاتی را در مورد فرایند برنامه ریزی به ما می دهد تا اطمینان حاصل شود که پروژه در پاسخ به نیاز ها، اولویت ها و آسیب پذیری ها مؤثر عمل کرده است.

برنامه ریزی در بافت MRE در چندین سطوح اتفاق می افتد که همراه با برنامه ها و راهبردهای مختلفی از جمله MRE طرح های عملیاتی، طرح های کاری و طرح های اجتماعی است.

توسعه ی پیام های ایمنی

پیام های ایمنی در رأس رویکرد MRE قرار دارد. IMAS12.10 توصیه می کند راهبرد برقراری ارتباط و انتشار پیام توسعه یابد و این راهبرد شامل موارد زیر است:

- رسیدگی به رفتار های مخاطره آمیز؛
- گروه های هدف؛
- پیام های ایمنی؛
- کانال های ارتباطی؛ و
- ابزارهای انتشار.

پیام ها باید بر اساس الگو های مواجهه ی در برابر مخاطرات، نیازها و اولویت های گروه های هدف تنظیم شود. طراحی و تنظیم پیام ها باید مطابق با یافته های ارزیابی نیاز و تحلیل داده های حوادث باشد. پیام ها اطلاعات و هرگونه نماد باید حساس به کلاس سنی و جنسی باشد و از نظر فرهنگی زبانی و اجتماعی مناسب باشد.

اطمینان از این که آزمون میدانی پیام های ایمنی و اطلاعات مربوطه با یک گروه نمونه که معرف کل ذی نفعان و بهره برداران است از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. آزمون یا تست میدانی اغلب منجر به تغییرات و سازگاری هایی در اطلاعات و پیام های ایمنی می شود.

اجرای فعالیت ها

MRE در همه ی مراحل چرخه ی حیات برنامه ی مبارزه با مین پیاده می شود: جنگ/اورژانسی، ثبات، بازسازی، توسعه کمکی و توسعه. در شرایط اورژانسی به طور کلی MRE بر افزایش آگاهی مربوط به مخاطرات جدید ناشی از مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مین متمرکز بوده و بر رفتار ایمنی تأکید دارد.

در مراحل بعدی چرخه ی حیات، تأکید MRE بیشتر بر جمع آوری اطلاعات اجتماعی در مورد اهداف خاصی است که زنان، مردان، دختران و پسران در معرض آن قرار دارند. سپس این فعالیت ها در راس اطلاعات قرار گرفته و مطابق با الگو های رفتاری شناسایی شده میزان مواجهه در برابر مخاطرات و نیاز ها خواهد بود.

MRE عمدتاً در برنامه های درسی مدارس در کشورهایی که با مسائل قابل توجه مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ مواجهه هستند گنجانده می شود. این یک شیوه ی کارآمد برای دستیابی به کودکان مدرسه است. در چندین کشور متأثر از مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، بسیاری از کودکان فرصتی برای رفتن به مدرسه ندارند. رویکرد کودک به کودک که در آن کودکی که به مدرسه نمی رود توسط دوستان خود اطلاع رسانی می شود که معمولاً در یک سری از برنامه ها اجرا خواهد شد.

کاربرد اصول پایداری و مالکیت ملی به این معنی است که توسعه ی ظرفیت نقش مهمی در همه ی پروژه های مالی ایفا می کند. توسعه ی ظرفیت می تواند در سطوح و اهداف مختلف اتفاق بیفتد. از جمله کارکنان ملی، ذی نفعان، سازمان های ملی / NMAA/ MAC و وزارت خانه های دولتی.

بسیاری از عاملین و شرکت ها دارای ساختار های داوطلبانه ی مناسب می باشند که موجب آن زنان و مردان در جوامع تحت تأثیر مین به عنوان نقاط کانونی MRE در جامعه در نظر گرفته می شوند. شبکه های داوطلبانه عمدتاً برای تقویت مالکیت و ظرفیت جامعه برای اجرای فعالیت ها به شکل پایدار توسعه یافته اند.

همچنین MRE نقش مهمی در کشورهایی ایفا می کند که در آن همه ی مناطق خطرناک پاکسازی شده اند تا از حوادث ناشی از آلودگی مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مین های باقی مانده جلوگیری به عمل آید.^۹

نظارت و ارزیابی

نظارت باید یک فعالیت مداوم در کل چرخه پروژه ی MRE باشد که به موجب آن فعالیت ها با برنامه ها و راهبردهای توسعه یافته در مرحله ی برنامه ریزی مقایسه و نظارت می شوند تا اطمینان حاصل شود که پروژه در مسیر صحیحی قرار دارد و خروجی های مورد انتظار را به دست می دهد. فعالیت ها پیش می روند تا اطمینان حاصل شود که پروژه مزایای مورد نیاز را داشته و به طور صحیح و کارآمد به نیاز های پیمایش شده در ارزیابی نیاز ها پاسخ می دهد.

نظارت معمولاً به طور درون و برون سازمانی اتفاق می افتد. NMAA/MAC به طور کلی مسئول ارزیابی های کیفیت خارجی است که به موجب آن یک سری بازبینی ها را انجام داده و تیم های MRE را در شرایط میدانی همراهی می کند تا اطمینان حاصل شود که فعالیت ها بر اساس استانداردهای مورد نیاز می باشد.^{۱۰}

نظرسنجی های KAPB به طور مکرر در پروژه های MRE انجام می شود. یافته های حاصل از نظر سنجی های KAPB به طراحی و هدف یابی بهتر فعالیت های MRE برای گروه های سنی جنسی مختلف کمک می کند. نظر سنجی های KAPB معیاری مناسب و مفید تلقی می شود که می توان داده های بعدی را بر اساس آنها اندازه گیری و نتایج را تعیین کرد. نظر سنجی های KAPB اغلب نقش مهمی در فعالیت های ارزیابی اثر قبلی و بعدی ایفا می کنند.

به طور کلی نظارت بر فعالیت ها و سطح خروجی تأکید دارد (تعداد جلسات MRE، تعداد زنان، دختران، پسران و مردان هدف، نوع تحویل و غیره). و هدف آن پاسخ به این سؤال است که آیا کار را به درستی انجام می دهیم؟ از سوی دیگر هدف ارزیابی ها بیشتر تأکید بر عملکرد، برآیند و اثر می باشد و در صدد پاسخ دادن به این سؤال است که آیا کار را به درستی انجام می دهیم؟ آیا می توانیم تفاوت ایجاد کنیم؟ ارزیابی ها ممکن است در هر مرحله از پروژه انجام شوند و تنها در انتها انجام نمی شوند. IMAS ۱۲.۱۰ چهار دلیل را برای انجام ارزیابی پروژه ی MRE بیان می کند:

- بهبود عملکرد؛
- بهبود پاسخ گوئی؛
- بهبود ارتباط میان ذی نفعان؛ و
- بهبود یادگیری و توانمندسازی.

مزایای نظارت و ارزیابی بستگی به شیوه ی پاسخ سازمان ها به یافته ها و نتایج دارد. در صورت نیاز فعالیت ها، اقدامات راهبردی و پروژه های آینده باید بر همین اساس تنظیم شود. حلقه ی بازخورد نظارت و ارزیابی مهم ترین محرک و عامل در بهبود پیوسته ی برنامه و پروژه ی MRE است.

نقش همبستگی محلی و MRE در مبارزه با مین

اگر چه همبستگی محلی و MRE از بخش های لاینفک و اساسی در مبارزه با مین می باشند آنها یک مرکز پشتیبانی مهم برای تعدادی از فعالیت های مبارزه با مین هستند. تیم های MRE و همبستگی محلی چشم و گوش های مبارزه با مین محسوب می شوند. آنها در به اشتراک گذاری عملیات و اعتماد سازی سازمان های مبارزه با مین، جوامع متأثر از مین و ذی نفعان دیگر نقش حیاتی دارند.

تیم های هموزن جنسیتی موجب تسهیل دسترسی به همه ی گروه های جنسی شده و سازمان ها را قادر به انجام فعالیت های دیگر به شکل انحصاری مشارکتی کرده و در نهایت منجر به ایجاد نتایج مردم محور مؤثر و پایدار می گردد. پشتیبانی از تیم های MRE/ همبستگی محلی شامل موارد ذیل است ولی تنها محدود به آنها نیست:



MRE (افغانستان)

مین زدایی، امحاء مهمات منفجره EOD/پاکسازی مناطق نبرد (BAC)

پیش از پاکسازی، شناسایی:

- شناسایی و ثبت مناطق خطرناک مشکوک و یا قطعی.
- انجام مشاوره با زنان، مردان، پسران، و دختران در جوامع متأثر.
- انجام ارزیابی اثر پیش از پیمایش و پاکسازی برای شناسایی نیازها و اولویت ها.
- تسهیل اولویت بندی وظایف.

در هنگام پاکسازی و شناسایی:

- به اشتراک گذاری اطلاعات و جوامع در خصوص برنامه های پاکسازی و شناسایی اهمیت احترام و آگاهی از مرز ها و حصار ها.
- پس از پاکسازی و شناسایی:

- تسهیل تحویل اراضی آزاد شده.
- اطلاع رسانی به زنان، دختران، پسران و مردان در مورد مناطق پاکسازی شده و مناطقی که خطرناک مانده اند از جمله مرز مناطق پاکسازی شده و پاکسازی نشده.
- انجام ارزیابی اثر پیش از پاکسازی و شناسایی برای تعیین این که نتایج پیش بینی شده حاصل شده باشد.
- به اشتراک گذاری نتایج ارزیابی اثر با جوامع.

انهدام ذخائر مهمات

- اعتماد سازی میان جوامع محلی، مقامات و سازمان های مبارزه با مین.

کمک به قربانیان

- کمک به جمع آوری داده های قربانیان مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مین یا سیستم های نظارتی.
- شناسایی ظرفیت های ملی و محلی برای کمک به قربانیان و این که تحت چه شرایطی این کمک ها قابل دسترس است.
- ارائه ی اطلاعات دقیق در مورد قابلیت دسترسی به کمک ها و شیوه ی جلب کمک ها به قربانیان.

- همبستگی با مراکز توانبخشی جسمانی برای اطمینان از ارائه کمک.
- تشویق اشتغال نجات یافتگان و قربانیان، در صورت امکان و تناسب، مثل تسهیل کننده‌های MRE.
- تحویل MRE اضطراری به جوامع متأثر از حوادث اخیر

طرفداری

- افزایش آگاهی بومی و ملی مبارزه با مین، به خصوص در بافت‌هایی که مین زدایی و فعالیت‌های پیمایشی هنوز به دلایل سیاسی / امنیتی عملی نیستند
- ارتقاء قانون بشردوستانه بین المللی.
- طرفداری و افزایش آگاهی مربوط به حقوق قربانیان مین و افراد معلول در سطح گسترده تر.

منابع و مأخذ

- 1 UN (April 2010) *IMAS 12.10 Mine/ERW Risk Education*, Second Edition (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed: 25 June 2013).
- 2 UNICEF (July 2008) *Emergency MRE Toolkit. Emergency MRE Handbook*, First Edition (online). Available from: http://www.unicef.org/protection/Emergency_MRE_Toolkit_-_Final_Handbook.pdf (accessed: 25 June 2013).
- 3 UN (January 2003) *IMAS 04.10 Glossary of mine action terms, definitions and abbreviations*, Second Edition (online). Available from: <http://www.mineactionstandards.org/> (accessed 25 June 2013).
- 4 APMBC. *Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on Their Destruction*, adopted 18 September 1997, entered into force 1 March 1999 (online). Available from: http://www.apminebanconvention.org/fileadmin/pdf/mbc/text_status/Ottawa_Convention_English.pdf (accessed: 24 June 2013).
- 5 APMBBC, Cartagena Summit (December 2009) *Cartagena Action Plan 2010 – 2014: Ending the Suffering Caused by Anti-Personnel Mines* (online). Available from: <http://www.cartagenasummit.org/fileadmin/pdf/review-conference-2nd/2RC-ActionPlanFINAL-UNOFFICIAL-11Dec2009.pdf> (accessed 25 June 2013).
- 6 CCM. *Convention on Cluster Munitions*, adopted on 30 May 2008, entered into force on 01 August 2010 (online). Available from: <http://clusterconvention.org/files/201101/Convention-ENG.pdf#page=4> (accessed: 24 June 2013).

- 6 CCM. *Convention on Cluster Munitions*, adopted on 30 May 2008, entered into force on 01 August 2010 (online). Available from: <http://clusterconvention.org/files/201101//Convention-ENG.pdf#page=4> (accessed: 24 June 2013).
- 7 CCM. *Vientiane Action Plan 2010 – 2014*, adopted on 12 November 2010 (online). Available from: <http://www.clusterconvention.org/files/201101//VIENTIANE-ACTION-PLAN-Final2.pdf> (accessed: 24 June 2013).
- 8 UNOG/Disarmament (28 November 2003) *CCW Protocol V on Explosive Remnants of War* (online). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G0361/653//PDF/G0365361.pdf?OpenElement> (accessed: 25 June 2013).
- 9 IMAS 04.10 defines 'residual risk', in the context of humanitarian demining as '*the risk remaining following the application of all reasonable efforts to remove and/or destroy all mine or ERW hazards from a specified area to a specified depth.*'
- 10 The MAC/NMAA is also responsible for accrediting MRE teams prior to the implementation of activities.



- قانون بین الملل حقوق بشر تعاریف قربانیان را شامل می شود.
- کمک به قربانیان شامل کمک های درمانی در زمان اضطراری و فعلی، توانبخشی، پشتیبانی روانی، توانمند سازی اقتصادی، آموزش های خاص و چارچوب های سیاسی و قانونی مؤثر است.
- مسئولیت برای مساعدت به قربانیان در یک کشور تحت تأثیر مین معمولاً بر عهده ی وزارت امور اجتماعی و درمان یا سازمان های حقوق بشر ملی است.
- سازمان های مبارزه با مین دارای نقش پشتیبانی از طریق جمع آوری و انتشار داده ها، حمایت و هماهنگی می باشد.

مقدمه

کمک به قربانیان و بازماندگان یک سیستم تسلیحاتی خاص یا مساعدت قربانی، یک مفهوم نسبتاً جدید می باشد. ابتدا در متن حقوقی کنوانسیون منع مین های ضد نفر ۱۹۹۷ (APMBC)^۱ مشخص شد، اولین پیمان کنترل تسلیحات یا خلع سلاح چند جانبه در تاریخ است که مفادی را برای قربانیان یک سلاح خاص ارائه می کند. بعد از اجرایی شدن کنوانسیون، مفهوم فوق تغییرات زیادی کرد. با توجه به این که ملزومات کمک به قربانیان اخیراً در پروتکل ۵ کنوانسیون تسلیحات متعارف خاص و در کنوانسیون مهمات خوشه ای (MCC) قید شده، یک رویکرد یکنواخت در حال حاضر در خصوص مفهوم کمک به قربانی وجود دارد.

جامعه بین الملل در حال حاضر تعریف واضحی از این که قربانی چه کسی است و یا چه چیزی است دارد. این مسئله به خوبی پذیرفته شده که کمک به قربانیان شامل طیف وسیعی از فعالیت ها است. به علاوه، این مسئله مشخص شده که اگرچه پاکسازی مین و کمک به قربانیان هر دو ابعادی از مبارزه با مین می باشند، تفاوت هایی در آن چه در دست یابی به وضعیت نهایی هر کدام نقش دارد دیده می شود. بر خلاف مین زدایی بشر دوستانه که در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به عنوان یک رشته جدید ظاهر شد، کمک به قربانیان مطابق با استانداردها و سایر مظاهر حرفه ای، بخشی از ابعاد گسترده تر نظیر حقوق مراقبت های درمانی، معلولیت و حقوق بشر را شامل می شود. این خود معانی مهمی برای مسئولیت های کمک به قربانیان دارد.

کشورهای عضو APMBC می‌دانند که قربانیان مین‌های زمینی افرادی می‌باشند که به طور فردی یا جمعی از آسیب‌های فیزیکی و روانی، زبان‌های اقتصادی و یا ضایع شدن حقوق اساسی آنها از طریق فعل یا ترک فعل مربوط به استفاده از مین رنج برده‌اند.^۲ این رویکرد کلی اشاره به این دارد که اگرچه قربانی ممکن است زن، دختر، پسر یا مردی باشد که مستقیماً تحت تأثیر مین یا سایر مهمات باقیمانده از جنگ قرار می‌گیرد، قربانی می‌تواند شامل عضو خانواده فرد متأثر، کل خانواده یا جامعه باشد.

یک رویکرد کلی مشابه تعریف قربانی در CCM 2008 پذیرفته شده که قربانیان مهمات خوشه‌ای را به صورت همه افرادی که کشته شده و یا آسیب جسمی روانی، اقتصادی، انزوای اجتماعی دیده‌اند و حقوق اساسی آنها به دلیل استفاده از مهمات خوشه‌ای ضایع شده از جمله افرادی که مستقیماً تحت تأثیر مهمات خوشه‌ای بوده‌اند یا خانواده و جامعه متأثر از بمب‌های خوشه‌ای تعریف می‌کند.^۳

طرفین معظمین معاهدتین در پروتکل کمک به قربانیان CCW 2008 پذیرفته‌اند که مهمات باقیمانده از جنگ نه تنها بر افراد در معرض آن، بلکه بر خانواده و جامعه آنها اثر می‌گذارد.

یک رویکرد گسترده به تعریف قربانی، طیف کاملی از قربانیان ناشی از مین‌های زمینی و سایر مهمات باقیمانده از جنگ را در نظر می‌گیرد. با این وجود، توجه بیشتری بر ارائه خدمات به افرادی است که مستقیماً تحت تأثیر مین‌ها و سایر مهمات باقیمانده از جنگ قرار گرفته‌اند. این افراد دارای نیاز اورژانسی و خدمات درمانی پیوسته، توان بخشی، پشتیبانی روانی، توانمندسازی اقتصادی، آموزش انحصاری و چارچوب سیاسی و قانونی برای تضمین حقوق برای مشارکت در زمینه‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آنها می‌باشند.

هدف نهایی مشارکت برابر با سایرین نشان می‌دهد که اصطلاح بازمانده را می‌توان به صورت زنان، دختران، پسران و مردانی که آسیب دیده و یا به دلیل تماس با مین یا دیگر مهمات باقیمانده از جنگ معلول شده‌اند تعریف کرد. با این حال، اصطلاح قربانی را می‌توان برای اجتناب از ابهام با سایر ملزومات قانونی استفاده کرد با توجه به این که این اصطلاح بیشتر در متون حقوقی دیده می‌شود. به علاوه، جامعه بین‌المللی، قربانی را فراتر از افراد تعریف می‌کند.



مرکز توانبخشی (افغانستان)

کمک به قربانی چیست؟

افراد آسیب دیده با مین یا سایر مهمات باقیمانده از جنگ نیاز به طیف وسیعی از مساعدت ها و کمک های سن و جنس محور از جمله مراقبت های اورژانسی و پیوسته، توانبخشی، پشتیبانی روانی، توانمند سازی اقتصادی، آموزش منحصر به فرد و چارچوب قانونی و سیاسی مؤثر دارند. یک سانحه با مین یا خطرات منفجره دیگر می تواند موجب طیف وسیعی از صدمات برای فرد شود، از جمله نقص عضو، آسیب به شکم، سینه و نخاع، آسیب بینایی و شنوایی، زخم، و یا ضربه روانی کمتر مشهود. قربانیان اغلب به معلولیت مادام العمر دچار می شوند.

آسیب های وارد بر افراد ناشی از مین ها و دیگر مهمات باقیمانده از جنگ مستلزم توجه پزشکی فوری و مناسب می باشند. مراقبت های پزشکی اضطراری و مداوم شامل کمک های اولیه، تخلیه اضطراری و مراقبت های پزشکی از جمله جراحی، تزریق خون، مدیریت درد و خدمات درمانی و بهداشتی دیگر می باشند. ارائه مراقبت های درمانی و اضطراری مناسب و یا نبود آن می تواند اثر عمیقی بر بهبودی و بازیابی بلند مدت و کوتاه مدت داشته باشد و این یکی از عوامل مؤثر بر نرخ مرگ و میر است. در واقع بسیاری از کشورها فاقد کارکنان ماهر، دارو، منابع خون، تجهیزات و زیر ساخت های کافی برای ارائه ی پاسخ مناسب به آسیب های دلخراش هستند.

بازمانده ها ممکن است هم چنین به توانبخشی از جمله ارائه خدمات درمانی و توانبخشی فیزیکی و عرضه، نگه داری و آموزش استفاده از خدمات کمکی نظیر پروتز ها، ارتز، کمک های پیاده روی و ویلچر نیاز داشته باشند. توانبخشی فیزیکی و جسمی بر کمک به بهبودی فرد یا بهبود توانایی جسمی او با حرکت فیزیکی به عنوان هدف اصلی تأکید دارد.

خدمات توانبخشی باید رویکردی چند رشته ای را اجرا کند که در بر گیرنده تیمی همکار است از جمله پزشک، فیزیوتراپیست، متخصص پروتز، اُرتاسازی، درمانگر شنلی، مددکار اجتماعی و سایر متخصصان مربوطه. این تیم باید دارای متخصصان مرد و زن باشد، زیرا در بسیاری از کشورها ویزیت شدن زنان و دختران توسط مردان و برعکس مناسب نیست.

اگرچه زخم های جسمی ناشی از مین و سایر مهمات باقیمانده از جنگ اغلب وحشتناک است، اثرات اجتماعی و روانی آن نیز بالا است. مشکلات در روابط و فعالیت های روزانه می تواند قابل توجه باشد و بازمانده ممکن است با انگ، رد و بیکاری اجتماعی مواجه شود. این اثرات منفی بر بازمانده ها به طرق مختلف اثر دارند. پسران و دختران ممکن است به دلیل حادثه از مدرسه محروم شوند و ازدواج آنها در ادامه زندگی با مشکل مواجه شود. بزرگسالانی که دیگر قادر به درآمد زایی برای خانواده نیستند، افسرده و ناامید می شوند.

زنان و مردان معلول در صورتی که توان کار خانه و یا مراقبت از خانواده نداشته باشند ممکن است طرد شوند. پشتیبانی روانی و فیزیولوژیکی مناسب می تواند موجب پیشرفت قابل توجهی در زندگی بازمانده ها و خانواده های افراد کشته شده یا آسیب دیده شود. پشتیبانی روانی و فیزیولوژیکی اندکی بعد از حادثه و نیز در زمان های مختلف در سرتاسر عمر آنها لازم است.

برای برخی از بازمانده ها و خانواده های افراد کشته شده یا آسیب دیده، اولویت اول، مراقبت پزشکی یا توان بخشی نیست، بلکه هدف اصلی یافتن فرصت برای تمرینش بودن در جامعه است. توانمند سازی اقتصادی شامل فعالیت هایی است که موجب بهبود وضعیت اقتصادی بازمانده ها و خانواده های افراد کشته شده یا آسیب دیده از طریق آموزش، آموزش حرفه ای، دسترسی به اعتبارات کوتاه، درآمد زایی و فرصت های اشتغال و توسعه اقتصادی زیر ساخت جامعه می شود.

توانمند سازی اقتصادی، برای بهبود و ارتقاء خود کفایی، استقلال، افزایش عزت نفس و حس کرامت ضروری است. این چالشی ویژه در بسیاری از کشورهاست به خصوص کشورهایی که فرصت مشارکت اقتصادی برای مردم به طور کلی کم است.

هم چنین بازمانده ها به یک چارچوب سیاسی و قانونی مناسب نیاز دارند که تضمین کننده حقوق آنها ضمن اطمینان از وجود فرصت های برابر در جامعه برای همه است. کنوانسیون حقوق افراد معلول CRPD 2008، دستورالعمل مهمی را در اختیار می گذارد. به گفته کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، نواتمام پیلای، وقتی نجات یافتگان از حوادث ناشی از مین و مهمات منفجره معلول می شوند، تحت پوشش CRPD قرار می گیرند.^۴

۲۲ ماده از ۵۰ ماده CRPD، به طور ویژه مرتبط با کمک به قربانیان و بازمانده ها از جمله ماده های مربوط به بهداشت، تحرک شخصی، توانبخشی، آموزش، کار و اشتغال، حمایت اجتماعی، زندگی مستقل، مشارکت در فرهنگ و ورزش، مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی، دسترسی، افزایش آگاهی، جمع آوری آمار و داده ها، عدم تبعیض در خصوص زنان و کودکان معلول است.

کشورهای عضو CCM، APMBC و پروتکل CCM 5 همگی از نقش CRPD در رسیدگی به هدف معاهده در خصوص قربانیان مین و سایر مهمات باقیمانده از جنگ آگاه می باشند.^۵

علاوه بر مراقبت های پزشکی و اورژانسی، توان بخشی، پشتیبانی روانی، توانمند سازی اقتصادی و چارچوب قانونی و سیاسی مؤثر، سایر مولفه های مهم کمک به قربانیان، مجموعه ای از تلاش ها برای درک و وسعت چالش است. بدون داشتن داده های جامع و دقیق نظیر داده های تولید شده توسط سیستم های نظارت بر آسیب ها و صدمات، امکان درک کامل گستره، موقعیت و کیفیت چالش های ایجاد شده و یا توسعه پاسخ های کارآمد، مؤثر و به موقع وجود دارد.

داده های به تفکیک سن و جنسیت در خصوص مین های زمینی و تلفات دیگر علاوه بر داده های طیف وسیعی از معلولیت ها و صدمات، برای استفاده بهینه از منابع محدود و فرموله سازی و اجرای سیاست ها، برنامه ها و طرح های مناسب لازم است.

جایگاه کمک به قربانی در بافت های گسترده تر

اگرچه کمک به قربانیان عنصر اساسی مبارزه با مین محسوب می شود، تفاوت های متنی مهمی بین زدایی بشر دوستانه مین و فعالیت های کمک به قربانیان در درمان و توان بخشی بازماندگان ناشی از صدمات مین و مهمات منفجره جنگی وجود دارد. مسائل مربوط به آلودگی ناشی از مین و سایر مهمات باقیمانده از جنگ، نسبتاً متفاوت است. در نتیجه، مین زدایی بشر دوستانه مین را می توان یک رشته تخصصی و جدید در نظر گرفت.

یک برنامه مناسب برای پاکسازی مین ها و سایر مهمات خوشه ای باقیمانده و ارتقاء تغییرات رفتاری از طریق آموزش مخاطرات مین در نهایت به هدف پایانی خود دست پیدا می کند. در مقابل، مسائل پیش روی بازمانده ها با چالش های پیش روی افراد دیگری مشابه است که مصدومیت داشته اند و یا با معلولیت زندگی می کنند. بسیاری از چالش های پیش روی آنها در کل عمرشان باقی خواهد ماند.

بازمانده ها، افرادی می باشند که بخشی از جوامع بزرگ تر افراد معلول و افرادی که نیاز به خدمات توان بخشی و درمانی دارند هستند. نیاز آنها به خدمات پزشکی، توان بخشی، توانمند سازی اقتصادی و غیره، مستلزم توسعه رشته ها یا سیستم های جدید نیست. بلکه نیاز های آنها مستلزم اطمینان از این است که سیستم های خدمات اجتماعی و خدمات درمانی موجود، برنامه های توان بخشی، آموزش شغلی و رویکرد های اشتغالی و چارچوب های قانونی و سیاسی برای رفع نیاز های همه شهر وندان کافی می باشند از جمله بازمانده های مین های زمینی و دیگر مهمات باقیمانده از جنگ.

بر اساس توافق کشورهای عضو APMBC، کمک به قربانیان باید در سیاست ها، طرح ها و چارچوب های قانونی کلان ملی مربوط به حقوق بشر، معلولیت، سلامت، آموزش، اشتغال، توسعه و کاهش فقر لحاظ شود.^۶ این موارد باید در برنامه های کلان قربانیان جنگ گنجانده شود.

برای مثال، کشورهای عضو APMBC مجدداً در ۲۰۰۹ تأکید کردند که مصمم هستند بین قربانیان مین و یا بین بازمانده های مین و یا سایر افراد معلول تبعیض قائل نشوند و اطمینان حاصل کنند که تفاوت رفتار باید صرفاً بر اساس نیاز های پزشکی، توان بخشی، روانی و اجتماعی اقتصادی قربانیان باشد. همین امر در رابطه با قربانیان مهمات خوشه ای را می توان در ماده ۵ مهمات خوشه ای مشاهده کرد.

همه دست اندرکاران باید مراقب باشند تا از توسعه رویکردها نسبت به قربانیان مین و مهمات باقیمانده از جنگ به صورت هم زمان و یا جداگانه که مطابق با نیاز های قربانیان نبوده و تضمین کننده حقوق افراد آسیب دیده و معلول نیست اجتناب کنند.^۷ بلکه، کمک به قربانیان و بازمانده ها باید به صورت بخشی از سیستم های خدمات اجتماعی سلامت عمومی باشد. در چارچوب این سیستم ها است که تلاشهایی باید برای رفع نیاز های بازمانده ها صورت گیرد.



پروته‌ها (ساریو)

مکانیسم‌های ملی مراقبت از مصدومان در صورت وجود و در هر زمان باید داده‌های مربوط به افرادی که مستقیماً متأثر از مین‌ها و سایر مهمات باقیمانده از جنگ هستند را در نظر بگیرد. خدمات پزشکی باید به طور مساوی برای کل جمعیت قابل دسترسی باشند از جمله برای بازمانده‌های مین‌های زمینی و یا سایر افرادی که نیاز به درمان اضطراری یا درمان پیوسته دارند. برنامه‌های توان بخشی فیزیکی نباید از نظر نیاز به خدمات رفتار تبعیض آمیز داشته باشند بلکه باید به شکل پایدار تنظیم شده و نیازهای همه بازمانده‌ها و سایر افرادی که ممکن است به این برنامه‌ها نیاز داشته باشند را برطرف کند.

از آن‌جا که بسیاری از افرادی که بازمانده مین یا دیگر مهمات باقیمانده از جنگ می‌باشند معلولیت پیدا می‌کنند، توجه ویژه‌ای باید به مسائل کمک به قربانیان از دیدگاه معلولیت و حقوق معلولیت شود. باید برای اطمینان از این که همه زنان، دختران، پسران و مردان معلول در زمینه‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه مشارکت کنند، و نیز برای اطمینان از این که اهداف معاهدات تسلیحات متعارف در خصوص بازمانده‌های مین و سایر مهمات باقیمانده از جنگ حاصل شده است باید گام‌هایی برداشته شود. کنوانسیون حقوق افراد معلول، دستورالعمل‌هایی را برای این منظور ارائه می‌کند. تلاش‌هایی باید برای تلفیق پاسخ به بازمانده‌ها با تلاش‌های اجرای این کنوانسیون حقوق بشر صورت گیرد.

رفاه و تضمین حقوق مردم یک کشور امری اساسی است که در حیطه اختیاراتی آن کشور قرار می گیرد. برآورده کردن نیاز ها و تضمین حقوق قربانیان و بازمانده های مین و سایر مهمات باقیمانده از جنگ، بر عهده کشوری است که کنترل آن کشور را در اختیار دارد. این مسئولیت اصلی تقریباً ۳۵ کشوری است که مسئول تعداد زیادی از قربانیان و بازمانده ها می باشند.

بسیاری از این کشورها در فرایند پاکسازی مین ها، مهمات خوشه ای و سایر مهمات باقیمانده از جنگ و ارائه آموزش مخاطرات مین می باشند. مسئولیت رهبری کمک به قربانیان لزوماً به عهده افرادی نیست که موارد فوق را شامل می شوند. در رابطه با مین زدایی بشر دوستانه آموزش مخاطرات مین، بدیهی است که این نوع جدید از مرجع های دولتی نظیر مراکز مبارزه با مین ملی- مسئولیت رهبری را باید بر عهده بگیرند.

در خصوص کمک به قربانیان، لازم به ذکر است این مسئولیت مرجع های دولتی که به مدت چندین سال از قبل وجود داشته اند نظیر وزارت امور اجتماعی و بهداشت یا سازمان های حقوق بشر ملی می باشد. آگاهی از این که مسئولیت رهبری بر عهده کدام مرکز است و تقویت سازمان های دولتی مربوطه برای اجرای مسئولیت، یک رویکرد منطقی برای اطمینان است که با قربانیان و بازمانده ها به شکل کارآمد، پایدار و غیر تبعیض آمیز رفتار می شود.

اگرچه ساختار های مبارزه با مین ملی، مرجع های مناسبی برای رهبری مراقبت، توان بخشی جمعیت دولت نمی باشند، آنها نقش پشتیبانی را در کمک به قربانیان ایفا می کنند. در ۲۰۰۳، سیاست سازمان ملل در خصوص حوزه عمل MAC در کمک به قربانیان نشان می دهد که مراکز مبارزه با مین، نقش رهبری را در کمک به قربانیان نداشته و یا دارای وکالت، تخصص و یا منابع مورد نیاز نمی باشند و این نشان می دهد که MACs/ NMAAS در کمک به قربانیان در زمینه هایی نظیر جمع آوری داده و انتشار آن، پشتیبانی و هماهنگی نقش داشته باشند. مراکز مبارزه با مین می توانند به طرق مختلف کمک کنند:

۱. آگاهی را می توان در دستگاه دولتی کشورهای عضو با هدف رسیدگی به بازمانده های مین سایر مهمات باقیمانده از جنگ از طریق دسترسی به ابزارهای بین المللی مختلف افزایش داد.
۲. داده های به تفکیک سن و جنسیت در خصوص تلفات مین که توسط برنامه های مبارزه با مین ملی جمع آوری شده است باید به سیستم های ملی اطلاعات معلولیت و نظارت بر مصدومان تغذیه شوند.

۳. برنامه های مبارزه با مین می توانند در خصوص کمک به قربانیان مین ها و سایر مهمات باقیمانده از جنگ برای افزایش پیشرفت ها در راستای ذی نفع سازی جوامع معلول و مصدوم، در سطح بین المللی اطلاع رسانی کنند. این می تواند شامل پشتیبانی از دسترسی و اجرای CRPD باشد.
۴. علاقه بین المللی به مسئله مین های زمینی توسط برنامه های مبارزه با مین می تواند به صورت اساس بهره برداری از منابع برای ذی نفع سازی نه تنها بازماندگان و قربانیان و مین و سایر مهمات باقیمانده از جنگ استفاده شود بلکه می تواند به جامعه زنان، دختران، پسران و مردانی که معلول هستند کمک می کند.
۵. برنامه های مبارزه با مین می تواند موجب هماهنگی بین بازمانده های مبارزه با مین و سازمان های معرف آنها، سازمان های کمک کننده به آنها و مرجع های دولتی که مسئول خدمات درمانی، خدمات اجتماعی و معلولیت شود.



روستاییان (کامبوج)

اگرچه مسئول نهایی دولت‌ها می‌باشند، در بسیاری از موارد، مرجع‌ها ظرفیت محدود داشته و مالکیت ملی مستلزم تقویت و مساعدت بیشتر است. در چنین مواردی، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد ملی و بین‌المللی نقش مهمی در خدمات‌رسانی و بهبود ظرفیت ملی ایفا می‌کنند. به علاوه، بسیاری از دولت‌های مسئول رفع نیازها و تضمین حقوق تعداد زیادی از بازمانده‌ها و قربانیان فاقد ابزارهای مالی لازم می‌باشند.

CCM، APMBC و پروتکل 5 CCW هر کدام کشورهای عضو را ملزم به ارائه پشتیبانی فنی، مادی و مالی برای کمک به قربانیان می‌کند. به علاوه، کنوانسیون حقوق افراد معلول بیان می‌دارد که کشورهای عضو باید از اهمیت همکاری بین‌المللی و ارتقاء آن در پشتیبانی از تلاش‌های ملی برای تحقق هدف و اهداف کنوانسیون موجود آگاه باشند.^۸

از زمان اجرایی شدن APMBC، ده‌ها میلیون دلار به صورت مساعدت برای قربانیان تخصیص داده شده است. بدون شک، بزرگ‌ترین شکل پشتیبانی، توسعه کمک‌های مساعدت‌ای برای بهداشت و درمان است که صریحاً به صورت یک مساعدت قربانی در نظر گرفته نمی‌شود. در سال‌های اخیر، جریان مساعدت توسعه‌سالانه به کشورهای متأثر از مین برای مواردی نظیر بهداشت و درمان، زیرساخت‌های بهداشتی درمانی، پرسنل‌ها، آموزش پزشکی و خدمات پزشکی چندین برابر فراتر از سرمایه‌ای بوده است که غالباً به صورت مساعدت و کمک به قربانیان تلقی شده است.

مسئولیت‌های وزارت امور اجتماعی و سلامتی، برنامه ملی مین زدایی، سازمان مردم‌نهاد و کشورهای بین‌المللی کمک‌کننده متفاوت است. با این حال، همه مراکز از نظر اطمینان از مشارکت کارآمد بازمانده‌ها و سایر افراد معلول مسئولیت مشترکی دارند.

بازمانده‌ها و سایر افراد معلول دارای چشم‌انداز در خصوص وضعیت و نیازهای خود می‌باشند. آنها باید مشارکت‌سازنده در همه امور مربوط به مساعدت به قربانیان و معلولان داشته باشند. اصل مشارکت به خوبی در متن CCM، APMBC و پروتکل 5 CCW با پیام nothing about us without us (هیچ چیز درباره‌ی ما بدون ما) قابل درک است.^۹

مشارکت افراد معلول، از جمله بازمانده‌های مین‌های زمینی و سایر مهمات باقیمانده از جنگ در همه موارد برنامه‌ریزی، هماهنگی، اجرا، نظارت و ارزیابی فعالیت‌هایی که بر زندگی آنها اثر دارد ضروری است.

- 1 APMBC. *Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on Their Destruction*, adopted 18 September 1997, entered into force 1 March 1999 (online). Available from: http://www.apminebanconvention.org/fileadmin/pdf/mbc/text_status/Ottawa_Convention_English.pdf (accessed: 24 June 2013).
- 2 APMBC (2004) *First Review Conference of the States Parties to the Anti-Personnel Mine Ban Convention, 'Final Report'*, APLC/CONF/20045/, paragraph 64
- 3 CCM *Convention on Cluster Munitions*, adopted on 30 May 2008, entered into force on 1 August 2010, Article 2, paragraph 1.
- 4 APMBC (3 December 2012) *Statement by the United Nations High Commissioner for Human Rights, Navinder Pillay, to the Twelfth Meeting of the States Parties to the Anti-Personnel Mine Ban Convention*.
- 5 United Nations, *Convention on the Rights of Persons with Disabilities*, adopted 13 December 2006, entry into force 3 May 2008, in accordance with Article 45(1) (online). Available from: <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CRPD/Pages/ConventionRightsPersonsWithDisabilities.aspx> (accessed: 25 June 2013).
- 6 APMBC, Cartagena Summit (December 2009) *Cartagena Action Plan 2010 – 2014: Ending the Suffering Caused by Anti-Personnel Mines*, paragraph 13.
- 7 APMBC, Cartagena Summit (December 2009) *Cartagena Action Plan 2010 – 2014: Ending the Suffering Caused by Anti-Personnel Mines*, paragraph 14.
- 8 Convention on the Rights of Persons with Disabilities, Article 32, paragraph 1.
- 9 APMBC. *Second Review Conference of the States Parties to the Anti-Personnel Mine Ban Convention, 'Final Report'*, paragraph 114.
CCM. *Convention on Cluster Munitions*, adopted on 30 May 2008, entered into force on 01 August 2010, Article 5, paragraph 2 (f).
United Nations, *Protocol V – Plan of Action on Victim Assistance*, entry into force 2006, Action 4 (f).



- اولویت های مبارزه با مین و تخصیص منبع باید منعکس کننده بافت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گسترده تر باشد.
- همبستگی محلی، اولویت بندی، تحویل، ارزیابی پس از پاکسازی و دسترسی به مراکز توسعه و بشر دوستانه گسترده تر را می توان برای بهبود توسعه و کاربری ارضی پس از پاکسازی استفاده کرد.
- استفاده از رویکرد های مشارکتی، انحصاری و جنسیت محور موجب افزایش ارزش مبارزه با مین شده و به دست یابی به برآیند مطلوب توسعه کمک می کند.
- آزاد سازی زمین موجب تغییر ارزش و وضعیت زمین می شود طوری که سازمان های مبارزه با مین باید اصل بشر دوستانه "آسیب نزنید" را برای پیش گیری از اثرات منفی ناخواسته بپذیرند.
- سازمان های مبارزه با مین باید به مسائل امنیتی گسترده با توجه به تجربه مهمات و تسلیحات و توانایی کار در شرایط بی ثبات همراه با مسئولان امنیتی نظیر پلیس و ارتش پاسخ دهند.

تغییر بافت، تغییر اولویت ها

مبارزه با مین اشاره به طیف وسیعی از فعالیت هایی دارد که هدف آنها کاهش مخاطرات مربوط به مین ها و مواد منفجره باقیمانده از جنگ (مهمات منفجره باقیمانده از جنگ) می باشد. در شرایطی که آلودگی مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ مانع از بازایی پس از جنگ شود، مبارزه با مین می تواند موجب تسهیل توسعه و بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی شود. مبارزه با مین را می توان در چارچوب طیف بافت گسترده تر اقتصادی در یک کشور در نظر گرفت که اولویت های اصلی برنامه مبارزه با مین ملی همسو با اولویت های توسعه منطقه ای و ملی می باشد. مکانیسم های به اشتراک گذاری اطلاعات و هماهنگی باید بین مسئولان مبارزه با مین و سازمان ها و مراکز توسعه و بشر دوستانه گسترده تر که در بخش های دولتی، مردم نهاد و خصوصی کار می کنند ایجاد شود.^۱

بافت اقتصادی، سیاسی و اقتصادی گسترده تر در یک کشور از اهمیت زیادی برای اهداف مبارزه با مین برخوردار است. با تکامل بافت در کشورهای متأثر از مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ از حالت جنگ به حالت ثبات، توسعه بلند مدت و بازسازی، اولویت های مبارزه با مین و تخصص منابع نیز تغییر می یابند.

- وقتی کشوری در حالت جنگ است و یا به تازگی از زیر بار جنگ خارج می شود، مبارزه با مین توسط تاثیر عملیاتی هدایت می شود که تسهیل کننده کمک های بشر دوستانه و جابه جایی ایمن پناهنده ها و افراد جا به جا شده در داخل کشور است.
 - همان طور که کشوری به آرامی شروع به اقدامات بازسازی می کند و ظرفیت ملی دولت شروع به توسعه می کند، تلاش ها بر تثبیت برنامه مبارزه با مین ملی و پشتیبانی از پروژه های بازسازی متمرکز می شوند.
 - وقتی که کشور متأثر از مین / مهمات منفجره باقیمانده از جنگ به شرایط توسعه با ثبات تر حرکت می کند، برنامه های مبارزه با مین بر انتقال مسئولیت به مقامات ملی برای مدیریت آلودگی باقی مانده با کاهش کارکنان در سطح بین المللی متمرکز می شود. دولت های ملی هم چنین بر تخصیص منابع ملی بیشتر برای مبارزه با مین متمرکز شده و دقت می کنند مبارزه با مین در فرایند برنامه ریزی توسعه، راهبرد ها و بودجه منعکس می شود. دولت هایی که از نظر مالی قادر به رعایت مفاد ملزومات نمی باشند، ولی به ملزومات تعهد نشان می دهند باید توسط کشورهای دیگر مورد مساعدت قرار گیرند.
- این فرایند خطی در واقع به ندرت به چشم می خورد؛ برای مثال، مناطق مختلف یک کشور ممکن است در فازهای مختلفی باشد و یا همزمان نیاز های مختلفی داشته باشند. این فرایند همیشه پیشرفت نمی کند: برخی از کشورهای که تازه از زیر جنگ در آمده اند ممکن است مجدداً وارد جنگ شوند.
- با گذشت زمان و ثبات کشور، چندین روند کلی در مبارزه با مین را می توان مشاهده کرد:
- سطح مالکیت ملی برنامه مبارزه با مین افزایش می یابد.
 - مشارکت وزارتخانه ها و آژانس ها (نظیر کشاورزی، توسعه روستای، زیر ساخت، انرژی و معادن و غیره) و سطوح مختلف دولتی در اولویت بندی عملیات شناسایی و پاکسازی افزایش می یابد.
 - در شرایط اضطراری، قابلیت دسترسی و زمان جمع آوری داده های مهم محدود بوده و اولویت پاکسازی نسبتاً استاندارد است یعنی پاکسازی زیر ساخت برای دسترسی به مساعدت های بشردوستانه، پاکسازی خانه ها برای تسهیل میزان بازدهی و غیره استاندارد می باشد. با مساعد تر شدن شرایط، اولویت بندی مستلزم دانش و درک دقیق از شرایط عملیاتی است. نیاز به مدیریت اطلاعات نیز افزایش می یابد، زیرا مدیران و برنامه ریزان مبارزه با مین نیاز به داده های با کیفیت در خصوص دامنه و ماهیت مسئله آلودگی مهمات منفجره باقیمانده از جنگ/مین دارند تا بتوانند تصمیمات آگاهانه تری بگیرند. هم چنین زمان زیادی برای جمع آوری داده ها لازم است و زمان صرف شده در جمع آوری داده ها با پاکسازی بزرگ مقیاس تر قابل توجه است.

- ظرفیت مبارزه با مین ملی نیز در پاسخ به کسب منابع جدید، آموزش کارکنان و معرفی سیستم های مدیریتی بهتر سازمانی افزایش می یابد.
- عاملان بیشتری در مبارزه با مین مشارکت می کنند که در شکل ۱۱ نشان داده شده است.

شکل ۱۱ عاملان دخیل در برنامه مبارزه با مین ملی بر اساس بافت کشور

بخش/نوع برنامه ریزی مورد نیاز	مراکز کلیدی	چالش های کلیدی برای برنامه ریزی مبارزه با مین
بشردوستانه	ارتش ها، نیروهای پلیس و سازمان های مردم نهاد خارجی و داخلی	• رسیدگی به بسیاری از آژانس هایی که با اولویت ها و راهبرد ها در محیط آشفته و به سرعت در حال تغییر مخالف می باشند
امنیت	ارتش ها، نیروهای پلیس و سازمان های مردم نهاد خارجی و داخلی	• اجتناب از جایگزینی نیاز های توسعه ای و بشر دوستانه با اولویت های نظامی • امنیت کارکنان، در صورتی که امنیت داخلی ایجاد نشود • دست یابی به همکاری و داده های مراکز نظامی
بازسازی	بانک جهانی و شاید سایر آژانس ها یا صندوق های چند جانبه، برنامه توسعه سازمان ملل. کشورهای کمک کننده اصلی با پروژه های نمایشی	• عملیات مین زدایی بزرگ مقیاس تحت در زمان های کوتاه و فشرده در پشتیبانی از پروژه های زیر ساخت اصلی • اطمینان از این که منابع مالی مین زدایی در پروژه های باز سازی لحاظ می شوند.

• هماهنگی با بسیاری از دولت های محلی و استانی در خصوص اولویت های کاری • با دولت متعهد:^۲ هماهنگی با وزارت تأمین مالی و برنامه ریزی برای اطمینان از این که دولت ملی اولویت کافی به مبارزه با مین می دهد • با دولت غیر متعهد: هماهنگی با سازمان های خیریه وقتی که مکانیسم هماهنگی کلی وجود ندارد	دولت، بانک جهانی، سازمان های مردم نهاد، سازمان ملل و شاید سایر آژانس های چند جانبه ها، سازمان های کمک کننده برای بخش های مختلف	توسعه
--	--	--------------

اطمینان از این که مبارزه با مین موجب بهبود توسعه می شود

مبارزه با مین بشر دوستانه در ابتدا به عنوان یک پاسخ اورژانسی بشر دوستانه برای پیشگیری از مرگ غیر نظامیان به خصوص در میان جوامع مراجعت کننده در نظر گرفته شده است. هدف اصلی سازمان های مبارزه با مین، عمدتاً از بین بردن ایمن و کارآمد تهدید مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ برای رفع نیاز های اساسی جمعیت غیر نظامیان و کارکنان بشردوستانه است. این اولویت کلیدی برای مبارزه با مین است.

در سال های اخیر، سازمان های مبارزه با مین و مراکز کمکی آن، تأکید زیادی بر اطمینان از نه تنها کارایی عملیاتی بلکه برآیند های توسعه دارد:^۳ یعنی این که مبارزه با مین موجب بهبود ایمنی فیزیکی و دسترسی به خدمات پایه شده و به موجب آن موجب بهبود ارتقاء معیشت برای همه ذی نفعان شود.^۴ این تا حدودی منعکس کننده افزایش آگاهی از این است که در برخی از کشورها، مبارزه با مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ:

- ایمنی جامعه را تهدید می کند.
- مانع از توسعه زیر ساخت های مورد نیاز برای فعالیت و شکوفایی اقتصادی می شود.
- دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی، آموزشی و سایر خدمات اجتماعی پایه را محدود می کند.
- مانع از استفاده ایمن از دارایی های لازم برای معیشت پایدار می شود (نظیر منابع آب، کانال های آبیاری و اراضی مورد استفاده برای کشاورزی).
- مانع از شکل گیری اعتماد سرمایه گذاران به سرمایه گذاری خصوصی و دولتی ضروری برای توسعه اقتصادی می شود.
- چندین بُعد مبارزه با مین وجود دارد که اهمیت زیادی برای کاربری و توسعه اراضی پس از پاکسازی دارد.

همبستگی محلی (CL) دربرگیرنده تعامل با زنان، دختران، پسران و مردان در جوامع متأثر از مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ به منظور تبادل اطلاعات در خصوص حضور و اثر مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، توسعه راه حل هایی برای از بین بردن موانع و خطرات و بهبود ایمنی جامعه است. تیم های CL می توانند از جوامع درباره کمک های خاصی که بعد از تحویل اراضی آزاد شده نیاز دارند اطلاعات کسب کنند.^۵ برای مثال، اطلاعات را در صورتی با عاملان مربوطه به اشتراک می گذارند که جوامع به کمک های توسعه ای نیاز داشته باشند و یا با جنگ بر سر زمین روبرو باشند.

اولویت بندی

هدف اصلی اولویت بندی، اطمینان از این است در مبارزه با مین بهترین استفاده از پول صورت پذیرد. با توجه به این که مسئله آلودگی مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ را نمی توان به طور کامل در یک مرتبه حل کرد، اولویت بندی شامل موارد زیر است -۱- تصمیم گیری در خصوص این که به کدام کار ها باید اولویت داده شود ۲- اطمینان از این که منابع کافی به اولویت های انتخاب شده تخصیص داده می شود.

اولویت بندی در مبارزه با مین^۶ دارای اهمیت توسعه ای بالایی است، از این جهت که تصمیماتی در مورد این که کدام زمین ها باید ابتدا شناسایی و پاکسازی شوند اتخاذ می گردد. اگر کاربری ارضی و توسعه پس از پاکسازی از اولویت های دولت ها و جوامع متأثر از مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ باشد، آنگاه می توان آنها را به عنوان معیار های اولویت بندی در نظر گرفت. مثال هایی از معیارهای مربوط به توسعه که می توانند در سیستم اولویت بندی کشور گنجانده شوند شامل موارد زیر است:

- زمین برای توسعه جامعه/وجود برنامه توسعه جامعه استفاده خواهد شد.
- مالکیت اراضی روشن است.
- ذی نفعان هدف بر اساس نیاز ها شناسایی می شوند (یعنی مخاطرات بالای وقوع حوادث مربوط به مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، سطح اقتصادی، گروه های حاشیه ای و غیره).
- آژانس توسعه ای (دولت، بازرگانی، سازمان های مردم نهاد و غیره) به ذی نفعان در استفاده بهتر و پر بازده تر از اراضی آزاد شده کمک می کنند.
- پتانسیل جنگ و اختلاف بر سر زمین پایین است.

رویه های تحویل

IMAS 04.10 تحویل را فرایندی تعریف می کند که توسط آن ذی نفعان (برای مثال، NMAA از طرف جامعه محلی یا کاربر) زمینی را که قبلاً مشکوک به داشتن مهمات منفجره است ولی متعاقباً این ظن برطرف شده و یا به سطح قابل تحمل یا مطلوب از طریق شناسایی عمومی،^۷ فنی یا پاکسازی کاهش یافته است دریافت کرده و می پذیرند.

پس از پاکسازی، زمین باید در اسرع وقت برای استفاده کاربردی و عملی تحویل داده شود. مراسم تحویل و انتشار اطلاعات بسیار مهم می باشد، زیرا جوامع متأثر ممکن است از عملیات شناسایی و پاکسازی، زمان کامل شدن عملیات، مرز اراضی شناسایی و پاکسازی شده و این که اراضی آلوده قبلی برای استفاده ایمن هستند یا خیر آگاه نباشند.

تاخیر در اجرای روش های تحویل می تواند منجر به تاخیر در اطلاع رسانی به جوامع در خصوص ایمنی اراضی آزاد شده و در نتیجه تأخیر در استفاده از اراضی شود. تأخیرها هم چنین ممکن است منجر به ابهام در مورد این که کدام یک از مناطق در جامعه آنها غیر ایمن است شود و این نشان دهنده اهمیت کارهای ارتباطات اجتماعی در طی پاکسازی است.

به منظور اطمینان از شفافیت و انحصاری بودن فرایند تحویل، مراسم تحویل باید شامل طیف وسیعی از افراد جامعه از جمله زنان، مردان، پسران و دختران و گروه های آسیب پذیر خاص باشد. به اشتراک گذاشتن اطلاعات با اعضای جامعه در مورد مناطق پاکسازی شده، موارد یافته شده و یا مناطق مشکوک و خطرناک و موقعیت دقیق آنها بسیار حیاتی است. این به افزایش اعتماد جامعه به اراضی آزاد شده و پیشگیری از تلاش برای تصرف زمین از ذی نفعان و بهره برداران کمک می کند.^۸

مراسم های تحویل دارای تبلیغ گسترده که در بر گیرنده قشر وسیعی از مردم جامعه است، از جمله افسران مدیریت اراضی محلی، می تواند به کاهش احتمال تصرف اراضی آزاد شده توسط قشرهای ثروتمند یا افراد خارجی کمک کند.

ارزیابی پس از پاکسازی

ارزیابی پس از پاکسازی اشاره به شکلی^۹ از شناسایی دارد که در جوامع نزدیک به مناطق آزاد شده معمولاً ۶ تا ۱۲ ماه بعد از تحویل اراضی آزاد شده انجام می شود. هدف اصلی این شناسایی، جمع آوری داده های مربوط به برآیندهای متوسط، پیمایش درس های آموخته شده برای اطلاع رسانی در مورد طرح های آینده و به اشتراک گذاری داده ها با سایر ذی نفعانی است که ممکن است به رفع نیاز های توسعه ای بلند مدت جوامع ذی نفع کمک کند.

در برخی از موارد، ارزیابی های پاکسازی و ارزیابی های خارجی را می توان چندین سال بعد از آزاد سازی زمین اجرا کرد. شیوه استفاده از داده های ارزیابی پاکسازی زمین اغلب بستگی به دلیل اجرای آن و فرد اجرا کننده دارد. نظارت پس از پاکسازی می تواند توسط عاملین و شرکت های مین / مهمات منفجره باقیمانده از جنگ و مراکز و مسئولان مبارزه با مین ملی برای بررسی این که آیا کار به خوبی انجام شده و مطابق با استاندارد های قبلی است صورت گیرد، در حالی که ارزیابی پس از پاکسازی برای اهداف ارزیابی، توسط عاملین و شرکت هاو نیز آژانس های سازمان ملل و سازمان های مردم نهاد برای کنترل این که کار به درستی انجام شده است صورت می گیرد.

اگرچه عاملین و شرکت‌ها بیشتر در صدد بررسی این موضوع می‌باشند که آیا SHA درست به خوبی اولویت بندی شده است یا نه، مراکز و مسئولان مبارزه با مین ملی بیشتر نگران این هستند که آیا آزاد سازی زمین به اولویت‌های ملی گسترده‌تر کمک می‌کند یا نه.^{۱۰}

ارزیابی‌های پس از پاکسازی را می‌توان برای تعیین موارد زیر استفاده کرد:

- آیا مناسب‌ترین مناطق اولویت بندی شده، تحت عملیات قرار گرفته و رها شده‌اند.
- آیا اراضی آزادشده توسط بهره‌برداران و ذی‌نفعان مورد نظر اهداف مورد نظر استفاده می‌شود.
- آیا زنان و مردان به طور مساوی در تصمیمات مربوط به استفاده از اراضی آزاد شده مشارکت می‌کنند.
- آیا ذی‌نفعان در استفاده سودمندانه از اراضی آزاد شده مشکلی دارند (نظیر تصرف زمین، اختلافات بر سر استفاده و مالکیت، عدم پشتیبانی توسعه).
- آیا آزاد سازی زمین منجر به بهبود معیشت جوامع بهره‌بردار شده است.
- آیا هماهنگی بین بخش‌های مبارزه با مین و توسعه، کافی است.
- آیا جوامع، دولت‌های متأثر از مین و سازمان‌های مردم‌نهاد از حیث تهیه گزارش در خصوص برآیند‌های توسعه و استفاده مناسب از سرمایه، مسئولیت‌پذیری کافی دارند.

لازم به ذکر است که هیچ‌گونه روش ارزیابی استاندارد پس از پاکسازی وجود ندارد و عملیات انجام ارزیابی پس از پاکسازی هنوز در بخش مبارزه با مین توسعه نیافته است. تأکید زیادی بر برآیند‌ها و نتایج توسط مراکز کمک‌کننده، عاملین و شرکت‌ها، آژانس‌های سازمان ملل و مسئولان ملی برای بهبود هماهنگی و ظرفیت در این خصوص می‌شود.

همکاری با عاملان توسعه و بشر دوستانه

برای اطمینان از این که مبارزه با مین به توسعه و بازایی اقتصادی-اجتماعی کمک می‌کند، سازمان‌های مبارزه با مین باید اقدام به اشتراک اطلاعات و همکاری با سایر سازمان‌های (دولت، سازمان ملل، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی) دخیل در کمک‌های بشر دوستانه و توسعه‌ای به جوامع متأثر از مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ کنند.

به طور مشابه، سازمان‌های مبارزه با مین که در سطح میدانی کار می‌کنند از هماهنگی بین وزارتخانه‌ها، آژانس‌های سازمان ملل و سایرین ذی‌نفع می‌شوند، زیرا این به اطلاع رسانی بهتر در خصوص عملیات آنها کمک می‌کند.



تابلوی میدان مین (کامبوج)

فعالیت های معاضدتی می تواند شامل موارد زیر باشد:

- آگاهی از این که کدام یک از عاملان توسعه ای و بشر دوستانه در مناطق آلوده کار می کنند و تشویق آنها به کار در مناطقی که جوامع نیاز به کمک دارند.
- ارائه آپدیت های منظم در خصوص آلودگی، تلفات و فعالیت های مبارزه با مین رایج/برنامه ریزی شده که آنها بتوانند برای برنامه ریزی کمک هایشان استفاده کنند.
- به اشتراک گذاری اطلاعات درباره محل و موقعیت زیر ساخت های آسیب دیده و دارایی های غیر قابل دسترس (نظیر اراضی کشاورزی و چرای)، جوامعی که نیازمند مساعدت توسعه ای می باشند و گروه های آسیب پذیر که در معرض رفتار های پر مخاطره قرار دارند^{۱۱} (نظیر علوفه دادن به دام یا کشاورزی در مناطق مشکوک خطرناک).
- به اشتراک گذاری اطلاعات در مورد خدمات موجود مبارزه با مین از جمله زمان و فرایند های درخواست مساعدت مبارزه با مین.
- مشاوره با ذی نفعان مربوطه در خصوص مناطق دارای اولویت شناسایی/پاکسازی.
- مشارکت در بخش های هماهنگ کننده مربوطه در سطوح ملی و فروملی.
- در نظر گرفتن پروژه های تلفیقی توسعه و مبارزه با مین.

ارزش افزوده استفاده از رویکرد های جنسیت-محور

برابری جنسیتی، پیش شرط توسعه پایدار و تلاش برای ریشه کن سازی فقر است. همه برنامه های توسعه ای چه برنامه های مبارزه با مین و چه بخش های دیگر، از هم سو سازی یا برابر سازی جنسیتی سود می برند. با توجه به این که آلودگی مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ بر زنان، مردان، دختران و پسران به شیوه های مختلف اثر می گذارد، اطمینان از این که مبارزه با مین با استفاده از رویکردهای مشارکتی، انحصاری و جنسیت-محور انجام می شوند می تواند مزیت های زیادی داشته باشد.^{۱۲}

زنان، دختران، پسران و مردان، در نتیجه الگوهای تحرک، نقش ها و مسئولیت خاص خود اغلب اطلاعات متفاوتی در خصوص مناطق آلوده یا مشکوک به آلودگی در جوامع خود دارند. در صورتی که همه گروه ها و اقشار جامعه در طی فعالیت های جمع آوری اطلاعات مورد مشاوره قرار نگیرند، اطلاعات مفید و حیاتیاز دست خواهد رفت.

الگوهای تحرک جنسیت-محور نیز به این معنی می باشند که زنان، مردان، دختران و پسران به شیوه های مختلف از اراضی آزادشده ذی نفع می شوند. برای مثال اگر زنان و دختران مسئول جمع آوری آب و سوخت باشند و مناطق جنگلی و منابع آبی برای آزاد سازی زمین در اولویت قرار گیرند، آن گاه بعید است که آنها ضمن انجام این فعالیت ها در معرض مخاطرات ناشی از مین ها و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، قرار گیرند. به طور مشابه در کشورهایی که در آن پسران جوان مسئول چرای گله می باشند، از اولویت بندی چراگاهها ذی نفع خواهند شد.

در برخی بافت ها، هنگام انجام شناسایی، به دلیل تبعیض جنسیتی، دسترسی به زنان می تواند بسیار سخت باشد. این بدین معنی است که اولویت های آنها و در نتیجه اولویت های کودکان آنها ممکن است در نظر گرفته نشود. بسته به بافت فرهنگی، مشاوره جداگانه با زنان و مردان و نیز گذاشتن جلسه با گروه ها و اقشار آسیب پذیر دیگر (نظیر افراد معلول، گروه های قومی اقلیت) برای اطمینان از این که نیاز های آنها مورد توجه قرار گرفته می تواند مناسب باشد.

جمع آوری داده های با کیفیت بالا به تفکیک جنس و سن (SADD)^{۳۱}، سازمان های مبارزه با مین را قادر به:

- نظارت بر مشارکت جامعه در جلسات جمع آوری داده و مراسم های تحویل زمین، برای اطمینان از این که کل بهره برداران و ذی نفعان مشاوره شده اند.
- شفاف سازی این امر که چه کسانی به منابع، الگوهای کار دسترسی داشته باشند، توزیع مزایای بین زنان و مردان، دختران و پسران و تعیین افرادی که بیشتر در معرض مین ها/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ هستند.
- شناسایی و درک ظرفیت ها، مسئولیت ها، نیاز ها و اولویت های گروه های مختلف.
- همترازگرایی جنسیتی در سرتاسر مراحل پروژه (برنامه ریزی، طراحی، پیاده سازی، نظارت و ارزیابی) با ارزیابی آثار و اهمیت آن برای زنان، مردان، پسران و دختران عملیات برنامه ریزی شده و گام هایی برای پیش گیری از نابرابری جنسیتی.
- ارائه شواهد منسجم و قطعی برای تدوین سیاست ها و روش ها و طراحی پروژه ها، در صورتی که آمار ها بیانگر مسائل جنسیتی نباشند، سیاست ها و روش ها را نمی توان تدوین کرد و از این روی موجب نابرابری یا حتی تشدید آن می شود.
- اطمینان از این که فرصت های اشتغال برای همه افراد جامعه برای بهبود دسترسی برابر به درآمدزایی و تسهیل مشاوره زنان، مردان، دختران و پسران در یک جامعه قابل دسترس می باشند می سازد.

اراضی، جنگ و مبارزه با مین: اهمیت رویکرد "آسیب نزنید"

مین های زمینی و سایر بقایای حاصل از جنگ معمولاً مانع از دسترسی و استفاده از اراضی کشاورزی، خدمات عمومی (نظیر مدارس و درمانگاه ها)، بازار ها و زیر ساخت ها و غیره می شوند. ارزش ذاتی مبارزه با مین را نمی توان انکار کرد، زیرا موجب از بین رفتن این موانع شده، جان و اعضای بدن مردم را نجات داده و دسترسی ایمن به دارایی های کلیدی از جمله زمین را تضمین می کند.

با این حال در بافت های متأثر از جنگ، که در آن زمین و دسترسی به سایر منابع طبیعی دیگر، مهم ترین عوامل جنگ می باشند، وضعیت و دسترسی اراضی که قبلاً غیر قابل دسترس بوده است تغییر می کند. این کار می تواند آثار و عواقب منفی ناخواسته ای داشته باشد. مبارزه با مین به طور بالقوه می تواند:

- موجب تضعیف امنیت غذایی غذایی شود به خصوص اگر روش های پاکسازی یا اثرات منفی آنها بر روی خاک سطحی باشد یا به محصولات آسیب بزند.
- موجب رقابت یا اختلاف بر سر مالکیت یا استفاده از زمین شود.
- موجب افزایش تصرف زمین اقشار آسیب پذیر توسط اقشار قوی شود.
- در صورتیکه پاکسازی در مناطقی انجام شود که در آن اختلاف بر سر مالکیت اراضی و یا مرزها باشد موجب ایجاد یا تشدید تعارض شود.
- باعث تقویت یا تشدید نابرابری های جنسیتی در دسترسی به اراضی شود، به خصوص اگر حقوق اجاره و استفاده از زمین توسط زنان به رسمیت شناخته نشود و یا به آن احترام گذاشته نشود.
- موجب می شود افراد و تجهیزات مبارزه با مین به خصوص اگر در اختلافات مربوط به اراضی اتخاذ شوند در معرض مخاطرات قرار گیرند.
- در صورتی که عملیات باید به دلیل اختلاف زمین تعلیق شود، موجب تاخیر در عملیات شناسایی و پاکسازی می شود.

سازمان های مبارزه با مین باید دقت کنند آنها از اصل بشر دوستانه "آسیب نزنید" پیروی کنند. این مستلزم موارد زیر است:

- درک بافت عملیاتی- برای مثال، آگاهی از این که میزان حقوق افراد از زمین و شیوه استفاده از زمین پس از پاکسازی چگونه است.

- ارزیابی اثرات مثبت و منفی بالقوه آزاد سازی زمین بر روی شرایط و دینامیک جنگ از جمله برای فقیر و غنی، مرد و زن.
 - برداشتن گام هایی عملی برای اطمینان از این که مبارزه با مین موجب برآیند های مثبت و نیز خروجی های مثبت می شوند.
- شکل ۱۲ نشان می دهد که چگونه می توان اصل "آسیب نزنید" را با توجه به ابعاد خاص مبارزه با مین ارتقاء بخشید.^{۱۵}

مبارزه با مین و حقوق ارضی- موانع و راه حل ها

شکل ۱۲

موانع	راه حل ها
استفاده از شناسایی عمومی، CL و MRE برای جمع آوری داده های مربوط به زمین و ارزیابی احتمال تعارض مربوط به زمین در هنگام و پس از آزاد سازی زمین	
آزاد سازی و قابل دسترس سازی زمین موجب تغییر وضعیت و ارزش آن می شود که می تواند موجب ایجاد یا تشدید تنش های مربوط به زمین شود که اثرات ناخواسته منفی برای ذی نفعان، کارکنان مبارزه با مین دارد.	استفاده از سؤالات در فرم های شناسایی عمومی در مورد مالکیت و استفاده از زمین، پتانسیل گذشته و آینده برای تعارض و اختلاف مربوط به زمین و کاربری اراضی پس از پاکسازی. برای مثال، فرم گزارش شناسایی و خطرات سودان جنوبی شامل سؤالاتی در مورد ارزش زمین و اختلافات زمین در مناطق پر خطر است.
هنگام اولویت بندی وظایف، اراضی مورد اختلاف اولویت بندی نکنید	
اقدام به شناسایی یا پاکسازی در مناطقی که در آن وجود شواهدی در خصوص اختلاف بر سر زمین موجب آسیب زدن بر جوامع، کارکنان مبارزه با مین و تجهیزات را در معرض خطر قرار میدهد.	در صورتی که شواهدی مربوط به اختلاف بر سر زمین وجود داشته باشد، کار را تا زمان حل اختلاف به تعویق بیندازید. عاملین و شرکت های مین / مهمات منفجره باقیمانده از جنگ نباید عوامل واسطه باشند. مسئله را به مراکز مبارزه با مین ملی و دولتی محلی و سازمان های مردم نهاد و یا در صورت لزوم به سازمان ملل گزارش کنید

اطمینان از این که فنون پاکسازی موجب حداقل شدن مخاطرات از بین رفتن مرز بین اراضی و املاک می شود.

در شرایطی که سندی در خصوص مالکیت زمین وجود نداشته باشد، علامت های فیزیکی بین مرز ها و دیوار های مشترک در ساختمان ها مهم است. در صورتی که مرز ها طی پاکسازی از بین بروند، موجب اختلاف و حتی تصرف زمین می شوند.

در اراضی کشاورزی، تجهیزات مکانیکی را می توان با تیم های پاکسازی دستی یا سگ های مین یاب برای پاکسازی خود مرز استفاده کرد. در صورتی که تجهیزات مکانیکی در مرز استفاده شوند، می توان از سیم یا ریسمان برای تعیین مرز استفاده کرد. در مناطق مسکونی، حفاری مکانیکی را می توان در ساختمان استفاده کرد در حالی که سگ ها و تجهیزات دستی را می توان بر روی دیواره ها استفاده کرد.

زمان بندی پاکسازی برای اجتناب از آسیب زدن به برداشت محصولات یا پیشگیری از ناامنی غذایی

حذف خاک سطحی از طریق پاکسازی در صورتی که در زمان مناسب صورت گیرد می تواند بر برداشت محصولات خسارت زده و ایمنی غذایی را کاهش می دهد.

در صورتی که اراضی آلوده تحت کشت قرار گیرند، با جوامع محلی مشورت کرده و عملیات پاکسازی را طوری زمان بندی کنید که آنها منجر به خسارت بر محصول نشوند.

روش های تحویل شفاف، منحصر به فرد و به موقع را برای تقویت اعتماد جامعه به فرایند آزاد سازی زمین اجرا کنید تا اطمینان حاصل شود که اراضی آزاد شده توسط ذی نفعان و برای کاهش مخاطرات تصرف زمین استفاده شود.

آزاد سازی زمین اغلب منجر به افزایش ارزش زمین می شود. در شرایط تعارض و اختلاف، این می تواند منجر به تصرف زمین یا کشمکش شود. روش های تحویل که غیر شفاف می باشند و نیاز به اشتراک طیف وسیعی از اطلاعات در جامعه ندارند، موجب ایجاد فرصت برای ایجاد اختلاف و تصرف زمین می شود.

اطمینان از این که در مراسم تحویل اراضی همه عموم اعم از زن و مرد وجود دارد. اطمینان حاصل کنید که اطلاعات در مورد نوع زمین ایمن و انواع آلوده به طور گسترده ای به اشتراک گذاشته شده است. در نظر داشته باشید که سند تحویل مدرک قانونی مالکیت زمین محسوب نمی شود.

انجام ارزیابی پس از پاکسازی برای تعیین این که آیا اراضی آزاد شده بر طبق انتظار استفاده می شود و یا آیا ذینفعان با برخی مسائل مربوط به زمین نظیر اختلاف، تصرف زمین، مصادره، و یا غیره و یا ابعاد جنسیتی مربوط به آن مواجه شده اند

بدون انجام ارزیابی پس از پاکسازی، تعیین این که آیا: ذی نفعان بر طبق انتظار از زمین استفاده می کنند، آیا آنها نیاز به کمک در خصوص استفاده مفید تر از زمین دارند نظیر ابزار، آموزش، مرجعه ها و یا آیا آنها با مسائل مربوط به زمین مواجه شده اند؟ مشکل خواهد بود.

نظر سنجی های انجام شده چندین ماه پس از آزاد سازی زمین و تحویل آن به جوامع، به کارایی و اثر بخشی برنامه ریزی مبارزه با مین، اولویت بندی و فرایند های اجرایی و نیز تعیین این که اثر آزاد سازی زمین بر روی جوامع متاثر وارد می شود یا نه کمک می کند. از ارزیابی پاکسازی زمین برای بررسی این که چگونه کاربری ارضی قبل و بعد از آزادسازی زمین تغییر کرده است استفاده کنید. آیا ارزش اراضی تغییر کرده است؟ آیا زمین فروخته شده یا مورد تصرف قرار گرفته است؟ آیا اختلافاتی ایجاد شده است؟ ارزش ایجاد شده توسط اراضی آزاد شده چیست؟

اطمینان از این که مبارزه با مین به نفع یک گروه و به ضرر گروه دیگر نیست

استخدام و گزینش از گروه های خاص قومی، قبیله ای، مذهبی، سیاسی و جنسیتی می تواند ایجاد این ذهنیت کند که مبارزه با مین به نفع یک گروه و به ضرر گروه دیگر است

اطمینان از این که سیاست و روش های گزینش برای اجتناب از تبعیض مبتنی بر جنسیت، نژاد، قومیت، روابط سیاسی و مذهبی در هر مرحله از اشتغال: گزینش، آموزش، وظایف، پاداش، ترفیع و تعدیل (اخراج) حساس به تنوع یا جنسیت نمی باشند.

استفاده از تخصص مبارزه با مین برای بهبود ایمنی و کاهش خشونت

چندین سازمان مبارزه با مین، به استناد تجربه به دست آمده در طیف وسیعی از شرایط اختلاف و جنگ، از تخصص و ظرفیت فنی خود برای فراتر رفتن از مبارزه با مین و مهمات منفجره باقیمانده از جنگ استفاده کرده و با طیف وسیعی از تهدیدهای گسترده امنیتی برای مثال تسلیحات سبک و کوچک SALW و مهمات مقابله می کنند. این در پاسخ به نیازهای مشاهده شده و درخواست های مستقیم برای مساعدت توسط مسئولین ملی در کشورهای متأثر از مین میباشد.

سازمان های مبارزه با مین به خوبی به طیف وسیعی از مسائل امنیتی ناشی از تجربه مهمات و تسلیحات واکنش نشان می دهند. آنها قادر به کار در شرایط بی ثباتی دوشادوش مراجع امنیتی نظیر پلیس و ارتش می باشند. با استفاده از تجربه اجرای برنامه های مبارزه با مین، بسیاری از عاملین و شرکت ها قادر به ایجاد روابط کاری خوب با مسئولان بوده اند که به نوبه خود به تسهیل ایجاد برنامه هایی که چالش های امنیتی گسترده ایی را حل می کنند کمک می کند.^{۱۶}



جمع آوری SALW (MAG برونری)

نمونه های از برنامه های اجرایی شامل موارد زیر است:

- فعالیت های جمع آوری و انهدام SALW که بخشی از تلاش های خلع سلاح، پایان دادن به بسیج عمومی و یکپارچه سازی مجدد DDR در کشور می باشد. چندین سازمان (سازمان های مردم نهاد، سازمان ملل و آژانس های چند جانبه) با پلیس و ارتش برای توسعه ظرفیت های ملی جهت جمع آوری تسلیحاتی که از طریق برنامه های DDR و عملیات جنایی تحویل داده شده اند و انهدام ایمن آنها با استفاده از تجهیزات سیار و از طریق مراکز نابودی تسلیحات همکاری می کنند برخی نیز کمک هایی برای توسعه ثبت،^{۱۷} ذخیره و مدیریت SALW ارائه می کنند
 - برنامه های مدیریت ذخائر و امنیت فیزیکی (PSSM) که شامل چندین جزء هستند: توسعه استاندارد های ملی، تقویت ظرفیت مدیریت مهمات، انهدام ایمن مهمات اضافی، تخریب شده و ناپایدار یا تسلیحات مازاد یا آسیب دیده. و ساخت و نوسازی زرادخانه ها و انبار مدیریت مهمات.^{۱۸}
 - کمپین های افزایش آگاهی از خطرات SALW از طریق رسانه ها، مدارس و نهادهای اجتماعی برای افزایش آگاهی در خصوص خطرات SALW و رفتار های مخاطره آمیز.^{۱۹} در برخی مناطق، نظیر سومالی، برنامه افزایش آگاهی می تواند شامل ارائه پیام هایی در خصوص شیوه ذخیره ایمن سلاح ها و مهمات شخصی است.
 - برنامه های ایمنی جامعه شامل توسعه طرح های ایمنی جامعه در جوامع متأثر از جنگ در شرایط روستایی و شهری است. ارائه طیفی از فعالیت هایی که در اولویت جوامع و مسئولان محلی است و در برنامه های ملی نظیر آموزش مدیریت اختلاف، آگاهی از مخاطرات SALW، جلسات گفت و گو و همکاری بیشتر با عرضه کننده های خدمات امنیتی و افزایش ظرفیت جامعه و مراجع دولتی محلی است.^{۲۰}
- در چندین کشور متأثر از مین/مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، مبارزه با مین به برقراری صلح و اجرای برنامه های DDR از طریق ارائه آموزش و اشتغال دائم به مبارزان سابق کمک کرده است. برای مثال درس های فرا گرفته شده از افغانستان نشان می دهد که با آموزش پیکارجویان سابق در مبارزه با مین و فراهم کردن اشتغال های جایگزین برای آنها، احتمال بازگشت آنها به جنگ مسلحانه کمتر خواهد بود.^{۲۱}
- هم چنین، تلاشهای مبارزه با مین برای تقویت توان پلیس و ارتش در مبارزه با مین علاوه بر مدیریت ایمنی مهمات و کنترل SALW به طیف وسیعی از تلاش ها برای اصلاح بخش امنیتی در کشورهای متأثر از مین کمک می کند.
- چون مبارزه با مین ایجاب می کند گروه های نظامی یا پلیس به همراه عاملان غیرنظامی مثل آژانس های سازمان ملل/بین المللی، سازمان های مردم نهاد و اپراتورهای بازرگانی فعالیت کنند، این برنامه ها به بازسازی اعتماد به ارائه کنندگان امنیت و نیز بصورت کلی اعتماد به دولت کمک می کند.

- 1 See also Figure 5, The Architecture of Mine Action: Actors, Arenas, and Linkages in Chapter 4, Management of mine action programmes.
- 2 Commitment in this context refers to the willingness of a government to assume national ownership of the mine action programme and actually deliver the required mine action services.
- 3 Outputs in this context refer to the products, capital goods and services which result from a mine action intervention, for example the number of square kilometres of land that is released. Outcomes refer to the likely or achieved short-term and medium-term effects of an intervention's outputs. Outcomes are related to the 'effectiveness' of an intervention.
- 4 GICHD (2010) *Linking Mine Action and Development. Guidelines for Policy and Programme Development* (Online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 2013)
- 5 See Chapter 7, section on Community liaison 2.2.3 for a more in-depth examination of community liaison.
- 6 For a more in depth discussion of priority-setting, see the series of Issue Briefs produced by GICHD on Priority-setting in Mine Action.
- 7 A tolerable level of risk is defined in IMAS 01.10 as 'risk which is accepted in a given context based on the current values of society.'
- 8 Gender and Mine Action Programme (GMAP) and GICHD (2013) *Handover of released land: Common procedures and good practices* (Online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 2013).
- 9 GICHD (2011). *Sourcebook on Socio-Economic Survey* (Online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 2013)
- 10 For example, see the Landmines and Livelihoods Surveys undertaken in Afghanistan and Yemen, which were conducted by GICHD in association with the Afghan and Yemen national mine action centres.
- 11 Risk education can help to address high-risk behaviour, but in stable communities where certain groups engage in high-risk behaviours as a livelihood necessity, it is helpful to share this information with other NGOs that may be able to offer alternative livelihood strategies. During Risk Reduction Education (as opposed to MRE) safe alternative and risk mitigation behaviours that are appropriate for the context are explored.
- 12 See for example: UNMAS (2010) *UN Gender Guidelines for Mine Action Programmes*; and the Gender and Mine Action Programme (GMAP).

- 13 IMAS 5.10 on Information Management encourages data collection that is disaggregated based on sex and age.
- 14 The 'do no harm' framework was developed in the early 1990s by several international and local NGOs who were interested in looking at how the assistance given in conflict settings interacts with the conflicts. The 'do no harm' framework was developed to help NGOs providing assistance better understand the conflict environments where they work, and to deliver assistance in a way that ensures better outcomes. See Collaborative Learning Projects (2004). *The 'Do No Harm' Framework for Analyzing the Impact of Assistance on Conflict: A Handbook*.
- 15 For more detailed guidance, see GICHD and UN-HABITAT (2012): *Mine action and land rights. Frequently Asked Questions for Mine Action Organisations*.
- 16 Naidoo, S. and Mulli, A (2012) *Mission Creep or Responding to Wider Security Needs? Mine action support for Armed Violence Reduction. GICHD Policy Brief*.
- 17 For example, see: Sharmala Naidoo (GICHD) (2012). *OAS SALW and Munitions Destruction Programme, Guatemala: Mine Action and Armed Violence Reduction Case Study*.
- 18 For example, see: Sharmala Naidoo and Albert S. Mülli (GICHD) (2012) *Mines Advisory Group's Physical Security and Stockpile Management Programme, Burundi: Mine Action and Armed Violence Reduction Case Study*; Sharmala Naidoo (GICHD) (2012), *UNMAS Physical Security and Stockpile Management Pilot Programme, Côte d'Ivoire: Mine Action and Armed Violence Reduction Case Study*.
- 19 For example, see: See Albert S. Mülli (GICHD) (2012) *Handicap International's SALW Risk Awareness Project in Libya: Mine Action and Armed Violence Reduction Case Study*.
- 20 Naidoo S. (GICHD) (2012). *Danish Demining Group Community Safety Programme, Somaliland: Mine Action and Armed Violence Reduction Case Study*; Sharmala Naidoo (GICHD) (2012). *Danish Demining Group Community Safety Programme, Uganda: Mine Action and Armed Violence Reduction Case Study*.
- 21 Samuel Hall Consulting (GICHD) (2012). *HALO Trust's Reintegration of Former Combatants into Demining, Mine Action Support for Armed Violence Reduction. Afghanistan: Mine Action and Armed Violence Reduction Case Study*.



کتاب‌شناسی برگزیده

جنسیت و تنوع

- GMAP (2013) *Gender-Sensitive Recruitment and Training in Mine Action: Guidelines* (online). Available from: <http://www.gmap.ch/> (accessed: 15 July 2013).
- GMAP and GICHD (2013) *Handover of released land: Common Procedures and Good Practices* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 15 July 2013).
- GMAP, Swiss Campaign to Ban Landmines (2008) *Gender and Landmines – from Concept to Practice* (online). Available from: <http://www.gmap.ch/> (accessed: 15 July 2013).
- GICHD (December 2012) *Gender and Priority-Setting in Mine Action: GICHD Priority-Setting in Mine Action Issue Brief* (online). 5. Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 15 July 2013)
- IASC Gender Sub-Working Group, Feinstein International Center, Tufts University (2011) *Sex and Age Disaggregated Data in Humanitarian Action* (online). Available from: <http://ochanet.unocha.org/> (accessed: 16 July 2013).

This study provides a critical assessment of the extent to which clusters collect and use SADD to inform programming and provides recommendations on how it can be used.

- IASC (2011) *Gender Marker Tool* (online). Available from: <http://www.humanitarianresponse.info/> (accessed: 16 July 2013).

This is a tool that codes, on a 02- scale, whether or not a humanitarian project is designed well enough to ensure that women/girls and men/boys will benefit equally from it or that it will advance gender equality in another way.

- GICHD/GMAP (2013) *Handover of Released Land, Common Procedures and Good Practices* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 24 June 2013)
- GICHD (December 2011) *Sourcebook on Socio-Economic Survey* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 24 June 2013)
- UN (March 2010) *Gender Guidelines for Mine Action Programmes* (online). Available from: <http://www.mineaction.org> (accessed: 25 June 2013)
- GICHD (November 2009) *International Mine Action Standards for Mine Risk Education. Training Manual* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 25 June 2013)
- GICHD (2008) *Risk Education, A Project Management Guide* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 25 June 2013)
- Gender and Mine Action Programme (GMAP). www.gmap.ch

فصل ۹ - مبارزه با مین، ایمنی و توسعه

- Danish Demining Group (DDG). (November 2012) *Impact monitoring: An Introduction* (online). Available from: <http://www.danishdemininggroup.dk/> (accessed: 19 July 2013).
- DDG (June 2012) *Armed Violence Reduction Framework* (online). Version 3. Available from: <http://www.danishdemininggroup.dk/> (accessed: 19 July 2013)
- Eavis, Paul (2011) *Working Against Violence: Promising Practices in Armed Violence Reduction and Prevention*, Geneva Declaration Secretariat. Available from: <http://www.genevadeclaration.org/> (accessed: 18 October 2013)
- Geneva Declaration Secretariat (2011) *Global Burden of Armed Violence* (online). Available from: <http://www.genevadeclaration.org/measurability/global-burden-of-armed-violence.html> (accessed: 19 July 2013)

- GICHD (2010) *Linking Mine Action and Development. Guidelines for Policy and Programme Development* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 19 July 2013)
- GICHD (November 2011) *Priority-Setting in Mine Action Issue Briefs* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 19 July 2013)
- GICHD and UN-HABITAT (2012) *Mine action and land rights. Frequently Asked Questions for Mine Action Organisations* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 19 July 2013)
- GICHD (December 2010) *Landmines and land rights in conflict-affected contexts. GICHD Policy Brief* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 19 July 2013).
- Gender and Mine Action Programme (GMAP) and GICHD (2013) *Handover of released land: Common procedures and good practices* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 19 July 2013).
- GMAP, Swiss Campaign to Ban Landmines (2008) *Gender and Landmines – from Concept to Practice* (online). Available from: <http://www.gmap.ch/> (accessed: 19 July 2013).
- Samuel Hall Consulting (GICHD) (September 2012) *HALO Trust's Reintegration of Former Combatants into Demining, Mine Action Support for Armed Violence Reduction. Afghanistan – Case Study* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 19 July 2013).
- Naidoo, S. and Mulli, A. (December 2012) *Mission Creep or Responding to Wider Security Needs? Mine action support for Armed Violence Reduction. GICHD Policy Brief* (online). Available from: <http://www.gichd.org/> (accessed: 19 July 2013).
- Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD) (2009) *Armed Violence Reduction: Enabling Development*. Available from: http://www.keepeek.com/Digital-Asset-Management/oecd/development/armed-violence-reduction_9789264060173-en#page3 (accessed: 18 October 2013).

- Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD) (2011) *Investing in Security: A Global Assessment of Armed Violence Reduction Initiatives*. Available from: <http://www.oecd.org/dac/incaf/48927716.pdf> (accessed: 18 October 2013).
- Paterson, T. and Filippino, E. (February 2006) *The Road to Mine Action and Development: The Life cycle Perspective of Mine Action*. The Journal of ERW and Mine Action (online). Issue 9.2. Available from: <http://maic.jmu.edu/journal/9.2/feature/paterson/paterson.htm> (accessed: 20 July 2013).

All photos copyright GICHD except:

p 15, 20: Imperial War Museum, London
p 65: Cluster Munition Coalition
p 111: GMAP
p 124: BBC
p 132: HALO
p 137: MACCA
p 138: NPA
p 154, 155, 167: Sean Moorhouse
p 181: Johan Solberg
p 211: Julie Claveau

دنیال کنید ما را در

gichd.org

facebook.com/gichd

twitter.com/theGICHD

**Geneva International Centre
for Humanitarian Demining**

Chemin Eugène-Rigot 2C

PO Box 1300

CH – 1211 Geneva 1, Switzerland

info@gichd.org